

مجموعه آثار و رسائل دعوی دکتر محمد العریفی (۱۹)



جهان آخرت

رویدادهای بزرگ و کوچک قیامت و تحولات پس از آن

برگرفته از قرآن و سنت

ترجمه: محمد حنیف حسین زائی

وبسایت رسمی دکتر محمد العریفی

www.Arefe.com

عنوان کتاب:	جهان آخرت
عنوان اصلی:	العالم الأخير
نویسنده:	دکتر محمد العریفی
مترجم:	محمد حنیف حسین زائی
موضوع:	معاد (حیات بعد از مرگ و قیامت)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) 1394 شمسی، ربیع الأول 1437 هجری
منبع:	سایت فارسی دکتر محمد العریفی Arefe.com/fa



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

- 1 فهرست مطالب
- 13 داستان
- 16 جهان آخرت ... چرا؟
- 18 چرا به روز آخرت ایمان داشته باشیم؟
- 20 داستان
- 22 قیامت
- 22 قیامت صغری
- 22 قیامت کبری
- 23 قیامت صغری
- 24 این مرگ است
- 26 لحظه‌ای احتضار و در افتادن در کام مرگ
- 26 مرگ پیامبرمان، محمد ﷺ
- 27 بیماری وفات رسول الله ﷺ
- 28 نماز جماعت
- 29 سکرات موت پیامبر ﷺ
- 30 وفات سیدنا عمر رضی الله عنه
- 31 آیا مردم نماز خواندند؟
- 32 تعریف و مدح ابن عباس از حضرت عمر

- 33..... نصیحت بر بستر مرگ
- 34..... ابوبکره رضی الله عنه
- 34..... عامر بن زبیر رضی الله عنه
- 35..... عبدالرحمن بن اسود رضی الله عنه
- 35..... یزید الرقاشی
- 36..... اندر و ایشان به هنگام احتضار
- 36..... هارون الرشید
- 37..... عبدالملک بن مروان
- 38..... انواع دیگری از حالت‌های احتضار
- 39..... داستان فرد می‌خوار
- 40..... بی نمازان
- 40..... آیا جایزه‌ست که انسان به خاطر ضرر جانی یا مالی که به وی رسیده است، آرزوی مرگ کند؟
- 42..... ایمان به مرگ
- 42..... مرگ چیست؟
- 43..... «ملک الموت» فرشته مرگ کیست؟
- 44..... هیچ کس نمی‌داند اجلش کجا فرا می‌رسد
- 44..... یادآوری مرگ
- 45..... آیا ناگوار دانستن مرگ، به معنای ناگوار دانستن دیدار با خداست؟
- 46..... آمادگی برای مرگ
- 46..... در آمد
- 46..... اعمالی که پس از مرگ نیز سودآور خواهند بود
- 47..... نوشتن وصیت نام
- 48..... رابطه مرگ با روح
- 49..... احکام میت
- 49..... نشان‌های مرگ

- 49..... بردن جنازه به سوی قبرستان
- 50..... سه چیز میت را همراهی می کنند
- 52..... عالم برزخ
- 52..... قبر
- 53..... داستان
- 55..... حال انسان در قبر
- 55..... حال مؤمن
- 56..... سفری به آسمان
- 57..... حال کافر و گناه کار
- 60..... رابطه روح و جسد
- 60..... درآمد
- 60..... محل استقرار ارواح کجاست؟
- 60..... ارواح انبیا
- 61..... ارواح ش‌هدا
- 61..... تفصیل احوال ش‌هدا
- 62..... رفتن جعفر به غزوه موته
- 63..... خبر ش‌هدا در مدینه
- 64..... حمه نیز این گونه است
- 64..... برخی از ارواح ش‌هیدان در بهشت
- 65..... ارواح مؤمنان غیر ش‌هدا
- 65..... آیا ارواح مؤمنان هم دیگر را در بهشت می بینند؟
- 66..... ش‌هدا
- 68..... دلایل عذاب و نعمت قبر
- 68..... درآمد
- 68..... دلایل عذاب و نعمت قبر
- 69..... چه کسانی از نعمت‌های قبر برخوردار می شوند؟

- 70..... چه افرادی در قبر عذاب می‌بینند؟
- 71..... آیا گذاشتن شاخه‌ تر از عذاب قبر نجات می‌دهد؟
- 71..... چه زمانی در قبر از میت سوال آغاز می‌شود؟
- 71..... آیا مردم صدای عذاب قبر را می‌شنوند؟
- 72..... آیا مرده صدای زندگان را می‌شنود؟
- 72..... آیا مرده به گریه‌ هلهش عذاب می‌بیند؟
- 74..... احوال مردم در عالم برزخ و حیات برزخی
- 74..... درآمد
- 78..... اسباب عذاب قبر
- 78..... درآمد
- 78..... شرک و کفر
- 79..... پرهیز نکردن از ادرار
- 79..... سخن چینی
- 80..... خیانت در اموال غنیمت
- 80..... افطار کردن رمضان بدون عذر
- 82..... نجات از عذاب قبر
- 82..... درآمد
- 82..... نماز
- 82..... زکات
- 82..... روزه
- 83..... انجام کارهای نیک
- 83..... صدقه و صلۀ رحم
- 83..... کار نیک و معروف
- 83..... احسان و خوش رفتاری با مردم
- 84..... پنه بردن به الله از عذاب قبر
- 85..... افرادی که از عذاب قبر نجات می‌یابند

- 85.....ش‌هید
- 86.....کسی که در ره خدا مرزبانی می کند
- 86.....فردی که با بیماری شکم بمیرد
- 86.....خواندن سوره ملک در هر شب
- 87.....هر کسی که در قبر دفن شود، قبر به او می چسبد
- 88.....مخلوقاتی که از بین نمی روند
- 88.....درآمد
- 88.....آخرین استخوان ستون فقرات (دنبالیچه)
- 88.....ارواح
- 89.....بهشت و دوزخ
- 89.....عرش
- 90.....کرسی
- 90.....حورالعین
- 90.....لوح
- 90.....قلم
- 91.....هفت سؤال در مورد قبر
- 91.....درآمد
- 91.....مسألۀ اول
- 92.....مسألۀ دوم
- 92.....مسألۀ سوم
- 93.....مسألۀ چهارم
- 94.....مسألۀ پنجم
- 94.....مسألۀ ششم
- 94.....مسألۀ هفتم
- 95.....ساختن مسجد به نزد قبرها و مزارها جایز نیست
- 99.....جایگه ایمان به روز آخرت

- 99..... درآمد
- 99..... معنای ایمان به روز آخرت
- 101..... اوصاف و ویژگی‌های روز آخرت
- 101..... درآمد
- 101..... روزی که در برپایی آن تردیدی وجود ندارد
- 101..... برای کافران روزی دشوار خواهد بود
- 102..... روزی که هر انسان جزای کامل عملکرد خویش را دریافت می‌کند
- 102..... روزی که زمان وقوع آن از جانب الله مشخص شده است
- 102..... آن روزی نزدیک است
- 102..... به صورت ناگهانی خواهد آمد
- 103..... روزی بزرگ است
- 103..... خورشید به بندگان نزدیک می‌شود
- 104..... روزی که هیچ کس بدون اجازه خداوند سخن نمی‌گوید
- 104..... روزی که شهی فقط از آن خداوند خواهد بود
- 105..... روزی که روی گردانان و اعراض کنندگان پشیمان می‌شوند
- 106..... قیامت کی برپا می‌شود؟
- 106..... درآمد
- 107..... آیا این که زمان برپایی قیامت را بدانیم، سودی به ما می‌رسد؟
- 107..... قیامت در چه روزی برپا می‌شود؟
- 108..... طول آن روز
- 109..... نام‌های روز قیامت
- 109..... درآمد
- 110..... البیوم الآخر (روز آخرت)
- 110..... یوم الدین (روز جزا)
- 110..... یوم الجمع (روز گردآوری)
- 110..... یوم الفتح (روز بازگشایی)

- 110..... واقع
- 110..... يوم الفصل (روز قضاوت و فيصله)
- 111..... الصاخة (گوش خراش)
- 111..... الطامة الكبرى (بلاى سخت و طاقت فرسا)
- 111..... قارعه (كوبنده و بلاى بزرگ)
- 111..... حاقه (رخداد راستين)
- 111..... ساعه
- 111..... يوم الآخرة (روز آخرت)
- 112..... يوم التغابن (روز حسدورزی)
- 112..... يوم الحسرة (روز حسرت)
- 112..... ایستگاههای روز قیامت
- 114..... دمیدن در صور
- 114..... در آمد
- 114..... مسؤل دمیدن در صور
- 115..... دلایلی از قرآن و حدیث بر نفخ صور
- 116..... تعداد دفعات دمیدن در صور
- 116..... نفخ اول
- 116..... نفخه دوم
- 117..... مدت زمان بین دو نفخ
- 117..... در چه روزی در صور دمیده می شود؟
- 118..... نخستین کسی که نفخه اول را می شنود
- 119..... رحمت و شفقت خداوند بر مؤمنان
- 121..... بعث و نشور
- 121..... در آمد
- 121..... دلایل وقوع بعث
- 122..... دلایلی بر ممکن بودن بعث و برانگیختن

- 123..... استدلال به آغاز آفرینش بر اعاده آن
- 124..... زنده گردانیدن برخی از مردگان در دنیا
- 125..... از کمال قدرت الهی این است که چیزی را از ضد آن بیرون می آورد
- 126..... قدرت خداوند بر آفرینش آسمانها و زمین
- 126..... وضعیت کسانی که در قبرها قرار نگرفتند
- 127..... کیفیت و چگونگی بعث
- 128..... اجساد به سان گیهان می رویند
- 129..... آیا بندگان از آفرینش نخستین شان متفاوت آفریده می شوند؟
- 130..... نخستین کسی که زمین از وی شکافته می شود
- 132..... حکم کسی که زنده شدن پس از مرگ را انکار می کند
- 132..... هول و هراس های روز قیامت
- 133..... وضعیت آسمانها و زمین در روز رستاخیز
- 134..... وضعیت زمین
- 134..... از بین رفتن کوهها
- 135..... منفجر شدن و آتش گرفتن کوهها
- 136..... جنبش و شکاف برداشتن آسمان
- 137..... در آن روز آسمان چه رنگی خواهد داشت؟
- 137..... دهم پیچیده شدن خورشید
- 137..... وضعیت ماه
- 137..... سیارات و ستارگان
- 138..... کدام ستارگان گرفتار این فاجعه خواهند شد؟
- 139..... حشر
- 139..... درآمد
- 140..... دلایل حشر
- 141..... صفت سرزمین محشر
- 141..... محل سرزمین محشر

- 141..... مقدار زمان روز قیامت
- 143..... انواع حشر
- 143..... نوع اول، حشر زندگان
- 145..... نوع دوم، حشر مردگان
- 145..... کیفیت حشر مخلوقات
- 147..... آیا حیوانات هم محشور خواهند شد
- 147..... مراد از وحشت بزرگ‌تر (الفرع الاکبر) چیست؟
- 148..... پرچم پیامبر ﷺ در میدان محشر
- 149..... حال و وضع انسان‌ها در میدان محشر
- وقتی انسان‌ها عریان حشر می‌گردند، آیا می‌توانند به‌همدیگر بنگرند یا خیر؟
- 150.....
- 150..... شدت وحشت مردم
- 151..... در آن روز مؤمنین چه وضعیتی خواهند داشت؟
- 152..... چگونگی حشر کفار
- 153..... نخستین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می‌شود
- 153..... نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می‌شود
- 154..... اعمالی که سختی محشر را آسان می‌کند
- 155..... کسانی که فقط برای خوشنودی اله باهم دوستی و رفاقت برقرار می‌کنند
- 155..... تاجری که به‌تنگدست مهلت می‌دهد یا قرضش را می‌بخشد
- 155..... کسی که بر تنگدست آسان می‌گیرد
- 156..... هر کسی که در صدد برآورده ساختن نیاز برادرش است
- 157..... دادگران
- 157..... فروبرندگان خشم
- 158..... مؤذنان
- 159..... کسانی که در اسلام پیر شوند
- 159..... وضوگیرندگان
- 160..... اهل قرآن
- 161..... نیکوکاران

- 161..... یاری دهندگان ضعفا
- 162..... حال نافرمانان در روز قیامت
- 162..... آنان که زکات مالشان را نمی‌پردازند
- 164..... متکبر
- 164..... گنهانی که خداوند با مرتکب شوندگانشان سخن نمی‌گوید
- 165..... علما، دانشمندان و رهبان
- 165..... کسی که شلوارش از شتالنگ پایین‌تر است
- 165..... کسی که کالایش را به سوگند دروغین می‌فروشد
- 166..... منّان
- 166..... کسی که به آب بخل می‌ورزد
- 166..... کسی که بیعت را می‌شکند
- 167..... پیرمرد زناکار
- 167..... فرمانروای دروغگو
- 168..... فقیر متکبر
- 168..... گنهانی که خداوند به انجام دهندگانشان نمی‌نگرد
- 169..... کسی که از روی تکبر شلوارش را از شتالنگ پایین‌تر می‌کند
- 169..... کسی که از پدر و مادرش نافرمانی می‌کند
- 170..... زنی که خود را با مردان شبیه سازد
- 170..... دیوث
- 171..... کسی که از ره پشت باهمسرش نزدیکی می‌کند
- 171..... گنهانی که انجام دهندگان خود را لگام می‌کند
- افرادى با خداوند ملاقات می‌کنند در حالی که اله نسبت به آنان
- 171..... خشمگین است
- 172..... ثروتمندان در ناز و نعمت
- 172..... حالت خیانت‌گر در روز قیامت
- 173..... خیانتکار زمان جهل‌یت
- 173..... خیانتگر در اموال غنیمت
- 176..... زمین‌خوار

- 176..... کسی که تکدی گری می کند، بدون آن که نیاز داشته باشد.....
- 177..... کسی که پایبند نماز نیست.....
- 177..... غیبت کننده و سخن چین.....
- 178..... دورو.....
- 178..... تصویربرداران.....
- 180..... گشایش صحیفها.....
- 180..... درآمد.....
- 181..... گروهی نامه اعمالشان را با دست راست دریافت می کنند.....
- 181..... گروهی نامه اعمالشان را با دست چپ و از پشت سرشان دریافت می کنند.....
- 181.....
- 183..... عرض و حساب اعمال.....
- 183..... درآمد.....
- 183..... 1-عرضه شدن همه مخلوقات به بارگه خداوند،.....
- 183..... 2-عرض و حساب.....
- 184..... معنای حساب.....
- 184..... انواع حساب در روز رستاخیز.....
- 187..... آیا همه مؤمنان مورد محاسبه قرار می گیرند؟.....
- 187..... قانون محاسبه بندگان.....
- 189..... قاعده اول: عدالتی کامل که هیچ ستمی با آن همراه نخواهد بود.....
- 190..... قاعده دوم، هیچ کس به گناه دیگری مواخذه نمی شود.....
- 192..... قاعده سوم: آگهی یافتن بندگان از اعمالی که از پیش فرستاده اند.....
- 193..... قانون چهارم: نیکی ها افزوده می گردند، اما بدی ها خیر.....
- 194..... قاعده پنجم: اقامه شهود.....
- 197..... اموری که بندگان از آنها سؤال خواهند شد.....
- 198..... بنده از هر عملی که در دنیا انجام می دهد، پرسیده می شود.....
- 199..... از نعمتهایی که برخوردار بوده است، پرسیده می شود.....
- 200..... آدمی از نعمت چشم، گوش و قلب پرسیده می شود.....

- 200..... کدام امت قبل از همه مورد محاسبه قرار می گیرد؟
- 200..... اولین گنه‌ی که در میان مردم انجام شده و محاسبه آن انجام می گیرد...
- 201..... حال و وضع بندگان در روز داوری و محاسبه.....
- 202..... آثار به جا مانده.....
- 204..... انواع حقوقی که در روز قیامت ادا شوند.....
- 204..... حقوق اله تعالی.....
- 204..... حقوق بندگان.....
- 208..... حقوق حیوانات و چارپایان.....
- 208..... گوهان دادگه قیامت.....
- 209..... پیامبر ما ﷺ و امتش بر دیگر امتها گوهی می دهند.....
- 210..... پیامبرمان ﷺ بر امتش گوهی می دهد.....
- 211..... گوهی اعضای بدن علی انسان.....

بسم الله الرحمن الرحيم

داستان

بارها برایم تماس گرفت؛ اما من به علت تراکم کارها در پاسخ تماس‌هایش موفق نشدم.

مرتب به موبایلم sms می‌داد.

لذا برایش تماس گرفتم، ابتدا آرام به نظر می‌رسید، اما صدا و زمزمه‌اش از اندوه درونی عمیقی حکایت داشت.

با آرامی از من پرسید: جناب شیخ! مسیرمان پس از مرگ، به کجا خواهد انجامید؟
گفتم: شگفتا! می‌میریم، وانگهی زنده می‌شویم، سپس محشور خواهیم شد و از آن پس به دیدار الله خواهیم شتافت و...

سخنانم را قطع نمود و با استرس گفت: باورم نمیشود! باورم نمیشود!

از شیوه سخنانش دریافتم که این جوان به خواندن برخی کتاب‌ها و مقالات روی آورده یا به برخی سایت‌ها در اینترنت دسترسی داشته است که امر را بروی مشتبه ساخته و او را از مسیر منحرف کرده‌اند، یا چه بسا با افراد لائیک خیال گفتگوهایی داشته و چون از دانش و علم تهی بوده، مغلوب افکار آنان گشته است.

لذا به وی گفتم: فرزندم! چرا باور نمی‌کنی؟

گفت: جناب شیخ! وارد برخی از سایت‌هایی شده‌ام که در مورد زندگانی دنیا و آخرت بحث می‌کنند و با افرادی در این موضوع گفتگو کرده‌ام، لذا به باورهایی که بر آن‌ها تربیت شده و بزرگ شده‌ام، از قبیل: بهشت، دوزخ، پل صراط، حساب، کیفر و... به اندیشه فرورفت‌ام که این‌ها چه باورهایی هستند؟

گفتم: فرزندم! آرام باش، و در موضوعی به بحث و گفتگو به پرداز که در مورد آن علم و آگهی داری. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقُفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ [الإسراء: 36]. «از چیزی دنبال روی مکن که از آن ناآگاهی».

چه بسا افرادی در موضوعی به بحث و مناقشه پرداخته‌اند که در آن فن و موضوع، علم و آگاهی نداشته و در نتیجه دچار سردرگمی و استرس قرار گرفته و کاربر آنان مشتبه گشته و در نتیجه در تیررس افرادی قرار گرفته‌اند که آنان قصد گمراهی و تخریب فکر و اندیشه‌اش را داشت‌اند.

فرزندم! عقیده و باور توحید، اصل و اساس آفرینش ماست و روان آدمی جز با آن به آرامش دست پیدا نمی‌کند، از این رو می‌بینی که گروندگان به دین اسلام، رو به افزایش اند نه کاهش، و علاوه بر عامه مردم، در میان آنان اساتید دانشگاه، مخترعین بزرگ، سفرا و وزیران به چشم می‌خورند!

چه چیزی باعث شده که این افراد به دینی گرایش پیدا کنند که اهل آن به بهشت، دوزخ، حساب و کیفر معتقدند؟ بدون این که کسی آنان را وادار به این کار نموده یا آنان را به دریافت جزا و پاداشی در قبال ورودشان به این دین بفریباند؟! قطعاً این چیزی جز توحید و فطرت، و آرامش روان و راحتی درون و اطمینان قلب نخواهد بود.

خداوند هم ما را از یک جنس، یعنی از پدرمان آدم آفریده، سپس مادرمان را پدید آورده و پس از آن سایر انسان‌ها را از این دو نفر پراکنده ساخته است، تا این جهان را آباد کنیم، با مردم خوشرفتاری کنیم، و زندگی‌ای شاد و خرم داشته باشیم، و باز بمیریم و دوباره زنده شویم، مورد حساب و کتاب قرار گیریم، و در این مورد دلایلی در حد کافی از عقل و نقل وجود دارد.

جوان، با توجه تمام به سخنانم گوش فرا می‌داد تا جایی که در اثر سکوت مُفْرِطش، گمان بردم که تلفنش را خاموش کرده و به دنبال کارش رفته است، از این رو، هر چند بار، به‌وی می‌گفتم: گوش می‌دهی؟ درست‌ه؟

اونیز با آرامش تمام گوش می‌داد و غرق در اندیشه‌هایش بود!

لذا من متوجه شدم که او و امثال وی به کتابی نیاز دارند که در مورد رویدادهای قیامت سخن گفته و در عین حال با زبان روز سخن بگوید، از این رو به نگارش این کتاب که در پیش روی تان است، (جهان آخرت) اقدام نمودم.

از الله می‌خواهم که آن رو سودمند، مفید و خالصانه در جهت رضای خود قرار دهد.
آمین.

محمد بن عبدالرحمن العریفی
استاد دانشگاه ملک سعود ریاض
دکتر در عقیده و ادیان
عضو اتحادیه علمای جهان اسلام
عضو سازمان جهانی رسانه‌های اسلامی
عضو هیئت عالی رشد و ترقی بشری
9 ذوالحجه 1432 هـ.

جهان آخرت ... چرا؟

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين، وعلى آله الطيبين، واصحابه الغر الميامين، ومن تبعهم باحسان الى يوم الدين، وبعد:

همه ادیان اتفاق دارند مبنی بر این که انسان ها می میرند و سپس برای روزی که جزا و پاداش اعمالشان را بیابند، برانگیخته می شوند؛ در آن روز ستمکار، کیفر ستمگری و نیکوکار، پاداش نیکوکاری اش را دریافت می کند. بنابراین، زندگی دنیا پایان مسیر نیست.

خداوند می فرماید: ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ [ص: 28]. «آیا (با حکمت و عدالت ما سازگار است) کسانی را که ایمان می آورند و کارهای شایسته انجام می دهند، همچون تباه کاران (و فساد پیشگان در زمین) به شمار آوریم؟ و یا این که پرهیزگاران را با بزه کاران برابر داریم؟»

و نیز می فرماید: ﴿قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [التغابن: 7]. «کافران می پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می پندارید، به پروردگرم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد، و سپس از آن چیزهایی که می کرده اید با خبرتان خواهند کرد. و این کار برای خدا ساده و آسان است.»

از این جهت، ایمان به روز آخرت، یکی از ارکان ایمان است و هر کس بعث و حساب را تکذیب نماید، او به خداوند بزرگ کافر شده است.

خداوند می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ [الأعراف: 45]. «همان کسانی که (مردمان را) از راه خدا باز می داشتند، و (بر راستای خداشناسی سده و مانع ایجاد می کردند، و در دل های مردمان شک ها و گمان ها می انداختند تا آنان را منحرف سازند و بدیشان) راه خدا را کج و نادرست نشان دهند، و آنانی که به آخرت کفر می ورزیدند (و به جهان دیگر ایمان نداشتند)».

بنابراین،

- ایمان به آخرت یعنی چه؟
- مرگ چیست؟
- در قبر چه اتفاقی می افتد؟
- حوض و میزان چه هستند؟
- پل صراط و نامه اعمال یعنی چه؟
- ویژگی های بهشت و دوزخ کدامند؟
- شگفتی های آخرت چه اموری خواهند بود؟ در آن روز، انسان ها چه وضعیتی خواهند داشت؟
- چه زمانی در آخرت پروردگاران را رؤیت خواهیم کرد؟

با ما باش تا به مقصد جهان آخرت مسافر شویم

چرا به روز آخرت ایمان داشت‌ه باشیم؟

خواست خداوند چنین بوده است که پس از زندگی دنیا، جهان دیگری باشد، از رویدادهای آن به ما خبر داده و با وقوعش ما را موعظه کرده و بر ما واجب گردانیده که به آن ایمان داشت‌ه و خود را برای آن روز آماده کنیم.

زیرا یادآوری روز آخرت، انسان را وادار به انجام اعمال و کردار نیک و پسندیده کرده و استرس و دل‌هره درونی را از آدمی سلب می‌نماید و او را از انجام ستمگری و غلبه بر ضعفا و مستمندان برحذر می‌دارد.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَسِيبِينَ ﴿٥٧﴾﴾ [الأنبياء: 47]. «و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم ن‌ه‌اد، و اصلاً به هیچ کسی کم‌ترین ستمی نمی‌شود، و اگر به اندازه دان‌ه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می‌سازیم (و سزا و جزای آن را می‌دهیم) و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسان‌ه) باشیم».

و در آیه دیگری فرموده است: ﴿وَعَنْتِ الْأُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۗ وَقَدْ خَابَ مَن حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾﴾ [طه: 111]. «(در آن روز هم‌ه) چه‌ره‌ه در برابر خداوند باقی و جاویدان، و گرداننده و نگه‌بان جهان (همچون اسیران) خضوع و خشوع می‌کنند و گرنش می‌برند، و کسی که (در آن روز کوله بار) کفر (دنیای خود) را بر دوش کشد، ناامید (از لطف خدا و بی‌بهره از نجات و ثواب) می‌گردد».

آن حضرت ﷺ در حدیثی می‌فرماید: هر کس بر برادرش ستمی روا داشت‌ه، آبرویش را ریخته یا مالی از او برداشت‌ه، پس باید امروز از او حلالی بطلبد، پیش از این که برایش دره‌م یا دیناری باقی نماند، در آن روز اگر عمل نیکی داشت‌ه باشد، به عوض ستمش از

آن برداشته می‌شود و اگر عمل نیکی نداشته باشد، از گناهان کسی که بروی ستم روا داشته است، برداشته شده و بر او تحمیل می‌شود!

ایمان به رستاخیز، از فساد و الحاد نیز جلوگیری می‌کند، اما کسی که به رستاخیز ایمان ندارد، از انجام اعمال زشت و منکر باز نمی‌آید. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيْبُونَ ﴿٧٤﴾﴾ [المؤمنون: 74]. «کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه (راست) منحرف هستند».

همچنین ایمان به روز رستاخیز، اخلاق آدمی را زیبا نموده و در برابر مصایب و سختی‌ها او را وادار به صبر و شکیبایی می‌نماید و بر آنچه از دست داده است، حسرت نمی‌خورد؛ چون می‌داند که در برابر آن، در روز رستاخیز پاداش بزرگی را دریافت می‌کند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مسلمان، دچار هیچ‌گونه گرفتاری و مصیبتی نمی‌شود مگر اینکه خداوند به وسیله آن‌ها، گناهانش را می‌بخشد. حتی خاری که به پایش می‌خلد»².

1- صحیح بخاری. یکی از موارد رحمت و مهربانی خداوند بر بندگانش این است که در میان اختلاف کنندگان صلح و آشتی برقرار می‌کند تا ستمگر مورد عفو قرار گرفته و ستم‌دیده راضی شود. چنان که حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: ما در محضر رسول خدا ﷺ نشستیم که ناگهان آن حضرت صلی الله علیه و آله به خنده آمد تا جایی که دندان‌های پیشینش ظاهر گردید. اصحاب پرسید: یا رسول الله! برای چه می‌خندید: فرمود: دو نفر از امت من در پیشگاه خداوند به زانو افتاده‌اند و یکی از آن دو نفر می‌گوید: خدایا! حقم را از برادرم بگیر. خداوند می‌فرماید: حق برادرت را که در حقش ستم کرده‌ای، بده. او جواب می‌دهد: خدایا! از نیکی‌هایم چیزی باقی نمانده است، برادرم می‌گوید: خدایا! از گناهانم بردوش او بگذار! در این هنگام چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله از اشک جاری شدند و فرمود: آن روز، روزی است که مردم نیاز دارند تا گناهان دیگران بردوش آنان گذاشته شود. آن‌گاه خداوند به صاحب حق می‌گوید: چشمانت را بالا بگیر و نگاه کن، او نگاهش را به بالا می‌اندازد و می‌گوید: خدایا! کاخ‌هایی از طلا می‌بینم که با مروارید آراسته شده‌اند، خدایا! این کاخ‌ها متعلق به کدام پیامبر، یا کدام راستگو و یا کدام شهید هستند؟ الله می‌گوید: این‌ها متعلق به کسی هستند که قیمت آن‌ها را بپردازد. آن فرد می‌گوید: خدایا! چه کسی می‌تواند قیمت این‌ها را بپردازد؟ الله می‌گوید: تو می‌توانی! او جواب می‌دهد: به چه چیزی؟ می‌گوید: با بخشیدنت از برادرت. آن‌گاه او می‌گوید: خدایا! برادرم را بخشیدم. الله می‌گوید: حالا دست برادرت را بگیر و او را وارد بهشت گردان. آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: از خدا بترسید و صلح و آشتی را در میانتان برقرار نمایید؛ زیرا الله در روز رستاخیز در میان مؤمنان صلح و آشتی می‌کند.

کسی که به روز رستاخیز ایمان داشته باشد، به گناه و جنایتش اعتراف می کند و می خواهد تا خود را از آن پاک گرداند. صحابۀ بزرگوار الگوی نیکویی در برابر محاسبه و طهارت نفس بودند.

داستان

ماعز، یکی از یاران پیامبر ﷺ بود که شیطان به قلبش وسوسه انداخت و او را به کنیز یکی از انصار فریب داد، لذا با او خلوت نموده و شیطان شخص سوم آنان قرار گرفت و هر کدام را برای دیگری مزین نمود تا این که مرتکب زنا شدند.

وقتی ماعز از این جنایت فارغ شد و شیطان از او کنار رفت، گریه نموده و خود را مورد ملامت و سرزنش قرار داد و از عذاب الله ترسید و دنیا به رویش تنگ آمد تا جایی که تنفر و انزجار آن گناه قلبش را می آزد؛ لذا به نزد طبیب دل آمد و در برابرش ایستاده و از گرمای آنچه احساس می کرد، فریاد زده و گفت:

یا رسول الله! دورتر! زنا کرده است، مرا پاک گردان. آن حضرت ﷺ به او توجه نکرد. باز از جتهی دیگر آمد و گفت: یا رسول الله! مرا پاک گردان. پیامبر ﷺ فرمود: «وای بر تو! برگرد و از الله آمرزش بخواه و توبه کن».

راوی می گوید: ماعز اندکی دور شد و دو مرتبه آمد و عرض نمود: یا رسول الله! مرا پاک گردان. باز رسول خدا ﷺ فرمود: «وای بر تو برگرد و از الله آمرزش بخواه و توبه کن». باز او مقدار اندکی دور رفت و بارچهارم همان جمله را تکرار فرمود.

تا این که رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا وی دیوانه است؟» مردم جواب دادند که وی دیوانه نیست. پرسید: «آیا شراب نوشیده است؟» آن گاه مردی برخاست و دهانش را بویید، و بوی شرابی از وی استشمام نکرد، آن گاه فرمود: «آیا تو زنا کرده ای؟» گفت: آری. پرسید: آیا می دانی زنا یعنی چه؟ گفت: بله، با زنی چنان عمل حرامی را انجام داده ام که فرد با زنش از راه حلال آن عمل را انجام می دهد.

آن حضرت ﷺ فرمود: با این سخنت چه می خواهی؟ گفت: می خواهم پاکم گردانی. آن حضرت ﷺ دستور داد تا رجمش کند و در نتیجه جان داد.

1- منظور از دورتر خودش است که در لحظه ارتکاب گناه، از خوف و ترس الله بسیار دور بوده و فاصله داشته است.

چون از نماز و دفنش فارغ شدند، رسول خدا ﷺ با برخی از یارانش، از کنار محل وی رد شد، از دو نفر از یارانش شنید که در مورد وی اظهار نظر نموده و می گویند: به این نگاه کنید، خداوند رازش را پنهان نموده بود، اما خودش آن را فاش کرد تا این که مانند سگ ها سنگسار گردید.

آن حضرت ﷺ اندکی خاموش شد تا این که از کنار الاغ مرده ای رد شد که تپش آفتاب آن را سوخت و باد کرده بود تا جایی که پایش بلند شده بود.

آن حضرت ﷺ فرمود: آن دو نفر کجایند؟ آن دو جواب دادند که ما حاضریم. فرمود: فرود آید و از لاشه این الاغ بخورید! آن دو گفتند: یا رسول الله! خدا تو را ببخشد، چه کسی می تواند از این الاغ بخورد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: آنچه را که الان شما در مورد برادران گفتید: از خوردن لاشه این الاغ سخت تر بود، او چنان توبه ای کرده است که اگر در میان کل امت تقسیم شود، هم به کفایت می کند. سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، او اینک در نهره ای بهشت فرو می رود.

پس خوشا به حال ماعز، آری، او زنا کرد و پرده ای که بین او و خداوند بود را درید، اما وقتی از گناه فارغ شد، لذت آن از بین رفت و حسرتش باقی ماند، ولی چنان توبه ای کرد که اگر در میان کل امت تقسیم گردد، هم به کفایت می کند.

در پایان...

ایمان به الله و روز قیامت، انسان را وادار می کند تا امانت را حفاظت نموده و او را از ریا باز می دارد، چنان که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾ [التوبة: 18]. «تنها کسی حق دارد مساجد خدا را (با تعمیر یا عبادت) آبادان سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از خدا نترسد. امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشند».

روشنگری...

ایمان به روز رستاخیز،

مایه آرامش دنیا

و سعادت آخرت است.

قیامت

قیامت، به دو چیز اطلاق می‌گردد: یکی آن که پیش روی ماست و ما آن را می‌بینیم. دوم آن که یک بار اتفاق می‌افتد و همه موجودات را به وحشت می‌اندازد. بنابراین، قیامت بر دو نوع است: قیامت صغری و قیامت کبری.

قیامت صغری

قیامت صغری، یک قیامت و رستاخیز ویژه‌ای است، زیرا هر کس بمیرد، قیامتش برپا می‌شود.

چنان که مغیره بن شعبه گفت ه است: می‌گویند: قیامت، قیامت، قطعاً قیامت هر کس، مرگ اوست.

قیامت صغری آن است که حضرت عایشه در حدیثی آن را بیان کرده است: افرادی خشن از بادی نه‌نشینان نزد نبی اکرم ﷺ می‌آمدند و می‌پرسیدند: قیامت کی برپا می‌شود؟ رسول خدا ﷺ با نگاه کردن به کوچکترین آن‌ها می‌فرمود: «اگر این شخص، زنده بماند، قبل از این که پیر شود، قیامت شما برایتان برپا خواهد شد!»

یعنی قبل از این که این کوچکترین فرد از شما پیر شود، همگی شما می‌میرید و این کوچک از میان شما آخرین فردی خواهد بود که می‌میرد.

قیامت کبری

قیامت کبری، رستاخیز عمومی است و با آن زندگی دنیا پایان می‌یابد و خداوند بندگان را برای حساب و جزا و بهشت و دوزخ زنده می‌گرداند.

خداوند در قرآن کریم، از هر دو قیامت صغری و کبری یاد نموده و می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ﴾ ﴿٢١﴾ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ﴿٢٢﴾ [عبس: 21-22]. «بعد او را می‌میراند و وارد گورش می‌گرداند.» * سپس هر وقت خواست او را زنده می‌گرداند».

مراد از ﴿أَمَاتَهُ﴾ قیامت صغری است.

و مراد از ﴿أَنْشَرَهُ﴾ بعث و نشور برای قیامت کبری است.

اینک ما از قیامت صغری، یعنی مرگ سخن می‌گوییم.

درگوشی...

هر کس خود را برای قیامت صغری آماده کند،

قیامت کبری برایش آسان می‌شود.

قیامت صغری

قیامت صغری، یعنی مرگ و جدا شدن روح از جسد است و همه موجودات به آن می‌رسند و موجودات در این مورد اخبار و اسراری دارند و زمان احتضار، مایه پند و اندرز است.

- پس وضعیت مردم در وقت احتضار چگونه خواهد بود؟
- داستان‌های افراد افتاده در کام مرگ چگونه است؟
- علامات حسن خاتم‌ه و سوء خاتم‌ه چیست؟
- حقیقت روح چیست؟

این مرگ است

گفت‌هاند که داود، وزیری گرانمایه داشت و چون وفات کرد، وزیر سلیمان قرار گرفت.

روزی سلیمان به اتفاق وزیرش، چاشتگاه در مجلسش نشست و بود که مردی وارد شد و سلام گفت.

آن مرد با سلیمان سخن گفت و با تندی به آن وزیر نگاه می‌کرد. وزیر سراسیمه شد و سخت ترسید.

وقتی آن مرد بیرون شد، وزیر به سلیمان گفت: این مرد که اینک از نزد تو بیرون رفت، چه کسی بود؟ سوگند به الله که منظری هولناک داشت و مرا ترسانید! سلیمان گفت: این ملک الموت بود که خود را به صورت انسان در آورده بود و نزد من آمده بود. وزیر سراسیمه شد و به گریه افتاد و گفت: ای پیامبر خدا! به خاطر خدا از تو می‌خواهم تا به باد دستور دهی تا مرا به مکان دور دستی ببرد، دستور بده تا مرا به هند ببرد.

سلیمان به باد دستور داد تا او را به هندوستان ببرد.

روز بعد ملک الموت به نزد سلیمان آمد تا مثل همیشه به سلیمان سلام گوید. سلیمان پرسید: دیروز دوست مرا ترساندی، چرا با تندی به او نگاه کردی؟ گفت: دیروز چاشتگاه، من به نزد تو آمدم و خداوند دستور داده بود که بعد از ظهر، جان او را در هند بگیرم و از این که به نزد تو بود، تعجب کردم. سلیمان پرسید: آن گاه چکار کردی؟ گفت: چون بعد از ظهر به هند رفتم، او را آنجا دیدم که منتظرم است، لذا جانش را گرفتم.

آری، مرگ بزرگترین تحدی و مبارزه طلبی از جانب الله است که مخلوقات را به چالش کشیده و به مبارزه می‌طلبد.

﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلْقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجمعة: 8] «بگو: قطعاً مرگی که از آن می‌گریزید، سرانجام با شما رویاروی می‌گردد و شما را در می‌یابد، بعد از آن به سوی کسی برگردانده می‌شوید که از پنهان و آشکار آگاه است، و شما را از آنچه کرده‌اید با خبر می‌گرداند».

پادشاهان و امرا، دربانان و وزیران، بزرگان و افتادگان، ثروتمندان و فقیران، حتی فرشتگان با عظمت و شیاطین و جنیان، حیوانات و پرندگان، همگی ناتوان گشت‌هاند تا در برابر این تحدی و چالش مقاومت کنند.

﴿قُلْ فَأَدْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [آل عمران: 168].

«بگو: پس مرگ را از خود بدور دارید اگر راست می‌گویید».

﴿أَيِنَّمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾ [النساء: 78].

«هر کجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد، اگر چه در برج‌های محکم و استوار جایگزین باشید».

کجایند لشکریان و سربازان؟ کجایند پادشاهان و جاه و مرتبه‌شان؟

کجایند فرمان‌روایان فارس و حاکمان روم؟

کجایند رهبران؟ کجایند تجار و بازرگانان؟ کجایند طبیبان و پزشکان؟

أتى على الكل أمر لا مرد له حتى قضاوا فكان القوم ما كانوا

وصار ما كان من مُلكٍ ومن مَلِكٍ كما حكى عن خيال الطيف و سنانُ

«بره‌مگان چنان امری آمده است که باز گشتی ندارد، تا جایی که گویا چنان داوری

کردند که قبلاً وجودی نداشت‌هاند».

«و مُلک و پادشاهی چنان می‌ماند که فرد خواب آلود از خیال و گمان سخن

می‌گوید».

آغازی

مرگ، دروازه ورود به جهان آخرت است.

لحظه‌های احتضار و درافتادن در کام مرگ

لحظهٔ احتضار و بیرون آمدن روح، شگفت‌انگیز است، همهٔ موجودات به دام آن گرفتار می‌شوند.

چه زندگی‌های با صفایی که مرگ آن‌ها را تیره کرده است!
 چه قدم‌هایی که تلاش کرده‌اند، اما مرگ آن‌ها را ناکام گذاشته است!
 آیا پدران و نیاکان را درنور دیده است؟
 آیا دوستان را نربوده و رشتۀ دوستی را قطع نکرده است؟
 آیا زنان را بیوه و کودکان را یتیم نکرده است؟
 مردم به هنگام احتضار و بیرون آمدن روح، صحنه‌های شگفت‌انگیزی را تجربه کرده‌اند!

مرگ پیامبرمان، محمد ﷺ

پس از آن که رسول خدا ﷺ از حجۀ الوداع بازگشت، روز به روز بیماری‌اش شدت می‌گرفت، و وی با جملاتی که بر زبان می‌آورد و نگاه‌هایی که می‌انداخت، جهان را وداع می‌گفت.

وقتی تب آن حضرت ﷺ شدید شد و به ترک دنیا یقین پیدا کرد، می‌خواست با مردم خدا حافظی کند. بنابراین، سرش را بست و به فضل بن عباس دستور داد تا مردم را گرد آورد. مردم جمع شدند و آن حضرت ﷺ با کمک فضل به مسجد تشریف برده و بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود:

«اما بعد، ای مردم! من دارم از میان شما می‌روم و پس از این شما مرا در این جا نمی‌بینید. آگاه باشید، هر کسی را که من بر پشتش تازیانه زدم، این پشت من است و از آن قصاص بگیرد، و اگر مال کسی را برداشته‌ام، این مال من است، از آن بردارد و اگر آبروی کسی را ریخته‌ام، پس این آبرویم است و عوض خویش را بگیرد. کسی نگوید که من از کینه و عداوت می‌ترسم، زیرا کینه و بغض از شأن و اخلاق بدور است. همانا محبوبترین شما نزد من کسی است که حقش را دریافت نماید، اگر حقی بر من دارد یا

حلالم کند؛ زیرا من می‌خواهم در حالی نزد خداوند باز گردم که بر کسی ستم نکرده باشم!»!

بیماری وفات رسول الله ﷺ

روز به روز بیماری و شدت تب، جسم آن حضرت ﷺ را ضعیف‌تر و رنجورتر می‌کرد، اما با این حال بر خود فشار می‌آورد و به مسجد می‌آمد و نماز را برای مردم برگزار می‌کرد. تا این که روز جمع‌ه نماز مغرب را برای مردم اقامه کرد و وارد خانه‌اش شد، در حالی که شدت بیماری به اوج خود رسیده بود. لذا برایش رختخوابی پهن نمودند و آن حضرت ﷺ بر روی آن خوابید.

رسول خدا ﷺ پیوسته بر همین رختخواب قرار داشتند تا این که بیماری او را بسیار ضعیف و رنجور کرده و بیماری وفاتش شدت یافته بود.

مردم برای نماز عشا جمع شده بودند و منتظر امامشان بودند تا آن حضرت ﷺ به مسجد تشریف بیاورد و برایشان نماز را اقامه کند. در حالی که شدت بیماری پیامبر ﷺ را در هم شکسته بود. تلاش کرد تا از رختخوابش بلند شود، اما نتوانست و از رفتن به مسجد تاخیر کرد. برخی از مردم صدا می‌کردند: نماز است، نماز است.

پیامبر ﷺ صدای آنان را شنید و از اطرافیان‌ش پرسید: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ آنان پاسخ دادند: خیر، یا رسول الله! آنان منتظر شمایند.

نگاه کرد و دید که حرارت بدنش نمی‌گذارد تا از رختخواب برخیزد. فرمود: طشت آبی برآیم بیاورید. طشت آب آوردند. و از آن بردن آن حضرت ﷺ آب می‌ریختند.

و هنگامی که بدنش سرد شد با دستش اشاره نمود که کافی است و آنان نیز توقف کردند. چون مقداری احساس نشاط می‌کرد، خواست بلند شود، که دچار بی‌هوشی شد. وقتی به هوش آمد، فرمود: آیا مردم نماز خواندند؟ جواب دادند: خیر، آنان منتظر شما هستند.

رسول الله ﷺ دوباره آب خواست و غسل نمود و آنان بر آن حضرت ﷺ آب می‌ریختند تا این که مقداری احساس نشاط و شادابی نمود. اما وقتی خواست بلند شود، برای بار دوم، بی‌هوش شد. چند لحظه بعد، وقتی به هوش آمد، اولین سوالی که پرسید: آیا مردم نماز خواندند؟ گفتید: خیر، آن‌ها منتظر شما هستند. و مردم هم برای نماز

عشا در مسجد، منتظر آن حضرت ﷺ بودند. فرمود: طشت آبی بیاورید. و آب سرد را بر بدنش می ریختند تا این که آب فراوان ریختند. و چون می خواست برخیزد، باز هم بی هوش شد، در حالی که خانواده اش به او نگاه می کردند و قلبه ایشان دچار اضطراب و دیدگان شان اشکبار بود و مردم در مسجد در انتظار و مشتاق دیدار امام شان بودند. با تکبیر او تکبیر گویند و همراه او به رکوع و سجده بروند. حال آن که پیامبری هوش بود.

اندکی بعد آن حضرت ﷺ به هوش آمد و پرسید: آیا مردم نماز خوانده اند؟ گفتند: خیر، یا رسول الله! آنان در انتظار شما به سر می برند. در حالی که شدت بیماری بدنش را در هم شکسته بود.

آری، بیماری بدن مبارکش را سخت رنجور گردانیده بود در حالی که با همین بدن دین خدا را یاری رسانده و برای رب العالمین جهاد کرده بود. بدنی که لذت عبادت و سختی روزگار را چشیده بود. بدنی که پاهایش از شدت قیام و ایستادن در نماز شکاف برداشته و چشم هایش از خوف خداوند گریه کرده و در راه خدا مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود و تشنه و گرسنه شده بود.

وقتی حال و وضعش را دید، کسی را نزد ابوبکر ﷺ فرستاد تا نماز را برگزار کند. بلال برای نماز اقامه گفت و ابوبکر در محراب پیامبر ﷺ جلورفت تا نماز را برگزار نماید در حالی که از شدت ناراحتی و گریه، مردم صدای ابوبکر را نمی شنیدند و با این وصف نماز عشا به پایان رسید.

باز مردم برای نماز فجر و دیگر نمازها جمع می شدند، و ابوبکر چند روزی نماز را برای آنان برگزار می کرد و رسول خدا ﷺ همچنان در رختخوابش قرار داشت.

نماز جماعت

چون نماز ظهر یا عصر روز دوشنبه فرا رسید، مقداری نشاط به آن حضرت ﷺ دست یافته بود، لذا از عباس و علی خواست تا به کمک آن دو به مسجد بروند. لذا در حالی که پاهایش بر زمین کش می خورد، با کمک آن دو به راه افتاد و پرده ای که بین او و مسجد بود را بالا گرفت و مردم را دید که نماز را اقامه نموده و مشغول نمازند. یارانش را دید که در صف ایستاده و نماز می گزارند. به آنان نگاه می کرد در حالی که آنان با چهره ها و بدن هایی پاکیزه در برابر الله ایستاده اند. مدت های مدیدی را با این برگزیدگان و نخبگان به نماز ایستاده، و با آنان جهاد کرده و همنشین بوده است. چقدر از شب ها را او با آنان پاس داشته و بیدار مانده اند و چقدر از روزها را که به اتفاق هم روزه

گرفت‌ه‌اند و چه بسیار با هم در برابر سختی‌ها ایستادگی کرده و شکیبا مانده‌اند و با وی خالصانه به دعا و زاری پرداخته‌اند و چه بسیار برای یاری دین خدا از اهل و برادرانشان جدا شده‌اند و وطن و دوستانشان را رها کرده‌اند! برخی به دیار باقی شتافته و عده‌ای در انتظار آن بسر می‌برند، ولی در آنان هیچ تغییر و دگرگونی صورت نپذیرفته است. اینک آن روز فرارسیده که آنان را رها می‌کند و به دیار ابدی می‌شتابد، چه بسیار آنان را برای این سفر تشویق نموده است!

وقتی آنان را مشغول نماز دید، خوشش آمد و تبسم بر لبانش نشست، تا حدی که چه‌ره‌اش بسان پاره‌ای از ماه قرار گرفت، آن گاه پرده را پایین آورد و به رختخوابش باز گشت. در این هنگام فرشته مرگ از آسمان فرود آمد تا پاکترین و مطهرترین روحی که آفریده شده است را قبض نماید.

سکرات موت پیامبر ﷺ

سکرات موت آن حضرت ﷺ آغاز و روح با جسد دچار کشمکش شدند.

حضرت ام المومنین عایشه می‌گوید:

رسول خدا ﷺ را در آخرین لحظات عمرش دیدم، در حالی که ظرف آبی، پیش رو داشت و دست‌هایش را وارد آن ظرف می‌کرد و به صورتش می‌کشید، و در آن حال می‌گفت: «لا اله الا الله، همانا مرگ، سختی‌ها دارد». فاطمه در آنجا حضور داشت و گریه می‌کرد و می‌گفت: وای بر مصیبت پدرم! آن حضرت ﷺ رو به فاطمه کرد و فرمود: «مصیبتی از امروز به بعد به سراغ پدرت نخواهد آمد». من نیز بر چه‌ره‌اش دست می‌کشیدم و برای به‌بودی‌اش دعا می‌کردم. رسول خدا ﷺ می‌گفت: «ننه بلکه من همراهی رفیق اعلی، همراهی جبرائیل، میکائیل و اسرافیل را می‌خواهم».

آن گاه وقتی نفسش به تنگی آمد و سکرات مرگ سخت گردید، جملاتی را بر زبان آورد و با آن جملات دنیا را وداع گفت. سخنانی را که برایش اهمیت داشت بر زبان آورد و از شرک بر حذر داشت و فرمود:

«لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ!». «خداوندی هود و نصارا را

لعنت کند، آنان قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند».

«اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدًا.»¹ «خداوند بر قومی که قبور انبیای خود را مساجد قرار داده‌اند، سخت خشمگین شده است.»

و نیز از آخرین جملاتی که بر زبان آورد این بود که فرمود: «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»، «نماز را برپا دارید، نماز نماز را برپا دارید، و برزیر دستانتان رحم کنید.»
آن گاه دنیا را وداع گفت. مادر و پدر و جانم فدای او باد.

آری، سرور رسولان و امام متقیان و حبیب رب العالمین در حالی از دنیا رحلت فرمود که بر هیچ کسی ستمی روا نداشته بود، و کسی را با جمل‌های نرنجانده بود، در حالی از دنیا رفت که خود را با مال حرام، غیبت و گناه آلوده نکرده بود. بلکه مردم را به سوی الله فرا می‌خواند و امیدوار رحمت پروردگارش می‌کرد و مردم را به نماز و عبادت خداوند فرا می‌خواند و از شرک و بت پرستی ن‌هی می‌کرد.

خداوند در توصیف پیامبرمان چه زیبا فرموده است: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: 128]. «بی‌گمان پیغمبری، از خود شما (انسان‌ها) به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می‌آید. به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است.»

وفات سیدنا عمر رضی الله عنه

با هم به مدینه منوره می‌رویم تا با خلیفه راشد، حضرت عمر رضی الله عنه دیدار کنیم، کسی که دین خدا را یاری نمود و به خاطر الله جهاد کرد. کسی که آتشکده مجوسیان را خاموش کرد، کین‌هاش در دل کفار نشست. ابولؤلؤ مجوسی که از بردگان و نجاران و آه‌نگران مدینه بود و سنگ آسیا درست می‌کرد، از هم بیشتر کینه به دل شد.

این کافر به دنبال فرصتی می‌گشت تا انتقامش را از عمر رضی الله عنه بگیرد. روزی حضرت عمر رضی الله عنه او را در مسیر راه دید. از وی پرسید: شنیده‌ام که گفت‌های اگر بخوام آسیابی درست می‌کنم که با باد کار می‌کند؟ آن برده با چهره‌ای ترش به عمر نگاه کرد و گفت: برایت چنان آسیابی درست می‌کنم که اهل مغرب و مشرق از آن باخبر شوند. آن گاه سیدنا عمر به یارانش نگاه کرد و گفت: این برده مرا به مرگ ت هدید می‌کند.

لذا آن برده به راه افتاد و شمشیری دو لبه درست کرد که از هر جهت که ضربه بزند، طرف را به قتل می‌رساند و نیز آن شمشیر را زهر آگین نمود که یا با ضربه شمشیر کشته شود یا در اثر نفوذ سم جان دهد.

آن گاه در تاریکی شب آمد و برای کشتن عمر خود را در یکی از گوشه‌ای مسجد پنهان کرد. او پیوسته خود را در آنجا پنهان کرده بود که ناگاه عمر وارد مسجد شد و مردم را برای نماز فجر متنبه سازد.

اقامه نماز گفته شد و عمر برای امامت جلو رفت و تکبیر گفت. وقتی قراءت را شروع کرد، مجوسی به وی هجوم آورد و در مدت کوتاهی سه ضربه را به وی وارد کرد، ضربه اول به سینه و ضربه دوم به پهلو و ضربه سوم به زیر نافش اصابت کرد. عمر فریاد برآورد و نقش زمین گشت، در حالی که این آیات را تکرار می‌کرد: ﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا﴾ [الأحزاب: 38]. «و فرمان خدا همواره روی حساب و برنامه دقیقی است و باید به مرحله اجرا درآید».

عبدالرحمن بن عوف جلو رفت و نماز مردم را کامل کرد، اما برده مجوسی با شمشیرش صفوف مسلمانان را درهم می‌کوبید تا راهش را برای فرار هموار کند، که در نتیجه سیزده نفر ضربه خورده و هفت نفر آنان جان دادند.

آن گاه شمشیرش را بالا گرفت که هر کسی نزدیک بیاید او را نیز مورد هجوم و ضربه قرار دهد. ناگاه فردی به وی نزدیک شد و چادر کلفتی را بروی انداخت، برده مجوسی سراسیمه شد و چون متوجه گردید که دستگیر شده است، ضربه‌ای را بر خود وارد کرد و خونش فواره زد و مُرد.

عمر در حالی که بی‌هوش شده بود، به خانه‌اش منتقل گردید در حالی که مردم گریه می‌کردند و به دنبالش راه می‌رفتند. نزدیک به طلوع خورشید حضرت عمر به هوش آمد.

آیا مردم نماز خواندند؟

وقتی عمر به هوش آمد، به اطرافیانش نگاه‌های انداخت و نخستین سوالی که از آنان پرسید، گفت: آیا مردم نماز خواندند؟ جواب دادند: بله یا امیرالمؤمنین. گفت: الحمد لله، اسلامی بدون نماز وجود ندارد.

آن گاه آب خواست و وضو گرفت و خواست برخیزد و نماز بخواند، اما نتوانست. آن گاه دست پسرش، عبدالله را گرفت تا براو تکیه داده و نماز بخواند، اما خون از بدنش جاری شد.

عبدالله می گوید: به خدا سوگند من دستم را بر زخمش قرار دادم، اما شکاف زخم عمیق تر بود، لذا زخمه ایش را با پارچه ای بست و نماز صبح را خواند، سپس فرمود: ای ابن عباس! ببین چه کسی مرا به قتل رساند؟ ابن عباس جواب داد: برده مجوسی ترا مورد هجوم قرار داد و جمعی از صحابه را نیز مورد حمل قرار داد و آن گاه خودش را نیز به قتل رساند. عمر گفت: خدا را سپاسگزارم که قاتل من فردی است که در حضور خدا، حتی با یک سجده ای که برای خدا انجام داده باشد، نمی تواند با من طرح دعوا نماید.

پزشک آمد تا جراحی ای عمر را معاینه کند، و بنگرد که آیا ضربه به معده و روده ایش اصابت کرده یا خیر؟ وقتی حضرت عمر آب نوشید، آب از زخم زیر نافش بیرون آمدند، پزشک گمان برد که شاید این خون باشند که بیرون می آیند، لذا شیر خواست، وقتی عمر شیر را سر کشد، شیر از زخم زیر نافش بیرون آمدند. پزشک پی برد که ضربه ای شمشیر بدن وی را پاره کرده و شکمش هیچ غذا و آبی را نگه نمی دارد.

لذا روبه عمر کرد و گفت: یا امیرالمومنین! وصیت بفرمایید؛ زیرا به گمانم امروز یا فردا مرگ به سراغت خواهد آمد. عمر با کمال نیروی ایمانی گفت: راست می گویی و اگر چیزی جز این می گفتمی سخت را باور نمی کردم. سپس گفت: سوگند به الله، اگر تمام دنیا مال من می بود، از هول و هراس ایستادن در برابر الله، آن را فدی می دادم.

تعریف و مدح ابن عباس از حضرت عمر

وقتی ابن عباس سخنان متواضعانه عمر را شنید که مشتاق و علاقمند دیدار خداوند است، گفت: اگر چه این را گفتی، خداوند به تو جزای نیکو دهد، آیا رسول خدا ﷺ دعا ننموده بود، که خداوند دین و مسلمانان را وقتی که در مکه می ترسیدند، توسط تو عزت بخشد، و وقتی که اسلام آوردی، سلامت مایه عزت بود، و با اسلام تو، رسول خدا ﷺ و اصحابش آشکار گردیدند، و به سوی مدینه هجرت نمودی، و هجرت مایه فتح بود، بعد از آن از هیچ معرکه ای که رسول خدا ﷺ در نبرد مشرکین

در روز فلان و فلان شرک ورزید، غایب نگردیدی. بعد از آن رسول خدا ﷺ در حالی وفات نمود که از تو راضی بود، و بعد از وی خلیفه رسول خدا ﷺ را با رأی و نظرت یاری و مساعدت نمودی، و با کسی که روی آورده بود، کسی را که روی گردانیده بود زدی، طوری که مردم به خوشی و ناخوشی داخل اسلام گردیدند. بعد از آن خلیفه در حالی درگذشت که از تو راضی بود. بعد از آن به شکل بهتری بر مردم والی شدی، و خداوند توسط تو شهرها را آباد نمود. و توسط تو اموال را جمع کرد، و توسط تو دشمن را نابود ساخت، و خداوند توسط تو بر هر خانواده توسعه در دین و فراخی در رزق شان آورد، و بعد از آن خاتمهات را با شهادت گردانید، و این برایت مبارک باشد!

آن گاه عمر گفت: به خدا سوگند، مغرور کسی است که او را فریب می دهی، بعد از آن گفت: ای عبدالله! آیا روز قیامت نزد خداوند برایم شهادت می دهی؟ گفت: بل، عمر ﷺ گفت: بارخدا، ستایش از آن توست. آن گاه مردم دسته دسته می آمدند و او را مورد ستایش قرار داده و با او خدا حافظی می کردند.

نصیحت بر بستر مرگ

در این هنگام جوانی به نزد حضرت عمر ﷺ آمد و گفت: شادمان باش ای عمر! همراه یار رسول الله بودی و سپس امارت را به دست گرفتی و عدالت کردی و سپس به شهادت رسیدی. عمر گفت: آرزویم این است که نیکی ها و بدی هایم برابر باشند، نه اجری داشته باشم و نه گناهی.

وقتی آن جوان برخاست و رفت، ازار شلوارش بر زمین آویزان بود، فرمود: این جوان را به نزد من بازگردانید، جوان بازگشت و حضرت عمر ﷺ از باب نصیحت و خیرخواهی به وی گفت: ازارت را بالا بزن، زیرا این کار برای نظافت لباست زیباتر و برای تقوا و خدا ترسی پروردگارت بهتر است.

آن گاه درد عمر ﷺ شدت یافت و گاه گاه بی هوش می شد. ابن عمر ﷺ می گوید: پدرم بی هوش شد و من سرش را بر زانویم گذاشتم، وقتی به هوش آمد، گفت: سرم را بر زمین بگذار، باز دوباره بی هوش شد و من سرش را بر زانویم گذاشتم و وقتی به هوش آمد، گفت: سرم را بر زمین بگذار، من گفت: پدرجان! مگر زمین با سرم یکسان نیستند؟ گفت: چه راهم را بر خاک بینداز، شاید خداوند بر من رحم کند و هر گاه جان دادم، زود مرا به قبرم ببرید، زیرا اگر این کار برایم خیر است، مرا بدانجا می برید و اگر بد است مرا از گردن هایتان پایین می گذارید.

آن گاه گفت: وای بر عمر، وای بر مادر عمر، اگر مورد عفو و بخشش قرار نگیرد. آن گاه نفسش به تنگی افتاد و حالت احتضار و سكرات برایش شدت گرفت و در این هنگام روحش پرواز نمود و در کنار دیوارش، رسول الله ﷺ و ابوبکر ﷺ دفن گردید. آری، عمر ﷺ دنیا را به درود گفت، اما در حقیقت فردی مانند او نمرده است. به انجام عمل نیک و رفع درجات مبادرت ورزید، قراءت قرآن و گریه‌هایش از ترس خداوند، در قبر همدم و رفیق او هستند، نمازه‌ایش یار و همدم او می‌شوند و جهادش درجات او را بالا می‌برد، اندکی خود را در دنیا خسته کرد، اما در آخرت مدت‌های طولانی استراحت می‌کند.

رسول خدا ﷺ حضرت عمر ﷺ را از جمله ده نفری قرار داده که به آنان مؤذنه به‌شت رسیده است.

پیامبر ﷺ در حدیثی می‌گوید: «خواب دیدم که در بهشت هستم. در آنجا چشمم به زنی افتاد که کنار قصری، وضو می‌گرفت. پرسیدم: این قصر، مال چه کسی است؟ (فرشتگان) گفتند: از آن عمر بن خطاب ﷺ است. بیاد غیرت عمر افتادم. پس پشت کردم و رفتم». عمر ﷺ با شنیدن این سخنان، به گریه افتاد و گفت: ای رسول خدا! آیا در مورد تو هم به غیرت می‌آیم؟!

ابوبکره ﷺ

حضرت ابوبکره ﷺ بیمار بود و بیماری‌اش شدت گرفت، خانواده‌اش گفتند: طبیب می‌آوریم، اما او انکار کرد و چون فرشتگان مرگ بر بالینش حاضر شدند، فریاد برآورد، کجاست طبیبتان؟ اگر راست می‌گوید: این‌ها را برگرداند!

عامر بن زبیر ﷺ

عامر بن زبیر ﷺ بر رختخواب مرگ قرار داشت و آخرین لحظه‌های عمرش را سپری می‌کرد و خانواده‌اش در پیرامون او گریه می‌کردند، در این هنگام صدای مؤذن را شنید که برای نماز مغرب اذان می‌گفت، در حالی که روحش به حنجره رسیده بود و در وضعیتی سخت و دشوار قرار داشت، به اطرافیان‌ش گفت: دستم را بگیرید. گفتند: کجا می‌روی؟ گفت: به مسجد. آنان گفتند: با این که تو در این وضعیت قرار داری به مسجد می‌روی؟ گفت: بله، سبحان الله، صدای مؤذن را بشنوم و او را اجابت نکنم. دستم را

بگیرید، آن گاه دو نفر او را گرفتند و به مسجد بردند، یک رکعت با امام خواند و در سجده جان داد.

آری، وی در سجده جان داد، پس هر کس نماز بخواند و بر اطاعت پروردگارش صبر نماید، خداوند خاتم‌هاش را به خیر می‌کند.

عبدالرحمن بن اسود رضی الله عنه

نیکان به هنگام مرگ و جدایی از اعمال صالح، حسرت می‌خورند و آرزو می‌کردند تا زندگی‌شان طولانی می‌شد و توشه بیشتری را بر گرفته و حسنات و نیکی‌های افزونتری را برای خود اندوخته می‌کردند.

عبدالرحمن بن اسود رضی الله عنه در حالت احتضار گریه می‌کرد، گفتند: چرا گریه می‌کنی، در حالی که تو عبادت فراوان اندوخته‌ای، وزه و تقوا داشته‌ای و در برابر الله خاشع و فروتنی کرده‌ای؟ گفت: به الله سوگند! من در فراق نماز و روزه گریه می‌کنم، لذا پیوسته قرآن می‌خواند تا این که جان داد.

یزید الرقاشی

وقتی مرگش فرا رسید، به گریه افتاده و می‌گفت: ای یزید! اگر بمیری چه کسی برایت نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد؟ و چه کسی برای گناهانت آمرزش می‌خواهد؟ آن گاه شهادتین را بر زبان آورد و جان داد.

از الله می‌خواهیم تا خاتم‌مان را به خیر بگرداند. آمین.
اندرن...

﴿الَّذِينَ تَتَوَقَّعُهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: 32].

«(پرهیزگاران،) همان‌هایی که (به هنگام مرگ) فرشتگان جانشان را می‌گیرند در حالی که پاکیزه و شادان هستند. (فرشتگان) می‌گویند: درودتان باد! (در امان خدایید) به خاطر کارهایی که می‌کرده‌اید به بهشت درآیید».

اندرزه‌ایشان به هنگام احتضار

مرگ برای بزرگ و کوچک تفاوتی قایل نمی‌شود، همانگونه که بین پادشاه و وزیر، بازرگان و امیر امتیازی قایل نخواهد بود. پادشاهان به هنگام مرگ و احتضار اندرزه‌ایی داشت‌ه‌اند.

هارون الرشید

وی کسی بود که در زمین حکمرانی نموده و کره‌خاکی را از سرباز و نظامی پُر کرده بود، کسی که سرش را بالا گرفته و به ابره‌انگام می‌کرد و آن‌ها را چنین خطاب می‌کرد: در هند بباری یا در چین، یا در هر جایی که خواسته باشی، هر جایی که بباری سوگند به الله! هر جا که بباری، در مملکت من باریده‌ای. روزی هارون الرشید برای شکار به بیابان رفت و با مردی ملاقات کرد که به آن به‌لول می‌گفتند. هارون گفت: مرا پندی ده.

گفت: ای هارون! پدران و نیاکان از زمان رسول الله تا پدرت کجا رفت‌ه‌اند؟ هارون گفت: مرد‌ه‌اند. به‌لول گفت: کاخ‌ه‌ایشان کجاست؟ هارون گفت: این است کاخ‌ه‌ایشان. به‌لول پرسید: قبره‌ایشان کجاست؟ گفت: این است قبره‌ایشان. به‌لول گفت: این قصره‌ایشان است و این قبره‌ایشان، پس این قصره‌ایشان چه سودی برای قبره‌ایشان داشته‌است؟

هارون گفت: راست گفتمی. هنوز هم به اندرزه‌ایت ادامه بده. به‌لول گفت:

اما قصورك في الدنيا واسعة فليت قبرك بعد الموت يتسع

«کاخ‌ه‌ایت در دنیا فراخ و وسیع هستند، ولی ای کاش که قبرت پس از مرگ نیز فراخ می‌شد.»

در این هنگام هارون به گریه افتاد و گفت: هنوز هم به اندرزه‌ایت ادامه بده. به‌لول گفت:

هب أنك ملكت كنوز وعمرت سنين فکان ماذا

كسرى أليس القبر غاية كل حى وتساءل بعده عن كل هذا

«گیرم که تو مالک گنج‌ه‌ای کسری شده و عمر طولانی‌ای را بسر برده باشی.»

«ولی آیا سرانجام هر موجود زنده‌ای به‌سوی قبر نخواهد بود و آیا از هم‌ه این امور مورد بازخواست قرار نخواهی گرفت؟»
 ه‌ارون الرشید گفت: بل‌ه.

آن‌ گاه ه‌ارون از شکار بازگشت و بیمار شد و بر رختخوابش افتاد و چند روزی نگذشت و مرگ به سراغش آمد. وقتی در حالت احتضار قرار گرفت و سكرات مرگ را مشاهده می‌کرد، فریاد برآورد و به فرماندهان و نگهبانانش گفت: لشکر مرا گرد آورید. هم‌ه لشکریانش با شمشیرها و زره‌هایشان گرد آمدند، آن قدر زیاد بودند و قابل‌حصرو شمار نبودند و همگی تحت‌قیادت و فرماندهی او قرار داشتند. وقتی چشمش به آن‌ه افتاد، گریه‌کرد و گفت: ای کسی که م‌لک و پادشاهی‌اش زوال‌پذیر نیست، بر کسی که پادشاهی‌اش تمام‌شد، رحم‌کن.

آن‌ گاه پیوسته‌گریه می‌کرد تا این‌که جان باخت. وقتی این‌ خلیفه‌که پادشاهی دنیا را در اختیار داشت، وفات‌کرد و در حفره کوچکی گذاشته‌شد، وزیرانش با او همراه نشدند و هم‌نشینانش با او هم‌نشین نشدند، غذایی با او دفن‌نکردند، و رختخوابی برایش پهن‌نکردند و پادشاهی و دارایی‌اش او را بی‌نیاز نکرد.

عبدالملک بن مروان

وقتی مرگ خلیفه، عبدالملک بن مروان فرارسید، از شدت سكرات بی‌هوش می‌شد و نفس‌هایش به تنگی افتاد، دستور داد تا پنجره‌ای اتاقش را باز کنند. از پنجره کاخش، مرد فقیر و غسالی را در مغازه‌اش مشاهده‌کرد که لباس‌ه را می‌شست و بر دیوار می‌گذاشت تا خشک شوند.

در این‌ هنگام عبدالملک به گریه افتاد و گفت: ای کاش من غسالی می‌بودم، ای کاش من نجاری می‌بودم، ای کاش من حمالی می‌بودم، ای کاش چیزی از امیر المؤمنین نصیب نمی‌شد و آن‌ گاه جان‌به‌جان آفرین تسلیم‌کرد.

آری، به خان‌ه‌ایی منتقل شدند که در آن خدمتگزارانی نیست که آنان را خدمت کنند، و اهل و خانواده‌ای نیست که آنان را گرامی دارند، و وزیرانی نیست که با آنان هم‌نشینی و شب‌نشینی کنند.

به خان‌ه‌ایی منتقل شدند که هم‌نشینشان اعمال و طرف حسابشان، صحیفه‌هایشان خواهد بود.

﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: 46]. «و پروردگار تو کمترین ستمی به بندگان نمی کند».

دست‌های دیگر از بندگان وجود دارند که خداوند به آنان رزق و روزی فراوان عطا نموده و صحت و تندرستی به آنان بخشیده است، اما از آماده‌گیری غفلت ورزیده‌اند تا این که ناگهان مرگ به سراغشان آمده و جمعشان را متفرق نموده و آنان را بر عمل زشتشان گرفته است. و چون در آستانه مرگ قرار گرفته‌اند، آرزو کرده‌اند تا به دنیا باز گردند، آن هم نه برای تجارت و ثروت اندوزی، یا برای ملاقات با اهل و خانواده، بلکه برای اصلاح احوال و اوضاع خود و خشنود گرداندن خدای مقتدر و متعال، اما الله حکم فرموده است که هرگز آنان به زندگی باز نخواهند گشت.

انواع دیگری از حالت‌های احتضار

این‌ها گروه نافرمانان و گناه‌کاران، و انبوه غافلان و تباه‌کاران‌اند، کسانی که حب دنیا بر آنان سیطره انداخته است، لذا سکرات مرگ برایشان عذاب و پرهول و هراس بوده و میان آنان و آفریدگار جلیل فاصله انداخته است.

قرطبی آورده است که یکی از این افراد که به دنیای خود مشغول بوده و طول آرزوها او را فریفته است، وقتی در حالت احتضار قرار می‌گیرد و جانکندن برایش سخت می‌گردد، فرزندانش به دور او گرد می‌آیند تا با او خداحافظی نموده و می‌گویند: بگو: «لا إله الا الله». اما وی فریاد می‌زند و ناله می‌کند. دوباره آنان کلمه «لا إله الا الله» را تکرار می‌کنند، ولی او فریاد می‌زند و می‌گوید: فلان منزل را این گونه درست کنید و در فلان باغ این درخت را بکارید و از فلان مغازه این چیز را بردارید، و پیوسته چنین می‌گوید تا این که جان می‌دهد.

آری، مُرد و باغ و مغازه را راه کرد تا وارثانش از آن‌ها بهره ببرند و حسرتش برای او باقی بماند.

داستان فرد می خوار

ابن قیّم می گوید: مردی که همنشین شراب خواران بود در حالت احتضار قرار گرفت، و چون زمان جدا شدن روح از جسّدش فرار رسید، یکی از اطرافیان به او نزدیک شد و گفت: فلانی! بگو: «لا إله الا الله».

اما چه راهش متغیر شده و رنگش عوض و زبانش سنگین شد. باز دوستش کلمه را تکرار نمود و گفت: ای فلان! بگو: «لا إله الا الله». اما او نگاه می انداخت و گفت: فلانی! نه... نه... اول تو بنوش سپس من من نوشم، اول تو بنوش سپس من من نوشم، و پیوسته این جمله را تکرار می کرد تا این که جان را به آفریدگارش سپرد!.

محمد بن مغیث فردی فاسق و شراب خوار بود و پیوسته عمرش را در می خانه بسر می برد. وقتی بیمار شد و لحظه مرگش فرا رسید و توانایی اش سُست گردید، یکی از اطرافیان از وی پرسید: آیا رمقی در بدنت مانده است؟ آیا می توانی برپاهایت بایستی؟ گفت: آری، اگر بخواهم می توانم تا می خانه بروم! آن فرد گفت: پناه بر خدا! کاش می گفتی: می توانم تا به مسجد بروم! آن گاه آن مرد به گریه افتاد و گفت: این بر من غالب شده است، نصیب هر فردی از روزگار آن چیزی است که بر آن عادت کرده است و من هرگز عادت نداشتم که به مسجد بروم.²

ابن ابی رواد می گوید: مردی، مرگش فرا رسید، اطرافیان کلمه لا إله الا الله را به او تلقین می کردند، اما بین او و گفتن این کلمه حایل شد و گفتن آن بر زبانش سنگین گردید، آنان کلمه را تکرار می کردند و او را به یاد الله می انداختند، چون نفس هایش به شماره افتاد، فریاد برآورد و گفت: من به لا إله الا الله کافرم و آنگاه فریادی زد و مُرد.

می گوید: وقتی او را دفن کردیم، در مورد او از اهلیش پرسیدم، آنان گفتند: وی شراب خوار بوده است.³

از سوء خاتم به الله، و بلکه از مادر خباثت ها و سرچشمه ناروایی ها و زشتی ها به الله پناه می بریم، چرا که هر کسی در دنیا شراب بنوشد، در آخرت از آن محروم می گردد و هر

1- الجواب الکافی لابن قیّم.

2- همان.

3- همان.

کس در دنیا شراب بنوشد، بر الله است تا او را از طینه الخبال بنوشاند. گفتند: یا رسول الله! طینه الخبال چیست؟ فرمود: «عرق و عصاره دوزخیان»¹.

مگر این که قبل از مرگش توبه کند و خداوند او را ببخشد. اما آنان که گرفتار موسیقی هستند، به هنگام مرگ گرفتار بلا و مصیبت خواهند شد.

بی نمازان

بی نمازان، جنایتکاران بزرگ و دست یاران شیطان هستند، فرق میان کفر و اسلام، نماز است، و وضعیت بی نمازان به هنگام مرگ سخت و رسوا کننده خواهد بود. ابن قیم می گوید: یکی از گناه کاران در حالت احتضار قرار گرفت، اطرافیان داد و فریاد سر داده و او را به یاد الله می انداختند و کلمه لا اله الا الله را به او تلقین می کردند. اما او اشک می ریخت و چون بیرون آمدن روحش فرا رسید، با صدای بلند فریاد بر آورد و گفت: لا اله الا الله بگویم؟ لا اله الا الله چه سودی برایم خواهد داشت؟! یاد ندارم که یک بار برای الله نماز بخوانم، آن گاه جان سپرد².

آیا جایزه هست که انسان به خاطر ضرر جانی یا مالی که به وی رسیده است، آرزوی مرگ کند؟ برای چنین فردی جایزه نیست که آرزوی مرگ کند، چون او نمی داند که شاید به دنبال این سختی وی، آسانی ای باشد؟ بلکه مناسب است تا دعای مأثوری که از آن حضرت علیه السلام نقل شده است را بر زبان آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ یک از شما به خاطر مصیبتی که به آن گرفتار می شود، آرزوی مرگ نکند. اما اگر چاره ای جز این ندارد، بگوید: خدایا! تا زمانی که زندگی به نفع من است، مرا زنده نگه دار و هنگامی که مرگ به نفع من است مرا بمیران».

و نیز فرمود: «هیچ یک از شما آرزوی مرگ نکند و قبل از فرارسیدن آن، برای آمدنش دعا نکند؛ زیرا هر گاه انسان بمیرد، عملش قطع می شود و عمر انسان چیزی جز خیر به وی نمی افزاید»³.

بیان ...

عمل انسان، نیک یا بد، در خاتمه نیک یا بد وی تأثیر دارد...

1- صحیح مسلم.

2- الجواب الکافی.

3- بخاری.

ایمان به مرگ

هر کس در مرگ بیندیشد، متوجه می‌گردد که این جامی بسیار بزرگ است که بر هر کس که ایستاده یا در حرکت است، دور می‌زند و بندگان را از زندگی دنیا به بهشت یا دوزخ می‌برد!

وای کاش که مرگ فقط محروم گردانیدن و جدایی اجسام و فراموش کردن زیباترین شب‌ها و روزها می‌بود، که در این صورت مرگ مشکل بزرگی بشمار نمی‌آمد، اما مرگ دروازه‌ای است که هر فرد در آن وارد می‌شود و مصیبت بزرگ آن است که پس از مرگ روی می‌دهد:

﴿فِي جَنَّتٍ وَنَهْرٍ﴾ [القمر: 54]. «در باغ‌ها و نهرها». ﴿فِي ضَلَالٍ وَسُعْرِ﴾ [القمر: 24]. «در گمراهی و عذاب».

مقتضای عدالت خداوند این است که اغلب، خاتمه بنده بر چیزی خواهد بود که بر آن زیسته و زندگی کرده است، پس هر کس در زندگی‌اش به ذکر و نماز و صدق و روزه اشتغال داشته است، خاتمه‌اش با نیکی‌ها خواهد بود، و هر کس از اعمال خیر، روی برتافت و اعراض نموده است، بیم آن می‌رود که خاتمه بدی داشته باشد!

مرگ چیست؟

مرگ یگانه چیزی است که موجودات، اعم از جن، انس و حیوان آن را می‌فهمند و نیازی به تعریف طولانی و شرح و تفصیل ندارد.

بنابراین، تعریف مرگ به طور خلاصه، جدا شدن روح از جسد است.

همچنین روح با مرگ از بین نمی‌رود، بلکه با جدا شدن از جسم، یا در نعمت بسر می‌برد یا مورد عذاب و شکنجه قرار می‌گیرد و گاهی این نعمت و عذاب مخصوص روح می‌شود و گاهی روح و جسد هر دو مورد انعام و اکرام یا عذاب و شکنجه قرار می‌گیرند.

ایمان داشتن به مرگ، متضمن ایمان داشتن به این است که نابودی همه مخلوقات، امری قطعی و یقینی است و هر نفسی باید طعم مرگ را بچشد.

خداوند می‌فرماید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص: 88]. «همه چیز جز ذات او

فانی و نابود می‌شود».

و نیز فرموده است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن: 26-27). «همه چیزه او هم کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می گردند. * و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می ماند و بس».

و نیز فرموده است: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ [آل عمران: 185]. «هرکسی مزه مرگ ار می چشد».

ابن عباس می گوید: رسول خدا فرمود: «خدایا! به عزت پناه می برم که معبودی غیر از تو نیست، تو ذاتی هستی که نمی میری و جن و انس می میرند!»¹.
مرگ به فرشته مرگ سپرده شده است.

«ملک الموت» فرشته مرگ کیست؟

هر یکی از فرشتگان خدای رحمن، وظیفه ای دارد که خداوند به او سپرده است، چنان که جبرئیل، مأمور آوردن وحی و میکائیل، فرشته مأمور باران و اسرافیل، مسئول دمیدن در صور است و برخی مأمور کوه ها و برخی دیگر مأمور مرگ هستند.

خداوند در قرآن کریم فرموده است: ﴿قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [السجدة: 11]. «بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، (به سراغتان می آید و) جان شما را می گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شود».

برای فرشته مرگ همکارانی وجود دارد. خداوند در این مورد فرموده است: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ [الأنعام: 61]. «و چون مرگ یکی از شما فرارسید، فرستادگان ما جان او را می گیرند، و کوتاهی نمی کنند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «آن گاه فرشته مرگ الملك می آید و بر بالینش می نشیند...»².
هیچ گاه فرشته مرگ، روح آدمی را قبل از فرارسیدن آن قبض نمی کند. لذا هر کدام اجل مشخصی دارد که باید آن را به پایان برساند، نه به آن اضافه می گردد و نه از آن کم می شود.

1- بخاری.

2- مسند احمد با سند صحیح.

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا﴾ [آل عمران: 145]. «و هیچ کسی را نرسد که بمیرد مگر به فرمان خدا و خداوند وقت آن را دقیقاً در مدت مشخص و محدودی ثبت و ضبط کرده است».

این اجل انسان زمانی نوشته و ثبت می گردد که انسان در شکم مادرش قرار گرفته است، آن گون که در حدیث آمده است:

«نطفه هر یک از شما مدت چهل روز در رحم مادر جمع می شود. سپس تا چهل روز دیگر، به شکل خون بسته در می آید. و بعد از چهل روز دیگر، به پاره گوشتی، تبدیل می شود. آن گاه، خداوند، فرشته ای را می فرستد و او را به نوشتن چه چیز، مأمور می کند. و می گوید: عمل، رزق، اجل و شقاوت یا سعادتش را بنویس».

هیچ کس نمی داند اجلش کجا فرامی رسد

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: 34]. «و هیچ کسی نمی داند فردا چه چیز فراچنگ می آورد، و هیچ کسی نمی داند که در کدام سرزمینی می میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر است».

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر گاه خداوند تبارک و تعالی بخواهد بنده ای را در جایی قبض روح کند، در آنجا برایش نیازی پیدا می کند»¹.

و این یک امری ملموس و قابل مشاهده است، چقدر انسان نام شری را می شنود، ولی فکر نمی کند که روزی بدانجا برود، اما خداوند در ازل مقدر نموده است که در آنجا بمیرد، لذا وقتی زمان مرگش فرا می رسد، به خاطر علاج، تجارت یا کاری دیگر او را بدانجا می برد و در آنجا روحش را قبض می کند.

یادآوری مرگ

آن حضرت ﷺ فرمود: «هضم کننده لذت‌ها - یعنی مرگ - را به کثرت یاد کنید»².
عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله ﷺ دستش را بر شان‌ها م گذاشت و فرمود: «در دنیا مانند مسافرو یا ره‌گذر، زندگی کن».

1- مسند احمد با سند صحیح.

2- ترمذی، نسایی و ابن ماجه با سند صحیح.

راوی می‌گوید: ابن عمر رضی الله عنهما می‌گفت: هنگامی که شب شد، منتظر صبح نباش. و هنگامی که صبح شد، منتظر شب نباش. و از وقت صحت، برای زمان بیماری، بهره‌برداری کن. همچنین در دوران زندگی، برای مرگ‌ات، آمادگی کن!¹

آیا ناگوار دانستن مرگ، به معنای ناگوار دانستن دیدار با خداست؟

حضرت عایشه رضی الله عنها در این مورد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید.

آن حضرت رضی الله عنها چنین پاسخ دادند: «هر کس دیدار با خدا را دوست داشته باشد، خداوند نیز دیدار با او را نیز می‌پسندد، و هر کس دیدار با الله را ناگوار بداند، خداوند نیز دیدار با او را ناگوار می‌داند. عایشه رضی الله عنها می‌گوید: من گفتم: یا رسول الله! منظور ناگوار دانستن مرگ است؟ هم ما مرگ را ناگوار می‌دانیم و آن را نمی‌پسندیم! آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این گونه نیست، بلکه هر گاه مومن به رحمت، بهشت و خشنودی الله مرزده داده شود، مشتاق دیدار و لقای الله می‌شود و هر گاه فرد کافر به عذاب و ناراضی الله مرزده داده شود، دیدار الله را ناگوار می‌داند»².

واقعیت...

بسیاری به فرار رسیدن مرگ یقین دارند،

اما آنان که برای آن خود را آماده می‌کنند، اندک‌اند.

1- بخاری.

2- صحیح مسلم.

آمادگی برای مرگ

باید بنده خود را قبل از فرارسیدن مرگ آماده کند، زیرا تردیدی نیست که مرگ بر ما فرود می‌آید و بر بزرگ و کوچک هجوم می‌آورد و بنده را مهلت نمی‌دهد و فرصتی برایش فراهم نمی‌کند تا حال و وضعیتش را بهتر کند.
بنابراین،

- انسان چگونه خود را برای مرگ آماده می‌کند؟
- اعمال سودمند پس از مرگ کدامند؟

درآمد

توبه و عمل صالح راهی است برای اصلاح فرد پس از مرگ.
خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰﴾ وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾﴾ [المنافقون: 10-11]. «و از چیزهایی که به شما داده‌ایم بذل و بخشش و صدقه و احسان کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما در رسد و بگوید: پروردگارا! چه می‌شود اگر مدت کمی مرا به تأخیر اندازی و زنده‌ام بگذاری تا احسان و صدقه بدهم و در نتیجه از مرهه صالحان و خوبان شوم؟* خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی‌اندازد هنگامی که اجلش فرا رسیده باشد. خداوند کاملاً آگاه از کارهایی است که انجام می‌دهید».

رسول خدا ﷺ فرمود: «پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بدان، جوانی را قبل از پیری، سلامتی را قبل از بیماری، توانگری را قبل از فقر، فراغت را قبل از کار و زندگی را قبل از مرگ»!

اعمالی که پس از مرگ نیز سودآور خواهند بود

تلاش کردن در تربیت فرزندان، تا افراد نیک و صالحی ببار آیند و پس از مرگش برای او دعا کنند و نیز کوشش در فراگیری علوم مفید و سودمند و نشر کردن آن و صدقات جاری که رسول خدا ﷺ همگی این موارد را در این حدیث جمع‌آوری نموده است:

1- روایت مستدرک حاکم با سند صحیح.

«هر گاه انسان بمیرد، عمل او جز از سه چیز قطع می‌گردد: صدقه جاریه، علمی که مفید و سودمند باشد، و فرزند نیک که پس از مرگش برای او دعای خیر کند»¹. یکی از صدقات جاریه که پس از مرگ، به فرد مسلمان ملحق می‌گردد، چیزی است که در این حدیث وارد شده است:

«یکی از اعمال که پس از مرگ، به مؤمن ملحق می‌گردد، علمی است که آن را به دیگران آموخته و نشرش کرده است، یا فرزند صالح و نیکی که آن را برجا گذاشته است، یا قرآن کریمی که آن را به ارث گذاشته است، یا مسجدی ساخته و یا ساختمانی که آن را برای مسافران بنا نموده است، یا نهری را روان ساخته، و یا صدقه‌ای که آن را در حیات و صحتش بیرون آورده است، که پس از مرگش به وی ملحق می‌شود»².

نوشتن وصیت نام

یکی دیگر از مواردی که انسان خود را برای مرگ آماده می‌کند، نوشتن وصیت نام است، و سنت است که انسان توصیه کند تا بخشی از مالش را صدقه نماید، چنان که برخی از صحابه به یک سوم و برخی دیگر به چهارم مالشان توصیه نموده‌اند و رسول خدا فرموده است:

«خداوند این اجازه را به شما داده است که به هنگام مرگتان به یک سوم اموالتان توصیه نمایید تا آن را صدقه کنید و به اعمال نیکتان افزوده گردد»³.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ، لَهُ شَيْءٌ يُرِيدُ أَنْ يُوصِيَ فِيهِ، يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ، إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ»⁴ «برای مسلمان روا نیست که قصد وصیتی داشته باشد و دو شب بیشتر بخوابد، مگر این که وصیتش را بنویسد و آن را در نزد خود نگه دارد».

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: از زمانی که این حدیث را از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام، هیچ شبی بر من نگذشته است، مگر این که وصیت نام خودم را نوشته و نزد خود نگه داشته‌ام⁵.

1- صحیح مسلم.

2- سنن ابن ماجه با سند حسن.

3- سنن ابن ماجه با سند حسن.

4- صحیح مسلم.

5- رواه الجماعة.

رابطه مرگ با روح

علما در مورد روح که در بدن انسان قرار دارد، اختلاف دارند. روح موجودی سبک و زنده است که در اعضای بدن مانند خون در رگ‌ها و روغن در زیتون جریان دارد، و حیات بدن به آن وابسته است، و نیز روح و نفس یک چیز و مسکن آنان بدن است، و هر گاه روح از بدن جدا شود، زندگی آدمی بسر می‌رسد.

روح مخلوق است، اما با جدا شدن از جسم نمی‌میرد، و مرگ ارواح به منزله جدایی و بیرون آمدن آن‌ها از اجساد است، اما نابود نمی‌شوند، بلکه پس از از بین رفتن جسد باقی می‌مانند و یا در نعمت و یا در عذاب بسر می‌برند.

حقیقت...

هر کس دیدار الله را بپسندد، الله نیز دیدار او را می‌پسندد،
و هر کس دیدار الله را ناگوار بداند، الله نیز دیدار او را ناگوار می‌داند.

احکام میت

امروزه با گسترش دانش و پیشرفت علوم پزشکی، نشان‌ه‌ها و علایم مرگ برای حاضران روشن گشته و به مرگش یقین می‌کنند.

اما گاهی انسان بدور از پزشک و دستگاه‌های پزشکی می‌میرد، بنابراین، لازم است تا انسان نشان‌ه‌های مرگ را بشناسد تا فرد مرده با کسی که بی‌هوش شده است، متمایز گردد.

بنابراین، مرگ، احکام شرعی و مسائل فقهی ویژه‌ای دارد که بر مسلمان دانستن این مسائل و علایم و کیفیت غسل و دفن لازم است. بنابراین،

- علایم مرگ کدامند؟
- غسل و کفن میت چگونه است؟
- کیفیت نماز و دفن میت چگونه است؟

نشان‌ه‌های مرگ

مرگ نشان‌ه‌هایی دارد که بر میت ظاهر می‌گردند و برخی از آن‌ها عبارتند از:

- خیره شدن چشم‌ها، گویا چشم به بالای خود نگاه می‌کند که چیزی به دور رفته است.
- کج شدن بینی به راست یا چپ.
- سست شدن فک پایین در اثر سست شدن اعضای بدن در اغلب.
- سرد شدن جسم در اغلب.
- سکون قلب و بازماندن ضربات آن.

بنابراین، هرگاه این علامات یا پاره‌های از آن‌ها ظاهر گردید، دلیل بر مرگ بوده و وقوع آن نزدیک است.

بردن جنازه به سوی قبرستان

مستحب است که جنازه را زود تج‌ه‌یز نموده و به قبرستان ببرند. رسول الله ﷺ فرمود: «هنگامی که جنازه آماده می‌شود و مردان آن را بر روی شان‌ه‌ایشان می‌گذارند، اگر شخص نیکی باشد، می‌گوید: مرا زودتر ببرید. اگر شخص ناصالحی باشد، به فغان و

نالہ درمی آید و می گوید: وای بر من، مرا کجا می برید؟ این آه و فغانش را بجز انسان، هر چیز دیگری نمی شنود. و اگر انسان ه آن را بشنوند، بی هوش می افتند»¹!

همچنین سنت است که میت را زود تجهیز نموده و به دفنش اقدام نمایند. چنان که رسول خدا فرمود: «در تجهیز و تدفین جنازه شتاب کنید، زیرا اگر نیک است، پس او را به سوی خیر می برید و اگر غیر از این است، پس چیز بدی را از گردن ایتان پایین می گذارید»².

سه چیز میت را همراهی می کنند

انسان در زندگی اش به برخی امور اهمیت داده و اهتمام می ورزد، از قبیل: جمع مال، خرید اثاث و کالا، به دست آوردن ماشین های خوب، منزل و مسکن مرفه. همچنین به زن، فرزند و خانواده توجه خاصی مبذول می دارد و به کارش نیز اهمیت می دهد، چه کار خوبی باشد یا کار بدی.

اما هر گاه انسان بمیرد، سه چیز او را همراهی می کند، اموالش از قبیل: ماشین و... خانواده اش از قبیل برادران و فرزندان، و عملش، اعم از این که نیک بوده است یا بد. وقتی او را دفن می کنند، دو مورد باز می گردند و یکی با او می ماند.

آری، اهل و خانواده و مال و دوستان باز می گردند و عمل با او باقی می ماند و در قبر با او داخل می شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «سه چیز میت را همراهی می کند، آن گاه دو تا باز می گردند و یکی باقی می ماند: اهل، مال و عمل او را همراهی می کنند و آن گاه اهل و مال باز می گردند و عمل باقی می ماند»³.

همین که روح میت از بدن جدا می شود، از حیات دنیا به حیات برزخی منتقل می شود.

بنابراین، حیات برزخی یعنی چه؟ اوضاع و احوال ساکنان قبور چگونه است؟
به یاری الله در صفحات آینده در این مورد بحث خواهیم کرد.

وقفه...

ای دریغاهای...

ما در دنیا به اموری اهمیت می دهیم که از ما پشت می کنند

1- صحیح بخاری.

2- صحیح مسلم.

3- صحیح مسلم.

و از آنچه در قبر با ما همراه می شود، غفلت می ورزیم.

عالم برزخ

برزخ حد فاصل میان دو چیز را می گویند، چنان که خداوند در مورد دریای شورو شیرین فرموده است: ﴿بَيْنَهُمَا بَرْزُخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ [الرحمن: 20]. «یعنی بین دریای شورو شیرین حایلی قرار دادیم که با هم مخلوط نشوند».

بنابراین، عالم برزخ حایلی است که بین دنیا و جهان آخرت فاصله انداخته است و فاصله میان مرگ انسان تا زنده شدن را برزخ می نامند، اعم از این که در قبر دفن شود یا سوخته شود یا در دریا غرق شود و یا درنده ای او را بخورد یا ...

پس هر کس بمیرد، او در عالم برزخ قرار دارد و تا روزی که مردگان زنده می شوند در این عالم بسر می برد. خداوند می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ [الرحمن: 99-100]. «و زمانی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد، می گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گرانید. * تا این که کار شایسته ای بکنم و فرصت‌ایی را که از دست داده‌ام جبران نمایم. نه! (هرگز راه بازگشتی وجود ندارد). این سخنی است که او بر زبان می راند. درپیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که برانگیخته می شوند»

قبر

قبر، منزل و مسکن انسان است که تا روز قیامت در آن بسر می برد، و از زمانی که فرزند آدم، برادرش را گشت و او را در زمین دفن کرد، انسان با قبر آشنا شده است. نیکان به هنگام زیارت قبور پند و اندرز می گیرند و چشمانشان اشکبار شده و دل‌هایشان نرم و فروتن می گردد؛ زیرا می دانند که روزی در آن سکونت خواهند کرد.

بنابراین،

- قبر یعنی چه؟
- حال انسان در آن چگونه خواهد بود؟
- چرا پیامبر ﷺ به ما دستور داده است تا به زیارت قبور برویم؟

داستان

عمر بن عبدالعزیز در تشییع جنازه یکی از بستگانش حضور یافت و پس از آن که میت را دفن کردند، روبه مردم کرد و گفت:

ای مردم! قبر مرا صدا زد و گفت: ای عمر بن عبدالعزیز! آیا از من نمی‌پرسی با دوستان چگونگی رفتار کردم؟ گفتم: بلی، گفت: کفن‌ها را دریدم، بدن‌ها را پاره کردم، خون‌ها را مکیدم و گوشت‌ها را خوردم.

آیا نمی‌پرسی با پیوندها و مفصل‌های بدن چکار کردم؟ گفتم: بلی، گفت: کف دست‌ها را از بازوها و بازوها را از عضدها و عضدها را از شان‌ها، و مفاصل ران‌ها و زانوها و ساق‌ها و قدم‌ها را از همدیگر جدا کردم!.

آن‌گاه عمر بن عبدالعزیز به گریه افتاد و گفت: آگاه باشید، همانا بقای دنیا اندک است و جوانی‌اش پیر می‌شود و زنده‌اش می‌میرد، بنابراین، مغرور و فریب خورده کسی است که به دنیا دچار غرور و فریب شود.

کجایند ساکنان زمین که مدائن و شهرها را بنا کردند، خاک با اجساد آنان و کرم‌ها با بندها و استخوان‌هایشان چه کردند، آنان در دنیا بر تخت‌های گسترده، فرش‌های منظم بسر می‌بردند، خدمتگزاران، آنان را خدمت کرده و اهل و خانواده گرامی‌شان می‌داشتند! وقتی از کنار آنان می‌گذری آنان را صدا بزنی، ببین قبره‌ایشان چقدر با خان‌هایشان نزدیک است، از ثروتمندشان بپرس که از سرمای‌هایشان چه مانده است و از فقیر بپرس از فقرش چه مانده است؟!.

از زبان‌هایشان بپرس که با آن سخن می‌گفتند، و از چشمانشان که با آن به اشیای دیدنی و لذت‌ها می‌نگریستند، و از پوست‌های نازک، چه‌ره‌های زیبا و بدن‌های نرم‌شان بپرس که کرم‌ها با آن‌ها چکار کردند؟ رنگ‌های زیبا نابود شده، گوشت‌ها خورده شده، چه‌ره‌ها خاک گشته، محاسن از بین رفته، گردن‌ها شکسته شده، اعضا ظاهر شده و و مفاصل در هم شکسته‌اند.

خدمتگزاران و بردگان‌شان کجایند؟ سرمای‌ها و گنج‌هایشان کجایند؟ سوگند به الله که برایشان فرشی نگسترانیدند و بالشت و متکایی تدارک ندیدند! آیا آنان در منازل تن‌هایی و دشت‌های زیر زمین بسر نمی‌برند؟ آیا شب و روزشان یکسان نیست؟ آیا بین آنان و عمل فاصله ایجاد نشده است؟ و آیا از دوستان و خانواده‌هایشان جدا نشده‌اند؟

زنانشان شوهر کردند، فرزندانشان در کوچه‌ها دور می‌زنند، و خویشاوندان زمین‌ها و سرمای‌ه‌شان را تقسیم کردند! قبر برخی از آنان بی‌نهایت فراخ و وسیع گشته و در نعمت‌ها و لذت‌ها بسر می‌برند.

آنگاه عمر به گریه افتاد و گفت: ای کسی که فردا در قبر بسر می‌بری! چه چیزی از دنیا تو را فریب داده است؟ کجایند پینه‌های لباس‌هایت؟ کجایند خوشبوها و عطریاتت! با سختی‌های روزگار چگونه‌ای؟ ای وای! کرم‌ها اول کدام یک از دو گونه‌ات را از بین می‌برد؟ ای وای! از آن چیزی که ملک الموت برای بیرون بردن من از دنیا با من برخورد می‌کند و نام‌ه‌پروردگارم را برایم می‌آورد؟!

آن گاه به سختی گریست و به خان‌هاش بازگشت و پس از یک هفته وفات کرد. خدایش رحمت کند.

اندرزه...

قبر خان‌ه‌توست...

خواه آبادش کنی یا ره‌ایش کنی.

حال انسان در قبر

قبر محل حوادث است، پیامبرمان ﷺ از خبر داده است، تا خود را آماده سازیم، و وضعیت مردم در اثر حالت‌های گوناگونشان در دنیا متفاوت خواهد بود...
رسول خدا ﷺ احوال میت، بیرون آمدن روح، حضور فرشتگان، چگونگی دروازه‌ای بهشت به روی مؤمنین باز می‌شود و به روی غیر مؤمنان بسته می‌شود و... همه این موارد را با تفصیل بیان نموده است.
بنابراین،

- تفاوت مؤمن با غیر مؤمن چیست؟
- روح با جسد چه ارتباطی دارد؟

حال مؤمن

براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: ما به همراه رسول خدا ﷺ برای تشییع جنازه‌ای بیرون رفتیم، آن حضرت ﷺ در کنار قبر نشست، ما نیز در اطراف آن نشستیم، گویا بر سرمان پرندگان نشست‌هاند و پیامبر ﷺ او را در لحد می‌گذاشت.

آن حضرت ﷺ فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه ببرید». ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می‌بریم. باز فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه ببرید». ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می‌بریم. مرتبه سوم فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه ببرید» و ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می‌بریم.

آن‌گاه فرمود: «ه‌مانا وقتی بنده مؤمن از دنیا جدا شده و رهسپار آخرت می‌گردد، فرشتگانی سفید رو، گویا چه‌ره‌ه‌ایشان بسان خورشید می‌درخشد، به نزد او فرود می‌آیند، و با خود از کفن‌ها و خوشبو‌های بهشت همراه دارند و دور از وی می‌نشینند (و منتظر بیرون آمدن روح او می‌شوند).

آن‌گاه فرشته مرگ می‌آید و بر بالینش می‌نشیند و می‌گوید: ای روح پاکیزه! بیرون بیا! به طرف مغفرت و خوشنودی الله بیرون بیا. آن‌گاه روح بیرون می‌آید و مانند قطره‌ای که از مشکیزه روان می‌گردد، روان می‌شود! آن‌گاه فرشته مرگ آن را بر می‌دارد ولی آن فرشتگان به اندازه یک چشم به هم زدن مجال نمی‌دهند و آن روح را از او

می گیرند و در آن کفن‌ها و خوشب‌ها قرار می دهند و مانند خوشبوترین خوشبویی که در زمین یافت شده است، از آن بیرون می آید.

سفری به آسمان

در ادامه آن حضرت ﷺ فرمود: آن را بالا می برند، و از کنار هر گروهی از فرشتگان که عبور می کنند، آن‌ها می پرسند: ای چه خوشبویی ای است؟ آنان می گویند: این فلانی فرزند فلانی است و از او با بهترین نام‌هایش که در دنیا او را نام می بردند، یاد می کنند تا این که به آسمان اول می رسند، و اجازه ورود می خواهند و دروازه آسمان اول برایش گشوده می شود و مقربان هر آسمان وی را تشییع می کنند تا این که به آسمان هفتم می رسد و خداوند می فرماید: نام بنده‌ام را در علین بنویسید و سپس او را به زمین بازگردانید؛ زیرا من آن‌ها را از زمین آفریدم و دوباره آن‌ها را به آن باز می گردانم و سپس بار دیگر از آنجا بیرونشان می کنم.

آن گاه دومرتبه روحش در جسد وی باز می گردد و دو فرشته به نزد او می آیند و او را می نشانند و از او می پرسند؟ پروردگار تو کیست؟ می گوید: پروردگار من الله است. می پرسند؟ دین تو چیست؟ می گوید: دین من اسلام است. می پرسند: این فردی که به سوی شما مبعوث گردید، که بود؟ می گوید: رسول الله. می پرسند: علمت چیست؟ می گوید: کتاب خدا را خواندم و به آن ایمان آوردم و تصدیقش کردم.

آن گاه منادی‌ای از آسمان ندا می دهد: بنده‌ام راست گفت، برایش در بهشت فرش بگسترانید و از لباس‌های بهشت او را بپوشانید و دروازه‌ای از بهشت را به رویش بگشایید.

آن گاه از نسیم و خوشبویی بهشت به او می رسد و تا آخرین نگاه چشم در قبرش وسعت داده می شود و مردی خوب صورت، خوش لباس و خوشبو به نزد وی می آید و می گوید: مژده بگیر به چیزی که تورا شادمان می گرداند. این همان روزی است که به تو وعده داده می شد! می پرسد: تو کیستی، زیرا سیمایت از خیر حکایت دارد؟ می گوید: من عمل نیک تو هستم، به خدا سوگند! تو در انجام طاعات و نیکی‌ها می شتافتی و در معصیت و نافرمانی الله گنبد بودی. پس الله به تو جزای خیر داد.

آری، به او می گوید: من عمل نیک تو هستم، مگر عمل نیک وی چه بود؟ اعمال نیک او عبارت بودند از: نماز و روزه، نیکوکاری و صدقه، گریه و خوف الله، حج و عمره، قرائت قرآن و محبت الله، سحر خیزی و خواندن نماز شب برای الله، روزه

گرفتن در روزها و ترس از خدای جبار، نیک رفتاری با والدین و تحصیل علم، دعوت الی الله و جهاد فی سبیل الله، اینها بودند اعمال نیک او.

وقتی مؤمن این سیمای زیبا و نورانی را می بیند که او را مژده می دهد و شادمان می گرداند و به پیرامونش می نگرد و می بیند که قبرش فراخ گشته و رختخواب‌های بهشت در آن گسترده شده است، به لباس‌هایش می نگرد که از بهشت برایش تدارک دیده شده‌اند، می داند که این نعمت‌ها در برابر آنچه در بهشت در انتظار او هستند، ناچیز و حقیرند، لذا می گوید: خدایا! قیامت را برپا کن تا به اهل و خانواده‌ام باز گردم.

حال کافرو گناه کار

آن گاه آن حضرت ﷺ فرمود: همانا وقتی بنده کافرو فاسق از دنیا جدا می شود و راهی آخرت می گردد، فرشتگانی سیاه رنگ که با خود لباس‌هایی خشن دارند، فرود می آیند و با فاصله دوری از وی می نشینند.

آن گاه فرشته مرگ بر بالینش می نشیند و می گوید: ای روح خبیث! به سمت خشم و ناراضی الله بیرون بیا، و آن در جسدش متفرق می شود. سپس آن را مانند آهنی که از پشم‌های خیس شده می کشند، روحش را از بدنش بیرون می آورند، در این هنگام همه فرشتگانی که در بین زمین و آسمان قرار دارند و فرشتگان آسمان او را نفرین می کنند.

آن گاه فرشته مرگ او را می گیرد و بلافاصله آنان او را از دست وی می گیرند و او را در آن پارچه‌های خشن قرار می دهند و روح بسان بدبوترین حیوان مرده‌ای که بر روی زمین بوده است، از جسد بیرون می آید و او را بالا می برند و بر هیچ جمعی از فرشتگان عبور نمی کنند، مگر اینکه آنان می گویند: این روح خبیث و ناپاک چیست؟ آنان می گویند: این فلانی فرزند فلانی است و از او به بدترین نامی که در دنیا داشته است، اسم می برند تا این که به آسمان دنیا می رسند و می خواهند تا دروازه آسمان را به رویشان بکشایند، اما دروازه برایشان گشوده نمی شود. آن گاه رسول خدا این آیه را تلاوت فرمود: ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾ [الأعراف: 40]. «دره‌ای آسمان بر روی آنان باز نمی گردد و به بهشت وارد نمی شوند مگر این که شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد».

آن گاه خداوند می فرماید: نام‌هاش را در «سجین» پایین‌ترین طبقه زمین بنویسد. در این هنگام روحش به سختی پایین انداخته می شود. در این هنگام رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ

الرَّيْحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿[الحج: 31]﴾ «کسی که برای خدا انبازی قرار دهد، انگار از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان داده است) و پرندگان (تکّه‌های بدن) او را می‌ربایند، یا این که تندباد او را به مکان بسیار دوری (ودره ژرفی) پرتاب می‌کند».

آن گاه دوباره روحش به جسد باز می‌گردد و دو فرشته به نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و از او می‌پرسند: پروردگارت کیست؟ او می‌گوید: های، های، نمی‌دانم، آنان می‌پرسند: دینت چیست؟ می‌گوید: های، های، نمی‌دانم! باز می‌پرسند: این مردی که به سوی شما مبعوث گردید، کیست؟ می‌گوید: های، های، نمی‌دانم! آنان می‌گویند: ندانستی و از حق هم پیروی نکردی!

آن گاه فرشته‌های آسمان ندا می‌دهد و می‌گوید: دروغ می‌گویند، پس برایش فرشی از آتش بگسترانید و دروازه‌های آتش برویش بکشایید، آن گاه از گرما و سوزش آتش به او می‌رسد و چنان قبرش تنگ می‌گردد که پهلوه‌ایش شکسته و دردم فرو می‌روند و آن گاه مردی زشت رو و بدبو، با لباس‌هایی پلید و زشت به نزد او می‌آید و می‌گوید: مژده باد تو را به آن روزی که وعده داده شده‌ای و تو را ناراحت می‌کند، تو در اطاعت الله گُند و در معصیت و نافرمانی الله چالاک بودی، و خداوند تو را بدترین جزا داد. می‌پرسد: تو کیستی؟ زیرا چه‌رهات از شر و بدی حکایت دارد؟ می‌گوید: من عمل بد تو هستم.

آری، می‌گوید: من عمل زشت تو هستم! مگر عمل بدش چه بود؟
عمل بد وی شرک، سوگند به غیر الله، طواف قبور، نوشیدن شراب، زنا و فحشا، ربا، گوش دادن به موسیقی بود، او در برابر افراد خیر خواه متکبر، و بر رب العالمین جسور و بی‌باک بود!

در این لحظه بنده حسرت می‌خورد، ولی آیا حسرت خوردن دردش را درمان می‌کند؟! سخت نادم و پشیمان می‌گردد و آیا ریختن اشک برایش سودمند خواهد بود؟! چرا آن گاه که به محرمات می‌نگریستی و مرتکب فحشا و منکر می‌شدی، اشک نمی‌ریختی؟ چقدر تو را نصیحت کردند که از شرمگاهت حفاظت کن، چشم و گوشت را حفظ کن؟! اینک گریه بکنی یا خیر، از عذاب‌هایی نخواهی یافت. ﴿أَصْلَوْهَا فَأَصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾﴾ [الطور: 16]. «به آتش وارد شوید و بدان بسوزید، چه شکیبایی هم کنید و چه بیتابی، به حال شما تفاوتی نمی‌کند. چرا که تن‌ها برابر کارهایی که خودتان کرده‌اید کیفر داده می‌شوید».

در این هنگام این بنده مسکین متوجه می‌گردد که آنچه پس از قبر با آن برخورد می‌کند، سختتر و شدیدتر خواهد بود.

آن حضرت علیه السلام فرمود: «وی می‌گوید: خدایا! قیامت را برپا نکن، آن گاه فردی لال، کر و کور بر قبرش گماشته می‌شود که چکشی در دست دارد که اگر کوهی را با آن بزند، خاک می‌شود، با آن چکش چنان ضرب‌های به او می‌زند که به خاک تبدیل می‌شود، باز دو مرتبه خداوند او را به همان حالت اولی باز می‌گرداند و سپس ضرب‌های دیگر بر او وارد می‌کند که در اثر آن صدا و ناله‌ای بر می‌آورد که جز جن و انس، همه موجودات آن را می‌شنوند!»^۱

وضعیت مردم در قبره‌ایشان این گونه خواهد بود و وقتی مؤمن از آن با خبر می‌شود، خود را آماده می‌کند و به آن ایمان می‌آورد و آرزو می‌کند که قبرش باغی از باغ‌های بهشت گردد، لذا بیشتر به انجام کارهای نیک مبادرت می‌ورزد.

دعا...

خدایا! قبره‌ایمان را باغی از باغ‌های بهشت بگردان،
و ما را از گودالی‌های آتش نجات بده.

رابطه روح و جسد

عذاب قبر و نعمت‌های آن حقیقتی انکار ناپذیر است که همه بندگان آن را خواهند دید، چه در قبر دفن شود یا خیر.
بنابراین،

- آیا عذاب قبر به روح مربوط است یا جسد؟
- محل استقرار ارواح کجاست؟
- ارواح مؤمنین و ارواح کفار کجا خواهند بود؟

درآمد

جز خداوند کسی از حقیقت و طبیعت روح خبر ندارد، چنان که خداوند می‌فرماید:
﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الإسراء: 85]. «از تو (ای محمد) درباره روح می‌پرسند (که چیست). بگو: روی چیزی است که تن‌ها پروردگرم از آن آگاه است و جز دانش اندکی به شما داده نشده است.»

عذاب یا نعمت‌های قبر به روح مربوط می‌شوند، چه پس از دفن با جسد متصل باشد یا خیر، مانند این که جسد بسوزد یا پاره پاره گردد. لذا روح، یا عذاب خواهد دید و یا در نعمت خواهد بود، بدون این که نیازی به جسد داشته باشد، از این رو، این روح است که نعمت یا عذاب را احساس می‌کند.

محل استقرار ارواح کجاست؟

پاسخ: محل استقرار مردم پس از مرگ متفاوت خواهد بود، چنان که برخی در بهشت و برخی در دوزخ و برخی در زمین و برخی در جایی دیگر خواهند بود.

ارواح انبیا

ارواح انبیا در حیات برزخی با رفیق اعلی، یعنی در اعلی علیین خواهد بود، چنان که رسول خدا ﷺ در شب معراج با آن‌ها ملاقات فرموده و روح حضرت آدم در آسمان اول، یحیی و عیسی در آسمان دوم، یوسف در آسمان سوم، ادريس در آسمان چهارم، هارون در آسمان پنجم، موسی در آسمان ششم و حضرت ابراهیم در آسمان هفتم بود!

ارواح ش‌ه‌دا

اما ارواح ش‌ه‌دا در زمان حیات برزخی در شکم پرنندگان سبز خواهد بود. از رسول خدا ﷺ در مورد این آی‌ه سوال شد: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَّقُونَ﴾ [آل عمران: 169]. «و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شود».

آن حضرت ﷺ فرمود: «ارواح آن‌ها در شکم پرنندگان سبز رنگ خواهند بود که در چراغ‌هایی که بر عرش آویزان هستند، قرار دارند و از هر جای به‌شت که بخواهند، می‌چرند و سپس به آن قندیل‌ها و چراغ‌ها باز می‌گردند. خداوند به سوی آن‌ها توجه نموده و می‌فرماید: آیا چیزی می‌خواهید و به چیزی اشت‌ها دارید؟ می‌گویند: چه چیزی اشت‌ها بکنیم در حالی که ما از هر جای به‌شت می‌چریم؟ خداوند تا سه بار سؤالش را تکرار می‌کند و وقتی می‌بینند که خداوند آن‌ها را نمی‌کند تا از او چیزی نخواهند، می‌گویند: خدایا! می‌خواهیم به اجسادمان بازگردیم و بار دیگر در راه تو کشته شویم. وقتی بینند که خواسته‌ای ندارند، ره‌ها می‌شوند!».

تفصیل احوال ش‌ه‌دا

جعفر بن ابی طالب ؑ، پسر عموی رسول الل‌ه ﷺ در حیات برزخی خود، دو بال دارد و همراه فرشتگان در به‌شت پرواز می‌کند.

جعفر ؑ برادر علی ؑ است، او و همسرش جزء مسلمانان نخستین اسلام به‌شمار می‌روند. عمرش از بیست و یک سال تجاوز نکرده بود که آزارها و شکنجه‌های گوناگونی را در مکه متحمل گردید. آن حضرت ﷺ به او اجازه داد تا به حبش ه‌جرت کند.

جعفر ؑ با این که در مکه در نزد قومش، فردی دارای جاه و منزلت بود، با خانواده‌اش به سرزمینی دور دست و نا آشنا، سرزمینی که او را نمی‌شناخت، و قبایلی که او آن‌ها را نمی‌شناختند، و زبانی که با آن آشنا نبود و آن را نمی‌فهمید، ه‌جرت کرد. سه سال در حبش ماند و آن گاه در میان‌شان شایع گردید که مردم قریش اسلام را پذیرفته‌اند، لذا با خانواده‌اش به حبش بازگشت، اما متوجه گردید که قریش اسلام

نیاورده‌اند و هنوز بر کفر خویش قرار دارند، لذا دو مرتبه رسول خدا ﷺ او را به حبشه باز گرداند. او به حبشه باز گشت و هفت سال خود را کامل گردانید.

وقتی رسول خدا ﷺ خیبر را فتح کرد، فردی را به حبشه فرستاد تا آنان را خبر دهد که به مدینه باز گردند. وقتی وارد مدینه شدند، آن حضرت ﷺ با دیدن جعفر ﷺ سخت شادمان گردید. در روایات آمده است که پیامبر ﷺ پیشانی اش را بوسید و او را آغوش کرد و فرمود: «نمی دانم از کدام امر شادمان ترم، از فتح خیبر یا بازگشت جعفر»؟

حضرت جعفر ﷺ شباهت زیادی با رسول خدا ﷺ داشت، چنان که به جعفر می فرمود: «توبه سیرت و صورت من شباهت دارد»!

رفتن جعفر به غزوه موت

هنوز جعفر ﷺ به خوبی در مدینه استقرار نیافته بود که به رسول خدا ﷺ خبر رسید که روم لشکر بزرگی را برای نبرد با مسلمانان آماده کرده است.

لذا رسول خدا ﷺ لشکری را برای رویارویی رومیان آماده کرد و زید بن حارثه ﷺ را امیر لشکر قرار داد و فرمود: اگر وی شهید شد، جعفر ﷺ را امیر خود قرار دهید و اگر جعفر ﷺ شهید شد، عبدالله بن رواح ﷺ را امیر خود سازید.

لشکری سه هزار نفری آماده شد و با رسول خدا ﷺ خدا حافظی نموده و رهسپار گردیدند.

مسلمانان به موت رسیدند و در رویارویی لشکر روم که صد هزار جنگجو بودند، قرار گرفتند. نبرد در گرفت و زید بن حارثه ﷺ پرچم را به دست گرفت و شهید شد، آن گاه جعفر ﷺ آن را به دست راست خود گرفت و وارد معرکه شد و چون نبرد به اوج خود رسید، در حالی که این اشعار را می سرود، از اسبش پایین آمد:

يا حبذا الجنة واقترابها طيبة وبارد شرابها

والروم روم قد دنا عذابها كافرة بعيده انسابها

على إن لا قيتها ضرابها

«چه خوب است بهشت و نزدیک شدن به آن، نوشیدنی آن پاک و گوارا است».
«روم، روم است و عذابش نزدیک شده است و آنان کافرند و از نسب‌های دری هستند».

«بر من لازم است که هر گاه با آنان برخورد کنم، آنان را مورد ضرب و هجوم قرار دهم».

بنابراین، همچنان که جعفر علیه السلام پرچم را به دست راست گرفت، با شمشیرش می‌جنگید تا این که از طرف رومیان ضرب‌های به دست راستش وارد گردید و دستش قطع گردید، بلافاصله پرچم را با دست چپ گرفت و دست چپش نیز قطع گردید، آنگاه پرچم را با بازوهایش گرفت، و در حالی که سی سال از عمرش نگذشت، ش‌هید شد.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: جعفر علیه السلام را در حالی که ش‌هید شده بود، دیدم که نود ضرب شمشیر، نیزه و تیر بر پیکرش وجود داشت و به خدا سوگند که یک ضرب به بر پشتش نداشت. آن گاه عبدالله بن رواح رضی الله عنه پرچم را به دست گرفت و او نیز ش‌هید شد. در این هنگام خالد بن ولید پرچم را برداشت و لشکر را به عقب نشینی وادار کرد.

خبرش‌ها در مدینه

این داستان مجاهدین م‌وت‌ه بود، اما داستان مدینه را حضرت انس رضی الله عنه این گ‌ونه بازگو می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزد ما آمد و بالای منبر تشریف برد و فرمود: «آیا شما را از لشکر مجاهدین خبر ندهم؟» ما گفتیم: بل‌ه، فرمود: «پرچم را زید به دست گرفت و ش‌هید شد، برایش آ‌مرزش بخواهید». ما گفتیم: خ‌دایا! او را ببخش و بر او رحم کن. باز فرمود: «پرچم را جعفر بدست گرفت و او نیز ش‌هید شد، برایش آ‌مرزش بخواهید». باز ما گفتیم: خ‌دایا! او را ببخش و بر او رحم کن. سپس فرمود: «پرچم را عبدالله بن رواح بدست گرفت و او نیز ش‌هید شد، برایش آ‌مرزش بخواهید». ما گفتیم: خ‌دایا! او را ببخش و بر او رحم کن. پیامبر نیز برای آن‌ه آ‌مرزش طلبید و آن گاه از منبر پایین آمد و به خان‌ه جعفر رفت.

اسما دختر عمیس، ه‌مسر جعفر می‌گوید: من فرزندانم را ش‌سته و سره‌ایشان را روغن زده و آ‌ردم را خمیر کرده و منتظر آ‌مدن جعفر بودم که ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل ما تشریف آورد و فرمود: «فرزندانم را برایم صدا بزن».

اسما می‌گوید: آن‌ه را در حالی که مانند جوجه بودند، به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردم و وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدند، برای رسیدن به نزد وی از ه‌مدیگر سبقت می‌گرفتند و خود را به وی آ‌ویزان کرده و او را می‌بوسیدند. و آن حضرت صلی الله علیه و آله پیوسته بر سر آنان دست می‌کشید و گری‌ه می‌کرد.

اسما می‌گوید: من گفتم: یا رسول الله! مگر از طرف جعفر خبری به‌تورسیده است؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله خاموش ماند. باز من گفتم: مگر از طرف جعفر خبری به‌تورسیده است؟

فرمود: جعفر ش‌هید شده است. من گفتم: فرزندان جعفر یتیم شدند، فرزندان جعفر یتیم شدند.

رسول خدا ﷺ فرمود: آیا برایشان از فقر می‌ترسی؟ من در دنیا و آخرت دوست و یاور آن‌ها هستم. آن‌گاه رسول خدا ﷺ از آنجا بیرون آمد و فرمود: «باید زنان گریه‌کننده برای جعفر گریه‌کنند»!

آن‌گاه رسول خدا ﷺ به خان‌هاش بازگشت و فرمود: «برای آل جعفر غذایی درست کنید؛ زیرا برایشان مصیبتی رسیده است که آنان را به خود مشغول ساخته است».² آری، جعفر ش‌هید شد و از اهل و مالش جدا شد، اما وارد بهشتی گردید که پهنای آن به اندازه آسمان و زمین است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «جعفر را در بهشت دیدم که بال‌هایی آلوده به خون داشت و با آن‌ها همراه با فرشتگان پرواز می‌کرد».³

حمزه نیز این‌گونه است

رسول خدا ﷺ، سیدالش‌هدا، حمزه بن عبدالمطلب ﷺ را در حیات برزخی دید که بر تختی تکیه‌زنده است. آن حضرت ﷺ فرود: «دیشب وارد بهشت شدم و به آن نگریستم و جعفر ﷺ را دیدم که در بهشت پرواز می‌کند و حمزه ﷺ بر تختی تکیه‌زنده است».⁴

برخی از ارواح ش‌هیدان در بهشت

برخی از ارواح ش‌هیدان در بهشت بسر می‌برند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «ش‌هیدان بر کناره‌ن‌ه‌ری در بهشت در زیر خیمه‌ای سبز رنگ قرار دارند و صبح و شام روزی‌شان از بهشت به آنان می‌رسد».⁵

1- الاستیعاب لابن عبدالبر، 1/243.

2- مسند احمد و سنن ترمذی با سند صحیح.

3- معجم الاوسط طبرانی و مستدرک حاکم با سند صحیح.

4- مستدرک حاکم با سند صحیح.

5- مسند احمد و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم. حاکم گفته است: این حدیث به شرط شیخین صحیح است.

ارواح مؤمنان غیرش‌ه‌دا

رسول خدا ﷺ فرمود: «روح مؤمن از درخت به‌شت می‌خورد تا این‌که خداوند در روز قیامت او را به جسدش بازگرداند!»¹

بنابراین، ارواح مؤمنین در حیات برزخی بسان پرندگان خواهد شد که از درختان به‌شت می‌خورند.

آیا ارواح مؤمنان ه‌مدیگر را در به‌شت می‌بینند؟

آری، در به‌شت ارواح مؤمنان ه‌مدیگر را ملاقات می‌کنند و به زیارت یکدیگر می‌روند و با ه‌مدیگر سخن می‌گویند. رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی مؤمن در حالت احتضار قرار می‌گیرد، فرشتگان با تک‌ه‌پارچه‌ای از ابریشم نرم و سفید به نزد او حاضر می‌شوند و می‌گویند: درحالی‌که خشنود هستی و از تو نیز خشنود گشت‌ه‌اند، به سوی روح و ریحان و پروردگاری‌که عصبانی نیست، بیرون بیا»².

آن‌گاه با حالت خوشبوترین عطر از جسد بیرون می‌آید و فرشتگان او را دست به دست می‌گیرند تا این‌که به دروازه آسمان می‌رسند و اهل آسمان می‌گویند: این خوشبوترین بویی‌که از زمین آورده‌اید، چیست؟ آن‌گاه ارواح مؤمنان را می‌آورند که با دیدن او شادمانتر می‌گردند بسان از کسی‌که عزیزش از سفر باز گردد. آنان از او می‌پرسند: فلانی فرزند فلانی چه شد؟ فلانی چه شد؟ باز با ه‌مدیگر می‌گویند: او را بگذارید؛ زیرا او هنوز در اندوه و رنج دنیا بسر می‌برد³. و وقتی او می‌گوید: مگر او به نزد شما نیامده است: آنان می‌گویند: او را به گودال دوزخ برده‌اند.

اما وقتی کافر در حالت احتضار قرار می‌گیرد، فرشتگان عذاب با پارچه‌ایی خشن و درشت می‌آیند و به او می‌گویند: درحالی‌که ناراضی و از تو ناراض شده‌اند، به سوی

1- سنن نسائی و ابن ماجه با سند صحیح.

2- در این جمله به‌ویژه داده شده است، یعنی با بهترین شیوه و آسانترین راه به دیدار پروردگارت بیرون بیا.

3- یعنی او را ره کنید تا مقداری از غم و اندوه دنیا استراحت کند آن‌گاه آنچه راکه از او می‌خواهید به شما پاسخ می‌دهد. خلاصه این‌که ارواح مؤمنان از کسی‌که تازه به نزد آن‌ها می‌رود، از دوستانی‌که در دنیا داشت‌ه‌اند می‌پرسند که چه شدند و حال و وضع آنان چگونه بوده است؟ او نیز می‌گوید: فلانی قبل از من مرده است، مگر به نزد شما در به‌شت نیامده است؟ آنان می‌گویند: او را به دوزخ برده‌اند.

عذاب ال‌هی بیرون بیا. آن‌گاه روحش بسان بدبوترین حیوان مرده‌ای بیرون می‌آید و پس از آن او را به دروازه‌های زمین می‌آورند. آنان می‌گویند: این چه بوی بدی است؟ تا این که او را به نزد ارواح کفار می‌آورند»².

آری، ارواح نیکان با هم ملاقات می‌کنند و همدیگر را می‌شناسند.

ش‌ها

پروردگاران در مورد ش‌ها چنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^(۱۶۶) فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۷۰﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۱﴾ [آل عمران: 169-171]. «و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شود * آنان شادمانند از آنچه خداوند به فضل و کرم خود بدیشان داده است، خوشحالند به خاطر کسانی که بعد از آنان مانده‌اند و بدیشان نپیوسته‌اند. این است که ترس و هراسی برایشان نیست و آنان اندوه‌گین نخواهند شد. * شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدیشان روا دیده است، و خوشوقت و مسرورند از این که (می‌بینند) خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضایع نکرده و هدر نمی‌دهد».

این آیات فضیلت و کرامت ش‌ها را به تصویر کشیده و فضل و احسانی را که خداوند بر آنان ارزانی داشته است را به نمایش گذاشته است و در ضمن بازماندگان آنان را تسلیت نموده و آنان را به صبر و شکیبایی فرا می‌خواند و آنان را آماده می‌کند تا خود را برای جهاد فی سبیل‌الله و کشته شدن آماده کنند.

1- یعنی فرشتگان پارچه‌های سخت و خشن از دوزخ با خود دارند و از روی زجر و تعذیب به او می‌گویند: به سوی عذاب ال‌هی بیرون بیا.

2- سنن نسائی. آلبانی نیز این حدیث را صحیح دانسته است. یعنی روح کافر و فاسق با حالت بوی بدی بیرون می‌آید تا جایی که فرشتگان می‌گویند: این چه بوی بدی است؟ و آن را به آسمان نمی‌برند، چون دروازه‌های آسمان به روی وی باز نمی‌شود، بلکه او را به دروازه‌های پایین زمین می‌برند

بنابراین، تفسیر آیه این گونه است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ یعنی آنان که در جهاد با دشمنان خدا برای اعلاى دین خدا کشته می‌شوند، و هدفشان اعلاى کلمه‌الله است.

﴿أَمْوَاتًا﴾ یعنی گمان نبی که آنان مردند و نابود شدند، و لذت دنیا و بهره بردن از لذایذ آن را از دست دادند؛ بلکه اینک آنان زنده‌اند و در نزد پروردگارش در دارالکرامه بسر می‌برند.

﴿عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ یعنی در درجات عالی از انواع نعمت‌ها بهره می‌برند.

﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ به این وضعی که در آن بر می‌برند، شادمان هستند و به خاطر نعمت‌های فراوان، نیکو و با عظمت، چشمانشان خنک و روانشان فرخنده است.

وقتی نعمت‌های او شادمانی‌شان کامل شد، خداوند وضعیت آنان را چنین بیان کرد: ﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ﴾ یعنی هم‌دیگر را مژده می‌دهند به حضور برادرانشان که زنده‌اند و هنوز به آنان نپیوست‌اند و آنچه را که آنان دریافت کرده‌اند، آن‌ها نیز به آن خواهند رسید.

﴿أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ و آنان در نزد پروردگارش بیم آن را نخواهند داشت که نعمت‌هایشان به پایان برسد و نگران نسل و فرزندان‌شان نیستند که آنان را در دنیا راه‌اگردند.

در آخر آیات خداوند آنان را این گونه توصیف می‌نماید:

﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی: «شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدیشان روا دیده است، و خوشوقت و مسرورند از این که (می‌بینند) خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضایع نکرده و هدر نمی‌دهد».

از خدا می‌خواهیم ما را سعادتمند زنده نگه‌داشته و مرگمان را با شهادت بگرداند و ما را با پرهیزگاران محشور داشته و با پیامبران همراه بگرداند.

نتیجه...

نعمت و عذاب قبر بر روح خواهد بود،

اما جسم با آن مشارکت خواهد داشت.

دلایل عذاب و نعمت قبر

قبر، نخستین منزلگاه آخرت است و برای کسی که عملش را نیکو بگرداند و برای دیدارالهی آماده باشد، محل سرور و شادمانی خواهد بود. و برای کسی که عملش را بد نموده و در اطاعت و فرمانبرداری از پروردگارش کوتاهی و غفلت نماید، محل تاریکی و وحشت خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «قبر، نخستین منزل آخرت است، اگر بنده از آنجا نجات یافت، سفرپس از آن آسانتر خواهد بود، و اگر از آن راهی نیافت، مسیرپس از آن سخت تر خواهد بود»!

بنابراین،

- دلایل آنچه در قبر روی می دهد، چیست؟
- سوال در قبر از چه زمانی آغاز می گردد؟
- آیا مردگان متوجه زیارت زندگان خواهند شد یا خیر؟

درآمد

ایمان به عذاب و نعمت‌های قبر از جمله ایمان به غیب، و از اصول ایمان است و دلایل فراوانی در قرآن و احادیث پیامبر وجود دارند که بر اثبات عذاب و نعمت قبر دلالت دارند.

دلایل عذاب و نعمت قبر

خداوند در مورد آل فرعون می فرماید:

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ

الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾﴾ [غافر: 46]. «و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرض می شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می شود (خدا به فرشتگان دستور می دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید».

بنابراین، آنان صبح و شام بر آتش عرض خواهند شد، آن گاه پس از برپایی قیامت به عذاب جهنم عرض خواهند شد.

و نیز خداوند فرموده است: ﴿سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾ [التوبه]:

[101]. «ایشان را دوبار عذاب می‌دهیم. سپس (در آخرت) روانه عذاب بزرگی می‌گردند». بنابراین، عذاب اول بر کافران و منافقان در دنیا است که خداوند آنان را غمگین و اندوه‌گین و سازد و عذاب دوم در قبر خواهد بود و آنگاه‌ی پس از برپایی و فرا رسیدن قیامت، به عذاب بزرگ دوزخ برگردانده می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هنگامی که بنده‌ای را در قبرش می‌گذارند و دوستانش بر می‌گردند و می‌روند، میت صدای پاهایشان را می‌شنود»¹.

در ادامه همین حدیث آمده است که وقتی از کافر و منافق می‌پرسند: درباره این شخص، یعنی محمد ﷺ چه می‌گفتی؟ او می‌گوید:

من چیزی نمی‌دانم. هر چه مردم می‌گفتند، من نیز می‌گفتم. به او می‌گویند: تو ندانستی و نه سعی کردی که بدانی. سپس، با پتکی آه‌نی، ضربه محکمی بر فرق سرش، می‌کوبند. آنگاه، چنان فریادی سر می‌دهد که بجز انسان‌ها و جن‌ها، همه مخلوقات اطراف او، فریادش را می‌شنوند.²

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «اگر بیم آن نبود که شما مردگان خویش را دفن نمی‌کردید، از الله می‌خواستیم تا عذاب قبری را که من می‌شنوم، شما را بشنواند»³.

آن حضرت ﷺ در دعاهایش این گونه می‌فرمود: «وأعوذ بك من عذاب القبر»⁵. «خدایا از عذاب قبر به تو پناه می‌برم».

و نیز فرمود: «عذاب قبر حق است»⁶.

چه کسانی از نعمت‌های قبر برخوردار می‌شوند؟

نعمت‌های قبر از آن مؤمنین خواهند شد. خداوند می‌فرماید:

1- متفق علی‌ه.

2- متفق علی‌ه.

3- یعنی خداوند قدرت شنیدن صدای مردگان را به پیامبر داده بود، لذا خواست دعا کند تا آنچه از عذاب مردگان را که می‌شنود، به امتش بشنواند تا مایه عبرت و اندرز آنان شود، اما از این امر بیمناک شد که مردم از ترس عذاب قبره‌مدیگر را پس از مرگ دفن نکنند.

4- صحیح مسلم.

5- متفق علی‌ه.

6- متفق علی‌ه.

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: 32]. «همان‌هایی که (به هنگام مرگ) فرشتگان جانشان را می‌گیرند در حالی که پاکیزه (از کفر و معاصی) و شادان (از رویاری با پروردگار) هستند. می‌گویند: درودتان باد! (در امان خدایید و از امروز به ناراحتی و بلائی دچار نمی‌آیید و) به خاطر کارهایی که می‌کرده‌اید به بهشت درآیید».

و نیز رسول خدا فرموده‌اند: «هنگامی که بنده‌ای را در قبرش می‌گذارند و دوستانش بر می‌گردند و می‌روند...»

در ادامه آمده است: «دو فرشته نزد او می‌آیند، او را می‌نشانند و از وی می‌پرسند: درباره این شخص، یعنی محمد ﷺ چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: من گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده خدا و رسول اوست. فرشته‌ها می‌گویند: به جایگاه خود در روزخ نگاه کن. خداوند آن را برای تو با جایی در بهشت، عوض کرده است»¹.

همچنین رسول خدا ﷺ در احادیث بیان کرده است که مؤمن به سؤالات فرشتگان پاسخ می‌دهد: «آن‌گاه منادی‌ای از آسمان ندا می‌دهد: بنده‌ام راست گفت، برایش فرشی را از بهشت پهن کنید و دروازه‌ای از بهشت برایش بگشایید و او را از لباس‌های بهشتی لباس بپوشانید، آن‌گاه از خوشبویی بهشت به مشامش می‌رسد و قبرش تا انت‌های چشمش وسیع می‌شود»².

چه افرادی در قبر عذاب می‌بینند؟

خداوند نافرمانان و گردنکشان را به عذاب قبرت‌ه دید کرده است و در حقیقت عذاب قبر، از آن کافران است، اما مؤمنان نافرمان نیز به سبب گناهانی که مرتکب شده‌اند، نیز در قبر عذاب می‌بینند.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: رسول خدا ﷺ از کنار دو قبر عبور کرد و فرمود: «این دو نفر، عذاب داده می‌شوند اما نه بخاطر گناه بزرگی». سپس فرمود: «بلی، یکی از آنان، از ادرار خود، پرهیز نمی‌کرد و دیگری، سخن چینی می‌نمود». آنگاه، رسول اکرم ﷺ شاخه‌ی تری درختی خواست. آن را دو قسمت کرد و هر قسمت آن را روی یکی از آن دو قبر، گذاشت. از رسول

1- متفق علی‌ه، یعنی اگر الله را نافرمانی می‌کردی، خداوند جایت را در دوزخ قرار می‌داد، ولی اینک تو را در بهشت جای داده است.

2- ابوداود.

اللہ ﷺ پرسیدند: چرا چنین کردی؟ فرمود: «امید است تا زمانی که این دو شاخه، خشک نشده است، خداوند، عذاب آنان را تخفیف دهد»¹.

آیا گذاشتن شاخه تراز عذاب قبر نجات می دهد؟

پاسخ: خیر، زیرا این کاری که رسول خدا ﷺ انجام داد، این از ویژگی های آن حضرت ﷺ بود، چون پیامبر ﷺ فرمود: «امیدوارم که خداوند با شفاعت من در عذاب آن ها تخفیف بیاورد».

و نیز کسی که پس از رسول خدا ﷺ شاخه ای می گذارد، گویا خود را تزکیه می کند، زیرا او در چه جایگاهی قرار دارد که خداوند به وسیله او از عذاب بندگانش بکاهد؟ و نیز رسول خدا ﷺ زمانی بر قبر آن ها، آن شاخه را گذاشت که از عذاب آنان باخبر گردید، اما اینک چه کسی می داند که صاحب قبر عذاب می بیند؟

چه زمانی در قبر از میت سوال آغاز می شود؟

جواب: زمانی که میت را دفن کنند و از دفن او فارغ شوند، آن گاه روحش به جسد وی باز می گردد و سؤال و پرسش از وی آغاز می شود. چنان که حضرت عثمان رضی الله عنه گفت: «هر گاه رسول خدا ﷺ از دفن میت فارغ می شد، در کنار قبرش می ایستاد و می فرمود: برای برادرتان آمرزش بخواهید و برایش دعای ثابت قدمی بخواهید؛ زیرا اینک وی مورد سوال قرار می گیرد»².

آیا مردم صدای عذاب قبر را می شنوند؟

پاسخ: جن و انس نمی توانند صدای عذاب قبر را بشنوند. چنان که رسول خدا ﷺ در مورد کافر فرمود: «چنان فریادی می زنند که جز جن و انس هم موجودات صدایش را می شنوند»³.

البته حیوانات صدای عذاب قبر را می شنوند.

در روایت آمده است که دو پیرزن از پیرزنان یهود نزد عایشه رضی الله عنها آمدند و با او در مورد عذاب قبر سخن گفتند، وقتی رسول خدا ﷺ به خانہ تشریف آورد، عایشه رضی الله عنها

1- متفق علیہ.

2- ابوداؤد و حاکم با سند صحیح.

3- متفق علیہ.

از وی در مورد عذاب قبر پرسید. آن حضرت علیه السلام فرمود: «آن دو راست گفتند: آنان در قبر چنان عذاب می بینند که حیوانات صدای آن را می شنوند»¹.

آیا مرده صدای زندگان را می شنود؟

پاسخ: اهل علم در این مورد اختلاف نظر دارند، اما قول راجح این است که صدای آنان را نمی شنود. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: 22]. «و تو نمی توانی مردگان آرمیده در گور را شنوا گردانی».

اما وقتی او را دفن می کنند، صدای کفش ایشان را می شنود. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که بنده ای را در قبرش می گذارند و دوستانش بر می گردند و می روند، میت صدای پاهایشان را می شنود»².

آیا مرده به گریه اهلس عذاب می بیند؟

جواب: آری، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای هر میتی که نوحه خوانده شود، به سبب آن نوحه، عذاب داده می شود»³.

اصل این است که میت به خاطر اعمالش مورد محاسبه قرار گرفته و عذاب می بیند یا از نعمت برخوردار می شود، پس چگونه در حدیث آمده است که میت به سبب عمل دیگران عذاب می بیند؟

جواب: در زمان جاهلیت مرسوم بود که هر گاه کسی نزدیک بود، بمیرد، توصیه می کرد که برایم نوحه بخوانید و گریبانتان را پاره کنید، تا برای مردم ثابت گردد که او نزد آن‌ها محبوب بوده و دوست داشتند زنده می بود.

چنان که یکی به هنگام مرگش به همسرش این گونه توصیه کرد:

إِذَا مِتُّ فَأَبْكِينِي بِمَا أَنَا أَهْلُهُ أَهْلُهُ وَشُقِّي عَلَى الْجَيْبِ يَا ابْنَ مَعْبُدٍ⁴

یعنی: ای دختر معبد! هر گاه من مردم چنان برایم گریه کن که شایسته من است و برایم گریبانت را پاره کن.

دیگری نیز گفته است:

1- متفق علی.

2- متفق علی.

3- متفق علی.

4- به نقل از مشکاة المصابیح، 5/966.

إِذَا مَتَّ فَاَبْكِينِي بَشْتَيْنِ لَا يُقَلِّ كَذِبَتِ وَشَرَّ الْبَاكِيَاتِ كَذُوبُهَا
 «هر گاه مردم، دو سال کامل برایم گریه کن، اما باز هم دروغ می گویی، و بدترین زنان گریه کننده، دروغگوترین آن هایند».

پس اگر مسلمان چنان عملی را که اهل جاهلیت انجام می دادند، مرتکب شود، عملش معصیتی بشمار می رود و ببه خاطر آن در قبر عذاب می بیند. برخی در تشریح این حدیث چنین گفت هاند:

زمانی میت عذاب می بیند که از عادت آنان خبر داشته باشد که آنان بر او گریه می کنند و گریبان شان را پاره می کنند و قبلا آن ه را دیده است که بر مردگان خود چنین کرده اند و در عین حال آنان را قبل از مرگش از این کار باز ندارد، در این صورت عذاب می بیند.

و نیز برخی این گونه گفت هاند که میت در اثر کار آنان دردمند شده و متاثر می شود. از خداوند می خواهیم که رحمت و خشنودی خود را شامل حال ما بگرداند. آمین.
 باور...

عذاب و نعمت قبر از جمله امور غیبی ای هستند که ایمان آوردن به آن لازم است، اگر چه با حواس پنجگانه ما درک نشود.

احوال مردم در عالم برزخ و حیات برزخی

عالم برزخ به مدت زمان بین مرگ و برانگیخته شدن و زنده شدن انسان می گویند، اعم از این که در قبر دفن شود، یا خیر و این شامل همه جنیان و انسیانی می شود که می میرند.

حیات برزخی بر اساس اعمال بندگان متفاوت و گوناگون خواهد بود، و رسول خدا ﷺ ما را از این حالت های گوناگون خبر داده است.
بنابراین،

- احوال مردم در قبر چگونه خواهد بود؟
- انواع نعمت ها و عذاب ها در قبر چگونه اند؟
- آیا پیامبر ﷺ در این مورد چیزی را دیده اند؟

درآمد

پیامبر ﷺ از روی هوی و هوس سخن نمی گوید، بلکه همه سخنانش از وحی الهی نشأت می گیرند، و در سخنانش ما را از رویدادهایی که در عالم برزخ اتفاق می افتند و بلکه خود آن ها را مشاهده کرده، خبر داده است، یکی از آن اتفاقات، عذاب هایی است که انسان در قبر می بیند.

رحمت و مهربانی خداوند بر خشم و غضبش سبقت برده است؛ زیرا او بسیار آمرزنده، مهربان و سخی است، اما به هنگام خشم، جبار خواهد بود و کسی جز خودش نمی تواند خشمش را فروکش نماید.

پیامبر ﷺ از روی هشدار و یادآوری، ما را از برخی عذاب ها که در قبر روی می دهند، با خبر ساخته است، چنان که برخی از آن ها را در خواب دیده است، برای ما بازگو نموده است، زیرا خواب انبیا، نوعی وحی به شمار می رود و خواب پیامبران راست و حقیقت است.

سمره بن جندب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ پس از نماز، رو به طرف مردم می کرد و می پرسید: «آیا دیشب، کسی از شما خوابی دیده است؟» اگر کسی خوابی دیده بود، بیان می کرد. و رسول الله ﷺ آن طور که خدا می خواست، آن را تعبیر می کرد. روزی، رسول الله ﷺ حسب عادت پرسید: «آیا دیشب، کسی از شما خوابی دیده است؟» گفتیم: خیر، ما خوابی ندیده ایم.

آن حضرت ﷺ فرمود: «ولی من دیشب، خواب دیدم که دو نفر نزد من آمدند، دستم را گرفتند و مرا به طرف سرزمین مقدس بردند. در آنجا، یک شخص نشست و شخص دیگری ایستاده و قلابی در دست داشت. شخص ایستاده، قلاب را در یک طرف دهان شخص نشست، فرو می برد و تا پشت سر او می کشید و بعد، آن را در طرف دیگر دهانش قرار می داد و تا پشت سر او می کشید. در این فاصله، طرف اول دهانش درست می شد. و مرد ایستاده دوباره همان کارش را تکرار می کرد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: برویم جلوتر.

به راهمان ادامه دادیم تا اینکه به شخصی رسیدیم که به پشت، خوابیده است و شخص دیگری کنارش ایستاده و تخته سنگی را که در دست دارد، بر سرش می کوبد. و آن سنگ می غلتد و دور می افتد. و تا وقتی که آن شخص سنگ را می آورد، سرشکسته، دوباره به حالت اول برمی گردد و آن شخص، مجدداً آن سر را با سنگ می کوبد و این عمل همچنان تکرار می شود. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: جلوتر برویم.

براه خود ادامه دادیم تا اینکه کنار خندقی که مانند تنور بود، رسیدیم. دهان آن، تنگ و داخلش بسیار وسیع بود. و در زیر آن، آتشی افروخته شده بود. عده ای از زنان و مردان لخت و برهنه در آن خندق، بودند. هنگامی که آتش زبان می کشید، آن ها بالا می آمدند به طوری که نزدیک بود از دهان خندق، بیرون بیایند. و هنگامی که آتش فروکش می کرد، داخل خندق فرو می رفتند. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

سپس، براه افتادیم تا اینکه به نهری از خون رسیدیم و شخصی را دیدیم که در وسط نهر، ایستاده و شخصی دیگر، کنار نهر ایستاده است. و مقداری سنگ، پیش رویش قرار دارد. مردی که وسط نهر بود، براه می افتاد و می خواست بیرون بیاید. اما شخصی که بیرون نهر بود، سنگی در دهانش می کوبید و او را به وسط نهر برمی گرداند. و این کار همچنان تکرار می شد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

به راهمان ادامه دادیم تا این که به مردی بسیار بدشکل و بدقیافه رسیدیم و او آتشی را روشن می کرد و برای آن هیزم جمع می کرد و پیوسته در این کار و زحمت بود و لحظه ای توقف نمی کرد. پرسیدم این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

به راه خویش ادامه دادیم تا اینکه به باغی بسیار سرسبز و شاداب رسیدیم که در آن، درخت بسیار بزرگی وجود داشت. و در زیر آن، یک پیرمرد و چند کودک نشست

بودند. آن دو نفر، مرا بالای درخت، به ساختمانی بردند که هرگز ساختمانی به زیبایی آن، ندیده بودم.

عده‌ای پیرمرد، جوان، زن و کودک در آن ساختمان زندگی می‌کردند. سپس، مرا از آن ساختمان، بیرون کردند و به ساختمانی دیگر بردند که از ساختمان اول، بسیار بهتر و زیباتر بود. در این ساختمان هم، تعدادی پیرمرد و جوان زندگی می‌کردند. گفتم: این‌ها چه کسانی هستند: گفتند: به‌راحت ادامه بده.

باز به راه‌مان ادامه دادیم، تا این‌که به درخت بزرگی رسیدیم، که مانند آن درخت بزرگ و زیبا ندیده بودم، آنان گفتند: بالای این درخت برو و ما بالای آن رفتیم، آن‌گاه به ش‌ری بسیار زیبا رسیدیم، که از طلا و نقره درست شده بود، به دروازه آن وارد شدیم و اجازه ورود خواستیم و آنان در را برای ما گشودند، افرادی را دیدیم که نصف چه‌ره‌هایشان بسیار زیبا و خوبصورت بود و نصف چه‌ره‌هایشان بسیار بد قیافه و بد شکل بود، آن دو نفر گفتند: بروید و خود را در این‌ن‌ه‌ربیندازید، در آن‌جان‌ری روان بود که آبش بسیار سفید و شفاف بود، آنان خود را در آن‌ن‌ه‌ر انداختند و باز گشتند در حالی که آن قیافه بدشان عوض شده بود و بسیار خوب صورت بودند.

آنان گفتند: این جنت عدن است و این منزل توست، آن‌گاه چشمانم را بالا گرفتم و کاخی بسان ابر سفید مشاهده کردم، آنان گفتند: این منزل توست. من گفتم: خدا به شما برکت دهد، بگذارید در آن داخل شوم، آنان گفتند، الان خیر، ولی در آن داخل خواهی شد.

گفتم: تمام شب، صحن‌های مختلفی را به من نشان دادید. هم‌اکنون آن صحن‌ها را برایم توضیح دهید.

آن دو نفر، گفتند: بل‌ه، شخصی که دهان او پاره می‌شد، دروغگویی بود که مردم دروغ‌های او را گوش کرده به دیگران می‌رساندند، به طوری که دروغ‌هایش به گوشه و کنار دنیا می‌رسید. و این مجازات دروغگو، تا روز قیامت است.

و کسی که سر او با سنگ کوبیده می‌شد، کسی بود که خداوند او را علم و معارف قرآن داده بود، اما او بدان، عمل نمی‌کرد. شب‌ها می‌خوابید و روزها را به غفلت می‌گذراند و به احکام الهی عمل نمی‌کرد. او تا قیامت، در همین عذاب، گرفتار خواهد بود.

کسانی را که برهنه در تنور دیدی، زنا کاران بودند.

شخصی را که درن‌ه‌رخون دیدی، ربا خوار بود.

و مردک ه نسالی راکه با چند بچه زیر درخت دیدی، ابراهیم علیه السلام بود
و کودکانی که اطراف او جمع شده بودند، کسانی هستند که بر فطرت زاده شده اند.
در این هنگام صحابه پرسیدند: آیا فرزندان مشرکان نیز شامل می گردند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله
فرمود: آری، کودکان مشرکان نیز شامل خواهند بود!
و آنان که نصف چهره شان زیبا و نصف چهره شان زشت بود، کسانی هستند که
عمل نیک و بد را با هم مرتکب شده اند و خداوند از آنان در گذر نموده است»².
از الله می خواهیم که ما را قرین رحمت خودش قرار دهد.
اندرزی...
عذاب قبر سخت و دردناک است،
اما عذاب آخرت، سخت تر و پایدارتر است.

1- یعنی فرزندان مسلمین که در سن کودکی و قبل از بلوغت قبل از سن 15 سالگی می میرند، وارد بهشت می شوند و تحت کفالت حضرت ابراهیم قرار می گیرند، و منظور از فطرت، دین توحید، یکتاپرستی است از این رو صحابه از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فرزندان مشرکان پرسیدند و آن حضرت صلی الله علیه و آله جواب دادند که آن ۱۵ نیز وارد بهشت می شوند و تحت کفالت حضرت ابراهیم قرار می گیرند.
2- بخاری و ابن حبان و روایت از مجموع دو کتاب گرفته شده است.

اسباب عذاب قبر

عذاب قبر یا نعمت‌های آنان اسبابی دارند و خداوند حلال و حرام را برای ما با تفصیل بیان کرده‌اند و اسباب گمراهی و هدایت را روشن ساخته و بر هیچ کسی ستم روا نمی‌دارد. بنابراین،

- اسباب عذاب قبر کدامند؟
- اسباب نعمت در قبر کدامند؟
- انسان چگونه خود را برای آن‌ها آماده سازد؟

درآمد

هر کس در نصوص شریعت تأمل نماید، اعمالی را می‌بیند که در انجام آن‌ها به عذاب دادن در قبرت هدید آمده و یا به نعمت در قبر وعده داده شده است و این بدان جهت است تا انسان بر حذر و بیدار باشد. از جمله:

شرک و کفر

شرک، بزرگترین گناه است و آن این که بنده عباداتش از قبیل: نماز، دعا، قربانی، استغاثه و یاری خواستن را متوجه کسی غیر از الله بگرداند.

رسول خدا ﷺ در میان سخنانش به هنگام سخن راندن از کیفر کافر در قبر فرمود: «آن‌گاه خداوند فردی کور و لال را بر او مسلط می‌کند که گریز آه‌نین بدست دارد که اگر آن را به کوهی بزنند، خاک می‌شود، با آن گرز چنان ضرب‌های بروی وارد می‌کند که جز جن و انس، همه اهل مشرق و مغرب صدای آن را می‌شنوند و در اثر آن خاک می‌شود و دوباره روح به وی باز می‌گردد»¹.

توضیح این گرز آه‌نین، در حدیث دیگری این‌گونه آمده است: «اگر همه موجودات مشرق و مغرب جمع شوند، نمی‌توانند آن را حمل کنند. قبرش از آن شعله می‌گیرد و چنان تنگ می‌شود که پهلوه‌ایش در هم دیگر می‌روند»².

1- ابوداود با سند صحیح.

2 بی‌هقی در شعب الایمان. در سند این حدیث اشکال وجود دارد.

پرهیز نکردن از ادرار

یعنی توجه نکردن در نظافت به هنگام دفع ادرار که پس از ادرار اثر آن بر لباس باقی بماند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اغلب عذاب قبر به خاطر پرهیز نکردن در ادرار خواهد بود»¹. بنابراین، بر مسلمان لازم است که در نظافت بدن، لباس و جایی که نماز می‌خواند دقت کند و نظافتش را رعایت کند.

سخن چینی

سخن چینی یعنی رد و بدل کردن سخنان مردم به خاطر فتنه انگیزی و ایجاد دشمنی و عداوت و به راه انداختن فساد و فتنه.

ابن عباس فرمود:

نبی اکرم ﷺ از کنار باغی از باغ‌های مدینه یا مکه، عبور می‌کرد. (ناگهان) صدای دو نفر را شنید که در قبره‌ای شان گرفتار عذاب بودند. رسول الله ﷺ فرمود: «این دو نفر، عذاب داده می‌شوند، اما نه بخاطر گناه بزرگی». سپس فرمود: «بلی، یکی از آنان، از ادرار خود، پرهیز نمی‌کرد و دیگری، سخن چینی می‌نمود».

آن‌گاه، رسول اکرم ﷺ شاخه‌ی تری درختی خواست. آن را دو قسمت کرد و هر قسمت آن را روی یکی از آن دو قبر، گذاشت.

از رسول الله ﷺ پرسیدند: چرا چنین کردی؟ فرمود: «امید است تا زمانی که این دو شاخه، خشک نشده است، خداوند، عذاب آنان را تخفیف دهد»^{2، 3}.

همچنین کسی که به بیماری غیبت مبتلا است، در عالم برزخ در قبرش عذاب می‌بیند. رسول خدا ﷺ فرمود:

1- مستدرک حاکم با سند صحیح.

2- بخاری و مسلم.

3- سؤال: آیا گذاشتن شاخه‌ی درخت در نجات از عذاب قبر دخالتی دارد؟

جواب: خیر، چون این کاری که آن حضرت ﷺ انجام دادند، از ویژگی‌های وی بود. چنان که امام مسلم روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: دوست داشتم که به خاطر شفاعتم در عذاب آنان تخفیف بیاید. نیز کسی که بر قبر شاخه‌ی تری می‌گذارد، گویا خود را تزکیه نموده و پاک‌اش را به اثبات می‌رساند، زیرا او کیست که خداوند به وسیله او در عذاب دیگران تخفیف بیاورد؟ همچنین زمانی رسول الله ﷺ بر قبر آنان شاخه گذاشت که متوجه شد که آنان عذاب می‌بینند، اما دیگران از کجا می‌دانند که صاحب این قبر عذاب می‌بینند؟

«در شب معراج از کنار افرادی گذشتم که ناخن‌هایی از مس داشتند و با آن چهره‌ها و سین‌ها را می‌خراشیدند، گفتیم: ای جبرئیل! این‌ها چه افرادی هستند؟ گفت: این‌ها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خوردند و آبروی مردم را می‌ریختند»¹.

خیانت در اموال غنیمت

دزدی کردن از اموال غنیمت که مجاهدان آن را در جهاد بدست می‌آورند و قبل از تقسیم آن مورد دستبرد قرار گیرند، از جمله اسبابی است که منجر به عذاب قبر می‌شود. خداوند فرموده است: ﴿وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [آل عمران: 161]. «و هر کس (در اموال غنیمت) خیانت ورزد، در روزستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می‌آورد»،

بنابراین، خیانت در اموال غنیمت از اسبابی است که مرتکب آن در قبر عذاب می‌بیند.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: ما در فتح مکه هیچ طلا و نقره‌ای را به غنیمت نبردیم، بلکه غنیمت ما در خیبر، گاو، شتر، کالا و باغ بود، آن گاه با رسول خدا صلی الله علیه و آله به وادی القری رفتیم، و با وی برده‌ای به نام مدعم همراه بود که فردی از بنی ضباب آن را به آن حضرت صلی الله علیه و آله هدیه کرده بود. در این میان که او رحل پیامبر صلی الله علیه و آله را پایین می‌آورد، ناگهان تیری شلیک شد و به آن برده اصابت کرد. مردم گفتند: شهادتش مبارک باد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا سوگند! پارچه‌ای که در روز خیبر برداشت و سه‌م‌وی نبوده و مسئول تقسم غنایم به او نداده است، برایش آتشی شعله ور شده است. آن گاه مردی که این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنید، یک یا دو بند کفش را آورد و گفت: این چیزی است که من آن را برداشته‌ام، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: یک بند کفش یا دو بند کفش نیز به آتش دوزخ تبدیل خواهند شد»².

افطار کردن رمضان بدون عذر

واجب است که مسلمان از طلوع فجر صادق تا غروب خورشید روزه بگیرد و بر کسی که روزه بر او واجب است، جایز نیست که قبل از غروب خورشید افطار کند، و گرنه گناه کار شده و مستحق کیفر می‌شود.

1- ابوداود با سند صحیح.

2- بخاری و مسلم.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در آن حال که من خواب بودم، دو نفر آمدند و بازوهایم را گرفتند و مرا به کوهی بردند و گفتند: بالا برو، گفتم: نمی‌توانم بالا بروم، آن‌ها گفتند: ما آن را برایت آسان می‌کنیم، من بالا رفتم و وقتی به وسط کوه رسیدم، سرو صد و جیغ داد به گوشم رسید! پرسیدم: این‌ها چه صداهایی هستند؟ آنان جواب دادند: این‌ها سرو صداهای دوزخیان‌اند، دوباره به راه‌مان ادامه دادیم و به نزد افرادی رسیدیم که بر عصب کلفت پاشنۀ پای‌شان آویزان‌اند و دو طرف دهان‌شان پاره شده و از آن‌ها خون جاری است. پرسیدم: این‌ها چه کسانی هستند؟ گفتند: این‌ها کسانی هستند که قبل از رسیدن وقت افطار، روزۀ خود را می‌خورند»^۱.

این‌ها پاره‌ای از احادیث بودند که از اسبابی پرده برداشته بودند که منجر به عذاب قبر می‌شوند.

فایده...

آشنایی مسلمان از احوال اهل قبور،

باعث می‌گردد تا از اسباب عذاب پرهیز نماید.

۱- معجم طبرانی، مستدرک حاکم و صحیح ابن خزیمه با سند صحیح.

نجات از عذاب قبر

مسلمان وظیفه دارد تا از روی اطاعت و تقرب الی الله، بر اموری که بر او واجب‌اند عمل نموده و از آنچه نهی شده است، باز آید.
رسول خدا ﷺ نیز از اموری که انسان را از عذاب قبر می‌رهانند، خبر داده است.
بنابراین،

- آن اعمال کدامند؟
- چرا این اعمال بر اعمال دیگر مقدم شده‌اند؟
- فضیلت این اعمال چیست؟

درآمد

عموما کاره‌ای شایسته و نیک برای بنده سودمند واقع شده و درجات وی را در دنیا و آخرت بالا می‌برند و نیز اعمال صالح مراتب و درجاتی دارند که برخی از برخی دیگر افضلتر است و رسول خدا ﷺ اعمالی را که باعث نجات آدمی می‌شوند، بیان نموده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

نماز

نماز، بالاترین عبادت‌هاست و هر کس بر آن محافظت نماید، دینش را حفاظت نموده و هر کس آن را ضایع گرداند، اعمال دیگر را بیشتر ضایع خواهد نمود. نماز صاحبش را از عذاب قبر نجات می‌دهد.

زکات

زکات یکی از ارکان و ستون‌های اسلام مهم اسلام است، و این حق خداوند در مال است که اهل آن که هشت موردند و در قرآن ذکر شده‌اند، صرف گردد.

روزه

روزه نیز یکی از ارکان اسلام است و بزرگترین آن، روزه فرضی رمضان است و پس از آن روزه‌های نفلی است، مانند روزه دوشنبه و پنجشنبه، روز عاشورا، عرفه و دیگر روزهایی که فضیلت دارند.

انجام کارهای نیک

انجام کار نیک یک مفهومی عامی است که بسیاری از عبادات را شامل می‌گردد، از قبیل: امر به معروف، نهی از منکر، ایجاد صلح و آشتی بین مردم و...

صدق و وصله رحم

صدق، لفظ عامی است و شامل صدقه کردن مال، لباس، کالا و... می‌شود. و نیز بالاترین نوع صلّه رحمی، صلّه رحمی با والدین، و نیکوکاری و نرمی و ملاحظت با آنان است.

کار نیک و معروف

کار نیک و معروف، لفظ عامی است و شامل هر عملی می‌شود که خداوند دستور داده است. بنابراین، لبخند، نصیحت و خیر خواهی، صدقه و... از جمله کارهای نیک و معروف به شمار می‌روند.

احسان و خوش رفتاری با مردم

این هم مفهومی عامی دارد و شامل دادن هدیه به مردم، خوش رفتاری با دیگران و... می‌شود.

رسول خدا ﷺ هم این فضایل را در حدیثی بیان فرموده‌اند.

آن حضرت ﷺ فرمود: «سوگند به ذاتی که جانم در قبضه اوست، البته وی صدای کفش‌های آنان را وقتی که پشت می‌کنند، می‌شنود، پس اگر مؤمن بوده است، نماز بالای سر، زکات قسمت راست، روزه سمت چپ، کارهای نیک، معروف و احسان و خوش رفتاری به مردم در قسمت پاهایش قرار می‌گیرند. وقتی عذاب از بالای سر می‌آید، نماز می‌گوید: از سمت من راهی برای عذاب نداری، وقتی از سمت راست می‌آید زکات می‌گوید: از طرف من راه نیست، چون از قسمت چپ می‌آید، روزه به دفاع پرداخته و می‌گوید: از سمت من نیز راهی برای عذاب نیست و وقتی از سمت پاهای می‌آید، کارهای نیک و معروف و احسان به مردم، می‌گویند: از طرف ما هم راهی برای عذاب دادن نیست!»

1- طبرانی، ابن حبان و حاکم که آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز با وی بر حسن بودن این حدیث موافقت کرده است.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «وقتی انسان وارد قبرش می‌شود، اگر مؤمن است، اعمالش از قبیل نماز و روزه او را احاطه می‌کنند، و وقتی فرشته عذاب از جانب نماز می‌آید، نماز او را بر می‌گرداند و چون از سمت روزه می‌آید، روزه نیز او را بر می‌گرداند و از صاحبش دفاع می‌کند»!

پناه بردن به الله از عذاب قبر

دعا و پناه بردن به الله، برای بنده مفید است و او را از عذاب قبر نجات می‌دهد. از جمله این که از الله بخواهد تا او را از عذاب قبر نجات دهد.

یکی از دعاهای آن حضرت این بود: «اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»². «بارخدا یا! من از سستی و کسالت، بزدلی و پیری، بخل و از عذاب قبر به تو پناه می‌برم».

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله این کلمات را به ما مانند آموزش نویسندگی تعلیم داد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ». یعنی: «خدا یا! از بخل، بزدلی، فوت شدنی که باعث ذلت گردد، فتنه دنیا (دجال) و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم».

حضرت عایشه رضی الله عنها می‌گوید: آن حضرت صلی الله علیه و آله به کثرت این دعاها را می‌خواندند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى». یعنی «خدا یا! از فتنه جهنم و عذاب آن، از آزمایش قبر و عذاب آن، از فتنه مسیح دجال، از شرفتن فقر و از شرفتن سرمایه داری، به تو پناه می‌برم».

همچنین مشروع است که ما به هنگام نماز میت برای وی دعا کنیم که خداوند او را از عذاب قبر نجات دهد.

عوف بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به هنگام نماز خواندن بر میتی این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالطَّلْحِ وَالْبَرْدِ وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ

1- مسند احمد و طبرانی با سند صحیح.

2 صحیح مسلم.

الدَّائِسِ وَأَبْدَلُهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَأَعَدَّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ أَوْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ»¹. «خدایا! او را مورد مغفرت و رحمت قرار بده، او را از عفو کن، و از وی درگذر و جای او را وسیع بگردان، او را گرامی بدار، و با آب و برف و یخ او را غسل ده، از گناهان چنان پاکش بگردان که پارچه سفید از چرک پاک می شود، او را خانهای بهتر از این خانه، خانوادهای بهتر از این خانواده، و همسری بهتر از این همسر عنایت فرما. پروردگارا! او را در بهشت داخل نما و از عذاب قبر و عذاب دوزخ نجات بده».

افرادی که از عذاب قبر نجات می یابند

رسول خدا ﷺ از اعمالی خبر داده اند که باعث نجات از عذاب قبر می شوند. همچنین در برخی از نصوص شریعت آمده است که خداوند برخی از مردم را از عذاب قبر نجات می دهد. برخی از آنان عبارتند از:

ش هید

ش هید کسی است که برای جهاد فی سبیل الله و با اخلاص به سوی دشمن پیش رود و فرار نکند و آن گاه کشته شود.

از رسول خدا ﷺ پرسیدند: حال آن افرادی چگونه است که در قبره ایشان عذاب داده می شوند، جز ش هیدان؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «آزمایشی که در درخشش شمشیره وجود دارد، کافی است»².

یعنی پیامردی و ثبات مجاهدی که در راه خدا جهاد می کند و به هنگام شدت نبرد، به عقب فرار نمی کند، بیانگر عظمت ایمان در قلبش است و تا دم مرگ بر ایمانش ثابت قدم است، پس نیازی نیست که در قبرش مورد آزمایش و امتحان قرار گیرد یا از ایمانش به الله و تصدیقش به پیامبر از وی سوال شود.

1- صحیح مسلم.

2- سنن نسائی.

کسی که در راه خدا مرزبانی می‌کند

کسی که در مرزهای اسلام، پاسداری می‌کند تا از دشمنان اسلام جلوگیری نماید. بنابراین، مرزداران مجاهدی که به خاطر دفاع از اسلام، اهل و فرزندان شان را رها کرده‌اند، از فضیلت بالایی برخوردارند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «پرونده عمل هر میتی مختوم می‌گردد، جز کسی که در راه مرزداری در راه الله جان دهد، زیرا عملش تا روز قیامت رشد می‌کند و از عذاب قبر نجات می‌یابد»¹.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «پاسداری یک شبان روز، از روزه داشتن آن روز و عبادت شب آن به‌تر و بالاتر است، و اگر بمیرد، عملی که آن را انجام می‌داد، برایش جریان می‌یابد، و رزقش برای او ادامه می‌یابد و از فتنه انگیزی در امان می‌یابد»².

فردی که با بیماری شکم بمیرد

خداوند، بلاه را باعث کفاره گناهان و رفع درجات قرار داده است، برخی از این بلاه، بیماری درد و یا مرگی است که به سبب این بیماری ه باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کسی در اثر بیماری شکم بمیرد، در قبرش عذاب داده نمی‌شود»³.

بیماری شکم عبارت است از سرطان شکم، کبد و دیگر...

و نیز این حدیث رسول الله ﷺ این مطلب را تایید می‌کند که فرمود: «کسی که در اثر بیماری شکم بمیرد، ش هید است»⁴.

خواندن سوره ملک در شب

همه قرآن، مبارک است، ولی رسول خدا ﷺ فضیلت خواندن برخی سوره‌ها را به صورت ویژه بیان کرده است که از جمله آن‌ها یکی سوره ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ [الملك: 1] است؛ زیرا این سوره انسان را از عذاب قبر نجات می‌دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «سوره ملک، از عذاب قبر جلوگیری می‌کند»⁵.

1- سنن ابوداود و ترمذی.

2- صحیح مسلم.

3- سنن ترمذی و نسائی با سند صحیح.

4- صحیح بخاری.

5- ابن مردویه با سند صحیح.

ابن مسعود رضی اللہ عنہ می گوید: هر کس، در هر شب سوره «تبارک الذی» را بخواند، این سوره از عذاب وی در قبر جلوگیری می کند. ما در زمان رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم به این سوره، «مانع» می گفتیم. همانا در کتاب خدا سوره ای است که هر کس آن را بخواند عمل زیاد و خوب انجام داده است!

هر کسی که در قبر دفن شود، قبر به او می چسبد

چنان که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم در مورد سعد بن معاذ رضی اللہ عنہ فرمود: «این کسی که عرش رحمان برایش به لرزه درآمد و دروازه ای آسمان برایش گشوده شدند و هفتاد هزار فرشته در تشییع جنازه اش حضور یافتند، به سختی در آغوش قبر چسبیده شد و سپس از آن راهی یافت»^{2، 3}.

نور...

هر کس، اعمال نجات بخش از عذاب قبر را بر خود لازم بگیرد، او خوشبخت بوده و از نعمت برخوردار خواهد شد.

1- سنن نسائی با سند صحیح.

2- سنن نسائی با سند صحیح.

3- اینک 1392/10/29 ش. که این مطالب را تصحیح می کنم و موضوع قبر و قیامت را پس از ترجمه ویرایش و بازنگری می کنم، که استاد بلند پای حدیث، عالم ربانی، مخلص و مجاهد، استاد برجسته دارالعلوم حقانیه ایرانشهر، مولانا دوست محمد رئیسی، پس از عمری در خدمت عرض علم و دین دارفانی را وداع گفت، روحش شاد و راهش پررهرو باد. آمین.

مخلوقاتی که از بین نمی‌روند

پروردگاران زنده و پاینده است و جز ذات او هر چیزی نابود می‌شود و جز مُلک او همۀ مُلک‌ها و فرمانروایی‌ها از بین می‌رود.

خداوند متعال فرموده است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾﴾ [الرحمن: 26-27]. «همۀ چیزها و همۀ کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می‌گردند. * و تن‌ها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس». آری، همۀ موجودات روی زمین نابود و فنا می‌شوند، می‌میرند و خاک آن‌ها را می‌خورد، اما از نصوص شرعی فهمیده می‌شود که برخی از این موارد مستثنی هستند.

- این امور کدامند؟
- معنای عدم فَنای آن‌ها چیست؟

درآمد

خداوند هر چه را بخواهد از بین می‌برد و هر چه را بخواهد باقی می‌گذارد، و پروردگارت هر چه را بخواهد بر می‌گزیند و اختیار می‌کند؛ بنابراین، همۀ مخلوقات می‌میرند و از بین می‌روند، جز هشت مورد که عبارتند از:

آخرین استخوان ستون فقرات (دنبالیچّه)

زیرا کل جسد انسان فنا شده و از بین می‌رود، جز همین قسمت از بدن که از بین نمی‌رود و خداوند انسان را از نواز همین استخوان می‌آفریند. رسول خدا ﷺ فرمود: «همۀ بدن فرزند آدم را خاک می‌خورد، جز آخرین استخوان ستون فقرات که از آن آفریده شده و خلقتش تکمیل می‌گردد»^۱.

ارواح

علم طبیعت و حقیقت روح را فقط الله می‌داند، اما قوام و حیات جسد، به آن وابسته است. لذا هر گاه روح از جسد جدا شود، جسد می‌میرد و روح به آسمان می‌رود و

اگر نیک باشد، دره‌ای آسمان به رویش گشوده می‌شوند و اگر بد باشد، دره‌ای آسمان به رویش بسته و گشوده نخواهند شد، اما در هر دو حالت، روح به جسد باز می‌گردد.

اما ارواح از بین می‌رود. رسول خدا ﷺ در موردش هدا می‌فرماید:

«ارواح ش‌ه‌دا در شکم پرندگان سبزی قرار دارد که درون قندیل‌هایی هستند که بر عرش آویزانند، هر موقع بخواهند در بهشت می‌چرند و سپس به آن قندیل‌ها باز می‌گردند»¹.

اما رسول خدا ﷺ در مورد ارواح مؤمنین فرموده است: «مانا روح مؤمن پرنده‌ای می‌شود که در درختان بهشت قرار می‌گیرد تا این که خداوند در روز قیامت او را به جسدش باز می‌گرداند»².

بهشت و دوزخ

خداوند آن‌ها را برای اکرام و گرامی داشتن فرمانبرداران و تحقیر و ذلیل گردانیدن بدکاران آفریده است و برای همیشه باقی می‌مانند و از بین نمی‌روند. خداوند فرموده است: ﴿خَلِّدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ [النساء: 57]، «در آنجا جاودان‌ها تا به ابد می‌مانند».

عرش

عرش، در لغت به تختی می‌گویند که پادشاهان بر آن قرار می‌گیرد، و پروردگاران نیز عرشی دارند که شایسته جلال و عظمت اوست. خداوند در هفت جا در قرآن کریم از استوای خویش بر عرش یاد کرده است.

چنان که در قرآن می‌خوانیم:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: 5]. «خداوند مهربانی است که بر عرش

مستوی شده است».

و نیز می‌فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ﴾ [الأعراف: 54]. «سپس بر عرش قرار گرفت».

عرش، نخستین مخلوقی است که خداوند آن را برای بقا آفریده است، نه برای فنا؛ لذا عرش به هنگام دمیدن در صور دوم که همه مخلوقات نابود شده و از بین می‌روند، نابود نمی‌شود.

1- صحیح مسلم.

2- سنن نسایی با سند صحیح.

کرسی

کرسی، محل دو قدم پروردگامان است، آن گون که بن عباس رضی الله عنه گفته است. بنابراین، کرسی باقی است و از بین نمی رود!

حورالعین

عبارتند از زنان بهشتی که برای بهشت آفریده شده اند و مانند سایر مخلوقات از بین نمی روند.

لوح

لوح، عبارت است از لوح محفوظ که خداوند در آن تقدیر بندگان را نوشته و از بین نمی رود.

قلم

قلم مخلوقی است که خداوند آن را آفریده و به آن دستور داده است تا اعمال بندگان را بنویسد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نخستین چیزی که خداوند آفرید، قلم بود و به آن دستور داد و فرمود: بنویس، گفت، خدایا! چه بنویسم؟ الله فرمود: تقدیر بندگان را تا روز قیامت بنویس»².

سیوطی این هشت مورد را که از بین نمی روند، در این دو بیت شعر جمع کرده است:

ثمانية حكم البقاء يعمها من الخلق والباقون في حيز العدم

هي العرش والكرسي نار وجنة وعجب والأرواح كذا اللوح والقلم

«هشت موردند که از میان مخلوقات، حکم بقا شامل آن‌ها می شوند و باقی از بین رفته و نابود می شوند».

«و آن‌ها عبارتند از: عرش، کرسی، بهشت، دوزخ، استخوان دنبالیچه (آخرین استخوان ستون فقرات)، ارواح، لوح و قلم».

باور...

پروردگامان هر چه بخواهد، می آفریند،

و هر چه بخواهد جاوید نگه داشته

و هر چه را بخواهد نابود می گرداند.

1- صفات الله الواردة في الكتاب والسنّة، العلوی للسقاف، 223.

2- ابوداود و ترمذی، با سند صحیح.

هفت مسأله در مورد قبر

- اشتباهات و باوره‌ای غلطی در میان مردم رواج دارد که در جاهایی از کشورهای جهان گسترش یافته‌اند و دوست داشتم در پایان بحث قبور به آن اشاره کنم.
- باورها و مسائلی در مورد قبر خطاها و اشتباهات مردم در این مورد
 - علاج و درمان این اشتباهات چیست؟

درآمد

خداوند پیامبران را به عنوان معلم و خیرخواه به سوی انسان‌ها فرستاده است، تا آنان را به سوی خیر و هدایت ره‌نمون شوند و از راه‌های غلط و اشتباه آنان را باز دارند. بنابراین، احکام و ره‌نموده‌ایی از پیامبرمان مربوط به قبور به اثبات رسیده است که برخی از این قرارند:

مسأله اول

دریافت عذاب و به‌ره‌مندی در قبر از جمله امور غیبی هستند که با عقل و خرد قابل درک و فهم نیستند و ایمان به غیب یکی از صفات مهم و بارز مؤمنان است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُولُوا بِالْغَيْبِ﴾ [البقرة: 1-3]. «الف. لام. میم. * این کتاب هیچ‌گمانی در آن نیست و راه‌نمای پرهیزگاران است. * آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند».

مناسب است بدانیم که مراد از عذاب قبر، همان عذاب برزخ است، بنابراین، هر کس بمیرد و مستحق عذاب باشد، قطعاً آن عذاب دامنگیر وی می‌شود، چه در قبر دفن شود یا این که درنده‌ای او را طعمه خویشت سازد، یا بسوزد و خاکستر گردد و ذرات بدنش در هوا پراکنده گردند، یا به وسیله اعدام از بین برود یا در دریا غرق شود. لذا همان‌گونه که فرد در قبر گرفتار عذاب می‌شود، روح و جسد این افراد نیز عذاب می‌بینند.

مسأله دوم

یکی از امور حرام و ناجایز که اغلب مردم به ویژه زنان به آن گرفتار می شوند، سرو صدا و نوحه سرایی و گریه و شیون است.

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که (هنگام مصیبت) به سر و صورت خود بزند و گریباننش را پاره کند و سخن جاهلی بر زبان بیاورد، از ما نیست»¹.
و نیز فرموده است: «زن نوحه خوان اگر قبل از مرگش توبه نکند، در روز قیامت در حالی بر می خیزد که پیراهنی از قطران و چادری از جرب خواهد داشت»².

بنابراین، هر کسی که مصیبتی برایش روی داد و فرزند و عزیزی را از دست داد، باید صبر پیشه کند و از الله امید پاداش داشته باشد، و در قبال صبر و شکیبایی اش، از الله پاداش بزرگ را امید داشته باشد.

رسول الله ﷺ فرمود: «خداوند متعال می فرماید: هرگاه، یکی از عزیزان بنده مؤمنم را در دنیا قبض روح نمایم و او به نیت اجر و ثواب، صبر کند، نزد من پاداشی، جز بهشت ندارد»³.

مسأله سوم

زیارت قبور، امری مشروع است و باید آدمی به نیت پند و اندرز گرفتن بدانجا برود نه به قصد تبرک به قبر یا خاک قبر یا بهره مند شدن از صاحب آن.
درست نیست که انسان یک روز را مشخص را برای زیارت قبور اختصاص دهد، زیرا از رسول خدا ﷺ ثابت نیست که آن حضرت ﷺ یک روز برای زیارت قبرستان اختصاص داده باشند.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»⁴ «هر کس در دین ما چیزی را که دستور ما نبوده است، وارد کند، آن امر مردود است».

برخی از مردم، به هنگام زیارت قبرستان، سوره فاتحه را می خوانند، در صورتی که این بدعت هست و ثابت نیست که آن حضرت ﷺ به هنگام زیارت چیزی از قرآن را خوانده باشند، بلکه فقط برای مردگان دعا می کرد و برایشان آمرزش می طلبید.

1- متفق علی.

2- متفق علی.

3- متفق علی.

4- صحیح بخاری.

سفر کردن برای زیارت قبور جایز نیست، چنان که آن حضرت ﷺ فرمود: «رخت سفر نبندید مگر برای زیارت سه مسجد: 1- مسجد الحرام - 2- مسجد النبی ﷺ - 3- مسجد الاقصی»¹.

مسئله چهارم

برخی دیگر از بدعت‌ها و مخالفت‌های شرعی در جناز:

- گذاشتن گل بر جنازه یا قبر، که این کار با عمل کفار شباهت دارد و از شعایر آن‌هاست. آن حضرت ﷺ فرمود: «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»² «هر کس خود را به گروهی شباهت دهد، از همان گروه محسوب می‌گردد».
- همچنین سیاه پوش شدن، توقف و سکوت برای ارواح شهیدان و ... برای ترحم کردن، چون این کار نوعی بدعت و هماهنگی با شاعر کفار است. بنابراین، کافی است که برایشان دعا و استغفار نماییم.
- همچنین جایز نیست که تصویر مردگان و حتی زندگان را به عنوان یادگاری در خانه‌های خود آویزان نمود. چنان که پیامبر ﷺ به حضرت علی فرمود: «أَنْ لَا تَدَعُ صُورَةً إِلَّا طَمَسْتَهَا، وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَيْتَهُ»³ «هر تصویری دیدی، آن را از بین ببر و هر قبر برجسته‌ای را که دیدی آن را با زمین یکسان نما».
- بلند نمودن صدا با تکبیر و تهلل به صورت دست جمعی، به هنگام تشییع جنازه، زیرا آنچه مشروع است، این است که انسان آهسته برای آن میت دعا کند».
- اذان گفتن در قبری یا پس از گذاشتن میت در آن، که این کار بدعت است و از آن حضرت ﷺ و یارانش ثابت نیست. رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»⁴ «هر کس در دین ما چیزی را که دستور ما نبوده است، وارد کند، آن امر مردود است».

1- متفق علی‌ه.

2- مسند احمد.

3- صحیح مسلم.

4- صحیح بخاری.

- یکی دیگر از بدعت‌ها، دعای دست جمعی برای میت پس از دفن آن است و اصل این است که مرده را در کفنش دفن نمایند، بدون این که او را در تابوت بگذارند، مگر این که نیازی برای گذاشتن آن در تابوت باشد، مانند این که جسد میت تکه و پاره شده یا قانون کشور دفن در بیرون تابوت را اجازه نمی‌دهد که در این صورت اشکالی نخواهد داشت.

مسألۀ پنجم

هرگاه فرد زنده، عمل نیکی را انجام داد و پاداش آن را برای مرده‌ای اهدا نمود، این کار جایز است و اشکالی ندارد، اما باید این کاروی فقط در چارچوب شریعت باشد، مانند این که برایش دعا نموده و حج و عمره بگذارد یا صدقه بدهد و قربانی کند، یا روزه‌ایی که بر او واجب بوده‌اند را ادا نماید.

اما اگر به این قصد نماز بخواند که پاداش آن به مرده برسد، این کار جایز نیست، چون این کار از پیامبر ﷺ ثابت نیست. یکی دیگر از بدعت‌ها این است که قاری قرآن را اجاره نموده و برای میت قرآن بخوانند.

مسألۀ ششم

قبل از این که میراث میت تقسیم گردد، واجب است تا هزینۀ تجهیز و قرض‌های وی پرداخت گردد و بروصیت وی عمل کنند. آن حضرت ﷺ فرمود: «نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدِينِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ»^۱ «روح مؤمن به دیونش آویزان است تا این که از او پرداخت گردد».

مسألۀ هفتم

این یک مسألۀ بسیار بزرگ و مصیبتی عظیم یعنی شرک در نزد قبور است، چنان که عده‌ای قبر را طواف می‌کنند و برخی نیازهایشان را از آن‌ها می‌خواهند و عقیده دارند که اولیا در قبورشان زنده‌اند و مصایب را از بندگان دور نموده و نیازهایشان را برآورده می‌سازند. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلَيْسَ جِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۹۵﴾ [الأعراف: ۱۹۴]. «مانا آن‌هایی را که به جز خدا

فریاد می‌دارید، بندگانی همچون خود شما هستند. آنان را به فریاد خوانید (و از ایشان استمداد جوئید) اگر راست می‌گویید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند (و نیاز شما را برآورده کنند)».

برخی از قبرپرستان، دور قبر طواف می‌کنند و بر گوشه‌ای آن خود را می‌مالند و برای آن سجده و کرنش می‌کنند، و در حالت فروتنی و انکساری در برابر قبر می‌ایستند و نیازهایشان را از آن می‌خواهند، تا بیماری آنان را شفا داده یا به آنان فرزند عنایت کند. و چه بسا که افرادی صاحب قبر را این گونه به فریاد می‌خوانند و می‌گویند: ای سرورم! من از راه دور و کشوری دور به زردت آمده‌ام، پس مرادست خالی بر مگردان. آن گاه از وی می‌خواهد تا بیماری‌اش را شفا دهد یا فرد غایبش را باز گرداند، اما فراموش کرده و غافل است از این که این دعا را در نماز از خدایش بخواند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ﴾ [الأحقاف: 5]. «چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی‌گویند؟ (نه تنه‌ا پاسخش را نمی‌دهند، بلکه سخنانش را هم نمی‌شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریاد خوانندگان غافل و بی‌خبرند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدًّا دَخَلَ النَّارَ»،^۱ «هر کس بمیرد در حالی که به غیر الله کسی را به عنوان شریک خوانده است، وارد دوزخ می‌شود». نباید انسان فریب این گونه شایعات را بخورد که فلان نیازمند به نزد فلان قبر رفت و صاحب آن به فریادش رسید، یا فلان بیمار شفا یافت یا فلان فرد صاحب فرزند شد، بلکه آدمی با دعایش متوجه خداوند یگانه و بی‌انباز شود و او را در نماز، در مسجد، به هنگام ادای حج و عمره به فریاد بخواند نه این که از روی تبرک الهی را به نزد قبر بخواند.

ساختن مسجد به نزد قبرها و مزارها جایز نیست

حتی گزاردن نماز در مسجدی که در داخل یا صحن و یا جهت قبله‌اش قبر وجود دارد، جایز نیست.

رسول خدا ﷺ فرمود: «آگاه باشید، همانا امت‌های قبل از شما قبور انبیا و نیکان را به عنوان مسجد انتخاب می‌کردند، آگاه باشید، قبره‌ها را به عنوان مسجد انتخاب نکنید و من شما را از این کارن‌هی می‌کنم»¹.

از این رو، ساختن بنا و ساختمان بر قبره‌ها به هر شکلی که باشد، حرام و ناجایز است، زیرا رسول خدا ﷺ ن‌هی فرموده‌اند از این که قبره‌ها را با گچ درست کنند یا بر آن‌ها بنشینند و یا بنا سازند»².

بلکه آنچه مشروع است، این است که میت را در قبر بگذارند و سپس خاکی که از آن بیرون کرده‌اند، دوباره بر آن بگذارند و ارتفاع آن را از یک وجب بیشتر نکنند.

کما این که حرام است که بر قبره‌ها قبّه بگذارند، چنان که پیامبر ﷺ به حضرت علی دستور داد: «هر تصویری دیدی، آن را از بین ببر و هر قبر برجسته‌ای را که دیدی آن را با زمین یکسان نما».

و نیز رسول خدا ﷺ ن‌هی فرموده‌اند از این که قبره‌ها را با گچ درست کنند یا بر آن‌ها بنشینند و یا بنا سازند»³.

پروردگاران، فرمانروای هستی می‌فرماید:

﴿أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءً عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَلِمْتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبِطْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾﴾ [الأعراف: 191-198].

1- صحیح مسلم.

2- صحیح مسلم.

3- صحیح مسلم.

«آیا چیزهایی را انباز خدا می سازند که نمی توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان هم آفریده می شوند؟ * انبازه‌ای آنان نه می توانند ایشان را یاری دهند و نه می توانند خویشتن را کمک نمایند. * شما اگر انبازه‌ای خود را به فریاد خوانید تا شما را هدایت کنند، نمی توانند شما را پاسخ دهند و خواسته شما را برآورده کنند. برای شما یکسان است، خواه آن‌ها را به فریاد خوانید، و خواه خاموش باشید * معبودانی را که به جز خدا فریاد می دارید و می پرستید، بندگانی همچون خود شما هستند. آنان را به فریاد خوانید (و از ایشان استمداد جوید) اگر راست می گوید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند. * آیا این معبودان دارای پایه‌ایی هستند که با آن‌ها راه بروند؟ یا دارای دست‌هایی هستند که با آن‌ها چیزی را بگیرند (و دفع بلا از شما و خویشتن کنند)؟ یا چشم‌هایی دارند که با آن‌ها ببینند؟ یا گوش‌هایی دارند که با آن‌ها بشنوند؟ (پس آن‌ها نه تن‌ها با شما برابر نیستند، بلکه از شما هم کمتر و ناتوانترند. در این صورت چگونه آن‌ها را انباز خدا می کنید و آن‌ها را می پرستید)؟. بگو: این بت‌هایی را که شریک خدا می دانید فراخوانید و سپس شما و آن‌ها همراه یکدیگر درباره من نیرنگ و چاره جویی کنید و اصلاً مرا مهلت ندهید (اما بدانید که این‌ها موجودات غیر مؤثری هستند و کمترین تأثیری در وضع من و شما ندارند) * بی گمان سرپرست من، خدایی است که این کتاب (قرآن را بر من) نازل کرده است، و او است که بندگان شایسته را یاری و سرپرستی می کند. * چیزهایی را که شما به جز خدا فریاد می دارید و می پرستید، نه می توانند شما را یاری دهند و نه می توانند خویشتن را کمک کنند. * و اگر از آن‌ها رهنمود بخواهید، درخواست شما را نمی شنوند (و به ظاهر پیکره آن‌ها را می بینید که (انگار با چشمان خود) به شما نمی نگرند، ولیکن چیزی را نمی بینند)».

سخنی راست...

مقتضای ایمان تو این است که اله یکی است

و شریکی ندارد

و تن‌ها و بدون واسطه او را بخوانی.

پس از آن که آدمی مدت زمانی را که خداوند مقدر نموده است، در عالم برزخ می گذراند، رستاخیز که خداوند اجازه داده تا مردگان محشور گردند و در صور دمیده شود، فرا می رسد.

بنابراین،

• قیامت کی برپا می شود؟

• دمیدن در صور یعنی چه؟

- بندگان چگونه از قبرها بیرون می شوند؟
- آنان که در قبور دفن نمی شوند، مانند غرق شدگان، سوخته شدگان، این افراد چگونه زنده می شوند؟
- آیا خداوند فقط بندگان را محشور می دارد، یا همه مخلوقات را؟
- حشر جنیان چگونه خواهد بود؟
- و ... سؤالات و پرسش‌های فراوانی که در پیچ‌ه‌ ذهن آدمی را می‌کوبند که ما در مورد آن‌ها در فصل‌های آینده با تفصیل بحث خواهیم کرد.

جایگاه ایمان به روز آخرت

درآمد

ایمان به روز آخرت، یکی از ارکان ایمان است، چنان که خداوند فرموده است:

﴿وَلَكِنَّ الْإِيمَانَ مِنَ عَمَلِنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾
[البقرة: 177]

«بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد».

آن حضرت ﷺ نیز در توضیح ایمان فرمودند: «ایمان آن است که به الله، فرشتگان، کتاب‌ها، رسولان و روز واپسین ایمان داشته باشی و به تقدیر خیر و شر باور داشته باشی»!

معنای ایمان به روز آخرت

ایمان به روز آخرت این است که تصدیق قطعی و جازم داشته باشی مبنی بر این که قیامت و رویدادهای آن حتماً فرا می‌رسند و به مرگ و حوادث پس از آن باور داشته و علامات قیامت را تصدیق نمایی».

و هر کس روز آخرت را انکار یا در آن شک و تردید داشته باشد، وی مرتکب بزرگترین کفر شده و این باور، او را از دایره اسلام خارج می‌سازد.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: 136]. «و هر کس که به خدا و فرشتگان و کتاب‌های خداوندی و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از این‌ها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است».

بنابراین، روز آخرت بدون تردید به وقوع خواهد پیوست و هر کس در وقوع آن تردیدی داشته باشد، مرتکب بزرگترین کفر شده است؛ زیرا وی الله و پیامبرش را تکذیب نموده است و الله بیان نموده است کفار روز آخرت را تصدیق نمی‌کنند و خداوند بندگان را پس از مرگشان دوباره به حیات باز می‌گرداند.

خداوند از زبان کفار می‌فرماید: ﴿إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ﴾ [الجاثیة: 32]. «ما تنه گمانی (در باره آن) داریم و به هیچ وجه یقین و باور نداریم (که قیامت فرا برسد)».

بنابراین، به وقوع قیامت ایمان قطعی و یقینی داشت، بدون آن که در آن شک و تردیدی همراه باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [البقرة: 4]. «آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند».

از این جهت رستاخیز آمدنی است و در آمدن آن تردیدی نیست. خداوند فرموده است: ﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [الحج: 7]. «و (این که بدانید) بدون شک قیامت فرا می‌رسد و جای هیچ گونه تردیدی نیست، و خداوند تمام کسانی را که در گور آرمیده‌اند دوباره زندگی می‌گرداند».

روشنگری ...

هر کس به بعث و نشور، بهشت و دوزخ ایمان نداشته باشد، او نسبت به دین اسلام کافر شده است.

اوصاف و ویژگی های روز آخرت

خداوند کتابش را فرود آورده است تا هر چیزی را بیان کند و پیامبرانش را به عنوان ترساننده و مژده آور فرستاده است، از این ره گذر خداوند امور اخروی را برای ما روشن ساخت و اوصاف و ویژگی های آن را برای ما ظاهر داشت است.

درآمد

روز آخرت، همان روزی است که در صور دمیده می شود و قیامت برپا می شود و خداوند آن را با چندین صفت برای ما توصیف کرده است که حالت آن روز و مردمان را روشن می سازد. برخی از آن صفات عبارتند از:

روزی که در برپایی آن تردیدی وجود ندارد

آری، سوگند به اله که در آن روز تردیدی نیست و قطعاً خواهد آمد، همان گونه که خداوند در قرآن وعده داده و فرموده است: ﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنِّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ [فاطر: 5]. «ای مردمان! وعده خدا حق است، پس زندگی دنیوی شما را گول نزنند و اهریمن شما را درباره خدا نفریبند». و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «وَالسَّاعَةُ حَقٌّ»¹، «و قیامت حق می باشد»

برای کافران روزی دشوار خواهد بود

در آن روز اعمال قطع شده و اجل هاب به پایان می رسد و هر عمل کننده ای، جزای عمل نیک و بد خود را دریافت می کند و نمی تواند به اعمال نیکش بیفزاید یا از اعمال بدش بکاهد. چنان که خداوند می فرماید: ﴿فَذَلِكِ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿١﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿٢﴾﴾ [المدثر: 9-10]. «آن روز، روی سختی خواهد بود. * برای کافران آسان نخواهد بود (و) بلکه پر مشقت و دردسر خواهد بود».

اما برای مؤمنان، آسان خواهد بود، زیرا نگرانی بزرگ آنان را غمگین نخواهد کرد و عده ای در زیر سایه عرش قرار می گیرند که در آینده از آنان سخن خواهیم گفت.

روزی که هر انسان جزای کامل عملکرد خویش را دریافت می کند انسان ها جزای کامل اعمالشان را دریافت می کنند، اگر عمل خیر بوده پاداش خیر، و اگر عمل بد بوده است، جزای بد را می بینند، چرا که ه همگی در دفتر اعمال که از تغییر و دروغ محفوظ است، ثبت شده اند.

خداوند فرموده است: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: 25]. «پس (حال آنان) چگونه خواهد بود (و چه کار خواهند کرد) وقتی که ایشان را در روزی که هیچ شکّی در (وقوع) آن نیست، جمع می آوریم و به هر کسی (پاداش و پادافره) آنچه کرده و فراچنگ آورده است به تمام و کمال داده شود و بر آنان ستم نرود».

روزی که زمان وقوع آن از جانب الله مشخص شده است

هرگز از آن زمان جلوتر نیامده و مؤخر نخواهد شد. چنان که خداوند می فرماید: ﴿قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ﴾ [سبا: 30]. «بگو: وعده شما روز مشخصی است که نه ساعتی از آن پسی می گیرید، و نه ساعتی از آن پیشی می گیرید».

آن روزی نزدیک است

آری، قیامت نزدیک است، هر چند که ما آن را دور می بینیم، خداوند آن را به امت های پیشین وعده داده است و زمان آنان بسر رسیده و امت ما آمده است، آن حضرت ﷺ فرمود: «من و قیامت به اندازه ای این دو مبعوث شده ایم و انگشت سبابه و وسطی خود را با هم نزدیک کرد»!

خداوند نیز فرموده است: ﴿فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا ﴿٦﴾ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾ [المعارج: 5-7]. «آنان آن روز را بعید و دور می دانند. * و ما آن را ممکن و نزدیک می دانیم».

به صورت ناگهانی خواهد آمد

هر چند که علم بشر پیشرفت کند و درک و فهمشان افزون گردد، اما باز هم محال است که بدانند، زمان وقوع قیامت کی خواهد بود؛ زیرا وقوع قیامت یکی از اسرار بزرگی

است که خداوند آن را بر پیامبران گرانقدر و فرشتگان بزرگ پنهان نموده است و در مورد آن علم دانش سوال شده از علم کننده بیشتر نیست.

خداوند می‌فرماید: ﴿بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَبِيحُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [الأنبياء: 40]. «(قیامت به اطلاع قبلی فرا نمی‌رسد و) بلکه ناگهانی به سراغ ایشان می‌آید و آنان را مات و مبهوت می‌کند و توانایی دفع و برگرداندن آن را نخواهند داشت و دیگر مهلت و فرصت (توبه و معذرت) بدیشان داده نمی‌شود».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً﴾ [الأعراف: 187].

«در باره قیامت از تو می‌پرسند و می‌گویند: در چه زمانی (دنیا به پایان می‌رسد و) قیامت رخ می‌دهد؟ بگو: تنه‌ها پروردگرم از آن آگاه است، و کسی جز او نمی‌تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد (و از پایان این جهان و سرآغاز آن جهان مردمان را بی‌اگاهاند. اطلاع از هنگامه قیامت) برای (ساکنان) آسمان‌ها و زمین سنگین و دشوار است (و هرگز دانش ایشان بدان نمی‌رسد). قیامت ناگهانی به وقوع می‌پیوندد و بر سر تان می‌تازد».

روزی بزرگ است

آن بزرگ‌ترین روزی است که بر آفریدگان می‌گذرد، نه قبل از آن چنین روز بزرگی را دیده‌اند و نه بعد از آن شاهد چنین روزی خواهند بود. در آن روز، حوادثی هولناک و حالت‌هایی بزرگ روی خواهد داد.

خداوند می‌فرماید: ﴿لِيَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ [المطففين: 6-5] «در روز بسیار بزرگ و هولناکی (به نام قیامت). * همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگارج‌هانیان (برای حساب و کتاب) برپا می‌ایستند».

خورشید به بندگان نزدیک می‌شود

در روز قیامت هم چیز به هم می‌خورد و امور هستی متغیر شده و دگرگون می‌شوند، آسمان سرخ و شعله‌ور می‌شود، و خورشید به مخلوقات نزدیک می‌شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر گاه قیامت فرارسد، خورشید به بندگان نزدیک می‌شود و به اندازه یک یا دو میل قرار می‌گیرد».

سُلیم می گوید: نمی دانم که مراد از میل کدام است، میلی که آل ه سنجش مسافت زمین است یا میلی که با آن در چشم سرمه می گذارند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «پس خورشید آنان را ذوب می کند، و به میزان اعمالشان در عرق فرو می روند. چنان که عده ای تا قدمه و برخی تا زانو و گروهی تا زیر ناف، در عرق فرو می روند و برخی تا دهانشان غرق در عرق خواهند بود»².

روزی که هیچ کس بدون اجازه خداوند سخن نمی گوید

آری، همه مخلوقات، اعم از جن و انس، نیک و بد، فرشتگان بزرگوار و پیامبران گرانقدر، به خاطر عظمت و جلال پروردگار با عظمت و باشکوه خاموش اند و سخن نمی گویند. کسی سخن نمی گوید جز آن که خداوند فرمانوا به او اجازه دهد. چنان که اله تعالی می فرماید: ﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ﴾ [هود: 105]. «روزی که آن روز فرا می رسد کسی یارای سخن گفتن و دم برآوردن ندارد، مگر با اجازه خدا. (در چنین روزی) دست های از آنان (به انواع عذاب گرفتارند و) بدبختند، و دست های (غرق در نعمت های گوناگونند و) خوشبختند».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾ [طه: 108]. «در آن بدون کمترین سرپیچی، از منادی (ال ه) پیروی می کنند و صداها به سبب (جلال و شکوه خداوند) مهربان فروکش می کند، و جز صدای آهسته (چیزی) نمی شنوی».

روزی که شاه ی فقط از آن خداوند خواهد بود

در آن روز، شاه ی شاهان سقوط می کند و کمر فرمانروایان کسرا در هم می شکنند و آرزوهای فرمانروایان قیصر فروکش می کند. در آن روز جاه و منزلت، فرمانروایی و دیوان، و حکم و داوری، فقط مخصوص فرمانروای دیان خواهد بود.

1- احمد و ترمذی با سند صحیح.

2- یعنی در آن روز بندگان بر حسب اعمال نیکشان در سختی و عرق قرار می گیرند، برخی تا قدمه ایشان در عرق فرورفتند و عده ای تا زانوه و برخی تا ناف و جمعی سر تا پا غرق عرق هستند.

آری، فرمانروایی فقط از آن الله قهار خواهد بود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَمِنَ الْمَلَكِ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ [غافر: 16]. «ملک و حکومت، امروز از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای چیره‌تواناست».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾ [الفرقان: 26]. «در آن روز حکومت واقعی و ملک حقیقی، از آن خداوند مهربان است، و آن روز برای کافران روز سختی خواهد بود».

روزی که روی گردانان و اعراض‌کنندگان پشیمان می‌شوند

هر کس که روی گردانده و طغیان پیشه کرده و از راه‌های بد پیروی نموده است، روز قیامت پشیمان و شرمنده می‌شود و عذاب برایش محقق می‌شود. از این که با رفیقان بد همراهی کرده و از پیامبر روی گردانده است، نادم می‌گردد. چنان که خداوند فرموده است:

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ ﴿٢٧﴾ يَوَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ اتَّخَذْ فُلَانًا خَلِيلًا﴾ ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ ﴿٢٩﴾ [الفرقان: 27-29]. «و در آن روز ستمکار، هر دو دست خویش را (از شدت ندامت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش! با رسول خدا راه (به‌شت) را برمی‌گزیدم * ای وای! کاش من فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم. * بعد از آن که قرآن به دستم رسیده بود، مرا گمراه کرد. (آری!) شیطان انسان را (به رسوایی می‌کشد و) خوارِ خوار می‌دارد».

نتیجه...

از اوصاف روز قیامت، وضعیت آن روز و حالت برخی مردمان برای ما واضح گردید.

قیامت کی برپا می شود؟

هیچ کسی از مخلوقات، از زمان برپایی قیامت خبر ندارد و جز خداوند یگانہ، هیچ کس نمی داند کہ رستاخیز کی فرا می رسد. چنان کہ خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ﴾ [لقمان: 34]. «آگاہی از فرارسیدن قیامت و یژہ خدا است، و او است کہ باران را می باراند، و آگاہ است از آنچه در رحم های (مادران) است».

و نیز اللہ تعالیٰ فرموده است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ۚ قُلْ فِيهَا مَا تُغْتَابُونَ ۗ إِنَّا كُنَّا نُنزِّلُ الْغَيْثَ لَكُمْ وَأَنَّا نُفِطِرُ الْبَشَرَ إِنَّا جَاعِلُونَ لِلْإِنسَانِ أَكْبَادًا ۚ﴾ [النازعات: 42-45]. «از تو درباره قیامت می پرسند کہ در چه زمانی واقع می شود؟ * تو چیزی از آن نمی دانی. * آگاہی از زمان قیامت، بہ پروردگارت واگذار می گردد. * وظیفہ تو تنہا و تنہا بیم دادن و ہوشدار باش بہ کسانی است کہ از قیامت می ترسند».

بنابراین،

- آیا ممکن است کسی بدانند کہ چه زمانی قیامت برپا می شود؟
- و آیا ما می دانیم چه روزی فرا می رسد؟

درآمد

جبرئیل از رسول خدا ﷺ پرسید: قیامت کی خواهد آمد؟ «رسول اللہ ﷺ فرمود: «در این مورد من داناتر از شما نیستم»!

ابن عمر رضی اللہ عنہما می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «کلیدہای غیب پنج مورد هستند و آن گاہ این آیہ را تلاوت فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: 34]. «آگاہی از فرارسیدن قیامت و یژہ خدا است، و او است کہ باران را می باراند، و آگاہ است از آنچه در رحم های (مادران) است، و هیچ کسی نمی داند فردا چه چیز

فراچنگ می‌آورد، و هیچ کسی نمی‌داند که در کدام سرزمینی می‌میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر است!»!

آیا این که زمان برپایی قیامت را بدانیم، سودی به ما می‌رسد؟

پاسخ: هر کس بمیرد، قیامت او برپا می‌شود، بنابراین، زمانی که انسان نمی‌داند که مرگش کی فرا می‌رسد، پس چه سودی عاید وی شود که زمان فرا رسیدن قیامت را بداند؟ فرض کنیم که او می‌داند که سال آینده قیامت برپا می‌شود، اما چه کسی تضمین می‌کند که وی تا سال آینده زنده خواهد بود؟

از این رو، هر گاه کسی نزد رسول خدا ﷺ می‌آمد و در مورد زمان وقوع قیامت سوال می‌کرد، رسول خدا ﷺ سوال را متوجه وی می‌کرد که برایش مفید و سودمند بود، آن حضرت ﷺ می‌پرسید: چه چیزی برای قیامت و پس از آن آماده کرده‌ای؟

انس رضی الله عنه می‌گوید: مردی بادی‌ه نشین نزد نبی اکرم ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! قیامت کی برپا خواهد شد؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «وای بر تو، چه چیز برای آن آماده کرده‌ای؟» گفت: هیچگونه آمادگی ای ندارم. فقط خدا و رسولش را دوست دارم. فرمود: «تو با کسانی خواهی بود که آن‌ها را دوست داری». ما (صحابه) گفتیم: ما هم اینگونه خواهیم بود؟ فرمود: «بلی». در آن روز ما به شدت خوشحال شدیم.²

قیامت در چه روزی برپا می‌شود؟

احادیث فراوانی وارد شده است که فرا رسیدن روز قیامت را مشخص می‌کنند، در احادیث آمده است که قیامت در روز جمع برپا می‌شود. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «قیامت جز در روز جمع برپا نخواهد شد»³.

از این رو همه مخلوقات از این روز می‌ترسند. آن حضرت ﷺ فرمود: «روز جمع بهترین روزی است که خورشید در آن طلوع کرده است، در همین روز آدم آفریده شده و در همین روز از آسمان به زمین فرود آمده و نیز در همین روز توبه‌اش پذیرفته شده است و در همین روز وفات کرده و قیامت در همین روز برپا می‌شود. و جز جن و انس، هیچ جنبنده‌ای

1- روایت از بخاری.

2- صحیح بخاری.

3- صحیح مسلم.

نخواهد بود، مگر این که در این روز از طلوع تا غروب از ترس قیامت منتظر است و گوش فرا می‌دهد»¹!

طول آن روز

روز قیامت، روزی بزرگ و هولناک است، بلکه سخت‌ترین، با عظمت‌ترین و طولانی‌ترین روز خواهد بود.

طول آن روز پنجاه هزار سال خواهد بود، روزی که در آن بین بندگان داوری می‌شود و خصومت‌هایشان حل و فصل می‌گردد.

آن حضرت ﷺ فرمود: «هر صاحب طلا و نقره‌ای که در دنیا حق آن را پرداخت نکرده است، روز قیامت صفح‌هایی از آتش برای او گشوده می‌شود و بر آن آتش گذاخته می‌شود و با آن پهلوی و پیشانی و پشتش داغ داده می‌شود و هر گاه سرد شود دوباره این عمل تکرار می‌شود آن هم در روزی که پنجاه هزار سال خواهد بود تا این که خداوند در میان بندگان داوری کند و آن گاه او مسیرش را به سمت بهشت یا دوزخ خواهد دید»².

اما آن روز، با وجود سختی و طولانی‌اش، برای مؤمنان سهل و آسان خواهد بود و برای آنان به اندازه نماز ظهر و عصر بیشتر نخواهد بود. چنان که ابوه‌ریره از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «طول روز قیامت برای مؤمنان به اندازه نماز ظهر تا عصر خواهد بود»³.

1- ابوداود.

2- صحیح مسلم.

3- مستدرک حاکم با سند صحیح.

نام‌های روز قیامت

روز آخر، بزرگ‌ترین، سخت‌ترین و هولناک‌ترین روزی است که بر مخلوقات می‌گذرد. و به خاطر عظمت آن، نام‌های فراوانی را به خود اختصاص داده است و این نام‌ها، اوصاف و ویژگی‌های آن به شمار می‌روند؛ زیرا نام‌ها بیانگر اوصاف و ویژگی‌ها هستند. بنابراین،

- نام‌های قیامت کدامند؟
- دلیل کثرت نام‌های قیامت چیست؟

درآمد

در میان عرب‌ها مشهور است که کثرت نام‌های یک شیء، بیانگر عظمت شأن آن است و هر چند که به عظمت آن افزوده گردد، به نام‌هایش نیز افزوده می‌گردد. مانند شمشیر که به آن، مُهَنَّد، حُسام، صارم و... می‌گویند و نیز شیر که به آن، هَبْتَمَزَبْر، لیث، غَضَنْفَر و... می‌نامند.

در حالی که اشیای حقیر اسمای متعددی ندارند.

از این رو، روز قیامت، به خاطر عظمت و جلالتش نام‌های متعددی دارد که یوم القیامه از مشهورترین نام‌های آن به شمار می‌رود؛ زیرا بندگان در برابر پروردگار می‌ایستند.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ﴾ [القیامه: 1]. «سوگند به روز قیامت».

خداوند خبر داده است که در آن روز مردمان در برابر او می‌ایستند. چنان که فرموده است: ﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۗ﴾ [المطففين: 6]. «همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهان‌انسان (برای حساب و کتاب) برپا می‌ایستند».

برخی دیگر از نام‌های قیامت عبارتند از:

اليوم الآخر (روز آخرت)

چون آن روزی است که روز دیگری بعد از آن از روزه‌ای دنیا نخواهد بود. خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ [البقرة: 62]. «هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ است».

يوم الدين (روز جزا)

زیرا در آن روز خداوند جزا و پاداش بندگان را می‌دهد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الفاتحة: 4]. «مالک روز سزا و جزا است».

يوم الجمع (روز گردآوری)

زیرا خداوند در آن روز اولین و آخرین بندگان را در آن گرد می‌آورد. خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ﴾ [التغابن: 9]. «زمانی، خداوند شما را در روزه‌ای گرد همایی (جملگی پیشینیان و پسینیان) جمع می‌آورد. آن روز، روز زیانمندی (کافران) است».

يوم الفتح (روز بازگشایی)

زیرا در آن روز صحیفه‌های اعمال گشوده شده و کارهای بست و پنهان بر ملا می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [السجدة: 29]. «بگو: در روز فیصله (کار) و قضاوت، ایمان آوردن کفار سودی به حالشان ندارد و (لحظه‌ای) بدیشان مهلت داده نمی‌شود».

واقعہ

چون وجود قیامت حتمی است و حتما واقع خواهد شد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ [الواقعة: 1]. «هنگامی که واقع‌ه (ی عظیم قیامت) برپا شود».

يوم الفصل (روز قضاوت و فیصله)

چون خداوند در آن روز بین بندگان قضاوت و فیصله می‌کند. خداوند می‌فرماید: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا يَوْمِ أُجِّلَتْ﴾ [اليوم الفصل 13] وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ﴾ [المرسلات: 12-14].

«(این کاره) برای چه روزی پس انداخته و در نظر گرفته شده‌اند؟* برای روز قضاوت (در میان مردم) و جدایی انداختن (میان حق و باطل). * تو چه می‌دانی روز داوری و جدایی چیست؟»

الصاخة (گوش خراش)

چون در آن روز چنان صدای بلندی بر می‌خیزد که نزدیک است، گوش‌ها را کر کند. خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ﴾ [عبس: 33]. «هنگامی که صدای هراس انگیز گوش خراش (نفخهٔ صور دوم) برآید».

الطامة الكبرى (بلاى سخت و طاقت فرسا)

چون به هر هولناک و وحشتناک پایان می‌دهد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى﴾ [النازعات: 34]. «هنگامی که بزرگ‌ترین حادثه (و بلاى سخت طاقت فرسای قیامت) فرا می‌رسد».

قارعه (کوبنده و بلاى بزرگ)

چون حوادث را با هول و هراس‌آییش می‌کوبد: ﴿الْقَارِعَةُ﴾ [القارعة: 1-2]. «بلاى بزرگ! * بلاى بزرگ چیست و چگونه است؟!»

حاقه (رخداد راستین)

زیرا به همهٔ وعده و وعیده تحقق می‌بخشد. خداوند می‌فرماید: ﴿الْحَاقَّةُ﴾ [الحاقة: 1-2]. «رخداد راستین! * رخداد راستین چگونه رخدادی است؟!»

ساعه

چون به صورت ناگهانی بر مخلوقات پدیدار می‌گردد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾ [لقمان: 34]. «آگاهی از فرارسیدن قیامت ویژه خدا است».

یوم الآخرة (روز آخرت)

چون آخرین روزهای دنیاست و پس از آن روزی نخواهد بود. خداوند فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [البقرة: 4]. «آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز آخرت اطمینان دارند».

یوم التَّغَابِنِ (روز حسدورزی)

زیرا در روز قیامت، دوزخیان بر نعمت‌هایی که نصیب اهل بهشت شده است، بر آنان حسد می‌ورزند. خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابِنِ﴾ [التغابن: 9]. «و آن روز حسدورزی است».

یوم الحسره (روز حسرت)

زیرا در آن روز فرد گناه‌کار و نافرمان به خاطر اعمال نیکی که از دست داده و اعمال بدی که مرتکب شده است، حسرت می‌خورد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [مریم: 39]. «(ای پیغمبر!) ظالمان را از روز حسرت (که رستاخیز است) بترسان. آن هنگامی که کار از کار می‌گذرد و ایشان در غفلت (عمر گرانبمایه را) به سر برده‌اند و (به بهشت و دوزخ) ایمان نداشت‌ه‌اند».

این‌ها پاره‌ای از اسم‌های قیامت بودند که نام‌های دیگری هم دارد و هر نامی، یکی از رویدادهای قیامت را به تصویر می‌کشد یا از احوال بندگان پرده بر می‌دارد که دارای چه وضع و حالی خواهند بود یا به عظمت و جایگاه آن روز اشاره دارد.

ایستگاه‌های روز قیامت

روز قیامت، روزی طولانی خواهد بود و مواقف و حالت‌های گوناگونی از اوضاع مردم را دربر خواهد داشت و با انواع و توده‌های مردم متفاوت خواهد بود و گاهی یک فرد مواقف و مواضع گوناگونی را پشت سر می‌گذارد.

در پاره‌ای از مواقف از هیچ کسی از عملش پرسیده نخواهد شد، بلکه با اعمالش مواجه می‌گردد بدون این که مورد مناقشه قرار گیرد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ﴾ [الرحمن: 39]. «در آن روز هیچ پری و انسانی از گناهش پرسش نمی‌گردد».

در موقعی دیگر از عملکردشان پرسیده می‌شوند، اما نه از روی استفهام، بلکه از روی توبیخ، نکوهش، تحقیر، ذلیل گردانیدن و اعتراف گرفتن. خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصافات: 24]. «آنان را نگاه دارید که باید بازرسی شوند».

و نیز خداوند می فرماید: ﴿فَلَنَسَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الأعراف: 6]. «(در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که پیغمبران به سوی آنان روانه شده اند می پرسیم و حتماً از پیغمبران هم می پرسیم».

و در برخی مواقف خلاق مورد بازخواست قرار می گیرند و آنان به اعمال و کردارشان در دنیا اعتراف می کنند و از خداوند چیزی را کتمان نمی کنند. الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا﴾ [النساء: 42]. «نمی توانند (کردار یا) گفتاری را از خدا پنهان سازند».

و در پاره‌ای از مواقف کفار مورد سوال قرار می گیرند و آنان دروغ می گویند و منکر این مطلب می شوند که در دنیا کفر ورزیده اند؛ اما کجا این کارشان سودی برایشان خواهد داشت، در حالی که آنان در برابر خداوند ایستاده اند که از اسرار و خفایای آنان خبر دارد و نجوایشان را می شنود و پوشیدگی هایشان را برملا می سازد. خداوند می فرماید: ﴿ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ﴾ [الأنعام: 23-24]. «سپس عاقبت کفر آنان چیزی جز این نیست که می گویند: به خداوند که پروردگار ما است سوگند که ما مشرک نبوده ایم! * بنگر که چگونه با خویشان نیز دروغ می گویند، و نشانی از شرکا و انبازانی نماند که آنان به هم می یافتند».

در برخی از صحنه‌های قیامت خبره از یاد تکذیب گران تبه کار می رود و سخنانشان را فراموش می کنند و دچار اضطراب و استرس قرار می گیرند و مسایلشان را خلط می کنند. خداوند می فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ﴾ [القصص: 65-66]. «(خاطر نشان ساز) روزی را که خداوند مشرکان را فریاد می دارد و می گوید: به پیغمبران چه پاسخی دادید؟ * در این هنگام (بر اثر حیرت و دهشت) همه خبره از یادشان می رود و نمی توانند چیزی از یکدیگر هم بپرسند».

لذا دلیل و حجت را از یاد می برند و نمی دانند به پروردگارشان چه می گویند و چه دلیلی را عرضه می کنند و حرفی برای گفتن ندارند و هیچ راه فرار و گریزی ندارند.

شفقت...

قیامت، با وجود طولانی و سختی اش،

بر مؤمنان آسان خواهد شد.

دمیدن در صور

دمیدن در صور، نخستین رویداد برپایی قیامت و ایجاد دگرگونی در هستی و اضطراب جهان خواهد بود.
بنابراین،

- صور چیست و در چه چیزی دمیده می شود؟
- چند بار در صور دمیده می شود و پس از دمیدن در صور چه اتفاقی می افتد؟
- آیا همه بندگان دچار بی هوشی می شوند؟

درآمد

صور شاخی است که در آن دمیده می شود. مراد از شاخ همان چیزی است که بر سر گوسفند قرار دارد.
بادی نشینی به محضر پیامبر آمد و پرسید: صور یعنی چه؟ فرمود: «شاخی است که در آن دمیده می شود»!

مسئول دمیدن در صور

اسرافیل فرشت‌های است که مسئول دمیدن در صور است و در هر لحظه منتظر فرمان پروردگار است تا به او فرمان دهد تا در صور بدمد.
رسول خدا ﷺ به ما خبر داده است که اسرافیل از زمانی که خداوند او را آفریده است، در انتظار دمیدن در آن بسر می برد. آن حضرت ﷺ فرمود:
«مانا فرشت‌های که مسئولیت دمیدن در صور به او سپرده شده است، چشمانش آماده‌اند و به عرش می نگرند و چشمانش را باز و بسته نمی کند تا مبادا قبل از آن که آن‌ها را بگشاید، خداوند به او فرمان دهد، از این رو چشمانش مانند دو ستاره درخشان هستند؟»

در این زمان که ما در قرب قیامت بسر می بریم، اسرافیل بیشتر خود را برای دمیدن در صور آماده می کند.

1- احمد و ابوداود و حاکم با سند صحیح.

2- مستدرک حاکم با سند صحیح.

رسول خدا ﷺ فرمود: «چگونگی شادمان باشم از نعمت برخوردار شوم در حالی که اسرافیل صور را به دهان گرفت و پیشانی اش را کج کرده و گوش به فرمان است تا به او دستور رسد تا به صور بدمد؟ آنان گفتند: پس یا رسول الله! در این هنگام ما چه بگوییم؟ فرمود: «بگوئید: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ رَبِّنَا!».

دلایلی از قرآن و حدیث بر نفع صور

دمیدن در صور امری حقیقی و واقعی است که رعب و وحشت فراوانی در بر دارد و برای اثبات آن آیات و روایات فراوانی وارد شده است.
از آن جمله:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِّخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: 68].

«در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می‌گیرند و) به پا می‌خیزند و می‌نگزند (تا در حق ایشان چه شود و حساب و کتابشان کی انجام پذیرد و سرنوشتشان به کجا بینجامد)».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوِّهٍ دَاخِرِينَ﴾ [النمل: 87]. «و روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند وحشت زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنان در پیشگاه او حاضر و آماده می‌گردند».

و نیز فرموده است ﴿وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: 51]. «(برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «در این هنگام در صور دمیده می‌شود. هر کس آن را بشنود گردنش را خم می‌کند و به آن گوش فرا می‌دهد. نخستین کسی که آن را می‌شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچه‌ی شترش است. او بی‌هوش می‌شود و مردم نیز بی‌هوش می‌شوند»².

1- سنن ترمذی با سند صحیح لغیره.

2- صحیح مسلم.

تعداد دفعات دمیدن در صور

اسرافیل دو بار به صورت وحشتناک در صور می دمدم.

نفخه اول

در این نفخه اول، همه موجودات، اعم از انسان، جنیان، حیوانات، پرندگان و حشرات و همه موجودات از بین می رود و صفحه جهان هستی پیچیده می شود و فقط پروردگار جبار و مقتدر باقی می ماند.

نفخه دوم

این نفخه بعث و نشور است که مردگان زنده شده و از قبره ایشان بر می خیزند. خداوند در قرآن از هر دو نفخه و آنچه در میان این دو نفخه روی می دهد را ذکر نموده و می فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: 68]. «و روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمان ها و زمینند وحشت زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنان در پیشگاه او حاضر و آماده می گردند».

و نیز حالت مردم را توصیف کرده است که چگونه از قبره ایشان بر می خیزند. می فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: 51]. «(برای بار دوم) در صور دمیده می شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند».

همچنین خداوند نفخه اول را «راجفه» و نفخه دوم را «رادفه» نامیده و فرموده است:

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۖ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ﴾ [النازعات: 6-7].

«در آن روزی که (نفخه اول، در صور دمیده می شود و) زلزله ای در می گیرد (و دنیا خراب می گردد و همگان می میرند). * سپس (نفخه دوم، در صور دمیده می شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت».

در جایی دیگر خداوند نفخه اول را «صیحه = صدا و فریاد» و نفخه دوم را «صور» نامیده و فرموده است: ﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ﴾ [فلا يستطيعون توصية ولا إلى أهلهم يرجعون] ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: 49-51]. «انتظار نمی کشند مگر صدایی را که (ناگهان طنین انداز

می گردد و) ایشان را در بر می گیرد (و نابودشان می گرداند) در حالی که بایکدیگر (به معامله و کار و بار روزمره زندگی، سرگرم و) درگیرند. * (این حادثه به قدری سریع و غافلگیرانه است که) حتی توانایی وصیت نمودن و سفارش کردن نخواهند داشت، و حتی فرصت مراجعه به سوی خانواده و فرزندان شان را پیدا نخواهند کرد. * (برای بار دوم) در صورت دمیده می شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند».

مدت زمان بین دو نفخه

نص صریحی بین این دو نفخه نیامده است تا مدت بین دو نفخه را مشخص نماید، اما در حدیثی از طریق حضرت ابوهریره رضی الله عنه به صورت اشاره آمده است که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «فاصله میان دو صور، چهل است». گفتند: ای ابوهریره! چهل روز است؟ گفت: در این مورد، چیزی نمی گویم. پرسیدند: چهل سال است؟ گفت: در این مورد، چیزی نمی گویم. پرسیدند: چهل ماه است؟ باز هم گفت: در این مورد، چیزی نمی گویم. ابوهریره رضی الله عنه فاصله بین دو صور را بیان نکرد، چون آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیده بود، آن گاه در تکمیل حدیث گفت: «آن گاه خداوند از آسمان آبی فرود می آورد و انسان ها مانند گیاه می رویند».

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرود: «تمام اعضای بدن انسان، از بین می رود مگر بیخ دُمش که آفرینش، از آن شروع می شود!».

در چه روزی در صورت دمیده می شود؟

در دو نفخه اول و دوم، یعنی نفخه امات که همه خلایق از بین می روند و نفخه بعث و نشور که موجودات زنده می شوند و از قبرها بر می خیزند، در روز جمعه روی می دهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین روزتان، روز جمعه است، در همین روز آدم آفریده شد و در همین روز وفات کرد، نفخه اول و دوم در همین روز انجام می پذیرد، پس در همین روز به کثرت برایم درود و سلام بفرستید، چون درود و سلامتان در این روز به من می رسد. اصحاب گفتند: یا رسول الله! چگونه درود و سلام ما به تو می رسد، در حالی که

استخوان هایت به خاک تبدیل شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده است که اجساد انبیاء را بخورد»¹.

و نیز در حدیثی آمده است: «قیامت جز در روز جمع برپا نمی شود»².
در روایت دیگری آمده است: «در روز جمع هر جنبنده ای گوش به زنگ است و منتظر برپایی قیامت است»³.

نخستین کسی که نفخه اول را می شنود

نفخه اول در حالی انجام می پذیرد که مردم به صورت عادی و طبق معمول مشغول زندگی و گذراندن حیات عادی خودشان هستند. چنان که یکی به بازار رفت و پارچه را می گیرد تا آن را بخرد، دیگری شترش را دوشیده و در حال رفتن به خان هاش است تا آن را بنوشد، فرد دیگری حوضچه ای را در کنار چاهی درست کرده تا آب را در آن جمع کند و به شترش بدهد، شخص دیگری در کمال آرامش و امنیت سفره را پهن نموده تا یک لقمه را پس از دیگری در دهانش بگذارد، که ناگهان در این هنگام اسرافیل در صورتی دمدم و ترس و وحشت بزرگی، هستی را فرا می گیرد و دل های مردم می ترکد و ارواح از اجساد بیرون می دهند و انسان ها می میرند.

و قیامت، چنان ناگهانی فرا می رسد که دو نفر، پارچه هایشان را بین یگدیگر پهن می کنند ولی هنوز معامل های انجام نداده اند و آن ها را جمع نکرده اند که قیامت برپا می شود.

و چنان ناگهانی است که شخصی، شترش را می دوشد اما قبل از اینکه شیرش را بنوشد، قیامت برپا می شود. و چنان ناگهانی است که فرد، شکافه ای حوض اش را می گیرد اما قبل از اینکه دام هایش را آب بدهد، قیامت برپا می شود.
و حتی به اندازه ای ناگهانی است که شخصی، لقمه اش را بسوی دهانش می برد اما موفق به خوردنش نمی شود».

1- نسایی، ابوداود و ابن ماجه. یعنی به خاطر عظمت و جلالت قدری که در نزد خداوند دارند، خداوند بر زمین حرام گردانیده است تا اجساد آنان را بخورد.

2- صحیح مسلم.

3- احمد و نسایی.

رحمت و شفقت خداوند بر مؤمنان

ترس و وحشت بزرگی در آن روز دامنگیر بندگان می شود، از این رو خداوند با آرامی و نرمی جان مؤمنان را می گیرد و فقط انسان های بد و شرور باقی می مانند.

رسول خدا ﷺ با تفصیل از حوادث قبل از نفخه اول و در اثنای آن پرده برداشت و می فرماید: «دجال در امت من ظهور می کند و میان آن ها تا چهل (نمی دانم چهل روز، ماه یا سال) خواهد ماند. آن گاه خداوند عیسی بن مریم را که به عروه بن مسعود شباهت دارد، فرو می فرستد. او دجال را فرا می خواند و او را نابود می کند. سپس هفت سال میان مردم می ماند. در میان دو نفر دشمنی و عداوتی وجود ندارد.

آن گاه خداوند باد خنکی از طرف شام می فرستد و هر کس که به اندازهی ذره ای ایمان یا خیر در قلب او باشد، قطعاً این که این باد جان او را در زمین می گیرد، حتی اگر شخصی در دل کوه خود را پنهان کند، این باد در آن جا نیز می رود و جانش را می گیرد. آن گاه انسان های بد به سبکی پرند و دشمنی و تجاوزگری درندگان (نسبت به گناه) باقی می مانند که هیچ معروفی را معروف و منکری را منکر نمی دانند. در این هنگام شیطان بر آنان ظاهر می شود و می گوید: آیا از من اجابت نمی کنید؟ آن ها می گویند: به چه چیزی دستور می دهی؟ آنان را به پرستش بت ها فرا می خواند، در حالی که در وفور نعمت و زندگی خوب و مرفه به سر می برند.

در این هنگام در صور دمیده می شود. هر کس آن را بشنود گردنش را خم می کند و به آن گوش فرا می دهد. نخستین کسی که آن را می شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچهی شترش است. او بی هوش می شود و مردم نیز بی هوش می شوند. آن گاه خداوند بارانی بسان شبنم فرود می آورد و اجسادشان می روید.

سپس دو مرتبه در صور دمیده می شود که بناگاه مردم ایستاده و نگاه می کنند. آن گاه گفته می شود: ای مردم! به سوی پروردگارتان بشتابید. آنان را نگاه دارید که مورد بازخواست قرار گیرند. آن گاه گفته می شود: اعزامیان به دوزخ را بیرون آورید. می پرسند: تعداد آنان چقدر است؟ می گویند: از هر هزار نفر، ن هصد و نود و نه نفر! این، آن روزی است که کودکان پیر می شوند و روزی است که شدت هول قیامت نمایان می گردد»!

دمیدن در صور، کاری وحشتناک است و حوادثی که پس از آن روی می دهند، بسیار هراس انگیز خواهند بود و رسول خدا ﷺ به ما آموخت هاند که بگوییم: حسبنا الله و نعم الوکیل. یعنی کافی است که به الله پناه ببریم؛ زیرا اوست که افراد وحشتزده را امان می بخشد.

وقفه ...

اسرافیل، علی رغم خلقت عظیم و درجه بزرگ و عبادت پیوسته اش، در اثر خوف و عظمت آفریدگارش می لرزد.

بعث و نشور

پس از دمیدن دومین بار در صور، بندگان برای بعث و نشور بر می خیزند.
بنابراین،

- بعث چیست؟
- دلایل وقوع آن کدامند؟
- نشور یعنی چه؟
- کیفیت آن چگونه است؟
- حال آنان که در بیرون قبره بوده‌اند، چگونه است؟

درآمد

بعث و نشر به معنای بیرون آوردن مردگان از قبره‌ایشان به صورت زنده، و زنده گردانیدن همۀ مردگان، حتی آنان که سوخته‌اند، یا غرق شده و ماهیان آنان را بلعیده‌اند، یا درندگان آنان را خورده‌اند، چراکه هیچ چیزی پروردگارمان را درمانده و ناتوان نمی‌گرداند.

دلایل وقوع بعث

ایمان به برانگیختن بندگان برای حساب و جزا، یکی از اصول ایمان است، و تکذیب و انکار آن به منزله تکذیب و کفر ورزیدن خداوند است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾ [الفرقان: 11]. «واقع قضیّه این است که آنان قیامت را دروغ می‌دانند، و ما برای کسی که قیامت را دروغ بداند آتش شعله‌ور و سوزانی را آماده کرده‌ایم».

خداوند در آیات فراوانی از بعث و نشور یاد کرده است، از جمله:

﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُمْ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّنَا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: 104].

«(این امر) روزی (تحقق می‌پذیرد که) ما آسمان را درهم می‌پیچیم به همان صورت که طومار نام‌ها را درهم پیچیده می‌شود. همان گونه که آفرینش را سردادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می‌رسانیم».

﴿قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [السجدة: 11].

«بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، (به سراغتان می آید و) جان شما را می گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید».

﴿رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [التغابن: 7].

«کافران می پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می پندارید، به پروردگرم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد، و سپس از آن چیزهایی که می کرده اید با خبرتان خواهند کرد. و این کار برای خدا ساده و آسان است».

- رسول خدا ﷺ فرمود: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَىٰ مَا مَاتَ عَلَيْهِ». 1 «هر انسانی بر هر عقیده ای که مرده است، محشور می گردد».
- «إِنَّمَا يُبْعَثُ النَّاسَ عَلَىٰ نِيَّاتِهِمْ». 2 «مردم بر نیت هایی که داشتند، برانگیخته می شوند».

دلایلی بر ممکن بودن بعث و برانگیختن

خداوند در برابر دیدگانمان دلایل فراوانی را قرار داده است که این دلایل ما را وادار می کنند تا به بعث و نشور ایمان بیاوریم. پاره ای از این دلایل عبارتند از:

- فرود آمدن باران بر زمین، که پس از نزول آن به اجازه اله زنده می شود.
- ما به سرزمینی خشک، بی حاصل و مرده گذر می کنیم که در آن نه گیاهی وجود دارد و نه کشت و حیاتی، و چون خداوند باران را فرود می آورد، به اهتزاز درآمده و زندگی و حیات به آن باز می گردد و سرزمینی زنده و سرسبز قرار می گیرد.

پس همانگونه که زمین خشک و بی حاصل بود، سرسبز و خرم گردید، به همین شکل، خداوند مردگان را زنده خواهد کرد و به این استخوان های پوسیده و اجساد خشکیده حیات خواهد بخشید. چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: 57]. «او کسی

1- صحیح مسلم (8 / 165).

2- صحیح ابن ماجه، صحیح (10 / 24).

است که باده را به عنوان مزده رسان‌های رحمت خود پیشاپیش می‌فرستد. هنگامی که باده ابره‌ای سنگین (بر دوش خود) برداشتند، آن‌ها را به خاطر زمینی (خشکیده همچون) مرده می‌رانیم و آب را در آنجا می‌بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را (از خاک تیره) پدید می‌آوریم. و همان‌گونه (که زمین مرده را پر جنب و جوش و زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می‌آوریم (و زندگی دوباره می‌بخشیم). درباره این امثال که بیانگر نمونه معاد در این دنیا است بیندیشید) تا شما متذکر شوید و عبرت گیرید».

در حدیثی از طریق ابی‌رزین رضی الله عنه روایت شده است که گفتیم: یا رسول الله! چگونه خداوند مردگان را زنده می‌کند؟ فرمود: آیا به سرزمین خشکی گذر نکرده‌ای؟ گفتیم: بله، فرمود: آیا دوباره گذرت بر آن سرزمین نیفتاده است که سرسبز و شاداب باشد و دوباره گذر نمایی که خشکیده و بار دیگری آن را سرسبز و خرم ببینی؟ گفتیم: بلی، فرمود: خداوند این‌گونه مردگان را زنده خواهد کرد!».

استدلال به آغاز آفرینش بر اعاده آن

ذاتی که ابتدا وقتی خواست، آفریدگان را آفرید و آنان را صورت بخشید، تواناست که باری دیگر، در چه وقت و چگونه آنان را زنده گرداند؛ زیرا اعاده کردن از آفرینش نخستین آسان‌تر است. چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْهَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿۱۰۴﴾﴾ [الأنبياء: 104]. «این امر) روزی (تحقق می‌پذیرد که) ما آسمان را در هم می‌پیچیم به همان صورت که طومار نام‌ها در هم پیچیده می‌شود. همان‌گونه که آفرینش را سردادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می‌رسانیم».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ﴾ [الروم: 27]. «او است که آفرینش را آغاز کرده است و سپس او را باز می‌گرداند، و این برای او آسانتر است».

زنده گردانیدن برخی از مردگان در دنیا

در دنیا نیز برای برخی از بندگان مرگ صورت گرفت و خداوند آنان را زنده گردانیده است، مانند مانند زنده کردن فردی که در بنی اسرائیل کشته شد و وقتی پاره‌ای از گوشت گاورا به او زدند، زنده شد! چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: 73]. «پس گفتیم: پاره‌ای از آن (قربانی) را به آن (کشته) بزنید. (و این کار را کردید و خدا کشته را زنده کرد). خداوند مردگان را (در روز قیامت) چنین زنده می‌کند و دلایل (قدرت) خود را به شما می‌نمایاند تا این که (حقیقت و اسرار شریعت را) دریابید». همان گون که فردی از روستایی گذر نمود که ویران شده و سقف خان‌ها پیش بر زمین افتاده بود!.

1- مردی در بنی اسرائیل وجود داشت که فرزندی نداشت وی سرمایه فراوانی داشت و جزیک برادرزاده وارث دیگری نداشت. لذا برادرزاده اش در میراث عمویش شتاب نموده و او را به قتل رساند و شبانه نعلش را برداشت و بر دروازه فرد دیگری گذاشت و صبح آن روز ادعی نمود که او آن را کشته است. در نتیجه آن نبرد بزرگی بین آنان در گرفت، تا جایی که دست به اسلحه برده و در مصاف هم قرار گرفتند.

آنگاه خردمندان آنان گفتند: چرا به جان هم افتاده و اختلاف می‌کنید در حالی که پیامبر خدا، موسی در میان شماست.

لذا در نزد موسی آمدند و ماجرا را برای وی تعریف کردند. آن گاه خداوند برای موسی وحی فرستاد و فرمود: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْجَبُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [البقرة: 67]. «(و به یاد آورید) آن هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خدا به شما دستور می‌دهد که گاوی را سرببرید، گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ گفت: به خدا پناه می‌برم از این که جزو نادانان باشم».

اگر آنان از موسی اطاعت کرده و اعتراض نمی‌کردند و گاوی را می‌کشتند، این کار برای آنان کفایت می‌کرد، اما آنان سختی کردند و در نتیجه کار برایشان دشوار گردید تا این که به گاوی که آن ویژگی‌ها را دارا بود، را پیدا کرده و صاحبش فقط صاحب همان یک گاو بود. گفت: به خدا سوگند آن را به کمتر از پری پوستش از طلا نخواهم فروخت. لذا آن گاورا به همان قیمت خریده و آن را ذبح نموده و پاره‌ای از آن را به مقتول زدند، آن گاه او برخاست. از او پرسیدند: چه کسی تو را به قتل رسانده است؟ به برادرزاده‌اش اشاره نمود و گفت: این. آن گاه دوباره به زمین افتاد و مرد. تفسیر ابن کثیر، سوره بقره، (145/1).

یا این داستان که خداوند از حضرت ابراهیم یادآور نموده است: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَظْمِنَنَّ قَلْبِي﴾ [البقرة: 260]. «و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی. گفت: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: چرا! ولی تا اطمینان قلب پیدا کنم (و با افزودن آگاهی بیشتر، دلم آرامش یابد)».

از کمال قدرت الهی این است که چیزی را از ضد آن بیرون می‌آورد یعنی خداوند تواناست که جسدی زنده و ترو تازه را از استخوانی خشک و مرده بیرون آورد، آن‌گونه که آتش را از درخت سبز بیرون می‌آورد.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ [یس: 78-80]. «برای ما مثالی می‌زند و آفرینش خود را (از خاک) فراموش می‌کند و می‌گوید: چه کسی می‌تواند این استخوان‌هایی را که پوسیده و فرسوده‌اند زنده گرداند؟! * بگو: کسی آن‌ها را زنده می‌گرداند که

1- این ماجرا را خداوند در این آیه بیان فرموده است: ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طُعَامِكَ وَسَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿البقرة: 259﴾. «یا (آیا آگاهی از) همچون کسی که از کنارده کده‌ای گذر کرد، در حالی که سقف خان‌ها فروتپیده بود و دیوارهای آن‌ها بر روی سقف‌ها فرو ریخته بود؛ گفت: چگونه خدا این (اجساد فرسوده و از هم پاشیده) مردمان اینجا) را پس از مرگ آنان زنده می‌کند؟ پس خدا او را صدسال میراند و سپس زنده‌اش گرداند و (به او) گفت: چه مدت درنگ کرده‌ای؟ گفت: (نمی‌دانم، شاید) روزی یا قسمتی از یک روز فرمود: (نه) بلکه صدسال درنگ کرده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (و ببین که با گذشت این زمان طولانی به اراده خدا) تغییر نیافت‌ه است. و بنگر به الاغ خود (که چگونه از هم متلاشی شده است. ما چنین کردیم) تا تو را نشان‌ه (گویایی از رستاخیز) برای مردمان قرار دهیم. (اکنون) به استخوان‌ها بنگر که چگونه آن‌ها را برمی‌داریم و به هم پیوند می‌دهیم و سپس بر آن‌ها گوشت می‌پوشانیم. هنگامی که (این حقائق) برای او آشکار شد، گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است».

آن‌ها را نخستین بار (از نیستی به هستی آورده است و آن‌ها را بدون الگو و مدل) آفریده است، و او بس آگاه از (احوال و اوضاع و چگونگی و ویژگی) همه آفریدگان است. * آن کسی که از درخت سبز، برای شما آتش بیافریده است، و شما با آن، آتش روشن می‌کنید. (او که قادر بر ستاخیز انرژیه است، قادر به برانگیختن مردگان و بازگرداندن به زندگی دوباره ایشان است)».

قدرت خداوند بر آفرینش آسمان‌ها و زمین

خداوند آسمان‌ها و زمین با آن عظمت، شگفتی و استحکامی که دارند، را خداوند آفریده است، پس ذاتی که بر آفریدن این اشیای بزرگ و با عظمت تواناست، بر آفریدن چیزی کمتر و حقیرتر بیشتر قدرت دارد. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿۸۱﴾﴾ [یس: 81]. «آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد (انسان‌های خاک شده را دوباره) به گونه خودشان بیافریند؟ آری! (می‌تواند چنین کند) چرا که او آفریدگار بس آگاه و دانا است».

وضعیت کسانی که در قبرها قرار نگرفتند

کسی که در آب غرق شده و ماهی‌ها وی را بخورند و در شکمشان متلاشی گردند، یا سوخته و خاکستر گردد، یا درندگان وی را بخورند، یا هر کسی که به مرگ طبیعی خویش نمیرد و مانند سایر مردم در قبر دفن نشود، قطعاً بعث و نشور شامل این گونه افراد نیز خواهد شد.

رسول خدا ﷺ داستان فردی از گذشتگان را نقل کرده و می‌فرماید: «... خداوند به او مال و فرزند بخشید، وقتی زمان مرگش فرا رسید، رو به فرزندانش گفت: من چگونه پدری برایتان بوده‌ام؟ آنان می‌گویند: تو برایمان به‌ترین پدر بوده‌ای. می‌گوید: پس من هیچ عمل خیری را انجام نداده‌ام. لذا هر گاه مردم، مرا بسوزانید، و چون به زغال تبدیل شدم، آن گاه مرا خرد نمایید، و هر گاه طوفانی آمد، خاکستره‌ایم را به دریا بیندازید، سوگند به اله! اگر خداوند بر برانگیخته کردن من قدرت پیدا کند، چنان عذاب و

کیفیری به من دهد که به هیچ یک از جهانیان نداده است! از این رو از آنان پیمان گرفت که پس از مرگش چنین بکنند».

چون این فرد وفات کرد، فرزندان به وصیتش عمل کردند و در روزی طوفانی ذره‌ای بدنش را به باد دادند. خداوند به زمین دستور داد: هم‌آنچه را که در درونت داری، گرد آور و زمین نیز به فرمان ال‌هی عمل نمود، ناگهان آن فرد در بارگاه ال‌هی حاضر شده و ایستاد. خداوند از او پرسید: ای بنده من! چه چیزی تو را وادار کرد که چنین کاری انجام دهی؟ گفت: خدایا! از ترس تو چنین کاری انجام دادم. از این رو خداوند نیز او را به خاطر این کارش بخشید.²

آری، هم‌آفریدگان زنده بر می‌خیزند، و به تجمع گاه رستاخیز سوق داده می‌شوند تا جزای اعمالشان را ببینند و در میانشان داوری صورت گیرد.

کیفیت و چگونگی بعث

امور غیبی فقط از طریق وحی گرفته می‌شوند و رسول خدا ﷺ در برخی از احادیث ما را با تفصیل از کیفیت بعث و فاصله مدت زمان دو دمیدن در صور خبر داده است. چنان که در حدیثی فرموده‌اند:

فاصله میان دو صور، چهل است. سپس افزود: آن گاه خداوند بارانی از آسمان فرو می‌ریزد و آنان مانند گیاهان می‌رویند، تمام اعضای بدن انسان، از بین می‌رود مگر بیخ دُمَش که آفرینش، از آن شروع می‌شود.³

بنابراین، پس از دمیدن صور اول، هم‌موجودات در اثر آن زنده می‌میرند، و مدت زمانی که مقدار آن را جز خداوند کسی نمی‌داند، با همین حال باقی می‌مانند. آن گاه خداوند آبی می‌فرستد که در اثر آن اجسادشان می‌روید.

و چون اجسادشان کامل شود، چه در قبره یا در دریا و بیابان‌ها، یا کوه‌ها و دره‌ها، چنان که خداوند فرموده است: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُمْ وََعَدًا عَلِيمًا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾

1- یعنی این فرد از شدت دیدار خداوند چنین فرمانی را صادر نمود و چون هیچ عمل نیکی را برای آخرتش ذخیره نکرده بود، یا این کار می‌خواست از بعث و نشور فرار کند، تا سوخته و خرد گردد و خاکسترش در دریا متلاشی شود و خداوند نتواند دوباره او را زنده گردانده و برانگیزد.

2- متفق علی‌ه.

3- متفق علی‌ه.

[الأنبياء: 104]. «همان گونه که (نخستین بار) آفرینش را سردادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می‌رسانیم».

آن‌گاه خداوند در صورت دوم می‌دمد و روح‌ها به بدن‌ها پریده و زندگی به آن‌ها باز می‌گردند، و زمین شکافته شده و آنان زنده از قبورشان بیرون می‌آیند. چنان که خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ [ق: 44]. «روزی زمین را روی مردمان می‌شکافد و کنار می‌رود، و ایشان به سرعت (از میان خاک‌ها) بیرون می‌آیند. آن روز، روز گردهم‌آیی است و برای ما سهل و آسان است».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿وَرُفِّخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: 51]. «(برای بار دوم) در صورت دمیده می‌شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان ره‌سپار می‌گردند».

بنابراین، آنان از قبره‌ایشان بیرون آمده و راهی قیامت می‌شوند.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمودند: «آن‌گاه در صورت دمیده می‌شود، هرکس آن را بشنود، گردنش را خم می‌کند و به آن گوش فرا می‌دهد. نخستین کسی که آن را می‌شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچه شترش است. او بی‌هوش می‌شود و مردم نیز بی‌هوش می‌شوند. سپس خداوند بارانی را بسان شب‌نم فرود می‌آورد، و اجساد مردم از آن می‌روید، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می‌گیرند و) به پا می‌خیزند و می‌نگرند! سپس به آنان گفته می‌شود که به سوی پروردگارتان بشتابید و آنان را نگاه دارید که باید بازرسی شوند»².

اجساد به‌سان گیاهان می‌رویند

آری، همان گونه که گیاهان از بذرهایشان می‌رویند، اجساد نیز این‌گونه‌اند و خداوند بر آن‌ها بارانی فرود می‌آورد و استخوان بیخ‌دمش می‌روید تا این‌که کامل می‌شود. خداوند این ماجرا را این‌گونه بیان داشته است: ﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُثْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: 57]. «او کسی است که

1- این دمیدن دوم است که در اثر آن مردم از قبره‌ایشان بر می‌خیزند.

2- مسلم، (201/8 - 7568).

باده را به عنوان مژده رسان‌های رحمت خود پیشاپیش می‌فرستد. هنگامی که باده ابره‌ای سنگین (و پر آب را بر دوش خود) برداشتند، آن‌ها را به خاطر (آبیاری) زمینی مرده می‌رانیم و آب را در آنجا می‌بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را پدید می‌آوریم. و همان گونه (که زمین مرده را زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می‌آوریم (و زندگی دوباره می‌بخشیم). تا شما متذکر شوید و عبرت بگیرید».

انسان از بیخ دمش که استخوانی سفت و گرد مانند است و در آخر ستون فقراتش از پایین قرار دارد، مانند گیاه می‌روید.

جلوتر نیز این جریان را در این حدیث بیان کردیم که آن حضرت ﷺ فرمود: فاصله میان دو صور، چهل است. سپس افزود: آن گاه خداوند بارانی از آسمان فرو می‌ریزد و آنان مانند گیاهان می‌رویند، تمام اعضای بدن انسان، از بین می‌رود مگر بیخ دمش که آفرینش، از آن شروع می‌شود!

و نیز آن حضرت ﷺ در حدیثی فرمودند: «زمین، فرزند آدم را می‌خورد، جز بیخ دمش را که از آن آفریده می‌شود و اجزایش کامل می‌شود»².

آیا بندگان از آفرینش نخستین‌شان متفاوت آفریده می‌شوند؟

آنچه از ظاهر آیات و روایت صحیح بر می‌آید این است که طبیعت بندگان پس از زنده شدن از مرگ، از نظر نیروی بدنی و تحمل و... از آفرینش نخستین‌شان متفاوت خواهد شد. این امر به معنای آن نیست که آنان که در روز رستاخیز برای حساب و دریافت جزا زنده می‌شوند موجودات یا اشخاصی دیگر، جز آنانی می‌شوند که در دنیا بوده‌اند، بلکه مقصود این است که خداوند خود همان بندگان را که در دنیا بوده‌اند، را می‌آفریند، بلکه در کیفیت ساختار و توانایی جسمی‌ای که در دنیا داشت‌ه‌اند، متفاوت آفریده خواهند شد. از جمله:

بخشیدن قدرت بینایی‌ای اموری که آن‌ها را در دنیا نمی‌دیدند؛ چون آنان در روز رستاخیز فرشتگان، جنیان و موجوداتی که خداوند می‌داند را می‌بینند. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ [ق: 22]. «پس ما پرده از جلو چشمان توبه‌کنار زده‌ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده‌اند».

1- متفق علی‌ه.

2- ابوداود، نسائی و مالک با روایت صحیح.

و همچنین اهل بهشت آب دهان ندارند و از ادرار و مدفوع پاک هستند. و در عین حال که رستاخیز بسیار طولانی خواهد بود، اما از شدت گرسنگی و تشنگی نمی‌میرند و همچنین کفار و نافرمانان با این که در آتش می‌سوزند، اما نمی‌میرند. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ﴾ [ابراهیم: 17]. «و (موجبات) مرگ از هر سو بدو روی می‌آورد و حال این که نمی‌میرد».

نخستین کسی که زمین از وی شکافته می‌شود

پس از آن که در صور دوم دمیده می‌شود، و قبرها شکافته می‌شوند تا مردم بیرون آیند، آن هم پس از آنکه خلقت آنان در داخل قبرها کامل می‌گردد، اولین کسی که زمین برایش شکافته شده و زنده می‌شود، پیامبرمان، حضرت محمد ﷺ است. چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ»¹ «من سرور فرزندان آدم در روز رستاخیز خواهم بود، و اولین کسی هستم که قبر برایش شکافته می‌شود و نخستین سفارش کننده و سفارش پذیرفته من خواهم بود».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می‌گوید: دو نفر که یکی مسلمان و دیگری یهودی بود، یکدیگر را دشنام دادند. مسلمان گفت: سوگند به ذاتی که محمد ﷺ را بر تمام جهانیان برگزیده است. یهودی گفت: سوگند به ذاتی که موسی را بر تمام جهانیان برگزیده است. در این هنگام، مسلمان دستش را بالا برد و یک سیلی به صورت یهودی زد.² یهودی نزد نبی اکرم ﷺ رفت و آنچه را که پیش آمده بود، به اطلاع ایشان رساند. رسول اکرم ﷺ آن مسلمان را بحضور طلبید و از او در این باره پرسید. مسلمان نیز ماجرا را تعریف کرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «مرا بر موسی ترجیح ندهید؛ زیرا هم مردم روز قیامت بی‌هوش می‌شوند. من نیز همراه آن‌ها بی‌هوش می‌شوم. و اولین کسی هستم که به‌هوش می‌آیم و موسی را می‌بینم که گوشه عرش را بدست گرفته است. ولی نمی‌دانم که او از کسانی

1- صحیح مسلم.

2- چون آن یهودی حضرت موسی را بر رسول خدا ترجیح داد، از این جهت مسلمان وی را زد.

است که بی‌هوش شده و قبل از از من به‌هوش آمده است یا از کسانی است که خدا او را استثنا نموده است»².

و در روایت دیگری این‌گونه آمده است: «در صورتی که خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواد. باز دو مرتبه در صورتی که خواهد شد و من نخستین کسی خواهم بود که زنده می‌شود که ناگهان موسی خود را به عرش گرفته است. نمی‌دانم که آیا در بی‌هوش شدن طور مورد محاسبه قرار گرفته است یا قبل از من زنده شده است»³.

1- یعنی نمی‌دانم که آیا حضرت موسی مانند سایر فرزندان آدم با دمیدن صورت دوم بی‌هوش شده است، یا خداوند او را از سایر بندگان مستثنی قرار داده است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ﴾ [الزمر: 68]. «در صورتی که خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواد.» همچنان که قبلاً توضیح دادیم که از جمله آنان که بی‌هوش نمی‌شوند، روح، عرش و حورالعین که در مبحث دمیدن صورت با تصیل سخن گفتیم.

2- متفق علی‌ه.

3- متفق علی‌ه.

یعنی زمانی که در کوه طور بی‌هوش شده بود. زمانی که حضرت موسی در کوه طور بسر می‌برد و با خداوند سخن می‌گفت، از پروردگارش خواست تا به او بنگرد. خداوند به او خبر داد که او در دنیا نمی‌تواند خداوند را ببیند و او توان رؤیت خداوند را ندارد. آن‌گاه خداوند در آن کوه سخت تجلی یافت که در اثر آن کوه متلاشی شده و به صورت ریگ‌ها و شن‌هایی درآمد و صخره‌ها و تخت سنگ‌هایش در هم شکست. چون موسی این ماجرا را دید، از هول آن بی‌هوش بر زمین افتاد. لذا رسول خدا ﷺ در این حدیث برای ما بیان فرمودند که نمی‌دانم موسی با همین دمیدن صورت که سایر مردم بی‌هوش شده‌اند، بی‌هوش شده و سپس قبل از آن حضرت ﷺ به‌هوش آمده است، یا بی‌هوشی‌اش را در کوه طور گذرانده و خداوند او را از این بی‌هوشی عمومی معاف کرده است. خداوند در قرآن این ماجرا را توضیح داده است.

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَنِي وَلَٰكِنِ أَنْظُرُ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَنِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: 143]. «هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! به من بنمای تا تو را ببینم. (خدایش بدو) گفت: (تو) هرگز مرا نمی‌بینی. ولیکن به کوه بنگر، اگر برجای خود استوار ماند، تو هم مرا خواهی دید. اما هنگامی که پروردگارش خویشتن را به کوه نمود، آن را در هم کوبید و موسی

حکم کسی که زنده شدن پس از مرگ را انکار می کند

ایمان به روز آخرت و زنده شدن پس از مرگ، یکی از اصول ایمان است و کسی که زنده شدن و بعث را انکار نماید، خداوند و قرآن را انکار کرده است.

خداوند می فرماید: «فرزند آدم مرا تکذیب کرد و این کار، شایسته او نبود. و فرزند آدم مرا دشنام داد حال آنکه این کار، شایسته او نبود. اما تکذیب، این است که می گوید: من نمی توانم دوباره او را زنده کنم. و دشنام اش این است که می گوید: خداوند فرزند انتخاب کرده است، حال آن که بی نیازی هستم که نزاییده ام و زاییده نشده ام و برایم شریک و همسری نیست»!

ایمان به بعث، متضمن این است که خداوند مردم را پس از مرگشان زنده می گرداند و شامل ایمان به حساب، جزا، بهشت و دوزخ نیز هست.
در پایان...

همانا خداوند پس از دمیدن در صور زنده شدن مردگان، از همه نقاط کره خاکی دستور می دهد تا در یک مکان گردهم آیند.

بنابراین،

- این مکان کجاست؟
- در آنجا چه اتفاقی می افتد؟
- دلیل این باور کدام است؟

دلیل

دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر زنده شدن پس از مرگ وجود دارد، بنابراین بر منکران تکذیب اتمام حجت شده است.

هول و هراس های روز قیامت

بی هوش و نقش زمین گردید. وقتی که به هوش آمد گفت: پروردگارا! تو منزّه‌ی. من (از این پرسش پشیمانم و) به سوی تو برمی گردم و من نخستین مؤمنان (به عظمت و جلال یزدان در این زمان) هستم».

در روز قیامت، آسمان و زمین، به آسمان و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند و حرکت نظام تمام ج‌ان مختل می‌گردد و خداوند جبار برای داوری بین بندگان نازل می‌شود.
بنابراین،

- حال آسمان‌ها چگونه می‌شود؟
 - زمین چگونه تبدیل شده و چه وضعی به آن می‌گیرد؟
 - در چنین وضعی بندگان در چه وضعی قرار می‌گیرند؟
- خداوند ما را از هول و هراس قیامت خبر داده است، روزی که برای بندگان سخت شده و دل‌هایشان دچار استرس و آشفتگی می‌شوند.
- زمین دچار زلزله شده و شکاف بر می‌دارد، کوه‌ها به حرکت درآمده و نابود می‌شوند، دریاها منفجر شده آتش می‌گیرند، آسمان‌ها شکاف برداشته و به جنبش درمی‌آیند، خورشید در هم پیچیده و بی‌نور می‌شود، ماه خاموش شده و تابش‌اش از بین می‌رود، ستارگان تیره شده و درخشش‌شان را از دست می‌دهند، و خداوند زمان را با دستش و آسمان‌ها را با دست راستش می‌گیرد.

وضعیت آسمان‌ها و زمین در روز ستاخیز

نصوص قرآن و سنت بیانگر این مطلب هستند که خداوند زمین را در دست گرفت و آسمان‌ها را در هم می‌پیچد.

خداوند در مورد آسمان‌ها فرموده است: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ﴾ [الأنبياء: 104]. «ما آسمان را در هم می‌پیچیم به همان صورت که طومار نام‌ها را در هم پیچیده می‌شود».

﴿وَالسَّمَوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ﴾ [الزمر: 67]. «و آسمان‌ها با دست راست او در هم پیچیده می‌شود».

یعنی مانند نویسنده‌ای که در برگ‌هایش می‌نویسد، و چون از نگارش دست می‌کشد، آن‌ها را با دستش می‌پیچد، در روز قیامت همین اتفاق می‌افتد و خداوند آن‌ها را در هم پیچیده و در دستش قرار می‌دهد.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «يَقْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ، وَنَطْوِي السَّمَوَاتِ بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ، أَيُّنَ مُلُوكِ الْأَرْضِ؟!»¹ «(روز قیامت)

خداوند، زمین را در مشت اش می گیرد. سپس می فرماید: من پادشاه هستم. پادشاهان زمین کجایند؟

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «خداوند آسمان را در هم می پیچد، و آن را با دست راست خود می گیرد، آن گاه می گوید: منم فرمانروا، کجایند فرمانروایان؟ کجایند جباران؟ کجایند ستمگران؟ آن گاه زمین را با دست چپش می پیچد و می گوید: منم فرمانروا، کجایند فرمانروایان؟ کجایند جباران؟»¹

وضعیت زمین

رسول خدا ﷺ در مورد وضعیت زمین فرموده است: «زمین در روز قیامت به یک قرص نان، تبدیل می شود و خداوند جبار آن را با دستش می گرداند و بعنوان م‌همانی به اهل بهشت، تقدیم می نماید همانطور که یکی از شما نانی را که در سفر می پزد، از این دست به آن دست می کند و جمع و جور می نماید».

پس از آن، مردی از یهودیان آمد و گفت: ای ابوالقاسم! خداوند تو را مبارک گرداند. آیا از م‌همانی اهل بهشت در روز قیامت، تو را مطلع نسازم؟ فرمود: «بلی». آن مرد، همانگونه که نبی اکرم ﷺ فرموده بود، گفت: زمین به یک قرص نان، تبدیل می شود. نبی اکرم ﷺ بسوی ما نگاه کرد و خندید تا جایی که دندان‌های مبارک اش، آشکار شد. آنگاه مرد یهودی گفت: آیا از خورش بهشتیان تو را باخبر نسازم؟ خورش آن را بالام و ماهی است. صحابه پرسیدند: آن، چیست؟ مرد گفت: ماهی و گاوی هستند که از گوش‌هی کبد آن‌ها هفتاد هزار نفر می خورند»².

از بین رفتن کوه‌ها

چون در روز قیامت در صور دمیده می شود، زمین و همه آنچه بر آن قرار دارد از کوه‌های سخت، درختان برافراشته، گیاهان و نباتات، به یکباره برداشته شده و فاش فاش می شوند.

خداوند می فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ ۗ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۗ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾﴾ [الحاقه: 13-15]. «هنگامی که یک دم در

1- متفق علی‌ه.

2- متفق علی‌ه.

صوردمیده شود.* وزمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یکبارہ در ہم کوبیده و متلاشی گردند.* بدان هنگام است که آن واقعۀ (بزرگ قیامت درجه‌ان) رخ می‌دهد (ورستاخیز برپا می‌شود)». بنا بر این، کوه‌ها بسان ریگ‌ها و شن‌های نرمی در می‌آیند. چنان که خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا﴾ [المزمل: 14]. «روزی، زمین و کوه‌ها سخت به لرزش و جنبش در می‌آید و (چنان کوه‌ها در هم کوبیده می‌شود که) کوه‌ها به توده‌های پراکنده و تپه‌های ریگ روان تبدیل می‌گردند».

حتی که کوه‌ها در اثر شدت هول و هراس و اضطراب، مانند پشم‌های نرم و پشم رنگارنگ حلّاجی شده در می‌آیند، پس از آن که سخت و سفت و ثابت بودند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾ [القارعة: 5]. «و کوه‌ها، همسان پشم رنگارنگ حلّاجی شده می‌شوند».

و خداوند کوه‌ها را از جایشان بر می‌کند و هیچ کوهی در زمین باقی نمی‌ماند. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَسَيَرَّتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ [النبأ: 20]. «و کوه‌ها به حرکت انداخته می‌شوند (روان می‌گردند و در فضا به شکل غباری در می‌آیند) و یک سراب بزرگی را تشکیل می‌دهند».

آری، کوه‌ها به شکل سرابی در می‌آیند که برای بیننده بسان آبی می‌ماند که چون انسان به آن نزدیک می‌شود، چیزی نمی‌یابد، سپس کوه‌ها از بین رفته و به خاکی تبدیل می‌شوند که باده با آن بازی می‌کنند. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۖ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۖ لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا﴾ [طه: 105-107]. «(منکران رستاخیز) از تو درباره کوه‌ها می‌پرسند (که به هنگام پایان گرفتن جهان چه سرنوشتی خواهند داشت؟). بگو: پروردگرم آن‌ها را از جا می‌کند و (در هوا) پراکنده می‌دارد (و برباد می‌دهد). * سپس زمین را به صورت فلات صاف و هموار و بی‌آب و گیاه‌رہا می‌سازد. * در آن هیچ‌گون پستی و بلندی نمی‌بینی».

به هنگام برپایی قیامت، وضعیت کوه‌ها این‌گون خواهد بود، اما دریاها که سه‌چهارم کره خاکی را به خود اختصاص داده‌اند، وضعیتی شگفت‌انگیزتر از کوه‌ها خواهند داشت.

منفجر شدن و آتش گرفتن کوه‌ها

دریا‌های بزرگ و هواناک، بسیار عمیق و رعب‌آور، که در درون خود وضعیت‌هایی مولناکتر از زندگان دارند، در روز قیامت منفجر شده و آتش می‌گیرند. چنان که خداوند

می فرماید: ﴿وَإِذَا أَلْبَحَارُ فُجِرَتْ﴾ [الانفطار: 3]. «و هنگامی که دریاها شکاف برمی دارند و به هم می پیوندند».

منفجر شدن دریاها به معنای پر شدن آن‌ها و پوشیدن قسمت‌های خشکی است، یا این که به معنای منفجر شدن آب آن است، چون از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن تشکیل یافته است که آتش زاهستند!

و آتش گرفتن آن‌ها به معنای شعله ور شدن آتش آن است، و این ممکن است در اثر زلزله و شکاف برداشتن بخش‌ها و قسمت‌های درون دریا روی دهنده آب دریا در آن داخل می شود که مواد آتش زا آن با مایعات درون زمین برخورد کرده و در نتیجه دریاها آتش گرفت‌ه و بر سطح دریاها پدیدار می گردد.

جنبش و شکاف برداشتن آسمان

در روز قیامت آسمان سخت تکان خورده و دچار اضطراب می شود، چنان که خداوند می فرماید: ﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا﴾ [الطور: 9]. «روزی آسمان سخت به تکان و جنبش می افتد و تند در هم می لولد».

از این رو آسمان به حرکت افتاده و مانند آسیا در جای خودش به چرخش می افتد و شکاف برداشته و پاره پاره می شود. خداوند می فرماید: ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾ [الانفطار: 1]. «هنگامی که آسمان شکافته می گردد.» و نیز می فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْعَنَمِ﴾ [الفرقان: 25]. «روزی راکه آسمان به وسیله ابرپاره پاره می گردد».

ما نمی دانیم شکاف برداشتن آسمان به چه کیفیتی خواهد بود، اما در حقیقت حالتی بسیار وحشتناک و دشوار خواهد داشت. چنان که خداوند می فرماید: ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿﴾ [الانشقاق: 1-2]. «هنگامی که آسمان می شکافد. * و فرمان پروردگارش را می برد، و چنین هم می سزد و حق هم همین است».

و نیز خداوند می فرماید: ﴿وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾ [الحاقه: 16]. «و آسمان از هم می شکافد و می پراکند، و در آن روز سست و ناستوار می گردد».

بنابراین، آسمان شکاف برداشته و سست و ضعیف می گردد، پس از آن که مستحکم و استوار بود.

در آن روز آسمان چه رنگی خواهد داشت؟

رنگ آبی و نیلگونی و زیبای آسمان در آن روز متغیر شده و به رنگ‌های مختلف در می‌آید، گاهی زرد شده و گاهی سرخ و گاهی تیره می‌گردد. چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِذَا أَذْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ [الرحمن: 37]. «بدان گاه که آسمان شکافته شود، و گلگون گردد همچون روغن گداخته».

درهم پیچیده شدن خورشید

به هنگام برپایی قیامت نور خورشید خاموش شده و روشنایی‌اش از بین می‌رود. لذا جمع شده و پیچیده می‌گردد و نورش از بین رفته و پیچیده می‌گردد. چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ [التکویر: 1]. «هنگامی که خورشید درهم پیچیده می‌شود».

ممکن است مراد آی‌ه چیز دیگری باشد، والل‌ه اعلم.

وضعیت ماه

ماه نیز بی‌نور گشته و روشنایی‌اش از بین می‌رود. چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾ ۷ ﴿وَحَسَفَ الْقَمَرُ﴾ ۸ ﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ ۹ ﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُوءُ﴾ ۱۰ ﴿كَلَّا لَا وَزَرَ﴾ ۱۱ ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ﴾ ۱۲ ﴿[القیامه: 7-12]. «هنگامی که چشم‌ها سراسیمه و آشفته می‌شود. * و ماه بی‌نور و روشنایی می‌گردد. * و خورشید و ماه گردآوری می‌گردد. * انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجا است؟ * خیر! (اصلاً گریزگاهی در میان نیست و) هیچ‌گون‌ه پناه‌گاهی وجود ندارد. * در آن روز، قرارگاه (بهشت و دوزخ) در دست پروردگار تو است».

و نیز مراد از آی‌ه: ﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ ۹ این است که جهت ماه و خورشید یکی خواهد بود و بدون این که نوری داشته باشند، از سمت مغرب طلوع می‌کنند.

سیارات و ستارگان

ستارگان آسمان با وجود اشکال و اجرام گوناگونشان، و علی‌رغم روشنایی و زیبایی‌شان، به هنگام برپایی قیامت، نورشان از بین رفته و تیره می‌گردند و جاذبه خود را از دست می‌دهند. چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ [التکویر: 2]. «و هنگامی که ستارگان تیره و تار می‌گردند و فرو می‌افتند».

و نیز فرموده است: ﴿فَإِذَا الْجُجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾﴾ [المرسلات: 8]. «هنگامی که ستارگان محو و تاریک می گردند».

و در نتیجه فرو ریختن ستارگان، با جاذبه آن‌ها دیگر ستارگان و سیاره‌ها نیز از هم می پاشند و فرو می ریزند. چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿٢﴾﴾ [الانفطار: 2]. «و هنگامی که ستارگان از هم می پاشند و پخش و پراکنده می شوند».

و در جایی دیگر فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّكَ أَلْسَمَاتِ الْأَرْضِ أَنْ تَزُولَ وَلَئِنْ زَالَتْ إِذِ أَنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٥١﴾﴾ [فاطر: 41]. «خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه داری می کند و نمی گذارد (از مسیر خود) خارج و نابود شوند. هرگاه (هم) بخواهند از مسیر خود) خارج و نابود شوند، جز خدا هیچ کس نمی تواند آن‌ها را نگاه و محفوظ دارد. خداوند بر دبار و آمرزنده است».

کدام ستارگان گرفتار این فاجعه خواهند شد؟

والله اعلم، معلوم نیست ستارگان که کشان ما گرفتار این فاجعه خواهند شد، یا این که همه ستارگان آسمان، و تعداد ستارگان و مواضع آن‌ها را کسی جز خداوند نمی داند. خداوند می فرماید: ﴿فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾﴾ [الواقعة: 75-76]. «سوگند به جایگاه‌های ستاره‌ها، و محل طلوع و غروب آن‌ها * و این قطعاً سوگند بسیار بزرگی است».

اما ما ایمان داریم که ستارگان بی نور شده و روشناییشان از بین می رود. همه این حوادث و رویدادها قبل از حشر و گردآوری مخلوقات و بندگان روی می دهد و قبل از این که در میدان محشر جمع شوند. اما چگونه محشر می گردند و چه اتفاقی در سرزمین محشر روی خواهد داد؟

باور...

کرسی پروردگاران از آسمان‌ها و زمین وسیعتر است
و هر طور که بخواهد درجه‌ان و هستی انجام می دهد.

حشر

حشر، کلمه‌ای کوچک است، اما معانی بزرگی را در خود جای داده و به کثرت در قرآن و احادیث تکرار شده است.

بنابراین،

- حشر یعنی چه؟
- مردم چگونه و کجا حشر می‌شوند؟
- سرزمین محشر کجاست؟
- انواع و اصناف مردم در محشر چگونه خواهد بود؟

درآمد

حشر به معنای گرد آوردن اشیای متفرق و قرار دادن آن‌ها در یک جاست. و حشر قیامت به معنای جمع آوری مخلوقات در یک مکان برای محاسبه و داوری در میان آنان است.

خداوند روز قیامت را «یوم الجمع» نامیده است. زیرا خداوند همه بندگان را در آن روز گرد می‌آورد. چنان که می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ﴾ [هود: 103]. «آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می‌آورند، و روزی است که مشاهده می‌گردد».

خداوند همگی موجودات، و اولین و آخرین آن‌ها را گرد می‌آورد، چنان که می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾﴾ [الواقع: 49-50]. «بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می‌شوند».

و هیچ چیزی خداوند را عاجز و ناتوان نمی‌گرداند، هر جا که بندگان بمیرند و از بین بروند، خداوند آنان را از اطراف فضا، تاریکی‌های آب، اعماق زمین، شکم پرندگان، حیوانات و ماهیان گرد می‌آورد و همه‌ی این موارد برای الهه یکسان است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: 148]. «هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می‌آورد (و به حساب همگان رسیدگی می‌کند). خدا بر همه چیز تواناست».

علم خداوند، همه جا را فرا گرفته است و هیچ کسی را فراموش نمی کند، چنان که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا﴾ ﴿۹۳﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿۹۴﴾ وَكُلُّهُمْ عِندَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿۹۵﴾ [مریم: 93-95]. «تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، بنده خداوند مهربان (و فرمانبردار یزدان) می باشند. * او همه آنان را سرشماری کرده است، و دقیقاً تعدادشان را می داند. * و همه آنان روز رستاخیز تک و تن ها در محضرا و حاضر می شوند».

آری، خداوند مخلوقات را سرشماری کرده است، نر و ماده، بزرگ و کوچک آنان را می داند، کردار، گفتار و نفس های آنان را شمار کرده و همگی در تحت قهر و سلطه او قرار دارند و هر کدام به تنهایی به بارگاه اله حاضر می گردد و هر طور که بخواهد در میان مخلوقاتش حکم و داوری می کند. چنان که می فرماید: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الک هف: 47]. «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی گذاریم».

هرگاه رستاخیز برپا شود، خداوند همه مخلوقات را در یک مکان محشور می گرداند.

دلایل حشر

در جاهای متعدد قرآن کریم آیاتی وجود دارد که حشر را به اثبات می رسانند، ما در اینجا چند مورد را ذکر می کنیم:

﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الک هف: 47]. «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی گذاریم».

﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿۴۹﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۵۰﴾﴾ [الواقع: 49-50].

«بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می شوند».

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا﴾ [الک هف: 99]. «و در صور دمیده می شود، و ما ایشان را به گونه شگفتی (برای حساب و کتاب در یکجا) گرد می آوریم».

رسول خدا ﷺ فرمود: «يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ، يُسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ وَيَنْفِذُهُمُ الْبَصَرَ»¹ «خداوند، اولین و آخرین انسان‌ها را در یک میدان، جمع می‌کند طوری که صدا به همه آن‌ها می‌رسد و چشم، همه آن‌ها را می‌بیند».

صفت سرزمین محشر

مخلوقات، در روز قیامت در سرزمینی سفید و صاف گرد آورده می‌شوند.
رسول خدا ﷺ فرمود: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ بَيْضَاءَ عَفْرَاءَ، كَفُرْصَةِ نَقِيٍّ، لَيْسَ فِيهَا مَعْلَمٌ لِأَحَدٍ»² «روز قیامت، مردم روی زمینی کاملاً سفید که مانند نان آرد بدون سبوس است، حشر خواهند شد. در آن زمین، هیچ کس، خط و نشانی ندارد».

محل سرزمین محشر

سرزمین محشر در شام خواهد بود، زیرا آن حضرت ﷺ به سمت شام اشاره نموده و فرمود:

«به این سمت، سواره و پیاده و در حالت کشیده شده به صورت ایتان به این سمت محشر می‌گردید، در روز قیامت دهانتان بسته می‌شود و هفتاد امت خواهید بود، و شما به‌تریم و گرمی‌ترین آن‌ها قرار خواهید گرفت، و اولین چیزی که زبان می‌گشاید و سخن می‌گوید، ران پا خواهد بود»³.

مقدار زمان روز قیامت

در روز قیامت بین مخلوقات داوری شده و حقایق برملا خواهد شد و در میان خصومت‌ها و دادخواهی‌های بندگان قضاوت خواهد شد. آن روز، روزی بسیار طولانی، یعنی پنجاه هزار سال خواهد بود. چنان که خداوند فرموده است: ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ [المعارج: 4]. «فرشتگان و جبرئیل به سوی او (پر می‌کشند و) بالا می‌روند و در مدتی که پنجاه هزار سال (معمولی برای انسان‌ها) طول می‌کشد».

1- متفق علی‌ه.

2- متفق علی‌ه.

3- سنن نسایی. مؤلف محترم به بخاری حواله داده بود ولی من آن را در بخاری نیافتم.

در آن روز مردم همچنان در ترس و اضطراب بسر می‌برند، جز کسی که اله را بر او رحم نموده و در امانش قرار دهد.

در اثر طول مدت آن روز، مردم مدت زمانی را که در دنیا زیست‌ه‌اند، از یاد می‌برند، زیرا هیچ چیزی با مقدار آن روز برابری نمی‌کند، از این رو مردم گمان می‌برند که به نسبت طول روز قیامت و هول و هراس آن، جز یک ساعت از روز، در دنیا درنگ نکرده‌اند.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ [یونس: 45]. «روزی که آنان را گرد می‌آورد، انگار جز ساعتی از روز نمانده‌اند که با همدیگر آشنا شوند به راستی کسانی زیان‌بارند که رویارویی با خدا را تکذیب کرده‌اند و راهیاب نبوده‌اند».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ [الروم: 55]. «روزی که قیامت برپا می‌شود، گناه‌کاران سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی در (دنیا و جهان برزخ) ماندگار نبوده‌اند! این چنین آنان (در دنیا توسط شیاطین) بازداشت‌ه شده‌اند»!

در آن صحنه، هیچ کس به دیگری توجه نمی‌کند، بلکه هر کس در فکر نجات خودش است، انسان از برادر، مادر و پدر، زن و فرزندان و قبیل‌های که خود را به آن نسبت می‌داد، و از هم‌اهل زمین می‌گریزد، تا نجات یابد، اما کسی نیست که او را نجات دهد! وای بر هول و هراس آن روز، دوست، دوستش را از یاد می‌برد، و مادر، فرزند و زن حامله، بارش را فراموش می‌کند!

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٦﴾ وَأُمِّهِ ﴿٣٧﴾ وَأَبِيهِ ﴿٣٨﴾ وَصَدِيقَتِهِ ﴿٣٩﴾ وَبَنِيهِ ﴿٤٠﴾ لِكُلِّ أُمَّرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٤١﴾ [عبس: 34-37]. «در آن روز که انسان فرار می‌کند از برادر خود. * و از مادر و پدرش! * و از همسر و فرزندان. * در آن روز هر کدام از آنان وضعی و گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می‌کند و از هر چیز دیگری باز می‌دارد».

و نیز می‌فرماید: ﴿يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَئِذٍ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ [یونس: 45]. «دوستان صمیمی و خویشاوندان نزدیک) به همدیگر نشان داده می‌شوند و معرفی می‌گردند (اما هر کس گرفتار کار خویشتن است) شخص گناه‌کار آرزو می‌کند کاش می‌شد برای رهایی خود از عذاب آن روز، پسران خود را فدا سازد. * همچنین همسر و برادرش را. *

همچنین فامیل و قبیل و عشیره‌ای که او را در پناه خود می‌گرفتند. * و حتی تمام کسانی را که در روی زمین هستند (همگی را فدا کند) تا این که مایه نجاتش شود».

انسان مجرم و تب‌ه کار آرزو می‌کند که مادر و فرزندانش را فدا سازد، برایش م‌ه نیست که آنان هلاک شوند، بلکه م‌ه این است که او نجات یابد. قطعاً روزی بسیار سخت و طاقت فرساست. چنان که اله می‌فرماید: ﴿يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾ [الإنسان: 10]. «روزی بس ترشرو و سخت اخمو خواهد بود».

انواع حشر

قبلاً توضیح دادیم که حشر به معنای جمع کردن و گرد آوردن است و انسان‌ها به هنگام برپایی قیامت بر دو دسته خواهند بود: گروه اول، کسانی هستند که مرده‌اند و در قبره‌ایشان بسر می‌برند، و دسته دوم زندگانی هستند که قیامت بر آنان برپا می‌شود و با دمیدن اول در صور می‌میزند.

و مسلماً قیامت بر بدترین انسان‌ها برپا می‌شود؛ زیرا قبل از برپایی قیامت، خداوند باد پاکیزه‌ای را می‌فرستد که در اثر آن جان مؤمنان گرفته می‌شود و آن گاه حشر انسان‌های زنده آغاز می‌گردد.

در قرآن و احادیث، کیفیت حشر و گردآوری آن‌ها با تفصیل بیان شده است و خداوند هیچ راهی را برای گمان و تخمین بندگان نگذاشته است. بنابراین، حشر بر دو نوع است:

نوع اول، حشر زندگان

این نوع، حشر زندگان است که از همه دنیا به سرزمین محشر، یعنی شام گردآوری می‌شوند که آتشی که از «قعره العدن» آن‌ها را سوق می‌دهد و به سمت شام می‌برد!

رسول خدا ﷺ فرمود: «تا زمانی که هفت نشانه بزرگ از نشان‌های قیامت ظاهر نشود، قیامت برپا نمی‌شود، ... و آتشی که از «قعره العدن» بیرون می‌آید و مردم را به سمت

محشر گرد می آورد و هر جا که آنان شب یا روز بخوابند، در آنجا توقف می کند و منتظر می ماند»².

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین علامت قیامت، آتشی است که مردم را از سمت مشرق به سمت مغرب سوق می دهد»³.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «شما سواره و پیاده محشر می شوید و به این سمت - و با دستش به سوی شام اشاره فرمود - بر چه ره ایتان کشانده می شوید»⁴.

منظور این است که این آتش مردم را از اطراف و اکناف گیتی در یک جا و در سرزمین شام گرد می آورد، و آن گاه صور اول دمیده می شود که در نتیجه آن انسان ها می میرند. آخرین افرادی که حشر می شوند

وقتی این آتش به سمت مردم می آید و آنان را سوق می دهد، طبق معمول خودشان، مشغول امور زندگی و کار و بارشان هستند که ناگهان این آتش به سراغشان می آید. رسول خدا ﷺ از آخرین افرادی که حشر آنان انجام می پذیرد، خبر داده و می فرمایند:

«و آخرین کسانی که حشر می شوند دو چوپان از طایفه مزینه خواهند بود که با گوسفندانشان به سوی مدینه می روند و گوسفندانشان را فریاد می زنند ولی آن ها را وحشی می بینند، و هنگامیکه به ثنیة الوداع می رسند، به چهره، بر زمین می افتند و بی هوش می شوند»^{5،6}.

1- این آتش از قعره عدن بیرون می آید و شعله ور می شود و دامنه آن در زمین امتداد پیدا می کند، لذا مردم از دست آن فرار می کنند و به سمت شام می آیند، و چندین شبانه روز این آتش آنان را دنبال می کند و هر جا که آنان جهت استراحت و خوابیدن توقف نمایند، آن آتش نیز توقف می کند.

2- مسلم.

3- صحیح بخاری.

4- احمد، ترمی و حاکم با سند صحیح، مراد سرزمین شام است که بندگان به سوی آن گرد آورده می شوند.

5- بخاری، مزینه یکی از قبایل عربی است که تاریخشان در جاهلیت و اسلام مشهور است و بسیاری از صحابه و تابعین و شعرا به این قبیل منتسب هستند.

6- مترجم محترم مختصر صحیح بخاری جملہ: «فَيَجِدَانَهَا وَحُشًا، را ترجمه کرده اند: آن را پراز جانوران وحشی می بینند، در صورتی که دکتر عرفی می گویند: مراد از حدیث این است که گوسفندانشان به صورت وحشی در می آیند. مترجم.

بنابراین، رسول خدا ﷺ توضیح دادند که این دو چوپان مشغول چرای گوسفندان هستند و آن‌ها را فریاد می‌زنند، ولی متوجه می‌شوند که آن‌ها وحشی شده‌اند و از صاحبشان فرار می‌کنند در حالی که قبلاً با آنان مانوس بودند و به حرفشان گوش می‌دادند. لذا این دو چوپان به سمت شمال و شام می‌روند و از کنار مدینه منوره عبور می‌کنند و وقتی به ثنی‌ه والوداع^۱ می‌رسند، بر زمین افتاده و بی‌هوش می‌شوند. این نوع اول از حشر بود که زندگان محشر گشته و به سمت محشر سوق داده می‌شوند، اما مردگانی که در قبورشان بسر می‌برند، آنان نوع دیگری از حشر دارند.

نوع دوم، حشر مردگان

پس از آن که در صورت اول دمیده می‌شود، و مدت زمانی به مقدار چهل، می‌گذرد، آن گاه خداوند بارانی را از زیر عرش فرود می‌آورد، در اثر آن اجساد بندگان که در اطراف و گوشه‌ای دنیا در زمین دفن هستند، می‌رویند. و آن گاه که رشد اجساد آنان کامل می‌گردد، در صورت دوم دمیده می‌شود، آن وقت مردگان از قبره‌ایشان بیرون می‌آیند، و به سرزمین محشر سوق داده می‌شوند تا با زندگانی که با صورت اول مرده‌اند، ملاقات کنند.

کیفیت حشر مخلوقات

همه موجودات، اعم از انسان‌ها، حیوانات، پرندگان، آبیان، بزرگ و کوچک، مسمان و کافر، همگی محشر شده و برای روزی که در آن تردیدی نیست، گردآوری می‌شوند. خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ﴾ [هود: 103]. «آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می‌آورند، و روزی است که (از سوی مردمان و فرشتگان و پریان) مشاهده می‌گردد».

1- ثنی‌ه، به مکان مرتفع می‌گویند. مورخان در حقیقت این مکان اختلاف دارند؛ چون ثنی‌ه در لغت راهی را می‌گوید که در کوه باشد و اماکن زیادی در مدینه منوره وجود دارد، چنان که یکی در جبل السلح وجود دارد و مسافرانی که از سمت خیبر، تبوک و شام به سوی مدینه می‌آیند، از آنجا رد می‌شوند و نیز کسانی که به سمت دانشگاه اسلامی مدینه و دانشکده تربیت می‌روند، از آنجا می‌گذرند، و قابل تشخیص نیست جز ارتفاعات اندکی که در اطراف آن وجود دارد و امروزه که آن منطقه آسفالت شده، خیلی کم برای مردم واضح می‌گردد؛ چون زمین مسطح شده است؛ اما در عین حال آن منطقه برای مردم مدینه به ثنی‌ه والوداع مشهور است، هر چند که دیگران آن را با این نام نمی‌شناسند.

و نیز خداوند می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿١٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢٠﴾﴾ [الواقعة: 49-50]. «بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می شوند».

و خداوند عزوجل ذات بزرگ و با عظمتی است و چیزی او را ناتوان نمی کند، و هر کجا بندگان بمیرند و نابود شود، خداوند می تواند آنان را گرد آورد. چنان که می فرماید: ﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: 148]. «هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می آورد (و به حساب همگان رسیدگی می کند). خدا بر همه چیزی توانا است».

خداوند متعال انواع حشر را توضیح داده است که برخی از آنان عبارتند از:

- **محشور ساختن همۀ مخلوقات:** خداوند متعال می فرماید: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الکاف: 47]. «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی گذاریم».

- **محشور ساختن حیوانات و وحوش:** خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ [التکویر: 5]. «و هنگامی که ددان و جانداران گرد آورده می شوند».

- **محشور شدن مجرمان و جنایت کاران:** نافرمانانی که انواع گناه و جنایت را مرتکب شده اند، چه آن گناهشان به حد کفر رسیده باشد، یا خیر، اما در هر صورت حشرشان سخت و دشوار خواهد بود و از هول آن صحنه چشمانشان کبود و نیلگون خواهد بود. خداوند می فرماید: ﴿وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ [طه: 102]. «و گنہ کاران را کبودرنگ در آن روز (در گستره رستاخیز) گرد می آوریم».

- **حشر ستمگران و امثال آنان:** چنان که در آن روز زنا کاران با زنا کاران، و رباخواران با هم نوعان خودشان و... محشور خواهند شد، خداوند در این مورد می فرماید: ﴿أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ [الصافات: 22-23]. «(ای فرشتگان من!) کسانی را که به خود ستم کرده اند، به هم کیشانان، و به همراه آنچه غیر از خدا می پرستیده اند، جمع آوری کنید. آن گاه آنان را به راه دوزخ راه نمایی کنید (تا بدان در آیند)».

آیا حیوانات هم محشور خواهند شد

پاسخ: آری، حیوانات نیز در روز قیامت، مانند سایر مخلوقات محشور می گردند. خداوند می فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا ظَلِيرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: 38]. «و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند وجود ندارد مگر این که گروهه ای همچون شمایند، هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم، پس آنان در پیشگاه پروردگارشان جمع آورده می شوند».

و نیز خداوند در مورد حشر حیوانات وحشی فرموده است: ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ [التكوير: 5]. «و هنگامی که ددان و جانداران گرد آورده می شوند».

و نیز فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾ [الشورى: 29]. «برخی از نشان‌های (پی بردن به خدا و قدرت) او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و همه جنبندگان است که در آن دو پدیدار و پراکنده کرده است، و او هر وقت که بخواهد می تواند آن‌ها را گرد آورد».

لازم نیست که در گرد آوردن حیوانات، مانند انسان‌ها، کیفر و پاداشی در کار باشد، یا وارد بهشت یا دوزخ شوند، بلکه حشر آنان صرفاً جهت قصاص گرفتن از همدیگر در میدان محشر خواهد بود، مانند این که گوسفند شاخ داری به گوسفند بی شاخ حمل کرده و به او ضربه زده است که قصاص می شود، و آن گاه به آن‌ها گفته می شود: خاک شوید و آنان به خاک تبدیل می شوند.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «لَتُؤَدَّنَ الْحُقُوقَ إِلَىٰ أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّىٰ يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجُلُحَاءِ، مِنَ الشَّاةِ الْقُرْنَا»^۱ «حق هر صاحب حقی به صورت کامل به آن داده می شود، تا جایی که قصاص گوسفند بی شاخ از گوسفند شاخ دار گرفته می شود».

مراد از وحشت بزرگ تر (الفرع الاکبر) چیست؟

پاسخ: مراد مصیبتی است که بندگان به آن گرفتار می آیند، اما نیکوکاران مانند دیگران گرفتار آن مصیبت نخواهند بود؛ زیرا آنان آمادگی آن روز را گرفتارند و خود را برای دیدار الله آماده کرده‌اند.

چنان که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٣﴾ فَوْقَهُمْ
 اللَّهُ شَرٌّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهُمْ نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾ وَجَزَلْنَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٤﴾﴾
 [الإنسان: 10-12]. «ما (از عذاب) پروردگاران می ترسیم؛ از (عذاب) روز بس ترشو و سخت
 اخمویی (که قیامت نام دارد). * به همین خاطر، خداوند آنان را از شر و بلای آن روز محفوظ
 می دارد، و ایشان را به خرمی و شادمانی می رساند. * و در برابر صبری که نموده اند، خداوند
 بهشت و جامه ابریشمین را پاداششان می کند».

رسول خدا ﷺ فرمود: (خداوند فرموده است: سوگند به عزت و جلال من! هیچ گاه
 برای بنده ام، دو امنیت یا دو خوف و ترس را جمع نمی کنم. اگر او در دنیا از من در امان
 باشد، در روزی که بندگانم را گرد می آوردم، او را می ترسانم. و اگر او در دنیا از من بترسد، در
 روزی که بندگانم را گرد می آورم، او را در امن و امان قرار می دهم!».

پرچم پیامبر ﷺ در میدان محشر

یکی از گرامی داشته های خداوند نسبت به پیامبران ﷺ در میدان محشر این است
 که سایر پیامبران در زیر لوای او قرار خواهند گرفت، بنابراین، پیامبر ما ﷺ امام و خطیب و
 صاحب شفاعت پیامبران در سرزمین محشر خواهد بود.

چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخَطِيبَهُمْ
 وَصَاحِبَ شَفَاعَتِهِمْ، غَيْرُ فَخْرٍ»² «چون روز قیامت فرا می رسد، من امام، خطیب و صاحب
 شفاعت پیامبران قرار خواهم گرفت و بر این امر افتخار نمی کنم».
 و نیز در روز رستاخیز، لوای حمد را به دست خواهد گرفت و تمام پیامبران تحت لوای او
 قرار می گیرند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «من سرور فرزندان آدم هستم و در این فخری نیست، و لوای حمد
 به دست من خواهد بود و بر این افتخار نمی کنم، و هیچ پیامبری از زمان آدم تا آنان که
 پس از او آمده اند، نخواند بود، مگر این که زیر لوای من قرار می گیرند و در این هم فخری
 نیست و من نخستین کسی خواهم بود که زمین از وی شکافته می شود و در این هم فخر
 نیست»³.

1- مسند الشامیین (462)، الصحيح (742)، صحيح الجامع (4332). این حدیث صحیح لغیره است.

2- سنن الترمذی و مسند احمد.

3- ترمذی و ابن ماجه با سند صحیح.

حال و وضع انسان‌ها در میدان محشر

روز حشر، روزی طولانی، دشوار و بزرگ خواهد بود و مردم وضعیت‌هایی گوناگون و متفاوت خواهند داشت، اما همگی در وضعیتی که رسول خدا ﷺ آن را بیان کرده است، خواهند بود.

آن حضرت ﷺ فرمود: «شما پا برهن‌ه، عریان و ختن‌ه نشده، حشر خواهید شد». سپس، این آی‌ه را تلاوت کرد: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: 104]. یعنی همان‌گونه که در بدو آفرینش شما را خلق کردیم، بار دیگر شما را زنده خواهیم کرد. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم. قطعاً ما این وعده را عملی خواهیم ساخت!»¹

در احادیث آمده است که انسان با همان لباس‌هایی که از دنیا رفته است، مبعوث خواهد شد. چنان که روایت شده است که وقتی ابوسعید خدری در حالت احتضار قرار گرفت لباس‌های جدیدی خواست و گفت: از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام که فرمود: «مرده با همان لباس‌هایی که در آن‌ها مرده است، مبعوث می‌شود»². و در حدیث قبلی آمده بود که لخت محشور می‌گردند.

بنابراین، چگونه این دو حدیث متعارض با هم جمع می‌شوند؟

پاسخ این است که خداوند آنان را لخت و عریان محشور می‌کند و سپس وقتی خداوند آنان را در روز قیامت لباس می‌پوشاند، نخستین لباسی که می‌پوشند، از جنس همان لباسی بود که به هنگام مرگ آن‌ها پوشیده‌اند.

و نیز در جواب این سؤال گفته شده است که منظور این حدیث ش‌هیدان هستند، چنان که رسول خدا ﷺ دستور دادند: آنان را در همان لباس‌هایی که جان داده‌اند، دفن کنید، زیرا با همان لباس‌ها حشر می‌شوند تا از دیگران تشخیص داده شوند.

و نیز برخی گفته‌اند: این اجتهاد حضرت ابوسعید در فهم این حدیث بوده است، زیرا مراد از لباس در این حدیث اعمال نیکی است که در دنیا انجام داده است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ [المدثر: 4]. «و جامه خویش را پاکیزه دار».

1- متفق علی‌ه.

2- روایت از ابوداود با سند صحیح.

یعنی اعمالت را پاکیزه نگه دار، زیرا انسان بر هر عملی که جان داده است، محشور می گردد، و اگر عملش نیک بوده است، عاقبتش نیز خیر خواهد بود و اگر عملش بد بوده است، سرانجامش نیز بد خواهد بود.

این فرموده نبوی این گفته ما را تایید می کند: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ»، «بنده بر همان چیزی که مرده است، زنده می شود».

از این رو مستحب است که کسی که در حالت احتضار قرار دارد، کلمه «لا إله إلا الله» تلقین داده شود تا آخرین کلمه اش از این دنیا باشد و با همین کلمه زنده شود.

وقتی انسان ۱۰ عریان حشر می گردند، آیا می توانند به همدیگر بنگرند یا خیر؟

پاسخ: وقتی حضرت عایشه رضی الله عنها این حدیث را از آن حضرت صلی الله علیه و آله شنید، گفت: یا رسول الله! هم زنان و مردان این گونه خواهند بود؟ آیا به همدیگر نگاه نمی کنند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عایشه! در آن روز وضعیت سختتر از این خواهد بود که به همدیگر بنگرند»².

یعنی چنان ترس و وحشتی بر دل های آنان حکمفرما خواهد بود، که هر کس به خودش مشغول بوده و به دیگری می نگرد.

شدت وحشت مردم

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز حال و وضع مردم را این گونه بیان داشت و می فرماید: «در روز رستاخیز، خورشید به مخلوقات به اندازه یک میل نزدیک می شود و مردم به میزان اعمالشان در عرق فرو می روند، برخی تا پاشنه پاها، و گروهی تا زانو، عده ای تا کمر، و جمعی سرتا پا غرق در عرق خواهند بود»³.

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَعْرِقُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَذْهَبَ عَرْقُهُمْ فِي الْأَرْضِ سَبْعِينَ ذِرَاعًا، وَيُلْجِمُهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ آذَانَهُمْ»!¹ «روز قیامت، مردم به اندازه ای عرق می کنند که عرق به گوش هایشان می رسد و هفتاد ذراع در زمین فرو می رود».

1- صحیح مسلم (4/ 2206).

2- صحیح مسلم.

3- صحیح مسلم. سلیم بن عامر که یکی از راویان حدیث است، در توضیح مقدار میل می گوید: به خدا قسم که من نمی دانم، مراد از میل مسافت زمین و آسمان است یا میلی است که با آن چشم هارا سرمه می کنند.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «بعضی از مردم، چنان بر می خیزند که تا بناگوش خود، غرق در عرق خواهند بود»².

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز رستاخیز خورشید به اندازه یک میل یا دو میل نزدیک می شود، و آنان را ذوب می کند»³.

در آن روز مؤمنین چه وضعیتی خواهند داشت؟

با وجودی که ترس و وحشت شدیدی در میدان محشر حکمفرماست و هر کدام از دیگری اظهار بیزار می کند، اما با این حال مؤمنان وضعیت متفاوتی خواهند داشت، زیرا فرشتگان گرانقدر با آنان ملاقات می کنند و وحشت آنان را آرام می کنند و بر دل هایشان سکون و اطمینان می بخشند.

چنان که خداوند می فرماید: ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [الانبیاء: 103]. «هراس بزرگ (رستاخیز نه تنه‌ها) ایشان را غمگین نمی سازد، و بلکه فرشتگان (و برای تبریک و شاد باش) پذیرایشان می گردند (و بدیشان می گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می شد».

آری، این بدان جهت خواهد بود که در دنیا دل‌های این افراد مملو از ترس و خوف خداوند بوده و از عظمت شأن خداوند مالا مال بود و خود را برای ایستادن در بارگاه الهی آماده کرده بودند.

و نیز خداوند می فرماید: ﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾ [الإنسان: 10]. «ما (از عذاب) پروردگاران می ترسیم؛ از (عذاب) روز بس ترشرو و سخت اخمویی (که قیامت نام دارد)».

و نیز می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾ [المعارج: 27-28]. «کسانی که از عذاب پروردگارشان بیمناک و ترسانند. * آخر، عذاب پروردگارشان امان نمی دهد (کسی را که در آن بیفتد)».

1- بخاری / 6532.

2- متفق علی.

3- سنن ترمذی، یعنی خورشید چنان به آنان نزدیک می شود که پی‌های بدنشان ذوب شده و در عرق غرق می شوند.

و نیز می فرماید: ﴿فَوَقَّعَهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّعَهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا﴾ [الإنسان: 11]. «به همین خاطر، خداوند آنان را از شر و بلای آن روز محفوظ می دارد، و ایشان را به خرمی و شادمانی می رساند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که من دو ترس یا امنیت را در بنده ام جمع نمی کنم. اگر او در دنیا از من در امان قرار گرفت، روزی که بندگانم را گرد می آورم، او را می ترسانم، و اگر او در دنیا از من ترسید، روزی که بندگانم را گرد می آورم، او را امنیت و آرامش نصیب می گردانم»¹.

چگونگی حشر کفار

هر انسان در روز رستاخیز، بر حسب اعمالش محشور می گردد، لذا حشر مؤمنان آسان و حشر کفار سخت خواهد بود، بلکه در اثر شدت خشمی که بر کفار طاری خواهد شد و دل هره شدید و سختی بزرگش که آنان را فرا خواهد گرفت، برخی از آنان چنان بر می خیزند که ذلت و رسوایی آنان نمایان است.

برخی از کفار بر چه رده ایشان محشور می گردند. خداوند می فرماید:

﴿وَحَشْرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمَّآ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ

زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾ [الإسراء: 97]. «و ما در روز رستاخیز ایشان را بر روی رخساره (کشانده و) کور و لال و کر (از گوره) جمع می گردانیم (و به صحرای محشر گسیل می داریم). جایگاهشان دوزخ خواهد بود. هر زمان که زبانه آتش (به سبب سوختن گوشت و استخوان ایشان) فروکش کند، (با تجدید گوشت و استخوانشان) بر زبانه آتششان می افزاییم».

حضرت انس رضی الله عنه می گوید: مردی به محضر رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله! آیا کافر بر چه رده اش محشور می گردد؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «آری، کسی که در دنیا قادر است او را برپاهایش حرکت دهد، در روز قیامت قادر خواهد بود تا او را بر چه رده اش به حرکت در آورد»².

همچنین کفار در قیامت تشنه حشر خواهند شد. چنان که خداوند می فرماید:

﴿وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا﴾ [مریم: 86]. «و گناه کاران را (همچون شتران

تشنه ای که به سوی آبشخور به سرعت بروند) تشنه کام به سوی جهنم می رانیم»

1- روایت ابونعیم با سند صحیح.

2- متفق علیّه.

رسول خدا ﷺ در حدیث طولانی شفاعت حال کفار و مشرکانی که غیر الله را می پرستیدند، این گونه بیان فرموده است:

«خداوند به آنان می گوید: چه می خواهید؟ می گویند: خدایا! تشنه ایم. آن گاه به آنان اشاره می شود: آیا آب نمی نوشید؟ و آن گاه به دوزخ که بسان سرابی است و آن را آب می پندارند، و خود را در هم می شکند، محشور می گردند و آن گاه در آن فرو می افتند!»¹.

نخستین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می شود

اولین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می شود، حضرت ابراهیم خواهد بود. چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «شما پا برهنه، عریان و ختنه نشده، حشر خواهید شد». سپس، این آیه را تلاوت کرد: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَعَلِينَ﴾ [الأنبياء: 104]. یعنی: «مانگونه که در بدو آفرینش شما را خلق کردیم، بار دیگر شما را زنده خواهیم کرد. این وعده ای است که ما می دهیم. قطعاً ما این وعده را عملی خواهیم ساخت». و اولین کسی که روز قیامت، لباس پوشانیده می شود، ابراهیم است².

و نیز خداوند مؤمنان را لباس می پوشاند؛ زیرا آنان در نزد خداوند گرامی تر از این هستند که عریان باشند؛ لذا بر حسب اعمالشان از لباس های گرانمای پوشانده می شوند و سواری و مرکب هایی برایشان تدارک دیده می شود که هر کس را به جایگاه آرام و محل عزت و کرامش می رسانند.

نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود

نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود، پدرمان، آدم خواهد بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود، آدم هست، آن گاه به فرزندانش نشان داده می شود و گفته می شود: «این پدرتان، آدم است. آدم می گوید: خدایا، حاضرم و خیر و خوشبختی از آن توست، الله تعالی می گوید: کسانی از نسل تو که به دوزخ می روند، بیرون کن، آدم می گوید: خدایا! چقدر از آنان را بیرون کنم؟ خداوند می گوید: از هر صد نفر، نود و نه نفر را بیرون کن! آن گاه صحابه پرسیدند: یا رسول الله! وقتی از میان هر صد نفر ما، نود و نه نفر راهی دوزخ شوند، پس چه چیزی از ما باقی

1- متفق علیہ

2- متفق علیہ.

می‌ماند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: همانا امت من در میان امت‌های دیگر مانند موی سفیدی در گاو سیاه‌ی خواهد بود!

اعمالی که سختی محشر را آسان می‌کند

با وجود این سختی‌های در میدان محشر، انسان‌ها به اموری نیاز دارند تا آن سختی‌ها و هول و هراس‌ها را برایش تخفیف دهد.

در روایات آمده است که برخی اعمال سبب ورود بهشت شده و ترازوی اعمال را سنگین می‌کنند، و در تخفیف سختی‌های میدان محشر نقش دارند.

اعمال مؤمنان متفاوت خواهد بود، چنان‌که در برخی نصوص آمده است که برخی از اعمال وقوف و ایستادن در میدان محشر را آسان می‌کنند. بنابراین، برخی از مؤمنان شامل این افراد خواهند بود:

برخی از مؤمنان کسانی خواهند بود که خداوند آنان را در آن روز سخت، طولانی، وحشتناک و بسیار گرم در زیر سایه خود جای می‌دهد، روزی که مردم سخت در عرق غرق شده‌اند، خداوند برخی از مؤمنان را جدا می‌کند و آنان را در زیر سایه عرش جا می‌دهد. در این مورد احادیث فراوانی وارد شده است.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمود: «خداوند، هفت گروه را روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد، در زیر سایه خود، جای می‌دهد. 1 - فرمانروای عادل. 2 - جوانی که در سایه اطاعت و بندگی خدا، رشد یافته باشد. 3 - کسی که همواره دل بسته مسجد باشد. 4 - دو مسلمانی که صرفاً بخاطر خوشنودی الل‌ه با یکدیگر دوست باشند و بر اساس آن، با هم جمع یا از یکدیگر جدا می‌شوند. 5 - کسی که زنی زیبا و صاحب مقام، او را به فحشاء بخواند ولی او نپذیرد و بگوید: من از خدا می‌ترسم. 6 - کسی که با دست

1- صحیح بخاری. یعنی چون آدم ابوالبشر قرار دارد، خداوند این دستور را به وی می‌دهد، و صحابه با شنیدن این سخن که از هر هزار نفر یک نفر نجات می‌یابد، سراسیمه و نگران شدند که آن یک نفر نجات یافته چه کسی خواهد بود. از این رو رسول خدا ﷺ فرمود که آنان در مقایسه با امت‌های دیگر اندک خواهند بود.

برخی از اهل علم گفته‌اند: مراد کسانی هستند که بر اثر گناهانشان شایستگی آن را دارند تا وارد دوزخ شوند، اما برخی از آنان مورد آموزش قرار گرفته و عده‌ای مورد شفاعت قرار می‌گیرند، یا برخی ابتدا وارد دوزخ می‌شوند و سپس برای همیشه به بهشت وارد می‌شوند.

راستش طوری صدقه دهد، که دست چپش نداند. 7 - کسی که در تنهایی بیاد خدا باشد و از ترس او، اشک بریزد!۱.

کسانی که فقط برای خوشنودی اله با هم دوستی و رفاقت برقرار می کنند آنان که صرفاً همدیگر را برای رضای اله دوست می دارند، نه به خاطر مال، رنگ، پست و مقام یا منفعت دنیوی.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اللہ تعالی در روز قیامت می فرماید: کجایند کسانی که به خاطر شکوه و جلال من با همدیگر محبت می کردند؟ امروز آنان را در زیر سایه ام که جز آن سایه ای نیست، جای می دهم»².

تاجری که به تنگدست مہلت می دهد یا قرضش را می بخشد
 ترحم بر فقیر و سخت نگرفن وی، دارای فضیلت است، و از جمله این ترحم، مہلت دادن آن و مطالبه نکردن دین و قرض از اوست، تا این که فرصتی برای پرداخت دینش بیابد و یا این که بخشی از آن را از عهده مستمند درگذرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس تنگدستی را مہلت دهد یا قرضش را ببخشد، خداوند در روز قیامت او را در زیر سایه قرار می دهد»³.

و نیز در روایت دیگری فرموده است: «هر کس دین مدیونش را فرو گذارد، یا آن را ببخشد، روز قیامت در زیر سایه عرش خواهد بود»⁴.

کسی که بر تنگدست آسان می گیرد

این فرد مشابه شخص قبلی است، وی فرد تاجری است که با فقرا ملاطفت و نرمی می کند، و در مطالبه دیونش سختگیری نمی کند، و بلکه بخشی از مالش را به آنان می بخشد.

1- صحیح بخاری، البته مقصود حدیث این نیست که فقط همین هفت نفر در زیر سایه عرش قرار می گیرند و بس؛ زیرا احادیث فراوانی آمده است که خداوند افراد دیگری را نیز در زیر سایه عرش جای خواهد داد و علامه ابن حجر صفات افرادی را که در زیر سایه عرش قرار می گیرند، در کتاب «معرفه الخصال الموصلة الى الظلال» آن را ذکر نموده است.

2- صحیح مسلم.

3- صحیح مسلم و احمد.

4- مسند احمد.

رسول خدا ﷺ در حالی که از احوال مردم در روز قیامت سخن می گفت: فرمود: «خداوند در روز قیامت فردی را می آورد که به او مال داده است، و به او می گوید: تو در چه کردی؟ می گوید: خدایا! من کاری نکردم، جز این که تو به من مال عطا کردی و من با آن با مردم خرید و فروش کردم، و اخلاق من این بود که من بر توانگر آسان می گرفتم و تهیدست را مهلت می دهم. خداوند می فرماید: من به این کار سزاوارترم، آن گاه فرماید از بنده ام درگذرید!»¹

در روایت دیگری آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «مردی اصلاً کار نیک انجام نداده است، وی در دنیا با مردم معاملۀ قرضی انجام داده و به قاصدش (منشی) گفته است: از هر کسی توانگر بود، بگیر و هر کسی را که تهیدست بود، راه کن و از او درگذر، شاید خداوند از ما درگذرد. وقتی از دنیا می رود، خداوند می گوید: آیا کار خیری انجام داده ای؟ می گوید: خیر، مگر این که من برده ای داشتم و با مردم معاملۀ قرضی انجام داده ام و به او سفارش کرده ام که از توانگران بگیر و تهیدستان را راه کن و از آنان درگذر، شاید خداوند از ما درگذرد. خداوند می فرماید: من هم از تو گذشت هم»².

هر کسی که در صدد برآورده ساختن نیاز برادرش است

خداوند مردم را متفاوت آفریده است، برخی را توانگر و عده ای را تهیدست، برخی را نیرومند و جمعی را ضعیف قرار داده و برخی ارتباطات قویتری داشته و آشنایان فراوانی دارند و عده ای برعکس.

بنابراین، هر کس را که خداوند به نعمتی برتری داده است، باید با کسانی که خداوند آنان را از این نعمت محروم ساخته است، مساعدت نماید، تا خداوند او را در زیر سایه اش جای دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس، یک سختی از سختی های دنیوی را از مؤمنی بر طرف سازد، خداوند یک سختی از سختی های قیامت را از وی دور می سازد، و هر کس بر تهیدستی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و هر کس پرده داری مسلمانی را بکند، خداوند در دنیا و آخرت از او پرده داری خواهد کرد، و خداوند در صدد کمک بنده اش است، تا زمانی که بنده در صدد کمک برادرش باشد»³.

1- مستدرک حاکم با اسناد صحیح و اصل روایت در صحیحین موجود است.

2- نسائی، ابن حبان و حاکم با سند صحیح.

3- صحیح مسلم.

دادگران

عدالت، صفت بزرگان، و اخلاق حکیمان است، و هر کس بدان عمل نماید، سودمندی همنشین و توفیق یارش خواهد بود، درونش در دنیا آرام بوده و منزلتش در آخرت بالا خواهد بود، دشمنان و بدخواهانش اندک و دوستان و محبانش فراوان خواهند بود. اما ستمگری، صفت ابلیس، و زداینده پاکی و قداست است، سرانجامش وخیم و پایانش بی اساس است، صاحبش را نابود و انجام دهنده اش را از پای در خواهد آورد. خداوند چنان با عدالت و دادگری محبت دارد که عادلان و دادگران را در روز قیامت از دیگران متمایز و جدا می گرداند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «مانا دادگران در نزد خداوند، بر منبره ای از نور، در جانب راست خداوند - که هر دو دست خداوند راست هستند - قرار خواهند گرفت، آنان که در داوری و اهلشان وقتی متولی آن قرار گیرند، عدالت می کنند!»¹
 آنان عدالت را پیشه می کنند در:

- داوری شان، وقتی در میان خصومتگران حکم و داوری کنند،
- خانواده شان، بره مسرو و فرزند ستم نمی کنند،
- آنان که در تحت سرپرستی و تکفل آنان قرار دارند، از قبیل فرمانروایان، رؤسای دولت، مدیران شرکت، مدارس، و...

بنابراین، این افراد اگر عدالت را پیشه کنند، خداوند آنان را بر منبره ای از نور بالا خواهد بود.

فروبرندگان خشم

خشم صفت بد و مذموم است و سرانجام بدی خواهد داشت. رسول خدا ﷺ به یکی از یارانش توصیه می کرد و پیوسته به او می فرمود: «خشم نگیر، خشم نگیر، خشم نگیر»². چون از عاقبت خشم خبر داشت.

زیرا چقدر مشاهده شده است که خشم، دوستان را از هم جدا کرده، و جانها را نابود ساخته، و درگیری و اختلاف را رواج داده است!

و تردیدی نیست که انسان خردمند و شجاع کسی است که نفسش را کنترل کند و به هنگام خشم و غضب بر آن تسلط داشته باشد.

1- روایت مسلم.

2- صحیح بخاری.

رسول خدا ﷺ فرمود: «پهلوان آن نیست که طرف را بر زمین بزند، بلکه پهلوان کسی است که به هنگام خشم نفسش را مہار کند»¹!

بنابراین، آنان که خشمشان را فرو برده و درون خود را کنترل می کنند، خداوند در روز آخرت آنان را جزا می دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که خشمش را فرو می برد، در حالی که می تواند، آن را به اجرا در آورد، خداوند در روز رستاخیز در جمع تمام خلائق او را فرا می خواند، و به او اختیار می دهد که هر کدام از حوریان عین را برای خود انتخاب نماید»².

مؤذنان

اذان گفتن، نوعی عبادت و تقرب الی الله است، و اگر مردم فضیلت اذان را می دانستند به سوی آن می شتافتند و حتی برای آن قرعہ می انداختند؛ چرا چنین فضیلتی نصیب مؤذن نباشد، در صورتی که او ندای توحید را بلند می کند و آن را در میان مردم آشکار می سازد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت گردن مؤذنان از دیگران درازتر خواهد بود»³.

دراز بودن گردن در جمال و زیبایی می افزاید، و این زیبایی براننده کسی است که عمل شایسته اذان را برعهده دارد، چنان که کلمات توحیدی اذان را به گوش مردم می رساند و آنان را به سوی نماز فرا می خواند و در روز قیامت، هر موجود ترو خشکی در دنیا که اذان را شنیده است، برای مؤذن گواهی می دهد.

حضرت ابوسعید خدری رضی اللہ عنہ به عبدالرحمن بن صعصعہ گفت: «من می بینم که تو با گوسفند و بیابان دوستی و علاقه داری، پس هر گاه با گوسفندان یا در بیابان بودی و برای نماز اذان گفتی، صدایت را بلند کن؛ زیرا هر جن و انس و هر چیزی که صدای مؤذن را بشنود، در روز قیامت برای او گواهی می دهد»⁴.

1- متفق علیہ.

2- سنن ترمذی.

3- صحیح مسلم.

4- صحیح بخاری.

کسانی که در اسلام پیر شوند

ثبات و پایداری بر اسلام و مردن بر آن، سعادت بسیار بزرگی است، خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: 102]. «ای کسانی که ایمان آورده اید، آن چنان که باید از خدا ترسید، از خدا بترسید و شما (سعی کنید که) نمیرید مگر آن که مسلمان باشید»

خداوند دستور داده تا سالخوردگان را گرامی داشت و جایگاهشان را پاس داریم. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر جوانی، سالخورده‌ای را به خاطر سنش گرامی دارد، خداوند کسی را می گمارد که در سن پیری او را گرامی دارد»¹.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مسلمان پیر، حافظ قرآن که در آن زیاده روی و کوتاه‌هی نکرده است، و پادشاه عادل را گرامی بدارد، خداوند را گرامی داشت است»². و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس بر کوچکان ما رحم نکند و بزرگان ما را احترام نکند، از ما نیست»³.

خداوند مسلمان پیر را در روز قیامت گرامی می دارد. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مویش در اسلام سفید شود، در روز قیامت برایش نوری خواهد شد»⁴.

وضو گیرندگان

وضو، کلید نماز، تلاوت قرآن، طواف و بسیاری از عبادت‌هاست، و جز مؤمن کسی بر وضو محافظت نمی کند.

وضو گرفتن شعار امت اسلام است، و وضو گیرندگان زمانی که در پیشگاه پروردگارشان بایستند، اثر وضوی خویش را می بینند.

رسول خدا ﷺ در حالی که از احوال مردم در روز قیامت سخن می گفت: فرمود: «امت من روز قیامت فرا خوانده می شوند در حالی که اعضای وضوی آن‌ها بر اثر وضو می درخشد. لذا هر کس خواست این نور بیشتر گردد، آن را بیشتر کند»⁵.

1- سنن ترمذی.

2- سنن ابوداود.

3- سنن ترمذی.

4- سنن ترمذی.

5- صحیح بخاری.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «زیبایی و جمال مؤمن تا جایی خواهد بود که وضو به آنجا می‌رسد»!

منظور حدیث از جمال و زیبایی، نورانیتی است که در روز قیامت او را در میان مردم مزین جلوه می‌دهد.

بنابراین، در روز قیامت، آن گاه که امت‌ها موج می‌زنند، و کاربران دشواری می‌گردند، و انسان‌ها با همدیگر اختلاط می‌کنند، در آن لحظه امت محمد ﷺ با یک ویژگی خاصی از دیگران شناخته و متمایز می‌گردند و آن ویژگی وضو و نماز است که آن، همان نورانی بودن و درخشندگی است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت، من نخستین کسی خواهم بود که اجازه سجده داده می‌شوم، و من نخستین کسی خواهم بود که اجازه داده می‌شوم تا سرم را بردارم، آن گاه در پیشاپیش خود می‌نگرم و امتم را در میان سایر امت‌ها می‌شناسم، همچنین آنان را از پشت سر و سمت راست و چپم می‌شناسم.» آن گاه فردی گفت: یا رسول الله! چگونه امت را در میان سایر امت‌ها از زمان نوح تا آخر می‌شناسی؟ فرمود: «اندام‌های وضوی آنان در اثر وضو گرفتن می‌درخشد»².

اهل قرآن

قرآن، مایه عزت در دنیا و نجات در آخرت است و هر کس شب و روزش را به حفظ و تدبر در قرآن صرف نماید، روز قیامت با انسان کسل و روی گردان یکسان نخواهد شد. رسول خدا ﷺ تلاوت کننده سوره بقره و آل عمران را ستوده و فرموده است که این دو سوره، صاحب خود را در میدان محشر نجات داده و سختی آن را برایش آسان می‌کنند. آن حضرت ﷺ فرمود: «قرآن را بخوانید، زیرا این قرآن در روز قیامت برای صاحبش شفاعت می‌کند، دو سوره بقره و آل عمران را تلاوت کنید؛ زیرا این دو سوره در روز قیامت مانند ابر پُریار خواهند آمد، یا مانند پرندگان به صف کشیده بوده و از تلاوت کننده خود دفاع خواهند کرد. سوره بقره را بخوانید؛ زیرا تلاوت این سوره مایه برکت و ترک آن سبب حسرت خواهد بود و کسی که پیوسته این سوره را می‌خواند، ساحران نمی‌توانند بر او تأثیر بگذارند»³.

1- صحیح مسلم.

2- مسند احمد با اسناد صحیح.

3- صحیح مسلم.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت، صاحب قرآن آورده می شود، قرآن می گوید: خدایا! وی را بپوشان، آن گاه لباس کرامت به او پوشانده می شود. باز قرآن می گوید: خدایا! به او بیشتر بده، آن گاه به او تاج کرامت پوشانده می شود. باز می گوید: خدایا! از او راضی باش و آن گاه خداوند از او راضی می شود»!

نیکوکاران

نیکوکان، و سخاوتمندانی که خداوند به آنان مال، منزلت و علم عطا کرده است، به دنبال ضعیفان می گردند و به تهنیت هدستان کمک کرده و به یاری ستمدیدگان می شتابند و داد محرومان می رسند و از سختی مصیبت زدگان می کاهند و اندوه افراد غمزه را تخفیف می دهند و خداوند نیز در روز رستاخیز در دشواری های آنان تخفیف آورده و سختی های آنان را آسان می کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس یک سختی از سختی های دنیوی از مؤمن را بر طرف سازد، خداوند یک سختی از سختی های قیامت را از وی دور می سازد، و هر کس برت هی دستی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و هر کس پرده داری مسلمانی را بکند، خداوند در دنیا و آخرت از او پرده داری خواهد کرد، و خداوند در صدد کمک بنده اش است، تا زمانی که بنده در صدد کمک برادرش باشد»².

یاری دهندگان ضعفا

خداوند، انسان ها را در مراتب گوناگونی آفریده و برخی را بر برخی برتری داده است، چنان که گاهی توانمندان بر ضعیفان تسلط یافته و با برداشتن اموال یا آزار دادن جسمی و یا بازداشتن حقوقشان، به آنان ستم می کنند.

و در عین حال در میان توانمندان، افراد مؤمن و پرهیزگاری یافته می شود که به یاری ضعیفان اقدام نموده و از حقوقش دفاع می کنند و رسول خدا ﷺ این گونه انسان ها را مژده داده و می فرماید: «هر کس برادرش را در غیاب او یاری دهد، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری می دهد»³.

در پایان...

1- سنن ترمذی و حاکم با سند حسن.

2- صحیح مسلم.

3- مسند احمد و حاکم و دیگران با سند صحیح.

این‌ها برخی از وضعیت‌های مؤمنان و پرهیزگاران در آن روزی است که زن و فرزند برای انسان سودی نمی‌رسانند، جز آن کس که با قلبی سلیم به درگاه اله تعالی حضور یابد. آری، قلبی که از شرک، حسادت و غش سالم بوده و از ایمان، صداقت و تقوا پر باشد.

حال نافرمانان در روز قیامت

کسی که با عقیده توحید و بدور از شرک و پرستش غیر اله بمیرد، اما انواع گناهان صغیره و کبیره را مرتکب شده است، او تحت مشیت اله قرار دارد، اگر بخواد، او را می‌بخشد و اگر بخواد معافش می‌کند.

در احادیث فراوانی وضعیت نافرمانان در میدان محشر توصیف شده است که آنان احوال و اشکال گوناگونی خواهند داشت، و در برخی احادیث مژده و ترغیب و در پاره‌ای انداز و تریب آمده است، و آن حضرت ﷺ از اعمالی که مرتکبان آن وضعیت وخیمی خواهند داشت، بر حذر داشته است. از آن جمله:

آنان که زکات مالشان را نمی‌پردازند

این افراد بر خطر بزرگی قرار دارند، زیرا حق خداوند را در مال نمی‌پردازند و حق فقرا و تهیدستان را نمی‌دهند؛ بنابراین این افراد در اثر بخل و آزشدید و ضعف ایمانشان، مانع حقوق شده و حالشان در میدان محشر آن‌گونه خواهد بود که رسول خدا ﷺ فرموده است. آن حضرت ﷺ فرمود: «کسی که خداوند به او ثروت داده است اگر زکات مالش را پرداخت نکند، روز قیامت، مالش به شکل اژدهایی سمی که دارای دو نیش زهر آگین می‌باشد، در می‌آید و به گردن او می‌پیچد و دو طرف چهره‌اش (گون‌ه‌ایش) را گرفته، می‌گوید: من مال و خزانۀ تو هستم. سپس، رسول اله ﷺ این آیه را تلاوت کرد: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [آل عمران: 180]. یعنی: «آنان که نسبت به آنچه خداوند به آن‌ها عنایت کرده است، بخل می‌ورزند، گمان نکنند که این کار، برایشان خوب است. بلکه این کار، برای آن‌ها بد است. و این مالی که نسبت به آن بخل ورزیده‌اند و حق آنرا ادا نکرده‌اند، روز قیامت، طوقی بر گردنشان خواهد بود!».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ ءَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾ [التوبه: 34-35]. «ای مؤمنان! بسیاری از علما دینی یهودی و مسیحی، اموال مردم را به ناحق می خورند، و دیگران را از راه خدا باز می دارند و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می کنند و آن را در راه خدا خرج نمی نمایند، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مژده بده. * روزی (فرا خواهد رسید که) این سگ ها در آتش دوزخ، تافت می شود و پشانی ها و پهلوه و پشت های ایشان با آن ها داغ می گردد (و) بدیشان گفته می شود: این همان چیزی است که برای خویشان اندوخته می کردید، پس اینک بچشید مره چیزی را که می اندوختید».

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر صاحب طلا و نقره ای که حق آن را (زکاتش) نپرداخته است، در روز قیامت برایش تک های از آتش ساخته شده و در آتش جهنم داغ داده شده، و با آن پهلو و پشانی و پشتش داغ داده می شود و چون سرد شود، دوباره داغ داده می شود، در روزی که به اندازه پنجاه هزار سال است تا زمانی که در میان بندگان داوری صورت گرفت و او راهش را به سوی بهشت یا دوزخ ببیند».

گفته شد: یا رسول الله! آیا شتر هم همین حکم را دارد؟

آن حضرت ﷺ فرمود: «و هر صاحب شتری که حق آن را ادا نکند و از جمله حق آن دوشیدن آن است روزی که به آب وارد شود، چون روز قیامت فرا رسد، در میدان فراخی در برابر شتران انداخته می شود در حالی که شتر به چاقترین حالت دنیا پیش در می آید، و هیچ بچه شتری را گم نمی کند، مگر این که وی را به کف پایش زده و با دهانش گاز می گیرد، و چون اولی بگذرد، دیگران این کار را انجام دهند، در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است و این کار ادامه دارد تا این که در میان مردم حکم و داوری شود و مسیروی به سوی بهشت یا دوزخ مشخص گردد».

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! درباره گاو و گوسفند چه؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «و هر صاحب گوسفند و گاوی که حق آن را نداده است، چون قیامت در رسد، در میدان فراخی در برابر آن ها بروریش انداخته می شود و هیچ یک از آن ها را گم نمی کند، مگر شاخدار و بی شاخ و شاخ شکسته اش آمده و او را به شاخ هایش زده و

با نوک پایش او را درهم می‌مالد و چون اولی می‌گذرد، دیگران چنین می‌کنند، در روزی که طول آن پنجاه هزار سال است و او چنین وضعیتی خواهد داشت تا این که در میان مردم حکم گردیده و مصیروی به سوی بهشت یا دوزخ مشخص می‌گردد»¹.

متکبر

تکبر، بیماری بزرگی است و خداوند فرد متکبر را دوست ندارد و برایش ارزشی قایل نیست و بلکه هر کس که اندازهٔ ذره‌ای در قلبش کبر باشد، او را وارد بهشت نمی‌کند. انسان‌ها نیز از فرد متکبر بیزارند و خردمندان وی را منفور می‌دارند و بزرگ و کوچک او را ناخوشایند می‌دانند.

رسول خدا ﷺ حال متکبران را بیان نموده و می‌فرماید: «در روز قیامت، متکبران مانند مورچه‌های کودک حشر می‌شوند، در شکل و صورت مردانی که ذلت و حقارت آنان را فرا گرفته است»².

بدان جهت از مورچه کوچک نام برد که مردم بدون آن که متوجه آنان شوند، آنان را در زیر پاهایشان له می‌کنند. متکبران نیز در روز قیامت این گونه خواهند بود که در اثر شدت ذلت و حقارت در زیر پاهای مردم له می‌شوند.

گناهانی که خداوند با مرتکب شوندگان نشان سخن نمی‌گوید

آری، در روز قیامت افرادی با خداوند دیدار می‌کنند که مرتکب گناهانی شده‌اند که سزاوار آن هستند که در اثر شدت حقارت و زشتی اعمال و پستی مرتبه‌شان، خداوند با آنان سخن نمی‌گوید.

بنابراین، عذاب و کیفری که متوجه این گناه‌کاران تکذیب‌گران می‌شود، گوناگون می‌شود، از جمله این که خداوند از آنان روگردان شده و با آنان سخن نمی‌گوید و به آنان نمی‌نگرد.

خداوند برخی از آنان را در قرآن کریم ذکر فرموده و رسول خدا ﷺ نیز در احادیث از آنان یادآوری فرموده است تا انسان‌ها از آن اعمال خودداری نموده و بر حذر باشند. برخی از این افراد عبارتند از:

1- صحیح مسلم.

2- سنن ترمذی.

علماء، دانشمندان و راهبان

آنان که علوم شرعی را کتمان نموده و فتوای شرعی را برای خشنود گردانیدن مردم یا تحقق منافع شخصی و یا اغراض دنیوی عوض می کنند و با وجود این که توانایی آشکار ساختن حق را دارند، آن را آشکار نمی سازند.

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [البقرة: 174]. «کسانی که آنچه را خدا از کتاب (آسمانی) نازل کرده است، پنهان می دارند و آن را به بهای کم (و ناچیز دنیا) می فروشند، آنان جز آتش چیزی نمی خورند. و روز رستاخیز خدا (از آنان روگردان بوده و) با ایشان سخن نمی گوید و آنان را پاکیزه نمی دارد. و ایشان را عذاب دردناکی است».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [آل عمران: 77]. «کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای کمی (از مادیات و مقامهای دنیوی) بفروشند، بهرهای در آخرت نخواهند داشت و خداوند با ایشان در آخرت (با مرحمت) سخن نمی گوید، و به آنان در قیامت (با محبت) نمی گرد، و ایشان را (از آلودگی های گناه) پاک نمی سازد، و عذاب دردناکی دارند».

کسی که شلوارش از شتالنگ پایین تراست

آن حضرت ﷺ از اسبال ازار و دراز کردن شلوار پایین تر از شتالنگ پانتهی نموده و در حدیثی فرموده است: «هر کس، ازارش پایین تر از شتالنگ هایش باشد، در جهنم است!».
همچنین رسول خدا ﷺ از این عمل برحذر داشته و افرادی را که مرتکب این عمل می شوند، آنان را به عذابهایی در میدان محشره شدار داده است.

کسی که کالایش را به سوگند دروغین می فروشد

عموما سوگند خوردن زیاد مکروه و ناپسند است، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ﴾ [المائدة: 89]. «سوگندهایتان را پاس دارید».

پس چه برسد که سوگند خورنده، در سوگندش دروغگو باشد، که در چنین صورتی گناهش بزرگتر و مسأله سنگین تر خواهد شد. بنابراین، کسی که کالایش را با سوگند دروغ می فروشد، و برای زیبا و مرغوب جلوه دادن کالایش به الل سوگند یاد می کند، تا مردم آن را بخرند، او بسیار دروغگوست.

منان

کسی که به مردم چیزی می دهد و سپس به آنان منت می گذارد و به خاطر تحقیر مردم پیوسته از نیکی هایش یاد کرده و آن را به رخشان می کشد. حضرت ابوذر رضی الله عنه در رابطه با این مرسه مورد از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت فرموده است: «سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به نگاه رحمت به آنان نمی نگرد و آنان را تزکیه نمی کند و برایشان عذاب دردناکی خواهد بود». من عرض کردم: یا رسول الله! آنان چه کسانی خواهند بود؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله تا سه مرتبه فرمود: «آنان زیان کرده و ناامید شدند! کسی که ازارش پایین تر از شتالنگش است، و کسی که کالایش را با سوگند دروغین می فروشد و منتگردد!».

کسی که به آب بخل می ورزد

معمولاً بخل ورزیدن صفت زشتی است، و بیانگر پستی درون و خباثت نفس است، به ویژه زمانی که انسان نسبت به چیزی بخل ورزد که بذل و بخشش آن زبانی نداشته باشد و مردم نیز سخت بدان نیاز داشته باشند، از جمله این که انسان به آب بخل ورزد، آبی که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: همۀ انسان ها در آن شریک هستند.

کسی که بیعت را می شکند

عهده و پیمان ها، توافق ها و قراردادهای بیعت با متولیان امور در امر طاعت و فرمانبرداری، دارای جایگاه بزرگی هستند، و بازی گرفتن عهده و پیمان ها یا بکار بردن حیله و مکر در آن ها، خطری بزرگ و زیانی سترگ را به دنبال خواهند داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد همۀ این افراد می فرماید: «سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و با نگاه رحمت به آنان نمی نگرد و آنان را تزکیه نمی کند و برایشان عذابی دردناک را مهیا کرده است؛ کسی که آب اضافی دارد و آن را از مسافر مانع می گردد، و کسی که کالایش را بعد از عصر با سوگند دروغین می فروشد، و مردی که با

امامی بیعت کرده و اگر به او بدهد، به عهدش وفا می کند و اگر به او ندهد، عهدش را می شکند»!

پیرمرد زناکار

مراد از پیرمرد، کسی است که پا به سن پیری گذاشته و در اثر کهنسالی، قوای جسمانی اش ضعیف شده اند.

برخی از مردم در اثر خباثت درون و ضعف ایمان و جرأتشان بر معصیت خداوند و بی پروایی نسبت به امور دین، و در عین حال ضعف داعی گناه، باز هم مرتکب گناه و معصیت می شوند.

این موضوع را با مثالی توضیح می دهیم:

مردی که پا به سن پیری گذاشته، استخوان هایش نرم شده، و نیروی ش هوانی اش ضعیف و سست گشته است، چنین فردی با این اوصاف مرتکب زنا می شود، گناه این فرد از جوانی که نیروی ش هوانی اش قوی است، بیشتر، بزرگتر و زشتتر خواهد بود. با وجود این که زنا، یکی از گناهان کبیره به شمار می رود، و زنا کار پیر باشد یا جوان، مرد باشد یا زن، پرده ای را که بین او و الل ه بوده است را دریده و خود را از مخلوق پنهان کرده اما و حرمت نگاه آفریدگار را پاره کرده است.

فرمانروای دروغگو

در مورد فرمانروای دروغگو و عید و ت هدید آمده است، زیرا علاقه داشتن به بزرگی و مرتبه بلند در میان مردم، چیزی است که باعث می گردد تا انسان دروغ بگوید و

1- احمد، ترمذی و ابوداود. مفهوم حدیث این است که مسافری که در طول راه زین هاش در طول سفرش تمام می کند و به نوشیدن جرع ه ای آب نیاز پیدا می کند و از کسی که آب اضافی با خود دارد، می خواهد تا به او آب بدهد و او از روی بخل و آز، به او آب نمی دهد.

دوم کسی که بعد از عصر به خرید و فروش می پردازد و در اثنای معامله سوگند دروغین یاد می کند تا مشتری را به خرید آن قانع سازد. و نیز سوگند خوردن زیاد در معامله، اگر چه راست باشد، حرام است. و اگر از روی دروغ باشد، که گناه ای بس بزرگ و عظیم دارد، و مراد از سوگند بعد از عصر به اعتبار اغلب است؛ زیرا بیشتر معاملات پس از عصر انجام می گیرند، و گرنه سوگند خوردن در معاملات در تمام اوقات حکم واحدی دارد.

سوم مردی که با امامی بیعت می کند و او را به عنوان امیر خود انتخاب می کند تا از او اطاعت نموده و به حرفش گوش فرا دهد، اگر امیر به او اموال و هدایایی بدهد به پیمانانش وفا می کند و اگر امام به او چیزی ندهد، به او خیانت می کند و پیمانانش را می شکند،

داستان‌ها و دلاورمردی‌های ساختگی را خلق نماید تا شأن و مرتبه‌اش در میان مردم بالا رود یا بدان جهت دروغ می‌گوید تا توجه مردم را به خود جلب نماید و یا با این کار دنیا و کالای دنیا را به دست آورد.

اما پادشاه و فرمانروا از این کاری بی‌نیاز است، زیرا مردم بدون چنین کاری به او روی می‌آورند و بدون چنین کاری در میان مردم جایگاه دارد، و دنیا در برابر او حاضر است، بنابراین، چرا دروغ بگوید؟ جز این که خباثت درون، و بی‌اهمیت بودن شریعت در نگاه او و عدم توجه به عظمت پروردگار، او را به این کار وادار می‌کند.

اما این بدان معنی نیست که دروغ گفتن برای غیر پادشاهان جایز است، هرگز، زیرا دروغ انسان را به فجور می‌کشاند، و گناه و فجور انسان را به دوزخ می‌اندازد.

فقیر متکبر

همچنین انسان عیالمند که فقیر و تهیدست باشد، لباس‌هایی که نهنه، رختخوابی ناملایم، سواری‌ای محقر و خان‌های فرسوده را داشته باشد، اما با این حال بر مردم فخر و غرور فروخته و در مقابل دیگران خودنمایی می‌کند، و از روی کبر و خودبزرگتر بینی با گوشه‌دستش با مردم سلام می‌گوید، و در زمین با ناز و خرامان راه می‌رود با وجودی که چنان مالی که او را به کبر و غرور بکشاند را نیز در اختیار ندارد.

با وجود این که تکبر به صورت مطلق حرام است، چه متکبر فرد ته‌ی دستی باشد یا ثروتمند و سرمای‌ه داری.

رسول خدا ﷺ در مورد هر سه مورد می‌فرماید: «سه نفرند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و آنان را پاک نمی‌کند و به آنان نمی‌نگرد و برایشان عذاب دردناکی خواهد بود: پیرمرد زناکار، فرمانروای دروغگو و فقیر متکبر!».

از آن جهت خداوند با آنان سخن نمی‌گوید که گناه‌شان بسیار سنگین است.

گناهانی که خداوند به انجام دهندگان نشان نمی‌نگرد

همان گونه که خداوند در روز قیامت با افرادی سخن نمی‌گوید، افراد دیگری خواهند بود که خداوند از روی تحقیر و ذلیل گردانیدنشان، به آنان نمی‌نگرد.

رسول خدا ﷺ پاره‌ای از گناهان را بر شمرده است که خداوند به انجام دهندگان آن‌ها نمی‌نگرد، و هر گاه خداوند از بنده اعراض نماید، به او نمی‌نگرد و او رسوا شده و دچار زیان و ضرر بزرگی می‌شود.

برخی از آنان آن‌ها افرادی خواهند بود که رسول خدا ﷺ در برخی از احادیث از آنان یاد کرده است:

کسی که از روی تکبر شلوارش را از شتالنگ پایینتر می‌کند

اسبال از رو پایین کردن شلوار از شتالنگ، از جمله گناهان بر شمرده شده است و باید مسلمان شلوارش را بالاتر از شتالنگ قرار دهد.

و هر گاه گناه پایین بودن شلوار با تکبر و غرور همراه باشد، گناهش بیشتر و بزرگتر می‌شود، از این رو خداوند از روی تحقیر و اهانت به او، در روز قیامت به او نمی‌نگرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس، از روی تکبر، لباسش را بر زمین بکشد، خداوند، روز قیامت به او نگاه نخواهد کرد»¹.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «اسبال دراز، پیرآهن و عمامه، هر کس یکی از این‌ها را از روی تکبر و غرور دراز کند، خداوند در روز قیامت به او نمی‌نگرد»².

کسی که از پدر و مادرش نافرمانی می‌کند

نافرمانی والدین از جمله گناهان بزرگ و در واقع انکار خوبی‌هاست، و خداوند حقوق والدین را به دنبال حقوق خود ذکر نموده و می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الإسراء: 23]. «پروردگارت

فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید».

و نیز خداوند تشکر از ووالدین را قرین تشکر و سپاسگزاری از خود قرار داده و فرموده

است: ﴿أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ﴾ [لقمان: 14]. «هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار

پدر و مادرت باش، و (بدان که سرانجام) بازگشت به سوی من است».

خوشرفتاری با والدین راه سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت است. رسول خدا ﷺ

فرمود: «هر کس که می‌خواهد روزی‌اش زیاد گردد و عمرش طولانی شود، باید که صله رحم داشته باشد»³!

1- متفق علی‌ه.

2- سنن نسائی، ابودارود و ابن ماجه.

و نیز رسول خدا ﷺ از حال نافرمان پدر و مادر خبر داده است که خداوند با نگاه رحمت به او نمی‌نگرد.

زنی که خود را با مردان شبی‌ه سازد

شبهات دادن یکی از زن و مرد در نحوه لباس پوشیدن، سخن گفتن، رفتار و... امری بسیار زشت و ناپسند و نشانه عدم ثبات در شخصیت و دروازه‌ای برای فساد و فحشا در جامعه است.

این امر در زمان ما از طریق اینترنت، و برخی از شبک‌های ماهواره‌ای که ترویج دهنده فحشا و فساد است، نمایان گشته است، چنان که مردان لباس زنان، و زنان لباس مردان را می‌پوشند.

بزرگتر و شگفت‌انگیزتر از همه این است که زن و مرد تغییر جنسیت داده و خلقتی را که خداوند به آنان بخشیده است را عوض نمایند و از طریق جراحی‌های انجام شده و داروهای هرمونی و... زن تغییر جنسیت داده و مرد شود و مرد نیز خود را به جنس زن تغییر دهد.

رسول خدا ﷺ از تمام این نوع تغییرات بر حذر داشت و خبر داده است که خداوند در روز قیامت به این دسته از افراد نمی‌نگرد.

دیوث

دیوث کسی را گویند که خباثت و فحشا را در خانواده‌اش از قبیل: همسر، دختر و فرزندان‌ش مشاهده می‌نماید و به پاسداری آنان از فساد توجه نکرده و آن‌ها را به حجاب و پرده دستور نمی‌دهد. حتی برخی از زنان به روابط نامشروع و امور ناشایست مبتلا شده، مرد غیرت به خرج نمی‌دهد و بر آنان به خشم نمی‌آید. چنین فردی فاقد مردانگی است و دیوث نامیده می‌شود.

رسول خدا ﷺ در توصیف این هر سه نفر می‌فرماید: «سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت به آنان نگاه نخواهد کرد: نافرمان والدین، زن مردنما که خود را با مردان شبهات می‌دهد و دیوث. و سه نفر هستند که وارد بهشت نمی‌شوند: نافرمان والدین، شراب‌خوار و کسی که چیزی می‌دهد و سپس منت می‌گذارد»².

1- متفق علی‌ه.

2- سنن نسائی با سند صحیح.

کسی که از راه پشت با همسرش نزدیکی می کند

خداوند فطرت زن و مرد را چنان آفریده است که به همدیگر میل و گرایش دارند و روابط آنان را در چارچوب شرع ابراز داشته است و آنچه را که خارج از این چارچوب باشد را حرام ساخته است. و از جمله بزرگترین گناهان کبیره این است که انسان از راه پشت با همسرش همخوابی کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «نفرتین شده است کسی که با همسرش از راه پشت همخوابی کند»¹!

همچنین رسول خدا ﷺ کسی را که مرتکب چنین عملی شود، وعید داده است که خداوند در روز قیامت به او با نگاه رحمت نمی نگرد. آن حضرت ﷺ فرمود: «آن کس که با همسرش از راه پشت جماع کند، خداوند در روز قیامت به او نمی نگرد»².

گناهانی که انجام دهندگان خود را لگام می کند

لگام افساری است که بر دهان اسب گذاشته می شود.

آنان که در روز قیامت افسار آتش در دهانشان انداخته می شود - پناه بر خدا - کسانی هستند که مردم مسایل خود را از آنان پرسیده و استفتا می کنند و آنان علم را کتمان می کنند و آن را به مردم نمی آموزند، آن هم با وجود قدرت بر نشر علم دارند و بدون آن که زیانی متوجه آنان گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس از او چیزی پرسیده شود و آن را کتمان کند، روز قیامت با افساری از آتش لگام می شود»³

افرادی با خداوند ملاقات می کنند در حالی که اله نسبت به آنان خشمگین است

از خشم اله به خود او پناه می بریم، و از اله می خواهیم بردباری و رحمتش را شامل حال ما گرداند. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس که با سوگند دروغ، مال مسلمان را تصاحب کند، در حالی خدا را ملاقات می کند که خدا بروی، خشمگین است»⁴.

1- مسند احمد و ابوداود با سند صحیح.

2- سنن نسایی با سند صحیح.

3- ابوداود و ترمذی با سند صحیح.

4- متفق علی.

ثروتمندان در ناز و نعمت

برخوردار بودن از نعمت‌های خداوند، در صورتی که اعتدال رعایت گردد و در آن اسراف صورت نگیرد، امری مباح و جایز است و چه بسا که آدمی در این کار ماجور می‌گردد اگر شکر نعمت را بجا آورده و خداوند را در قبال آن سپاس گوید.

اما مبالغه و زیاده روی در خوردن، نوشیده و اسراف کردن، امری ناجایز و نکوهیده است. فردی در محضر رسول خدا ﷺ آروغ زد و آن حضرت ﷺ آن را شنید و چنین به نظر رسید که آن را ناگوار دانسته است، از این رو فرمود: «از آروغ زدن باز بیا؛ زیرا آنان که در دنیا بیشتر سیره‌ستند، در روز قیامت در گرسنگی طولانی تری بسر می‌برند»¹.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان که در دنیا از مال بیشتری برخوردارند، در روز قیامت از اجر و پاداش کمتری برخوردار خواهند بود، جز آن که خداوند به او مال عطا کرده و آن را به سمت راست، چپ، پیش رو و عقب پخش کرده و انفاق می‌کند و در آن به خوبی تصرف می‌نماید.»²

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان که از مال بیشتری برخوردارند، در روز قیامت از جایگاه پایینتری برخوردار خواهند بود، جز آن که به این شکل و به این شکل بدهد (و آن را در میان نیازمندان انفاق نماید) و کسبش پاک باشد»³.

حالت خیانت‌گر در روز قیامت

غدر و خیانت از صفات منافقین است و هر گاه فرد منافق وعده‌ای بدهد در آن خیانت می‌کند، و اگر مردم او را امین اموال خود بگردانند یا با او عهد و پیمان ببندند، او غدر و خیانت می‌کند، چنین فردی در روز قیامت رسوا شده و به شدت خوار و ذلیل می‌گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی خداوند در روز رستاخیز اولین و آخرین را در روز قیامت گرد می‌آورد، برای هر خیانت کننده‌ای پرچمی را بر می‌افزاید، و گفته می‌شود: این خیانت فلانی است، این خیانت فلانی است.»⁴

بنابراین، خیانت‌گر کسی است که وعده می‌دهد و به آن وفا نمی‌کند، وعده می‌دهد و خلاف آن عمل می‌کند.

1 سنن ترمذی و ابن ماجه با سند صحیح، آروغ زدن نشان‌دهنده پیری معده است.

2- صحیح بخاری.

3- سنن ابن ماجه.

4- صحیح مسلم.

پرچم چیزی است که فرمانده جنگ آن را در میدان جنگ برداشته و دیگر مردم به دنبال او ره‌سپاری کردند.

روز قیامت برای خیانتگر پرچمی برافراشته می‌شود تا واضح گردد که او خیانتکار است و بدین شکل در روز قیامت رسوا می‌گردد و این پرچم در پشت او قرار می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت هر خیانتکاری پرچمی خواهد داشت که در قسمت مقعدش قرار می‌گیرد»¹.

و هر چند که خیانت بزرگتر باشد، به همان تناسب، پرچم نیز بزرگتر می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت، برای هر خیانتکاری پرچمی خواهد بود که به میزان خیانتش برافراشته می‌شود؛ آگاه باشید! هیچ خیانتگری از امیر عامه مردم بزرگتر نخواهد بود»².

منظور از امیر عمومی، حاکم و فرمانروای مردم است؛ چون ضرر او متوجه انسان‌های زیادی می‌شود و از آن جایی که او صاحب قدرت و اقتدار می‌باشد، نیازی به خیانت نیست، و همچنین اگر او به کسی خیانت کند، آن فرد نمی‌تواند از او انتقام بگیرد، یا حقش را از او بازستاند؛ چون او دارای قدرت و سلطه است.

این وعید شامل هر رئیسی می‌شود، اعم از این که آن فرد، رئیس کارگران شرکتی باشد، یا مدیر مدرسه یا دانشگاه باشد، یا صاحب سلطه‌ای که پس از عقد قراردادها در آن‌ها دخل و تصرف نموده و آن‌ها را به بازی بگیرد.

خیانتکار زمان جاه‌لیت

عرب‌ها در زمان جاه‌لیت در موسم حج و در محافلشان، پرچمی را برای خیانتکار بر می‌افراشتند و جنایتکار را با جنایتش در میان مردم می‌چرخاندند، مثلاً اگر کسی دزدی کرده بود او را با آن چیزی که دزدیده بود، در میان مردم می‌چرخاندند، تا رسوا شده و دوباره این کار را انجام ندهد.

خیانتگر در اموال غنیمت

خیانت در اموال غنیمت این است که کسی قبل از تقسیم اموال غنیمت در میان مجاهدان، چیزی را بدزدد.

1- صحیح مسلم.

2- صحیح مسلم.

غنیمت، مال و کالایی است که مجاهدان اسلامی پس از پیروزی و غلبه بر دشمن آن را به دست می آورند.

خداوند کسانی را که در اموال غنیمت خیانت می کنند، تہدید کرده و می فرماید: ﴿وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: 161]. «وہر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را کہ در آن خیانت کرده است با خود (بہ صحنہ محشر) می آورد، سپس بہ ہر کسی پاداش و پادافرہ آنچه کرده است بہ تمام و کمال دادہ می شود، و بدانان ستم نخواہد شد».

از آن جایی کہ خیانت در اموال غنیمت، گناہی بسیار بزرگ است، رسول خدا ﷺ بہ شدت یارانش را از این کارنہی می کرد.

ابوہریرہ رضی اللہ عنہ می گوید: نبی اکرم ﷺ میان ما برخاست و از خیانت در غنیمت، سخن گفت و آن را گناہ بزرگی بر شمرد و بزرگ دانست و فرمود: «نبینم یکی از شما را در روز قیامت کہ ہوسفندی، بردوش دارد و آن ہوسفند، بچ می کند، یا اسبی بردوش دارد و آن اسب، شی ہہ می کشد و آن شخص، می گوید: ای رسول خدا! بہ دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برایت انجام دہم. بہ تو ابلاغ نمودم. و نبینم کہ یکی از شما شتری بردوش دارد و آن شتر، صدا می دہد. و آن شخص، می گوید: ای رسول خدا! بہ دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برایت انجام دہم. بہ تو ابلاغ نمودم.

و نبینم یکی از شما را کہ طلا و نقرہ بردوش دارد و می گوید: ای رسول خدا! بہ دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برایت انجام دہم. بہ تو ابلاغ نمودم. و یا نبینم یکی از شما را کہ قطعہ پارچہ ای بردوش دارد و آن پارچہ، بہ اہتزاز در می آید و آن شخص، می گوید: ای رسول خدا! بہ دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برایت انجام دہم. بہ تو ابلاغ نمودم»!

زیرا ہمہ این افراد دزد و خیانتکارند و ہر کدام در حالی می آید کہ آنچه را دزدیدہ است، بردوش خود حمل می کند و با حمل آن شکنجہ می بیند و از سنگینی آن خستہ می شود و از صدای آن وحشت زدہ می شود و با اظہار خیانتش در میان ہمہ مخلوقات رسوا می گردد.

برخی از خیانتہا عبارتند از:

- خیانت حکام در بیت المال مسلمین.
 - خیانت کارمندان در اموال محل کارشان.
 - خیانت متولیان امور و مسئولان اموال عمومی.
- در این مورد وعیده‌ها و تهنیت‌های فراوانی وارد شده است.

رسول خدا ﷺ برخی از صحابه را به بادی‌ها و قبایل می‌فرستاد تا اموال زکات را جمع‌آوری نمایند. فردی به نام ابن لثبه را به سوی قبیلۀ ازد فرستاد تا اموال زکات را جمع‌آوری کند. او به نزد صاحب شتر و گوسفند می‌آمد و مال زکات را از او دریافت می‌کرد، و صاحب شتر یا گوسفند سه‌م زکات را به او می‌داد تا آن را به نزد رسول خدا ﷺ ببرد تا آن حضرت ﷺ آن را بین فقرا و نیازمندان تقسیم کند و هدیه خاصی را به ابن لثبه بدهد.

وی اموال زیادی از قبیل شتر و گوسفند جمع‌آوری نمود و مقداری هدیه برای خود نیز جمع کرد و آن گاه به مدینه آمد و گفت: این مال شما هستند و این متعلق به خود من می‌باشند.

در این هنگام رسول خدا ﷺ به خشم آمد که چگونه او برای خود هدیه برمی‌دارد در حالی که او کارمند است و از بیت المال حقوق دریافت می‌کند؟ و اگر دروازه هدیه به روی جمع‌کنندگان زکات باز شود، چه بسا که آنان در شغلشان تساهل و سهل‌انگاری نموده و چه بسا که رشوه بگیرند یا مرتکب خطای دیگری شوند. از این رو رسول خدا ﷺ کاری کرد تا دروازه دریافت هدیه مسدود گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «چرا ما برخی از جمع‌کنندگان زکات را برای کاری می‌فرستیم و آنان می‌گویند: این مال من هستند و این مال شما؟ پس چرا او در خانه پدر یا مادرش ننشست تا ببیند که آیا برایش هدیه‌ای آورده می‌شود یا خیر؟ سوگند به ذاتی که جان محمد در قبضه اوست، هیچ چیزی را بر نمی‌دارد مگر این که در روز قیامت در حالی می‌آید که آن را بر گردنش حمل می‌کند، اگر شتری بوده است، و یا گاو و یا گوسفندی، آن حیوان صدا می‌زند و فریاد برمی‌آورد»!

این حدیث بزرگی است و هشدار است برای آنان که از مردم هدیه می‌پذیرند، از قبیل این که معلم از دانش آموز، استاد دانشگاه از دانشجو، کارمند شهربانی، بیمارستان، مسئولین امنیتی و انتظامی از مراجع ذی ربط خود هدیه دریافت کنند.

چرا که همه این موارد رفاقت و دوستی را بین آن دو نفر جلب نموده و باعث ابتعاد و دوری دیگران می شود و در این صورت فرد ثروتمند و قدرتمند مورد اکرام و نوازش قرار گرفته و حق ضعیف و ته‌دیست اہمال می گردد.

بنابراین، به هیچ عنوان نباید هدی را بپذیری در صورتی که تو در جایگاه مسئول و عهده بردار مقام و منزلت قرار داری، مگر این که در روز قیامت در حالی می آیی که آن را بر گردنت حمل می کنی، و هر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می آورد.

زمین خوار

امروز ما گرفتار افرادی هستیم که با زور و قدرت زمین های مردم یا اراضی عام المنفعه را تصاحب می کنند و با مدارک بی اساس یا این که با مکر و حیل آن ها را در تصرف خود در می آورند.

در مورد کسانی که چنین عملی را مرتکب می شوند، وعید و تہدید آمده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس، زمین دیگری را بے ناحق، تصرف کند، روز قیامت در هفت زمین، فرو برده می شود»^۱.

کسی که تکیه گری می کند، بدون آن که نیاز داشته باشد

تہدستی که از روی کرامت نفس بے خرج روزانہ اش بسنده می کند و بے خاطر آبرو و عزت خود از مردم چیزی نمی خواهد، و خود را در برابر دیگران ذلیل نمی گرداند، بے تر است از کسی که بے سوی مردم دست دراز می کند و از آنان کمک می خواهد و شکایت فقر و ناداری اش را بے نزد دیگران می برد.

اما زشتتر و قبیحتر این است که انسان با وجود برخورداری از پوشاک، غذا و نوشیدنی اش بے حد کافی، دست نیاز را بے سوی دیگران دراز کند.

رسول خدا ﷺ این گونه افراد را از چنین کاری بر حذر داشته و می فرماید:

«هر کس بدون آن که نیازی داشته باشد، بے سوی مردم دست دراز کند، در روز قیامت در حالی می آید که پوست چہرہ اش خراش برداشته است.» صحابہ پرسیدند:

یا رسول الله! چه مقدار داشته باشد که او را از پرسیدن بی‌نیاز می‌کند؟ فرمود: «پنججاه درهم یا قیمت آن از طلا»!

کسی که پایبند نماز نیست

نمازیکی از ارکان و ستون‌های مهم اسلام است، نماز خنکی چشمان موحدان و مایه لذت ارواح محبان است.

نماز عبادتی است که خداوند امر آن را بزرگ نموده و اهل آن را مفتخر گردانیده است. نماز آخرین چیزی است که از احکام دین و شریعت از میان برداشته می‌شود و آخرین چیزی است که رسول خدا ﷺ توصی فرمود و نخستین چیزی است که در مورد آن در روز قیامت در بارگاه پروردگاران و مقتدر پرسیده می‌شود.

پس ما سپاس می‌گوییم پروردگار عظیمی را که به ما اجازه داده تا در پیشگاه وی بایستیم و با دل‌هایمان به سوی او روی آوریم و شکوه نیازه‌ای مان را به درگاه او عرضه نماییم.

نماز ارتباط و دیدار در میان بنده در زمین و خداوند در آسمان است.

و هرگاه امر مهمی برای آن حضرت ﷺ روی می‌داد، به نماز روی می‌آورد.

نماز به اهل خود در میدان محشر سود می‌دهد، چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هر کس بر نماز محافظت کند، نماز برای او نور، برهان و مایه نجات می‌گردد و هر کس بر نماز محافظت نکند، نماز به برایش نوری خواهد بود و نه برهانی و نه مایه نجات، بلکه حشر وی با فرعون، قارون، هامان و ابی بن خلف خواهد بود»².

غیبت‌کننده و سخن‌چین

غیبت آن است که کسی را پشت سر چنان یاد کنند که او ناراحت می‌شود.

سخن‌چین کسی است که اخبار و سخنان بد مردم را به قصد اختلاف و ایجاد فتنه رد و بدل می‌کند.

این‌ها اموری هستند که عموماً مردم به آن‌ها مبتلا هستند و به سبب آن‌ها فتنه‌های بزرگی برخاسته است.

1- سنن ابوداود.

2- مسند احمد و ابن حبان با اسناد صحیح.

این افراد از جمله بدترین انسان‌ها هستند و بیشترین سهم ایجاد فتنه و فساد را بر عهده گرفت‌اند؛ چون زبان دورویی دارند که بر حسب هوا و ش‌هوت می‌چرخد و سخن می‌گوید.

این افراد در میدان محشر وضعیتی وحشتناک خواهند داشت، چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در دنیا گوشت برادرش را بخورد، در روز قیامت نزدیک کرده می‌شود و به او گفته می‌شود: همان‌گون‌ه‌که مرده بود او را می‌خوردی، اکنون که زنده است نیز او را بخور، و او وی را می‌خورد در حالی که چه‌ره‌اش عبوس و ترش است و داد و فریاد می‌زند»¹.

دورو

انسان دورو و ذوالوجهین، کسی است که با گروهی با یک رنگ و چه‌ره و با گروهی دیگر با رنگ و چه‌ره‌ای دیگر ملاقات می‌کند.
رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در دنیا دورو باشد، در آخرت، دو زبان از آتش خواهد داشت»².

تصویرپردازان

تصویر، انواع و اشکال گوناگونی دارد، و علما بنا بر انواع و اشکال گوناگون آن اختلاف دارند، اما همگی بر حرمت مجسمه سازی اتفاق نظر دارند، به ویژه زمانی که مجسمه بزرگان و رهبران باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: کسانی که این تصاویر را درست می‌کنند، روز قیامت عذاب و کیفر داده می‌شوند. به آنان گفته می‌شود: زنده کنید، آنچه را که آفریده‌اید»³.
و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «هر کس، تصویر و مجسمه‌ای بسازد، او را عذاب داده و به او دستور می‌دهند تا در آن، روح بدمد و لی او نمی‌تواند»⁴.

در پایان ...

نجوای قلب ...

عمل انسان در دنیا، مسیرش را در قیامت مشخص می‌کند.

1- ادب المفرد بخاری و معجم الاوسط طبرانی با اسناد حسن.

2- ابوداود با سند صحیح.

3- متفق علی‌ه.

4- متفق علی‌ه.

گشایش صحیفه ۱۵

در روز رستاخیز نامه اعمال هر فرد به خود او سپرده می شود که در آن اعمالی که در دنیا مرتکب شده است ثبت شده اند و به او گفته می شود: ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجاثیة: 29]. «این (نامه اعمال که دریافت می دارید) کتاب ما است و اعمال شما را صادقانه بازگو می کند. ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهایی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می دادید».

بنابراین،

- نامه اعمال چیست؟
- در آن چه چیزی ثبت شده است؟
- بندگان آن را چگونه دریافت می کنند؟

درآمد

هر انسانی نام‌های دارد که اعمال نیک و بدش در آن ثبت می شوند، و این نام، چنان صحیفه‌ای است که هیچ عمل بزرگ و کوچکی را ترک نمی کند مگر این که آن را ثبت می کند و این نام در روز محشر به او داده می شود تا آن را بخواند به آن بنگرد.

بندگان در شیوه دریافت این نام متفاوت خواهند بود، چنان که مؤمن پس از حساب و کتاب، نامه اعمالش را از جلو و به دست راست دریافت می کند و شاد و خندان به نزد اهلیش باز می گردد، اما گناه کاران و منافقان، نام اعمالشان را با دست چپ و از پشتشان دریافت می کنند که در این هنگام، برای خود دعای نابودی و هلاکت می کنند.

از این رو، پس از آن که بندگان از عملکردشان مورد سؤال و بازپرسی قرار می گیرند، نامه اعمالشان چه نیک یا بد گشوده می شود. چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُزِّلَتْ﴾ [التکویر: 10]. «و آنگاه که نام‌های اعمال گشوده می شود».

در آن روز هر انسانی مسئول عمل خود بوده و جزای آن را می بیند، چه نیک باشد یا بد. چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا﴾ [۱۳] ﴿أَفْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ [الإسراء: 13-14]. «ما اعمال هر کسی را به گردنش آویخت‌ایم و در روز قیامت کتابی را (که

کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او می‌رسد. * (در آن روز بدو گفته می‌شود: کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی».

بنابراین، هر انسانی خود نامه اعمالش را می‌خواند و سرانجامش را می‌داند و از نتیجه و انجام کارش باخبر می‌شود.

گروهی نامه اعمالشان را با دست راست دریافت می‌کنند

این افراد به آسانی مورد محاسبه قرار می‌گیرند و نجات یافته و شادمان به نزد اهل و خانواده‌شان باز می‌گردند، در حالی که قلبش شادمان و در میان مردم سر بلند است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَ بِيَمِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يَدْعُوهُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ تُكَذِّبُونَ﴾ (و اما هر کس که نامه اعمالش به دست راست او داده شود، (فریاد شادی سر می‌دهد و) می‌گوید: (آه ای اهل محشر بیایید) نامه اعمال خود مرا بگیرید و بخوانید! * آخر من می‌دانستم که (رستاخیزی در کار است و) من با حساب و کتاب خود رویا روی می‌شوم. * پس او در زندگی رضایت بخشی خواهد بود. * در میان باغ و الای بهشت، جایگزین خواهد شد. * میوه‌های آن در دسترس است. * در برابر کارهایی که در روزگاران گذشته (دنیا) انجام می‌داده‌اید. بخورید و بنوشید، گوارا باد»!

گروهی نامه اعمالشان را با دست چپ و از پشت سرشان دریافت می‌کنند

این افراد، انسان‌های ذلیل و خوار، نابود شده و بدکاری خواهند بود که عمرشان را تباه کرده و آخرتشان را به باد داده‌اند، در این روز در تنگنا قرار گرفته و رویشان در برابر مخلوقات سیاه می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۖ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ۚ وَيَصَلَّىٰ سَعِيرًا﴾ (الانشقاق: 10-12). «و اما کسانی که از پشت سر نامه اعمالشان بدو داده شود. * مرگ را فریاد خواهد داشت و هلاک خود را خواهد طلبید. * و به آتش سوزان دوزخ در خواهد آمد و خواهد سوخت».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَ بِيَمِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يَدْعُوهُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ تُكَذِّبُونَ﴾ (و اما کسی که نامه اعمالش به دست چپش داده

شود، می گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی شد! * و هرگز نمی دانستم که حساب من چیست! * ای کاش پایان بخش عمرم، همان مرگ بود و بس! * دارایی من، مراسودی نبخشید، و به درد (بیچارگی امروز) من نخورد. * قدرت من، از دست من برفت».

رسول خدا ﷺ حال و وضع مؤمن را در آن روز توصیف نموده و می فرماید: «آن گاه نامه نیکی هایش به دست راست او داده می شود، اما منافق و کافر در حضور همه مخلوقات فریاد می زند: ﴿هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [هود: 18].
«اینان بر پروردگار خود دروغ بست هاند. هان! نفرین خدا برستمگران باد»!

عدالت...

«این (نامه اعمال که دریافت می دارید) کتاب ما است و اعمال شما را صادقانه بازگو می کند. ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهایی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می دادید». جاثی ه: 29.

عرض و حساب اعمال

هرگاه بندگان نامۀ اعمالشان را دریافت کنند، آن گاه عرض اعمال و حساب آن آغاز می‌گردد، و به دنبال آن وزن اعمال و گذشتن از پل صراط، و راهی شدن به سمت بهشت یا دوزخ روی می‌دهد. در این لحظه عرض داشتن صورت می‌گیرد.

بنابراین،

- عرض داشتن یعنی چه؟
- چه چیزی عرض می‌شود؟
- بنده در هنگام عرض چه حالتی خواهد داشت؟

درآمد

عرض داشتن دو معنی دارد:

1- عرض شدن همۀ مخلوقات به بارگاه خداوند،

در این عرض شدن نه حسابی در کار خواهد بود و نه مناقش‌های در اعمال، بلکه فقط در برابر رب العالمین خواهند ایستاد، بنابراین، همۀ مخلوقات، اعم از جن، انسان، حیوانات و... به همان شکلی که آفریده شده‌اند، عرض می‌شوند و هیچ چیزی از آنان بر خداوند پنهان نخواهد بود.

چنان که خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: 18]. «در آن روز (برای خداوند) نموده می‌شوید، و چیزی از کارهای نه‌انیتان مخفی و پوشیده نمی‌ماند».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَعُرْضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا﴾ [الک‌هف: 48]. «مردمان (برای حساب و کتاب) صف صف به پروردگارت عرض می‌شوند (و ایشان را صدا می‌زنیم: ای مردمان!) به همان شکل و هیئتی که نخستین بار شما را آفریده بودیم، به پیش ما برگشته‌اید. شما گمان می‌بردید که هرگز موعدی برای شما ترتیب نمی‌دهیم».

2- عرض و حساب

در این عرض داشتن، اعمال مورد مناقش قرار می‌گیرند و از بندگان پرسیده خواهد شد که چه پاسخی به پیامبران داده‌اید؟ چه اعمالی را در دنیا انجام داده‌اید؟

این‌ها لحظات سختی برای بندگان خواهند بود، در این هنگام قدم‌ها می‌لغزند و کودکان پیر می‌شوند و زبان‌ها بند می‌شوند. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿۲۵﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿۲۶﴾ [الغاشیة: 25-26]. «مسئلاً بازگشت آنان (پس از مرگ و رستاخیز) به سوی ما خواهد بود. * آن‌گاه حساب (و کتاب و سروکار) ایشان با ما خواهد بود».

معنای حساب

حساب یعنی شمار کردن، و عدالت خداوند متقاضی است که بندگان در روز رستاخیز مورد محاسبه قرار گیرند؛ از این رو کسی که عمل نیک انجام داده و خود را به الله نزدیک کرده است، با کسی که نافرمانی نموده و طغیان پیشه کرده است، یکسان نخواهند بود، اعمال همگی شمرده شده و کردارشان رصد می‌شود.

انواع حساب در روز رستاخیز

مردم در نوع محاسبه‌شان متفاوت خواهند شد، چنان‌که برخی بدون حساب وارد بهشت می‌شوند، و عده‌ای به آسانی از آنان محاسبه خواهد شد و حساب برخی سخت خواهد شد.

- برخی از آنان کسانی خواهد بود که بدون حساب راهی بهشت می‌شوند و تعداد آن‌ها هفتاد هزار نفر خواهد بود، این افراد برگزیدگان این امت در صبر، تقوا، ایمان و جهاد خواهند بود.

رسول خدا ﷺ در مورد این گروه می‌فرماید: امت‌ها در محشر بر من عرضه شدند، و من امتم را دیدم که کثرت و هیئت آنان مرا در شگفت واداشت، آنان دشت‌ها و کوه‌ها را پیر کرده بودند. خداوند فرمود: ای محمد! راضی شدی؟ من گفتم: بل‌ه‌ای بار خدایا! الله متعال فرمود: با این‌ها هفتاد هزار نفر دیگر خواهد بود که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند، آن‌ها کسانی هستند که تعویذ (دم) نمی‌خواهند، داغ نمی‌کنند».

عکاشه بن محصن گفت: ای رسول خدا! از الله بخواه تا مرا از آنان قرار دهد، آن حضرت ﷺ فرمود: «خدایا! او را از آنان قرار بده».

مردی دیگر برخاست و گفت: از الله بخواه تا مرا از آنان قرار دهد، رسول خدا ﷺ فرمود: فرمود: «در این باره، عکاشه از تو سبقت گرفت!».

لذا این هفتاد هزار نفر خواهند بود که بدون حساب وارد بهشت می شوند و مانند دیگران مورد مذاقه و بازپرسی قرار نمی گیرند، از الله می خواهیم تا ما را از آنان قرار دهد. آمین.

• برخی دیگر از آنان گروهی خواهند بود که در اعمالشان مورد محاسبه قرار می گیرند، اما حسابشان آسان خواهد بود بدون این که در آن مناقشه و مذاقه ای باشد، بلکه فقط اعمالشان به آنان عرضه خواهد شد و خداوند از آنان درگذر می فرماید.

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت خداوند مؤمن را نزدیک می کند، و الطاف و عنایاتش را متوجه او می گرداند و پرده اش را می پوشاند و آن گاه به او می گوید: آیا این گناه را می شناسی؟ می گوید: بلی ای رب! تا این که از گناهانش از او اعتراف می گیرد، مؤمن در قلبش گمان می برد که نابود شده است، اما خداوند می فرماید: من در دنیا پرده ات را پوشیدم، امروز نیز تورا می بخشم، آن گاه نامۀ نیکی هایش را به او می سپارد»! مؤمن باید در دعایش از الله بخواهد تا خداوند حسابش را بر می سبک بگرداند و بگوید: خدایا! حسابم را آسان بگردان.

چنان که مادرمان عایشه می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که در نمازش این گونه دعا می کرد: «خدایا! به آسانی از من حساب بگیر»، وقتی آن حضرت ﷺ از نمازش فارغ شد، من عرض کردم: ای پیامبر خدا! حساب آنان چیست؟ فرمود: «این که به کتابش نگاه شود و سپس از او در گذر شود»؟

از الله می خواهیم تا حساب ما را آسان بگرداند و با بخشش و حلمش با ما معامله کند. آمین.

• برخی دیگر از آنان این افراد کسانی هستند که حسابشان سخت بوده و مورد توبیخ قرار می گیرند و نامۀ اعمالشان مورد مناقشه و مذاقه قرار می گیرد؛ چرا در نماز کوتاه ای کردی؟ زکات مالت را چگونه پرداختی؟ نافرمانی والدین، حقوق بندگان و... در این نوع حساب بنده عذاب می بیند و گرفتار استرس و ترس و واهم می شود. چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «هر کس که محاسبه شود، هلاک می گردد». عایشه می گوید: من گفتم: یا رسول الله! مگر نه این است که خداوند فرموده است:

1- متفق علیہ.

2- مسند احمد با سند صحیح.

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾﴾ [الانشقاق: 7-8].
 «در آن وقت، هر کس نامه اعمالش به دست راستش داده شود. * با او حساب ساده و آسانی خواهد شد».

رسول خدا ﷺ فرمود: «این عَرْضُ اعمال است، ولی اگر حساب دقیق به عمل آید، هلاک می گردد»!

منظور از عذاب در این حدیث، عذاب دوزخ نیست، بلکه مراد ترس و وحشتی است که دامنگر می شده و رسوایی رویت گناهان و ذلت یادآوری اعمال بدش است.

• برخی دیگر از آنان کسانی اند که به سبب کثرت و سنگینی گناهان، یا اصرارشان بر گناه و ارتکاب آشکارشان به معصیت، یا به سبب نیت‌های فاسد، حسابشان طولانی و سخت خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اولین کسی که در روز قیامت بر او حکم می شود، مردی است که ش‌هیده شده و آورده می شود و خداوند نعمت‌های خود را به او می شناساند و او هم آن را می شناسد.

الله تعالی می فرماید: در برابر آن چه کردی؟
 می گوید: در راه تو جنگیدم تا ش‌هید شدم.

الله تعالی می فرماید: دروغ گفתי، بلکه تو جنگیدی تا گفته شود که او با جرأت است و گفته شد. پس در مورد وی دستور صادر شده و وی چه ره‌اش کشانده شده به دوزخ انداخته می شود.

و دوم مردی که علم آموخته و آن را تعلیم داده و قرآن خوانده است. او آورده می شود و الله نعمت‌هایش را به او می شناساند و او هم آن‌ها را می شناسد. خداوند می فرماید: در برابر آن چه کردی؟

می گوید: علم آموختم و آن را تعلیم دادم و برای رضای قرآن خواندم.

الله تعالی می فرماید: دروغ گفתי، بلکه تو بدان جهت علم آموختی تا گفته شود که عالم هستی و قرآن خواندی تا گفته شود، قاری هستی، چنین نیز گفته شد. سپس در مورد وی دستور داده می شود تا به چه ره‌اش کشانده شده و به دوزخ انداخته می شود.
 سوم مردی که خداوند به وی روزی فراخ داده و از انواع مال به وی ارزانی داشته است، وی آورده می شود و الله آن‌ها را به وی می شناساند و او هم آن‌ها را می شناسد.

اللہ تعالیٰ می فرماید: در برابر آن چه کردی؟
 می گوید: هیچ راهی را که دوست داشتی در آن خرج شود، نگذاشتم، مگر اینک در آن
 برای رضای تو خرج کردم.
 خداوند می فرماید: دروغ گفتی! بلکه تو بدان چه تپین کردی تا گفته شود که
 سخی است و گفته شد و در مورد وی دستور داده می شود و بر چه ره اش کشیده شده و به
 دوزخ انداخته می شود!¹

آیا همه مؤمنان مورد محاسبه قرار می گیرند؟
 خداوند یک گروهی را استثنا نموده و آن را مورد محاسبه قرار نمی دهد.
 رسول خدا فرمود: هفتاد هزار نفر از امت من بدون حساب وارد بهشت می شوند، آن ها
 کسانی هستند که تعویذ (دم) نمی خوانند، فال نمی گیرند، و به پروردگارشان، توکل
 می نمایند².
 و در روایت دیگری آمده است: «با هر هزار نفر، هفتاد هزار نفر همراه خواهد بود»³.

قانون محاسبه بندگان

نگامی که بندگان در برابر فرمانروای عالم در آن صحنه وحشتناک، پای لخت و
 بدون کفش، جمع شده و حضور می یابند، و با پای پیاده بدون این که سوار چیزی باشند،

1- صحیح مسلم.

2- منفق علی. تعویذ و دم خواستن جایز است، اما در حدیث به این مطلب تشویق شده است که
 انسان خودش را با اوارد و وظایف دم کند، زیرا این کار افضلتر است، چون بنده با این کارش به الل
 توکل می نماید و چون هر گاه رسول خدا ﷺ دچار بیماری می شد، خودش را دم می کرد، و وقتی
 بیماری اش شدت یافت، عایشه دعا می خواند برای حصول برکت با دست آنحضرت ﷺ
 می مالید.

مراد از این که فال بد نمی گیرند، یعنی به هیچ چیزی اعم از دیدنی، شنیدنی، چشیدنی و بوییدنی
 فال بد نمی گیرند؛ زیرا عرب ها عادت داشتند که با پرند فـال می گرفتند و اگر چنان چه مرغ به
 سمت چپ پرواز می کرد، فال بد و شوم می گرفتند، در حالی که فال گرفتن حرام است و جایز نیست
 که کسی به روز، ماه یا چه فال بگیرد.

مراد از این که بر پروردگارشان توکل می کنند، یعنی در تمام کاره ایشان بر خداوند یکتا و یگان
 اعتماد می کنند و هر کس بر الل توکل نماید، خداوند او را کفایت می کند و هر کس را که الل
 کفایت کند، او را در برابر هر چیزی حفاظت می کند و برایش کافی می شود.

3- مسند احمد و ترمذی با سند صحیح.

حرکت می‌کنند، و بدن‌هایشان بدون این‌که چیزی پوشیده باشند، لخت خواهد بود، و بدون این‌که ختنه باشند، همان‌گونه‌که از مادر زاییده شده بودند، به بارگاه اله می‌رسند.

صحنه‌ای بسیار وحشتناک خواهد بود، چشمان نافرمانان خیره شده و دل‌های گردنکشان مضطرب و مستکبران ذلیل می‌گردند، چشمانشان به این سمت و آن سمت نمی‌نگرد و دل‌هایشان آرام نمی‌گیرد. چنان‌که خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفِيلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْأَتْهُمْ هَوَاءَ ﴿٤٣﴾﴾ [إبراهیم: 42-43].

«گمان مبرکه خدا از کارهایی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است. (ن، بلکه مجازات) آنان را به روزی حواله می‌کند که چشم‌ها در آن (از شدت خوف و هراس) باز می‌ماند. * (ستمگران در اثر هراس) سرهای خود را بالا گرفتند و یک راست (به سوی ندا دهنده) می‌شتابند و چشمانشان (از مشاهده عذاب) فرو بسته نمی‌شود و دل‌هایشان (فرو می‌تپد و از عقل و فهم و اندیشه) تهی می‌گردد».

آری! چشمانشان فرو بسته نمی‌شود و دل‌هایشان (فرو می‌تپد و از عقل و فهم و اندیشه) تهی می‌گردد».

چه هول و هراس بزرگی!!

بلکه دل‌ها به حنجره می‌رسد. چنان‌که اله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَافَاقَةِ إِذْ أَلْقُوا بُدَى الْحَنَاجِرِ كَظَمِينَ﴾ [غافر: 18]. «آنان را از روز نزدیک بترسان (که قیامت است). آن زمانی که دل‌ها (از شدت وحشت) به گلوگاه می‌رسند (و از شدت بغض)، خاموشند و چیزی نمی‌گویند».

این زمین عوض می‌شود، کوه از بین می‌روند، آسمان (همچون پوست حیوان) برکنده می‌شود، ستارگان تیره شده و از هم پاشیده و پراکنده می‌شوند، دریاها آتش می‌گیرند، خورشید بی‌نور می‌گردد، فرشتگان با عظمت در رعب و وحشت بسر می‌برند، و برای پیامبران تعیین وقت می‌گردد (تا برای ادا شدن بر ملت خود، حاضر شوند).

همگی در دادگاه بزرگ، محکمه قیامت می‌ایستند، آن‌گاه که دل‌ها به گلوگاه می‌رسد، و خورشید به انسان‌ها نزدیک می‌شود، و وضعیتی بسیار سخت و دشوار در برابر اله تعالی خواهند داشت!.

دادگاهی که در آن دشمن کینه توز حضور می‌یابد، و گواهان نیز حاضر می‌شوند، نام‌های اعمال گشوده می‌شود، و عذرها و بهانه‌های بیکار می‌مانند، دل‌ها به وحشت افتاده و زبان‌ها اعتراف می‌کنند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: 281]. «و از (عذاب و عقاب) روزی پرهیزید که در آن به سوی خدا بازگردانده می‌شوید؛ سپس به هر کسی آنچه را فراچنگ آورده است به تمامی بازپس داده می‌شود، و به آنان ستم نخواهد شد».

به هنگام اندیشیدن در آیات قرآن و احادیث پیامبر به اصول و قواعد عمومی‌ای دست پیدا می‌کنیم که از خلال آن‌ها بنده مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

قاعده اول: عدالتی کامل که هیچ ستمی با آن همراه نخواهد بود

زیرا پروردگار کریم ما عادل است و به کسی ستم روا نمی‌دارد.

خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: 281]. «سپس به هر کسی آنچه را فراچنگ آورده است به تمامی بازپس داده می‌شود، و به آنان ستم نخواهد شد».

و نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾ [النساء: 40]. «خداوند هرگز به اندازه ذره‌ای ستم نخواهد کرد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾ [النساء: 124]. «کسی که اعمال شایسته انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت شوند و کمترین ستمی بدانان نمی‌شود».

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند تعالی فرمود: ای بندگانم من ظلم و ستم را بر خویش حرام کردم، آن را نیز در میان شما حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگانم همه شما گمراهید، جز آن که من او را هدایت کرده‌ام، پس از من هدایت بطلبید تا شما را هدایت کنم!»

ای بندگانم همه شما گرسنه‌اید، مگر آن که من او را غذا بدهم، پس از من بخواید تا به شما غذا بدهم.

ای بندگانم! همه شما برهنه اید، مگر کسی که من او را بپوشانم، پس از من بخواهید تا من شما را بپوشانم!

ای بندگانم! شما شب و روز خطا می کنید و من همه گناهان را می آمرزم، از من آمرزش بخواهید، تا شما را بیامرزم!

ای بندگانم! شما به من قدرت ضرر رساندن ندارید تا به من ضرر برسانید و هم شما قدرت نفع رساندن به من را ندارید تا به من نفع رسانید!

ای بندگانم! اگر اول و آخر و انس و جن شما بر پرهیزگارترین قلب یک مرد جمع شوید، این امر به ملک من چیزی نمی افزاید! و اگر اول و آخر و انس و جن شما بر عاصی ترین قلب یک مرد جمع شوید، این هم به ملک من نقصی وارد نمی کند!

ای بندگانم! اگر اول و آخر و انس و جن شما بر یک جا بایستند و از من درخواست کنند و آنگاه من به هر فرد، خواسته اش را بدهم از آنچه در نزد من است، کم نمی کند، جز به اندازه ای که یک سوزن که در دریا فرو شود و از آب دریا کم نماید!

ای بندگانم، همانا این اعمال شماست که آن را بر می شمارم و شما را به نتایج آن می رسانم، پس کسی که خیری یافت، باید حمد و ثنای حق تعالی را بجا آورد، و اگر کسی غیر از این را یافت، باید جز خویش کسی را ملامت نکند»!

قاعده دوم، هیچ کس به گناه دیگری مواخذه نمی شود

آری، مقتضای عدالت آن است که هر فرد مسئول عملکرد خودش باشد، و هیچ کس به گناه و ستم دیگری مواخذه نگردد.

خداوند می فرماید: ﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ [الأنعام: 164]. «هیچ کسی جز برای خود کار نمی کند، و هیچ کسی گناه دیگری را بر دوش نمی کشد».

و نیز فرموده است: ﴿مَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ [الإسراء: 15]. «هر کس (به راه حق) هدایت یابد، راه یابی اش به سود خودش است، و هر کس (از راه حق) گمراه شود، گمراهیش به زیان خودش است. و هیچ کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد».

و نیز فرموده است: ﴿أَمْ لَمْ يَنْبَأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ ﴿٣٧﴾ أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ﴿٣٨﴾ وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ﴿٤٠﴾ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ ﴿٤١﴾﴾ [النجم: 36-41]. «آیا بدانچه در تورات موسی بوده است، مطلع و باخبرش نکرده‌اند؟* یا از آنچه در صحف ابراهیم بوده است، مطلع و باخبرش نکرده‌اند؟ ابراهیمی که (وظیفه خود را) به بهترین وجه ادا کرده است.* (در صحف ایشان آمده است) که هیچ کس بار گناهان دیگری را بردوش نمی‌کشد.* و این که برای انسان پاداش و بهره‌ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش نموده است.* و این که قطعاً سعی و کوشش او دیده خواهد شد.* سپس (در برابر کارش) سزا و جزای کافی داده می‌شود».

وقتی انسان فقط در قبال عملکرد خودش مواخذه نخواهد شد، پس پاسخ این آیة چیست که خداوند می‌فرماید: ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾﴾ [النحل: 25]. «آنان باید که در روز قیامت بار گناهان خود را (به سبب پیروی نکردن از پیغمبر) به تمام و کمال بردوش کشند، و هم برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون (دلیل و برهان و) آگاهی گمراه ساخته‌اند. هان! (ای مردمان! بدانید که آنان) چه بار گناهان بدی را بردوش می‌کشند!».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ﴾ [العنكبوت: 13]. «آنان باره‌ای سنگین خود را بردوش می‌کشند، و باره‌ای سنگین دیگری را افزون بر باره‌ای سنگین خودشان».

بنابراین، خداوند در این آیات خبر داده‌اند که آدمی با وجود گناهان خود، بار گناهان دیگران را نیز بر خود حمل خواهد کرد، پس راه حل این تعارض چیست؟ پاسخ: هر گاه انسان برای گمراه ساختن دیگران تلاش نماید و عمداً سبب گردد تا فردی را فاسد نموده و آن فرد شراب بنوشد، یا راه فساد را برایش هموار سازد، یا ارتباط و هم‌نشینی با زنان بیگانه را برایش زیبا جلوه دهد، این فرد در قبال این تشویق‌ها و به فساد کشیدن‌های آن انسان مواخذه می‌گردد و مانند بار گناه انجام دهنده نیز بر دوش خود گناه حمل می‌کند.

چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مردم را به سوی هدایتی فرا خواند، برای او مانند پاداش کسانی که از او پیروی می‌کنند، داده می‌شود بدون این که از پاداش آنان چیزی کاسته شود. و هر کس مردم را به سوی گمراهی فرا خواند، برای او مانند گناه

کسانی که از او پیروی کرده‌اند، خواهد رسید بدون این که از گناه آنان چیزی کاسته شود!»!

آری، هر کس مردم را به گمراهی و فساد بکشد، گناه خود و آنان را بر دوش خواهد کشید، همان‌گونه که اگر کسی مردم را به سوی خیر و خوبی فرا خواند، مانند پاداش آنان را دریافت خواهد کرد، و این جزایی کامل است. پس پاک است دادگر عدالت گستر و ذات با شکوه و با عظمت.

قاعده سوم: آگ‌هی یافتن بندگان از اعمالی که از پیش فرستاده‌اند

هیچ چیزی بر پروردگار با عظمت و جلالمان مخفی نمی‌ماند، و نام‌های اعمال، هم‌ه اعمال نیک و بد را در خود ثبت می‌کنند، و آنان هم‌ه عملکردشان را در نزد خود حاضر می‌بینند.

خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَحْجُدُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا﴾ [آل عمران: 30]. «روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌بیند (و مایه سرور او می‌شود) و دوست می‌دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی می‌بود».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَمَتْ وَأَخَّرَتْ﴾ [الانفطار: 5]. «آن‌گاه هر کسی می‌داند چه چیزهایی را پیشاپیش فرستاده است، و چه چیزهایی را واپس نهاده است و بر جای گذاشته است».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَوَجَدُوا مَّا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الک‌ه‌ف: 49]. «آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند». زمانی بندگان از عملکرد خود اطلاع می‌یابند که نام‌های اعمالشان را دریافت می‌کنند و محتوای آن‌ها را مطالعه می‌نمایند.

که خداوند می‌فرماید: ﴿وَكُلٌّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَلِيبَهُ فِي عُنُقِهِ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مِنْشُورًا﴾ [آل عمران: 13]. «اگر کسی را (همچون گردن‌بند) به گردنش آویخت‌ه‌ایم (و او را ع‌ده‌دار رفتارش ساخت‌ه‌ایم) و در روز قیامت کتابی را برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او

می‌رسد. * (در آن روز بدو گفته می‌شود): کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خوبی باشی».

این کتاب، که همان نامه اعمال باشد، همه اعمال بزرگ و کوچک را بر شمرده و در خود جای داده است، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَوَضَعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الک‌هف: 49]. «و کتاب (اعمال هر کسی، در دستش) نهاده می‌شود (و مؤمنان از دیدن آن شاد و خندان می‌گردند) و بزه‌کاران (کفر پیشه) را می‌بینی که از دیدن آنچه در آن است، ترسان و لرزان می‌شوند و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را راه نکرده است و همه را بر شمرده است و آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند».

قانون چ‌ه‌ارم: نیکی‌ها افزوده می‌گردند، اما بدی‌ها خیر

از فضل فرمانروای کریم و محسن نسبت به بندگان این است که رحمتش بر خشمش سبقت برده است، و عفو و بخشش‌اش بر کيفرش غالب شده است و بردباری و گذشت از بندگان، در نزد وی از کيفرو عذاب محبوب‌تر و پسندیده‌تر است. از این رو خداوند به انجام نیکی بنده شادمان شده و آن را چندین برابر افزایش می‌دهد و از بدی ناراحت می‌شود، اما آن را افزایش نمی‌دهد، بلکه آن را می‌آمزد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾ [التغابن: 17]. «اگر به خدا قرض الحسن‌های بدهید، آن را برایتان چندین برابر می‌سازد، و شمارا می‌آمزد. خداوند سپاسگزار و بردبار است».

کمترین افزایشی که در نیکی انجام خواهد گرفت، ده برابر خواهد بود. خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ [الأنعام: 160]. «هر کس کار نیکی انجام دهد (پاداش مضاعف، دست کم) ده برابر دارد».

اما جزای بدی به همان اندازه خود بدی خواهد بود. چنان که اله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الأنعام: 160]. «و هر کس کار بدی کند، پادافره او (به سبب عدل و داد یزدان) جز ه‌م‌سنگ و ه‌م‌سان آن داده نمی‌شود و به ایشان ظلم و ستم نمی‌گردد».

رسول خدا ﷺ فرمود: «مانا پروردگارتان ذات مهربانی است، هر کس، اراده نماید که کار نیکی انجام دهد ولی آن را عملی نکند، خداوند برای او نزد خودش، یک نیکی کامل، ثبت می نماید. و اگر آن انجام دهد، خداوند نزد خود، ده تا هفت صد نیکی و چندین برابر بیشتر از این، برایش ثبت می نماید. و هر کس، قصد انجام عمل بدی را بکند و آن را عملی نسازد، خداوند، یک نیکی کامل، نزد خود، برایش ثبت می کند. و اگر مرتکب آن شود، خداوند برایش یک بدی، ثبت می نماید یا آن را محومی گرداند و جز فرد نابود شونده کسی در برابر اله تباه و هلاک نخواهد شد»¹.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند عزوجل می فرماید: هر کس عمل نیکی انجام دهد به او ده برابر یا افزونتر پاداش کی دهدم و هر کس عمل بدی مرتکب شود، پس جزای بدی برابر آن برای اوست، و یا او را می بخشم، و هر کس یک وجب با من نزدیک شود، من به او یک دست نزدیک می شوم و هر کس به اندازه یک دست به من نزدیک شود، من به اندازه دو دست به او نزدیک می گردم، هر کس پیاده به سوی من بیاید، من شتابان به سوی او می روم»².

و نیز اله تعالی گاهی از فضل خودش برخی نیکی ها را به هفتصد برابر و یا بیشتر افزایش می دهد. خداوند می فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: 261]. «مثل کسانی که دارایی خود را در راه خدا صرف می کنند، همانند دان های است که هفت خوشه برآرد و در هر خوشه صد دان باشد، و خداوند برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می گرداند، و خدا (قدرت و نعمتش) فراگیر (و از همه چیز) آگاه است».

قاعده پنجم: اقامه ش هود

در دادگاه حسابرسی و دریافت جزای قیامت، گواهان حضور می یابند، این گواهان افرادی هستند که در دنیا با بندگان همراه بوده و هرگز از او جدا نبوده اند، در حالی که انسان متوجه آن ها نیست و آن ها را با خود احساس نمی کند.

1- متفق علی ه.

2- صحیح مسلم و ابن ماجه.

آن گواهان، فرشتگان محافظ و نویسندگان و اعضای بدن انسان خواهند بود که در روز قیامت به نفع او یا علی‌ه وی گواهی می‌دهند. آری، اگر عمل نیکو انجام داده است، به نفع او و اگر عمل بد انجام داده است، بر علی‌ه او گواهی می‌دهند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾﴾ [یونس: 61]. «(ای پیغمبر!) تو به هیچ کاری نمی‌پردازی و چیزی از قرآن نمی‌خوانی، و (شما ای مؤمنان!) هیچ کاری نمی‌کنید، مگر این که ما ناظر بر شما هستیم، در همان حال که شما بدان دست می‌یازید و سرگرم انجام آن می‌باشید. و هیچ چیز در زمین و در آسمان از پروردگار تو پنهان نمی‌ماند، چه ذره‌ای باشد و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن، (همه این‌ها) در کتاب واضح و روشنی (در نزد پروردگارتان) ثبت و ضبط می‌گردد».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ [النساء: 33]. «بی‌گمان خدا بر هر چیزی حاضر و ناظر (و مراقب رفتار و کردار شما) بوده است».

و خداوند از رسولان و از مخلوقاتش، هر کسی را که بخواد، بر بندگانش می‌فرستد، چنان که خداوند از گواهی پیامبران بر اقوامشان خبر داده و می‌فرماید: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾﴾ [النساء: 41]. «(ای محمد!) حال اینان چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملتی گواهی (از پیامبران برای شهادت بر قوم خود) بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاه‌دی بر (قوم خود، از جمله) اینان بیاوریم؟»

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾ [القصص: 75]. «(در آن روز، ما) از هر امتی گواهی (از میانشان) بیرون می‌کشیم و (به پیش خود احضار می‌کنیم، و خطاب به مشرکان) می‌گوییم: دلیل خود را (بر شرک و کفر دنیوی) بیاورید».

و در جایی دیگر فرموده است: ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢١﴾﴾ [ق: 21]. «(در آن روز هر انسانی همراه با راه‌نما و گواهی می‌آید».

و نیز اشیای دیگری که گواهی می‌دهند:

زمین: هر آنچه بر روی آن انجام گیرد، بازگو خواهد کرد: ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾﴾ [الزلزلة: 4]. «(در آن روز) که سرآغاز قیامت است (زمین خبره‌ای خود را بازگو می‌کند».

شب و روز: چنان که هر چه در آن انجام گیرد، گواهی خواهند داد.
مال و سرمای: بر علی‌ه صاحبش گواهی می‌دهد که آن را از چه راهی به دست آورده
و کجا خرج نموده است.

فرشتگان: هر آن چه را که بندگان انجام می‌دهند، گواهی می‌دهند.
اگر چنانچه بنده چیزی از اعمالش را انکار نماید:

در روز رستاخیز، بندگان برخی از اعمالی را که در نامه‌های اعمال درج شده‌اند انکار
نموده و چنین می‌پندارند که آن اعمال را مرتکب نشده‌اند و هرگاه آدمی در انکارش
اصرار ورزد، و گواہانی را که علی‌ه او گواهی می‌دهند، انکار نماید، خداوند بر دهانش مُهر
می‌زند و به اعضا و اندام‌هایش دستور می‌دهد تا سخن گویند و آنان از اعمالی که انسان
مرتکب گشته است، خبر می‌دهند! آن لحظه، لحظه‌ای بسیار دشوار و شرم‌آور خواهد بود!
دست می‌گوید: من به چیز حرام دست زده‌ام و پا می‌گوید: من به سوی حرام حرکت
کرده‌ام، چشم می‌گوید: من به سوی حرام نگریسته‌ام و گوش می‌گوید: من به حرام
گوش داده‌ام و به همین ترتیب، بینی، پوست و... آآه، خدایا، بر ما لطف نموده و
ستره‌ایمان را بپوشان.

خداوند می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ [یس: 65]. «امروزه بر دهان‌هایشان مهر می‌نیم، و دست‌هایشان با ما
سخن می‌گویند، و پاهایشان بر (کارهایی که انجام می‌داده‌اند و) چیزهایی که فراچنگ
می‌آورده‌اند، گواهی می‌دهند».

ابوموسی اشعری می‌گوید: در روز قیامت انسان کافر و منافق برای حسابرسی آورده
می‌شود و خداوند عملش را بروی عرضه می‌داد و او آن را انکار می‌نماید و می‌گوید:
خدایا! به عزت و جلالت سوگند که این فرشته چیزی را علی‌ه من ثبت نموده است
که من آن را انجام نداده‌ام، آن گاه فرشته می‌گوید: آیا تو در فلان روز در فلان جا، فلان
عمل را انجام ندادی؟ می‌گوید: خدایا! به عزت تو سوگند که من آن عمل را انجام
نداده‌ام، وقتی چنین انکار می‌کند، بر دهانش مُهر زده می‌شود و آن گاه اعضایش به سخن
در می‌آیند، آن گاه این آی را تلاوت فرمود: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ﴾

رسول خدا فرمود: «بنده می‌گوید: خدایا! مرا از ستم پناه نمی‌دهی؟ الل‌ه می‌فرماید:
بلی، بنده می‌گوید: خدایا! من جز گواهی خودم، گواهی کسی دیگر را نمی‌پذیرم، خداوند

می فرماید: امروز گواهی خودت برای خودت و گواهی فرشتگان گرامی قدر کافی است، آن گاه بر دهانش مُم رزده می شود و به اعضایش گفته می شود: سخن بگوئید: آن ها نیز اعمالی را که مرتکب شده اند، بازگو می کنند. آن گاه دهانش گشوده می شود تا سخن بگوئید و در این هنگام او به اعضایش می گوید: دوری و نفرین بر شما باد، من به خاطر شما دفاع می کردم!»!

و نیز خداوند می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [فصلت: 20]. «هنگامی که در کنار دوزخ گرد آمدند، گوش ها و چشم ها و پوست های ایشان بر کارهایی که (در دنیا) می کرده اند، گواهی می دهند».

اموری که بندگان از آن ها سؤال خواهند شد

خداوند می فرماید: ﴿وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصفات: 24]. «نگاه شان دارید که اینک مورد بازخواست قرار می گیرند».

آری، بندگان از اعمال، نیت ها و گفتارهایشان مورد بازخواست قرار می گیرند، و نیز در نصوص از آشیایی ذکر شده است که بندگان از آن ها مورد مؤاخذه قرار می گیرند.

بزرگ ترین گناه، شرک

بزرگ ترین گناه نزد الله تعالی این است که بنده برای خداوند شریک قرار دهد و خداوند هرگز شرک را نمی بخشد، چنان که در این آیه فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [النساء: 48]. «بی گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی بخشد، ولی گناهان جز آن را از هر کس که خود بخواهد می بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است.»

و در آن روز معبودان از عبادت گزارانشان بیزار می جویند و خداوند مشرکین را توبیخ نموده و آنان را تفریع می کند. چنان که الله می فرماید:

﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ [الشعراء: 92-93].

«و بدیشان گفته می‌شود: کجا هستند معبودهایی که پیوسته آن‌ها را عبادت می‌کردید؟* (معبوده‌ای) غیر از خدا. آیا آن‌ها (در برابر این شدائد و سختی‌های که اکنون با آن روبرو هستید و هستند) شما را کمک می‌کنند تا خویشتن را یاری می‌دهند؟»

و نیز الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ [القصص: 74]. «روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می‌دارد و می‌گوید: انبازهایی که برای من گمان می‌بردید کجایند؟!»

و نیز آنان که به نام غیر الله، از قبیل بت یا قبر، حیوان را ذبح می‌کنند، مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۗ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ﴾ [النحل: 56]. «(کافران) برای بت‌هایی که چیزی نمی‌دانند (زیرا که جمادند)، به‌ره‌ای (از حیوانات) که ما بدیشان داده‌ایم قرار می‌دهند، به خدا سوگند! (در دادگاه قیامت) از این دروغ و بهتان‌ها بازپرسی خواهید شد».

بنده از هر عملی که در دنیا انجام می‌دهد، پرسیده می‌شود

بنده از اعمال نیک یا بدی که در دنیا انجام می‌دهد، سوال خواهد شد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾﴾ [الحجر: 92-93]. «به پروردگارت سوگند! که حتماً از جملگی ایشان پرس و جو خواهیم کرد.* از کارهایی که (در دنیا) می‌کرده‌اند».

آری، همگی مورد بازخواست قرار می‌گیرند، فقیر و ثروتمند، فرمانروا و امیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، برده و آزاد، همگی از عملکردشان سؤال خواهند شد.

حتی پیامبران در مورد پیروان، و پیروان در مورد پیامبرانشان سوال خواهند شد. چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾ فَلَنَقْصِنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ﴿٧﴾ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾﴾ [الأعراف: 6-9]. «(در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که پیامبران به سوی آنان روانه شده‌اند می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی به شما رسانده شده است یا خیر؟) و حتماً از پیامبران هم می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی را رسانده اید؟). * مسلماً (اعمال هم‌ها را) آگاهان‌ها برای آنان شرح می‌دهیم؛ چرا که ما از آنان بدور نشده‌ایم * سنجش درست (و دقیق اعمال) در آن روز انجام می‌گیرد. پس هر که (کفه حسنات) ترازوی او سنگین

شود (و برکفۀ سیئات او رحجان پذیرد) این چنین کسانی رستگارند. * و کسی که (کفۀ حسنات او از کفۀ سیئات) ترازوی او سبک شود، این چنین کسانی که به سبب پیوسته انکار کردن آیات ما (سرمایۀ وجود) خود را از دست داده اند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت تا لحظه‌ای قدم‌های بنده میخکوب است که از عمرش پرسیده شود آن را در کدام راه صرف نموده و از علمش که چگونه بر آن عمل کرده و از مالش که آن را از کدام راه به دست آورده و به کدام راه صرف نموده و از بدنش که آن را در کدام راه پیر کرده است!».

از نعمت‌هایی که برخوردار بوده است، پرسیده می‌شود

خان‌های وسیع، ماشین‌های فاخر، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، لباس‌های نرم، خدمتگزاران و زیردستان، شکم‌های پُر، آب سرد، سایه‌های منازل، اندام‌های زیبا، لذت خواب، و حتی از نوشیدن عسل.

اللّه تعالی می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ [التکواثر: 8]. «سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهد شد».

رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین سوالی که در روز قیامت از بنده می‌شود، این است که آیا ما به تو جسم سالم و تندرست عطا نکردیم و تو را از آب سرد برخوردار نکردیم»؟² بنابراین، برای بنده مناسب نیست که چیزی از نعمت‌ها را تحقیر نماید.

فردی از عبدالله بن عمرو پرسید: آیا ما از فقرای م‌اجرین نیستیم؟ عبدالله گفت: آیا همسری نداری که در کنارش آرام می‌گیری؟ گفت: بلی، پرسید: آیا خان‌های نداری که در آن سکنی می‌گزینی؟ گفت: بلی، عبدالله گفت: پس تو از ثروتمندان هستی؟ آن فرد گفت: من خدمتکاری هم دارم، عبدالله گفت: پس در این صورت تو از شاهان هستی»³.

1- سنن ترمذی.

2- سنن ترمذی.

3- عمدة التفسیر احمد شاکر با اسناد صحیح، 657/1.

آدمی از نعمت چشم، گوش و قلب پرسیده می‌شود

انسان‌ها در نوع نعمت‌ها، توانایی‌ها و حواسشان متفاوت هستند، و هر چند که توانایی بنده بیشتر باشد، حسابش دقیقتر و باریکتر می‌شود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: 36]. «از چیزی دنبال‌ه روی مکن که از آن ناآگاهی. بی‌گمان چشم و گوش و دل هم مورد پرس و جوی از آن قرار می‌گیرد».

قتاده می‌گوید: وقتی ندیده‌ای، مگو؛ دیدم، و وقتی نشنیده‌ای، مگو؛ شنیدم، و ندانسته‌ای، مگو؛ دانستم؛ زیرا الله تورا از همه این موارد بازخواست می‌کند!

کدام امت قبل از همه مورد محاسبه قرار می‌گیرد؟

پس از آن که در روز قیامت انتظار مردم طولانی شده و همگی در ترس و وحشت بسر می‌برند، و دوزخ را در جلو خویش می‌بینند، انبیا نیز در رعب و وحشت قرار داشته و اولیا سراسیمه و نگران، و مؤمنان حیران و پریشان، و نافرمانان و گناهکاران غرق در عرق هستند، انتظارشان بسر رسیده و حساب و کتاب شروع می‌شود.

از رحمت و محبت خداوند فرمانروا نسبت به پیامبرمان ﷺ، این است که قبل از همه امت‌ها، امت آن حضرت ﷺ مورد حساب و کتاب قرار می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «ما آخرین امت هستیم، ولی اولین امت خواهیم بود که مورد محاسبه قرار می‌گیریم، لذا گفته می‌شود، کجاست امت امی و پیامبرشان، پس ما آخرین امت (از نظر وجود بر کره زمین) و اولین (امت از نظر حساب و کتاب در میدان محشر) هستیم»².

اولین گناهی که در میان مردم انجام شده و محاسبه آن انجام می‌گیرد

یکی از بزرگترین گناهان، ریختن خون ناحق است، و با کمال تأسف، امروز در عصر ما با گسترش سلاح و اسباب قتل و کشتار و بکارگیری آسان آن‌ها، برخی مردم تساهل نموده و راحت و سریع مرتکب این گناه می‌شوند، در حالی که رسول خدا ﷺ خبر داده‌اند که این امر از علامات قرب قیامت به شمار می‌رود.

1- تفسیر ابن کثیر، ذیل آی‌ه: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ [الإسراء: 36].

2- ابن ماجه با سند صحیح.

آن حضرت ﷺ فرمود: «قیامت برپا نخواهد شد تا زمانی که هرج زیاد شود». پرسیدند: یا رسول الله! هرج یعنی چه؟ فرمود: «قتل و کشتار، قتل و کشتار»!¹
 و از آن جایی که ریختن خون ناحق کاری بسیار سنگین است، رسول خدا ﷺ فرمود:
 «نخستین چیزی که در روز قیامت در مورد حقوق مردم، داوری خواهد شد، خون‌ها خواهند بود»².

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت فردی را می‌آورند، در حالی که دست دیگری را گرفته است و می‌گوید: خدایا! این مرا کشته است، الله تعالی به قاتل می‌گوید: چرا او را کشته‌ای؟ او جواب می‌دهد: خدایا! او را کشتم تا عزت از آن تو باشد»³ الله می‌گوید: عزت و جلال از آن من است. باز کسی دیگر را می‌آورند در حالی که دست دیگری را گرفته و می‌گوید: خدایا این مرا کشته است، الله تعالی می‌پرسد: چرا او را کشته‌ای؟ می‌گوید: خدایا! به خاطر این که عزت و سربلندی از آن فلانی باشد. الله تعالی می‌گوید: عزت و سربلندی از آن فلانی نیست،⁴ آن گاه به گناهش گرفتار می‌شود»⁵.
 بنابراین، باید انسان از ریختن خون ناحق بپرهیزد، و از درگیری‌ها و خصومت‌ها و مواضع ات‌ها م بپرهیزد و به هنگام خشم و غضب خود را کنترل نماید و از خداوند سلامتی و عافیت بخواهد.

حال و وضع بندگان در روز داوری و محاسبه

روز محشر و داوری، روز فیصله و قضاوت، روزی بس دشوار و سخت خواهد بود، جز کسی که خداوند آن را برایش آسان بگرداند. در آن روز مردم حالت‌های گوناگونی خواهند داشت. زیرا به هنگام عرضه شدن در محضر خداوند کریم، در آن ایستگاه مخوف و سراسیمگی گناه‌کار، انسان‌ها از همدیگر اعلام بیزاری و برائت می‌کنند، و هر فرد نسب و قرابت خویش را فراموش می‌کند. چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ

1- متفق علی‌ه.

2- متفق علی‌ه.

3- یعنی بدان جهت او را کشتم که کافر بود و با مسلمانان می‌جنگید، یا مرتکب چنان عملی گردید که کشتنش را واجب می‌گردانید. مصنف ابن ابی شیبة، 22 / 340، (مترجم).

4- یعنی او را با انگیزه غلبه فلانی بر مردم یا بنا بر دستور فلانی کشته‌ام. المصنف ابن ابی شیبة، 22 / 340، (مترجم).

5- سنن نسائی با سند صحیح.

فَلَا أُنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾ [المؤمنون: 101]. «هنگامی که (برای بار دوم) در صورت دمیده شود، هیچ‌گون‌ه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند (چرا که هر کسی در اندیشه نجات خویشتن است) و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند».

هر چند که دو نفر در صداقت و رفاقت خویش رابطه‌ای قوی و محکم داشته باشند، اما در صحنه قیامت از همدیگر تبری می‌جویند و هر کدام، نفسی نفسی می‌گویند. چنان که اله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾﴾ [المعارج: 10]. «و هیچ دوستی از دوستش نمی‌پرسد».

بلکه انسان از اهل و دوستانش می‌گریزد و از برادران و یارانش فرار می‌کند و همگی گردن‌ها در برابر فرمانروا ذلیل و خوار شده و دشواری‌ها نرم و ملایم گشته و صاحبان درک و خورد فروتن شده‌اند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَنْتِ الْأُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾﴾ [طه: 111]. «در آن روز همه چه‌ره‌ها در برابر خداوند باقی و جاویدان، و گرداننده و نگهبان جهان (همچون اسیران) خضوع و خشوع می‌کنند و گرنش می‌برند، و کسی که (در آن روز کوله بار) کفر را بر دوش کشد، (از لطف خدا) ناامید می‌گردد».

چه صحنه‌ای بس وحشتناک خواهد بود!! خدایا بر ما رحم بفرما!
مردم می‌لرزند، پیامبران تضرع و زاری می‌کنند، زبان‌ها بند آمده، خرد‌ها بیدار شده‌اند، در حالی که اعمالی متنوع و مختلف انجام شده است!

در آن روز، بندگان اعمالی را که انجام داده‌اند، حاضر می‌بینند، چنان که اله تعالی می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَجِدُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾﴾ [آل عمران: 30]. «روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌بیند (و مایه سرور او می‌شود) و دوست می‌دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی می‌بود، و خداوند شما را از (نافرمانی) خودش بر حذر می‌دارد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

بنابراین، در آن روز هیچ عملی که انسان در حیاتش انجام داده است، پنهان نمی‌شود.

آثار به جا مانده

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاتَاهُمْ ۖ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾﴾ [یس: 12]. «ما خودمان مردگان را زنده می‌گردانیم، و چیزهایی را که (در دنیا)

پیشاپیش فرستاده‌اند و (کاره‌ایی را که کرده‌اند، و همچنین) چیزه‌ایی را که (در آن) برجای ن‌ه‌اده می‌نویسیم. و ماه‌ه‌ه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری می‌نماییم و می‌نگاریم». خداوند این‌گونه حال و عمل انسان را توصیف می‌نماید، هر آنچه را که قبل از مرگش از پیش فرستاده و اعمالی که پس از مرگش برجا گذاشته که آثار او به شمار می‌آیند را ثبت می‌کند.

آری، محاسبه دقیق انجام می‌شود، به طوری که اعمالی که قبل از مرگ انجام داده و اعمالی که پس از مرگش ره‌انموده است، هم حاضر می‌شوند. پس از اگر قرآنی را برجا گذاشته، چاه‌ی را حفر نموده، ن‌ه‌ری را به جریان انداخته، یتیمی را سرپرستی نموده، علمی را نشر نموده، فرزند صالحی را برجا گذاشته است، هم‌ه این موارد باقی می‌مانند و برایش صدقه جاری به شمار می‌روند.

همین‌گونه خواهد بود حال کسی که چیزی حرام را ترک نموده است، مانند این که مرده و محل فروش شراب را برجا گذاشته، یا رقاص خان‌ه‌ای بنا نموده، یا شبکه ماهواره‌ای را راه اندازی نموده که فساد را نشر می‌کند، و یا کتاب‌ه‌ای فاسدی از وی برجا مانده است.

همگی را انسان در جلوش حاضر می‌بیند، چنان که اله تعالی می‌فرماید: ﴿يُنَبِّئُكَ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾﴾ [القیامه: 13-15]. «در آن روز انسان را آگاه می‌سازند از چیزه‌ایی که پیشاپیش فرستاده است و از چیزه‌ایی که برجای گذاشته است. * اصلاً انسان خودش از وضع خود آگاه است. * در حالی که (به زبان) عذره‌ایی برای (دفاع از) خود می‌آورد». هر چندت که انسان گناه را حقیر و ناچیز بداند، اما خداوند آن را در روز قیامت بزرگ می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «از گناهان کوچک و حقیر بپرهیزید، زیرا گناهان صغیره مانند گروه‌ی هستند که در دره‌ای جمع می‌شوند و هر کدام تک‌ه چوبی را می‌آورد، تا این که آن مقدار چوب جمع می‌کنند که نانشان را می‌پزند، و هر گاه بنده از گناهان صغیره مورد مؤاخذه قرار گیرد، نابود می‌شود»!

انواع حقوقی که در روز قیامت ادا شوند

حق، به چیزی گفته می‌شود که از انسان خواسته می‌شود تا آن را به دیگران بپردازد، و خداوند برای انسان حقوقی را قرار داده و نیز حقوقی را برای بنده تضمین نموده و او را هشدار داده است تا اگر در این حقوق کوتاهی نماید، او را محاسبه خواهد نمود.

حقوق الله تعالی

حق خداوند بر بنده این است که او را عبادت کند و کسی را با او شریک نکند، نماز بخواند، زکات مالش را بپردازد و... بنابراین، نخستین سؤالی که از بندگان می‌شود، این است که شما در دنیا چه کسی را معبود خود ساخته اید و چه پاسخی به پیامبران داده اید؟

همچنین از حقوق الله بر بندگان این است که عباداتی را که بر آنان واجب گردانید، را به جا آورد.

بنابراین، نماز نخستین عبادتی است که خداوند او را در مورد آن بازخواست خواهد کرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اولین عملی که بنده در روز قیامت در مورد آن محاسبه می‌شود، نماز اوست، پروردگار عزوجل به فرشتگان دستور می‌دهد: در نماز بنده‌ام بنگرید، آیا آن را کامل کرده است یا ناقص؟ اگر آن را کامل کرده بود، کامل ثبت می‌گردد، و اگر در آن نقصی وجود داشت، بود، الله تعالی می‌فرماید: بنگرید، آیا نمازه‌ای نفلی دارد؟ اگر نمازه‌ای نفلی داشت، خداوند می‌فرماید: آن را از آن‌ها کامل کنید، و سپس بقیه اعمالش بدین ترتیب می‌باشد!»

حقوق بندگان

خداوند حقوقی را از برخی بندگان برعهده برخی دیگر قرار داده است، چنان که پدر حقوقی بر پسر دارد و همچنین همسایه بر همسایه، زن و شوهر بر همدیگر، و نیز حیوانات، درختان و... حقوقی دارند. و برخی از این حقوق مباح و برخی حرام هستند.

نخستین سؤالی که از حقوق بندگان می‌شود، خون‌ها هستند، بنابراین، کسی که کشته شده، یا مجروح شده و خونش ریخته شده، یا سرش شکسته است، این نخستین موردی خواهد بود که در مورد آن داوری انجام می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین داوری‌ای که در روز قیامت در مورد حقوق انجام می‌گیرد، خون‌ها خواهند بود»¹.

کسی که مردم را می‌زند: کسی که با زدن مردم را مورد تجاوز قرار می‌دهد، به همین ترتیب در روز قیامت از او قصاص گرفته می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که از روی ستم مردم را با شلاغ و تازیانه می‌زند، روز قیامت از او قصاص گرفته می‌شود»².

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس برده‌ای را بزند، در روز قیامت از او قصاص گرفته می‌شود»³.

ام المؤمنین، ام سلمه رضی الله عنها گفت: رسول خدا ﷺ در منزل من بود و در دستش مسواکی داشت، آن گاه کنیزک خود یا ام سلمه را صدا زد تا جایی که آثار خشم بروی نمایان بود.

ام سلمه در جستجوی وی به حجره‌های ازواج مطهرات رفت و او را در حالی یافت که با حیوانی بازی می‌کرد.

گفت: تو اینجا بازی می‌کنی، در حالی که رسول خدا ﷺ منتظر توست.

کنیزک آمد و عرض کرد: به خدا سوگند من صدای شما را نشنیده‌ام که مرا صدا بزنید.

آن گاه رسول خدا ﷺ فرمود: «از ترس قصاص نمی‌بود، تو را با این مسواک تنبی‌ه می‌کردم»⁴.

وقتی رسول خدا ﷺ که پیامبر مقرب الله است، از قصاص می‌ترسد، پس حال دیگر بندگان چگونه خواهد بود؟

مدیون: حقوق مردم ضایع نمی‌شود، بلکه خداوند حق هر صاحب حقی را می‌دهد، اگر چه چیز اندکی باشد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هر کس که ظلمی به برادرش نموده باشد، خواه به آبروی او لطمه زده و یا حق دیگری از او پایمال کرده است، همین امروز (در دنیا) از او طلب

1- متفق علی‌ه.

2- بی‌هقی و بخاری در ادب المفرد با روایت صحیح.

3- مسند بزار با روایت صحیح لغیره

4- مسند ابویعلی الموصلی.

بخشش کند قبل از اینکه روزی (قیامت) فرارسد که در آن، درهم و دیناری، وجود ندارد. زیرا اگر اعمال نیکی داشته باشد، (در آنروز) به اندازه ظلمی که نموده است، از آن‌ها کسر می‌گردد. و اگر اعمال نیکی نداشته باشد، گناهان مظلوم را به دوش او (ظالم) می‌گذارند»¹.

بنابراین کسی که بمیرد و برعهده‌اش دیونی است که در دنیا آن‌ها را پرداخت نکرده است، در روز قیامت، طلبگاران، به میزان طلبشان از نیکی‌هایش برمی‌دارند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در حالی بمیرد که دیناری درهمی از مردم برعهده‌اش باشد، از نیکی‌هایش فیصله می‌شود، زیرا در آنجا درهم و دیناری نخواهد بود»².

کسی که به مردم تهمت می‌زند: کسی که زن یا مردی را به زنا یا از این قبیل موارد، متهم نماید، در دنیا از او قصاص گرفته می‌شود، و اگر کسی برده‌اش را به زنا متهم نماید، و در این اتهام دروغ بگوید، در روز قیامت حد شرعی بروی اجرا می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که برده‌اش را به زنا متهم نماید، در روز قیامت حد شرعی بروی اجرا می‌شود، مگر این که در گفت‌وگو با او راستگو باشد»³.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس برده‌اش را تهمت بزند، در حالی که او از آن کار بری است، روز قیامت به او شلاق زده می‌شود، مگر آن که واقعیت همان گونه باشد که او گفته است»⁴.

سلطه‌گر برضعیفان: هر کس از قدرت و جایگاه یا زیرکی‌اش، سوء استفاده کرده و با نیرو و سلطه‌اش برضعیفان ستم روا داشته و بر آنان غلبه کند، خداوند در روز قیامت از او انتقام می‌گیرد.

چنان که در حدیث حضرت عایشه رضی الله عنها آمده است: «مردی به محضر آن حضرت صلی الله علیه و آله آمد و نشست و گفت: یا رسول الله! من دو برده دارم که با من دروغ می‌گویند و به من خیانت می‌کنند و از من فرمان نمی‌برند، من نیز آنان را ناسزا می‌گویم و آنان را می‌زنم، پس حال من با آنان چگونه است؟

1- صحیح بخاری.

2- سنن ابن ماجه با سند صحیح.

3- صحیح مسلم.

4- صحیح بخاری.

خیانت‌ها، دروغ‌ها و نافرمانی‌های آنان با تو محاسبه می‌گردد، اگر کیفر دادن توبه آنان به اندازه گناهانشان بود، این برایت کفایت می‌کند و نه به نفع تو می‌شود و نه به زیانت، اما کیفر دادن تو نسبت به آنان کمتر بود، این برایت فضیلت است، و اگر کیفر دادن توبه آنان بیش از گناهانشان بود، به اندازه کیفر اضافی توبه آنان، از توقیصا گرفت‌ه می‌شود.

آن‌گاه آن مرد مقداری عقب‌رفت و گریه می‌کرد و فریاد می‌زد:

آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: مگر آیه قرآن را نخوانده‌ای که اله تعالی فرموده است: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَسِيبِينَ﴾ [الأنبياء: 47]. «و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم ن‌داد، و اصلاً به هیچ‌کسی کم‌ترین ستمی نمی‌شود، و اگر به اندازه دانۀ خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می‌سازیم و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر باشیم».

آن‌گاه آن مرد گفت: «یا رسول الله! من راه به‌تری بین خود و آنان از این نمی‌یابم جز این که از آنان جدا شوم، شما را گواه می‌گیرم که آنان آزادند»¹. بنابراین، وقتی ظلم و ستم چنین سرانجامی خواهد داشت، پس مناسب است تا ما از ستم روا داشتن بر دیگران بترسیم و از آن برحذر باشیم.

در عین حال که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند که ستم روا داشتن بر دیگران در روز قیامت برای ستمگر تاریکی‌ایی خواهد شد. آن حضرت ﷺ فرمود: «از ظلم و ستم پرهیزید، زیرا ظلم و ستم در روز قیامت به تاریکی‌ایی تبدیل خواهد شد»².

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس بر برادرش ستمی روا داشته، آبرویش را ریخته یا مالی از او برداشته، پس باید امروز از او حلالی بطلبد، پیش از این که برایش درم یا دیناری باقی نماند، در آن روز اگر عمل نیکی داشته باشد، به عوض ستمش از آن برداشته می‌شود و اگر عمل نیکی نداشته باشد، از گناهان کسی که بروی ستم روا داشته است، برداشته شده و بر او تحمیل می‌شود»³.

1- سنن ترمذی و مسند احمد با سند صحیح.

2- صحیح مسلم.

3- صحیح بخاری.

حقوق حیوانات و چه‌ارپایان

از جمله عدالت خداوند و باریکی حکمتش در میان مخلوقات این است که نه تن‌ها این که حقوق بندگان را از یکدیگر می‌گیرد، بلکه حقوق حیوانات را نیز از یکدیگر می‌گیرد و از آن‌ها قصاص می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت حق هر صاحب حقی به اهل آن می‌رسد، حتی برای گوسفند بی شاخ از گوسفند شاخ دار قصاص گرفت می‌شود»¹.

حتی بین انسان‌ها و حیوانات داوری می‌شود، چنان که اگر کسی در دنیا حیوانی را آزار داده است، در روز قیامت محاکمه شده و ب‌ه کیفر گناهش می‌رسد.

چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «زنی به خاطر این که گربه‌ای را زندانی کرده و تا این که مرده بود، عذاب داده شده و وارد دوزخ گردید، چون نه خود به او غذا و آب داده و نه او را رها کرده تا از حشرات زمین تغذیه کند»².

بنابراین، این اوج عدالت و انصاف است، زیرا خداوند بین دشمنی‌های بندگان داوری می‌کند و حق ستم‌دیده را از ستمگر می‌گیرد، و حق هر صاحب حقی را به او می‌دهد، حق کسی را که مالش دزدی شده است را از دزد و سارق می‌گیرد و حق مستضعف را از ستمگر بازپس می‌گیرد.

گواهان دادگاه قیامت

در روز رستاخیز، زمین با نور پروردگارش می‌رخشد، آن گاه که خداوند برای داوری بین مخلوقاتش متجلی می‌گردد و آن گاه پیامبران و گواهان آورده می‌شوند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ﴾ [الزمر: 69]. «و زمین با نور (تجلی) خداوندگارش روشن می‌شود، و کتاب (و نامه اعمال به دست صاحبانش) گذاشته می‌شود و پیغمبران و گواهان آورده می‌شوند».

آن گاه در آن محکم‌ه و دادگاه قیامت در میان آفریدگان داوری می‌شود و خداوند بر بندگان گواه است و از احوالشان آگاه است و چیزی بر او پنهان نمی‌ماند. چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ﴾ [آل عمران: 98]. «و خداوند بر اعمال شما گواه است».

1- متفق علی‌ه.

2- متفق علی‌ه.

پیامبر ما ﷺ و امتش بر دیگر امت‌ها گواهی می‌دهند

خداوند پیامبران را برای انسان‌ها به عنوان رحمت فرستاده است تا آنان را به رحمت الهی مژده داده و از عذابش بترسانند. همچنین برخی از اقوامشان راه هدایت را پیشه کرده و برخی اعراض نموده و رویگردان شده‌اند.

وقتی در روز قیامت پیامبر با امتش گرد آورده می‌شود و همگی در برابر پروردگار مقتدرو حکیم می‌ایستند، آن گاه وضعیتشان آن گونه خواهد بود که الهی تعالی فرموده است: ﴿فَلَنَسَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾﴾ [الأعراف: 6-7]. «به طور قطع از کسانی که پیامبران به سوی آنان روانه شده‌اند می‌پرسیم و حتماً از پیغمبران هم می‌پرسیم. * مسلماً آگاهان برای آنان شرح می‌دهیم؛ چرا که ما از آنان بدور نشده‌ایم».

وقتی امت‌ها راه تکذیب را پیش گرفتند و منکر این امر می‌شوند که پیامبران چیزی را به آنان ابلاغ نموده‌اند، آن گاه پیامبران ﷺ و امتش گواهی می‌دهند که پیامبران پیام الهی را به آنان رسانده‌اند، چنان که الهی تعالی می‌فرماید: ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ [البقرة: 143]. «تا گواهی بر مردم باشید».

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت، نوح فراخوانده می‌شود. می‌گوید: لبیک ای پروردگارم! آماده خدمتم. خداوند می‌فرماید: آیا (آنچه را که به تو گفته بودم) ابلاغ کردی؟ می‌گوید: بلی. سپس از امتش می‌پرسند: آیا به شما ابلاغ کرد؟ می‌گویند: هیچ ترساننده‌ای نزد ما نیامده است. خداوند به نوح می‌گوید: چه کسی گواه تو است؟ می‌گوید: محمد و امت‌اش. آن گاه شما گواهی می‌دید که او ابلاغ نموده است و پیامبر نیز گواه شماست. اینجاست که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ [البقرة: 143]. یعنی «شما را یک ملت میان‌ه رو قرار دادیم تا روز قیامت، بر مردم، گواه باشید. و پیامبر اکرم ﷺ بر شما گواه باشد»!

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت پیامبری می‌آید که یک نفر با او همراه است و پیامبری می‌آید که دو نفر همراه‌اند و پیامبری می‌آید که تعداد بیشتری با او همراه‌اند، آن گاه قومش فراخوانده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: آیا پیامبرتان پیام الهی را به

شما ابلاغ کرده است؟ آنان می گویند: خیر، آن گاه به پیامبر گفت ه می شود: چه کسی گواهی می دهد که تو پیام الله را به آنان رسانیده ای؟ او می گوید: محمد و امتش، آن گاه امت محمد ﷺ فرا خوانده می شود و از آنان پرسیده می شود: آیا این پیامبر پیام الله را به امتش ابلاغ نموده است؟ آنان جواب می دهند: بلی، الله تعالی می فرماید: شما از کجا می دانید؟ آنان می گویند: پیامبرمان ﷺ به ما خبر داده است که پیامبران پیام الله را به امت هایشان رسانیده اند و ما او را تصدیق کرده ایم»¹.

پیامبرمان ﷺ بر امتش گواهی می دهد

رسول خدا ﷺ بر امتش گواهی می دهد که او پیام خدا را به آنان رسانیده و احکام الله را برایشان ابراز داشته و آنان را انذار و تبشیر نموده است، آنان را به هر کار خیر راه نمایی کرده و از هر کار بدی بر حذر داشته است. چنان که الله تعالی می فرماید: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: 41]. «(ای محمد!) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملتی گواهی بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدی بر (قوم خود، از جمله) اینان بیاوریم»؟

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ آیه: ﴿يَوْمَئِذٍ نُخَبِّرُكَ أَخْبَارَهَا﴾ [الزلزلة: 4]. «آن روز که زمین از اخبارش سخن می گوید» را تلاوت نموده و آن گاه فرمود: آیا می دانید: اخبار زمین چیست؟ صحابه گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند. آن حضرت ﷺ فرمود: اخبار زمین این است که علی ه مر برده و کنیزی آنچه را که بر پشتش انجام داده است، گواهی می دهد و می گوید: وی فلان و فلان روز بر پشت من این عمل و این عمل را انجام داده است، این است اخبار آن»².

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «از زمین خود را محافظت نمایید؛ زیرا زمین مادر شماست، و هیچ کسی هیچ عمل خوب یا بدی را انجام نمی دهد مگر این که زمین آن ه را بازگو خواهد کرد»³.

پس وقتی بنده می داند که او با الله تعالی ملاقات می کند و خدایی که چیزی بر او پنهان نمی ماند، پس چگونه بر آن کار جرات پیدا می کند؟

1- مسند احمد با سند صحیح.

2- سنن ترمذی و گفته ه این حدیث حسن و صحیح است.

3- مسند احمد.

گواهی اعضای بدن علی انسان

چشمی که با آن می نگرَد، گوشی که با آن می شنود، دستی که با آن می گیرد و کسب می کند، پایی که با آن می رود، و حتی پوست بدنش از هر موضعی، علی انسان گواهی می دهد و همچنين ساق دست، شکم، پشت و ران سخن می گوید.

چنان که اله تعالی می فرماید: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [یس: 65]. «امروزه بر دهان ایشان مهر می نهدیم، و دست ایشان با ما سخن می گویند، و پاهایشان بر (کارهایی که انجام می داده اند و) چیزهایی که فراچنگ می آورده اند، گواهی می دهند».

و نیز خداوند می فرماید: ﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النور: 24]. «در آن روزی که علی آنان زبان و دست و پای ایشان بر کارهایی که کرده اند گواهی می دهند».

ای دریغا! از صحنه های که اعضای بدن گواهی داده و به سخن در می آیند!

انس ﷺ می گوید: ما در محضر رسول خدا ﷺ نشستیم بودیم که آن حضرت ﷺ به خنده درآمد و آن گاه فرمود: «آیا می دانید: من چرا خندیدم؟ صحابه گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: من از خطاب بنده به پروردگارش به خنده آمدم، آن گاه که می گوید: خدایا! مرا از ستم پناه نمی دهی؟ خداوند می گوید: بلی، او می گوید: خدایا! من کسی جز گواهی خودم را قبول ندارم! خداوند می فرماید: امروز کافی است که خودت، گواه خودت باشی و نویسندگان گرانقدر گواهی دهند، آن گاه بر دهانش مهر زده می شود و به اعضای بدنش دستور داده می شود که سخن بگویند، آن ها اعمالی را که انجام داده اند، بازگو می کنند، آن گاه به او اجازه داده می شود تا سخن گوید، او به اعضایش می گوید: دوری باد بر شما و گم شوید، من به خاطر شما دفاع می کردم»².

آری، به اعضایش، از قبیل دست، پا و... دستور می رسد تا نسبت به آنچه انجام داده اند، سخن بگویند. آن گاه آن ها زبان گشوده و آدمی رسوا می شود و از زشتی ها پرده بر می دارند و امور پنهان آشکار می شوند و انسان های مغرور رسوا می شوند.

1- یعنی این انسان بر اثر شدت دروغگویی اش، شهادت هیچ کسی از فرشتگان و... نمی پذیرد، و می گوید: جز خودم گواهی کسی دیگر را قبول ندارم، من خودم به عمل کردم گواهی می دهم، آن گاه دهانش قفل می شود و به اعضایش دستور می رسد که سخن بگویند.

وقتی اعضای بدن اعتراف نموده و سخن می گویند در حالی که آدمی می شنود و اختیاری ندارد تا زبان اعتراض بگشاید، چون زبان قفل شده و از سخن گفتن باز داشته شده است. آن گاه به او اجازه داده می شود تا سخن بگوید، آن گاه به نکوهش و سرزنش آنان می پردازد، و می گوید: من از شما دفاع می کردم و می خواستم شما را از آتش دوزخ برهانم!

رسول خدا ﷺ در میان سخنانش در مورد مورد سؤال قرار گرفتن بندگان در روز قیامت فرمود:

«آن گاه با نفر سوم ملاقات می کند و به او نیز چنین می گوید. وی می گوید: خدایا! من به تو و کتابت و پیامبران ایمان آوردم و نماز خواندم و روزه گرفتم و در راه تو انفاق کردم و تا می تواند از خیر و خوبی ها سخن می گوید. آن گاه به او گفته می شود: آیا گواهانمان را علی ه تو بیاوریم؟ او در خودش می اندیشد که آن گواهان چه کسانی خواهند بود؟ چه کسی علی ه من گواهی می دهد؟ آن گاه بر زبانش م رزده می شود و به ران، گوشت و استخوان هایش گفته می شود: سخن بگوئید و ران، گوشت و استخوان آنچه را که انجام داده اند، بر زبان می آورند، این بدان جهت است تا برایش عذری باقی نماند و این فرد منافق است و کسی است که خداوند بر او خشمگین می شود»¹.

گواهی سنگ ها و درختان

درختان و سنگ ها به نفع یا زیان انسان گواهی دهند از جمله این که در روز قیامت بر مؤذن گواهی می دهند و این از فضیلت اذان است که هر کسی از جن، انسان، درختان و سنگ ها که اذان را بشنود، برای او گواهی می دهد. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هیچ جن و انسان و چیزی دیگری صدای اذان را نمی شنود، مگر این که در روز قیامت برای او گواهی می دهد»².

نجوا...

خویشتن را محاسبه کنید قبل از آن که مورد محاسبه قرار بگیرید، و اعمالتان را وزد نمایید، قبل از آن که علی ه شما وزن شوند، و خود را بر عرض ه بزرگ در نزد خداوند آماده کنید.

1- صحیح مسلم.

2- صحیح بخاری.



دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

متولد ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۹۰ هـ ق)

دارنده‌ی مدرک دکترا در عقیده و مذاهب معاصر با رتبه‌ی ممتاز از دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض.

دارنده‌ی اجازه‌ی قرائت و روایت حدیث از شیوخ برجسته‌ی مصر و یمن و مغرب. عضو اتحاد جهانی علمای مسلمان.

عضو هیئت عالی‌ی توسعه‌ی انسانی، وابسته به سازمان رابطه العالم الإسلامی.

عضو مجلس امناء در هیئت عالی‌ی رسانه‌ی اسلامی وابسته به سازمان رابطه العالم الإسلامی.

عضو تعدادی از دفاتر دعوت و هیئت‌های اسلامی.

مشاور پاره وقت در تعدادی از هیئت‌های اسلامی در سطح جهان.

استاد پاره‌وقت در دانشگاه‌های عربستان سعودی و جهان.

خطیب جمعه در مسجد جامع بواردی در ریاض از سال ۲۰۰۶ تاکنون.

عضو هیئت تدریس در دانشگاه ملک سعود از سال ۱۹۹۳ تاکنون.

امام و خطیب مسجد جامع دانشکده‌ی امنیتی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۶ م.

ایشان علاوه بر تحصیل آکادمیک از محضر شیوخ بزرگواری همچون دکتر عبدالکریم اللاحم، دکتر عبدالله بن جبرین، علامه عبدالعزیز بن باز، علامه ابن عثیمین، شیخ عبدالله بن قعود و تعدادی دیگر از شیوخ گرامی استفاده علمی برده است.

دارای نزدیک به سی عنوان کتاب و رساله‌ی علمی و دعوی به زبان‌های زنده‌ی دنیا.

دکتر عربی همچنین از طریق شبکه‌های اجتماعی به امر دعوت مشغول هستند.

حساب کاربری تویتر ایشان رکورد بیشترین دنبال کننده را در کشورهای عربی دارا می‌باشد.



Arefe.Fa@gmail.com



facebook.com/ArefeFa
facebook.com/3refe



@ArefeFa
@MohamadAlarefe



youtube.com/user/Arefefa